



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

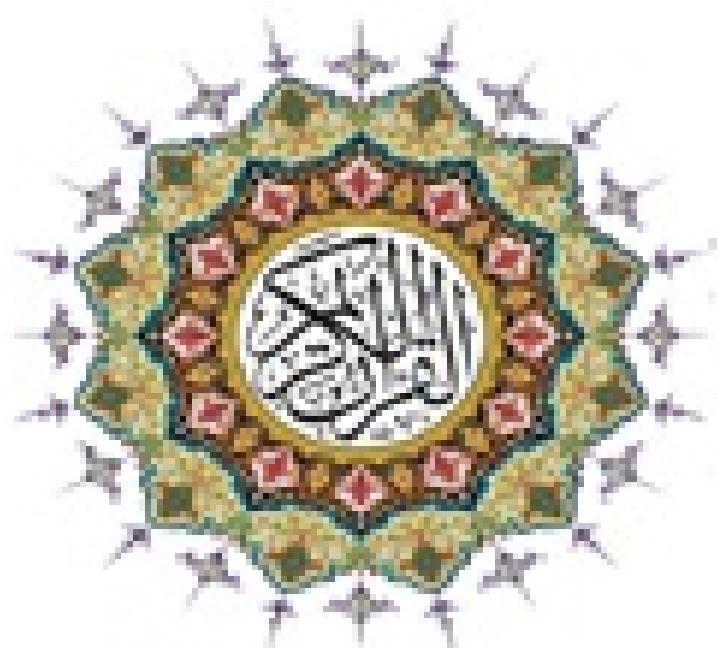
گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۹۸

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 98

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۵	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۹۸
۴۵	مشخصات کتاب
۴۵	۱- معارف
۴۵	۱- ابلاغ معارف به هدایت ناپذیران
۴۵	۲- ارزش معارف دینی
۴۵	۳- دشمنان دین و معارف قرآن
۴۷	۴- فهم معارف آفرینش
۴۷	۵- گواهان بر معارف قرآن
۴۸	۶- نظام معارف
۴۹	۷- ارزش معارف دینی
۵۰	۲- معاش
۵۰	۱- ابزار تأمین معاش
۵۰	۲- ادیان و معاش نیکو
۵۱	۳- استفاده از ابزار تأمین معاش
۵۱	۴- اهمیت اعتدال در تأمین معاش
۵۱	۵- اهمیت تأمین معاش
۵۵	۶- اهمیت معاش نیکو
۵۵	۷- تأمین معاش
۵۷	۸- تأمین معاش آل یعقوب
۵۷	۹- تأمین معاش انسان ها
۵۹	۱۰- تأمین معاش خانواده شعیب(ع)
۵۹	۱۱- تأمین معاش در روز
۵۹	۱۲- تأمین معاش فقرا

۵۹	۱۳- تأمین معاش مساکین
۵۹	۱۴- تأمین معاش مسلمانان مکه
۶۱	۱۵- تأمین معاش انسان
۶۱	۱۶- تلاش برای تأمین معاش
۶۲	۱۷- روش تأمین معاش برادران یوسف
۶۳	۱۸- عوامل تأمین معاش
۶۳	۱۹- قرآن و معاش نیکو
۶۳	۲۰- معاش نیکوی موحدان
۶۴	۲۱- منابع تأمین معاش
۶۵	۲۲- منشأ تأمین معاش
۶۷	۲۳- منشأ معاش نیکو
۶۷	۲۴- موجبات معاش نیکو
۶۷	۲۵- نقش تأمین معاش
۶۹	۲۶- نگرانی از تأمین معاش
۶۹	۲۷- وقت تأمین معاش
۷۲	۳- معاشرت
۷۲	۱- آثار معاشرت با فقرا
۷۲	۲- آثار معاشرت با محمد(صلی الله علیه و آله)
۷۲	۳- آثار معاشرت پسندیده
۷۳	۴- آداب معاشرت
۹۷	۵- احکام معاشرت
۹۷	۶- ارزش معاشرت با یتیم
۹۹	۷- اهمیت آداب معاشرت
۹۹	۸- اهمیت معاشرت پسندیده
۱۰۱	۹- تبیین مذمومیت معاشرت ناپسند
۱۰۱	۱۰- تعلیم آداب معاشرت

- ۱۱- تهدید تارکان آداب معاشرت - ۱۰۱
- ۱۲- حسن معاشرت با مساکین - ۱۰۳
- ۱۳- حسن معاشرت با یتیم - ۱۰۳
- ۱۴- حلم در معاشرت - ۱۰۳
- ۱۵- خیریت آداب معاشرت - ۱۰۳
- ۱۶- روش معاشرت با محمد(صلی الله علیه و آله) - ۱۰۵
- ۱۷- زمینه معاشرت پسندیده - ۱۰۵
- ۱۸- سابقه در معاشرت - ۱۰۵
- ۱۹- سرزنش معاشرت ناپسند - ۱۰۵
- ۲۰- صبر در معاشرت با فقرا - ۱۰۷
- ۲۱- عفو در معاشرت - ۱۰۷
- ۲۲- عوامل معاشرت ناپسند - ۱۰۷
- ۲۳- مشکلات معاشرت با فقرا - ۱۰۷
- ۲۴- معاشرت با اهل کتاب - ۱۰۹
- ۲۵- معاشرت با بیگانگان - ۱۰۹
- ۲۶- معاشرت با سفیه - ۱۰۹
- ۲۷- معاشرت با فقیر - ۱۱۱
- ۲۸- معاشرت با کافران - ۱۱۱
- ۲۹- معاشرت با کنیز - ۱۱۱
- ۳۰- معاشرت با محمد(صلی الله علیه و آله) - ۱۱۱
- ۳۱- معاشرت با مردم - ۱۱۳
- ۳۲- معاشرت با مؤمنان فقیر - ۱۱۳
- ۳۳- معاشرت با والدین - ۱۱۳
- ۳۴- معاشرت با والدین مشرک - ۱۱۴
- ۳۵- معاشرت با همسر - ۱۱۵
- ۳۶- معاشرت با همسران محمد(صلی الله علیه و آله) - ۱۱۵

- ۳۷- معاشرت با یتیم ۱۱۷
- ۳۸- معاشرت بردگان با همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۱۸
- ۳۹- معاشرت پسندیده ۱۱۹
- ۴۰- معاشرت ناپسند ۱۱۹
- ۴۱- معاشرت ناپسند با والدین ۱۱۹
- ۴۲- نقش آداب معاشرت ۱۲۰
- ۴- معامله ۱۲۲
- ۱- معامله ۱۲۲
- ۲- آثار خیانت در معامله ۱۲۲
- ۳- اجتناب از خیانت در معامله ۱۲۳
- ۴- احکام معامله ۱۲۳
- ۵- ارزش صداقت در معامله ۱۲۵
- ۶- ارکان معامله با خدا ۱۲۷
- ۷- بی عدالتی در معامله ۱۲۷
- ۸- پاداش معامله با خدا ۱۲۷
- ۹- پیمانۀ در معامله ۱۲۷
- ۱۰- ترازو در معامله ۱۲۹
- ۱۱- حلیت معامله ۱۳۱
- ۱۲- زمینۀ ظلم در معامله ۱۳۱
- ۱۳- سودمندی معامله با خدا ۱۳۱
- ۱۴- سوگند در معامله ۱۳۱
- ۱۵- شرایط صحت معامله ۱۳۳
- ۱۶- عدالت در معامله ۱۳۳
- ۱۷- گواه در معامله ۱۳۵
- ۱۸- گواهی در معامله ۱۳۵
- ۱۹- معامله انبیا ۱۳۷

- ۲۰- معامله با اهل کتاب ۱۳۷
- ۲۱- معامله با خدا ۱۳۷
- ۲۲- معامله باطل ۱۳۹
- ۲۳- معامله خدا با مؤمنان ۱۳۹
- ۲۴- معامله در آخرت ۱۳۹
- ۲۵- معامله در حج ۱۴۱
- ۲۶- معامله در قیامت ۱۴۱
- ۲۷- معامله ربوی ۱۴۳
- ۲۸- معامله زیانبار ۱۴۳
- ۲۹- معامله کیلی ۱۴۳
- ۳۰- معامله لقیط در دوران یعقوب(ع) ۱۴۵
- ۳۱- معامله مجاهدان ۱۴۵
- ۳۲- معامله نقدی ۱۴۵
- ۳۳- معامله وزنی ۱۴۵
- ۳۴- ناپسندی معامله لقیط ۱۴۷
- ۳۵- نقش معامله ۱۴۷
- ۳۶- {معامله ربوی} ۱۴۷
- ۳۷- معامله ربوی ۱۴۹
- ۳۸- عوامل تضمین معاملات ۱۴۹
- ۳۹- نظارت خدا در معاملات ۱۴۹
- ۵- معاهده ۱۵۱
- ۱- آثار تخلف از معاهده ۱۵۱
- ۲- آثار فسخ معاهده ۱۵۱
- ۳- آثار فسخ معاهده با مشرکان ۱۵۲
- ۴- آثار معاهده عدم تعرض ۱۵۲
- ۵- آثار نقض معاهده ۱۵۳

- ۶- آثار وفای به معاهده ۱۵۴
- ۷- احکام معاهده ۱۵۶
- ۸- اعلام فسخ معاهده ۱۵۸
- ۹- اعلام فسخ معاهده با مشرکان ۱۶۰
- ۱۰- انحراف ناقضان معاهده ۱۶۰
- ۱۱- اهمیت وفای به معاهده ۱۶۰
- ۱۲- بی اعتباری معاهده کافران ۱۶۲
- ۱۳- بی اعتباری معاهده مشرکان ۱۶۲
- ۱۴- تجاوزگری ناقضان معاهده ۱۶۲
- ۱۵- تذکر به مشرکان ناقض معاهده ۱۶۴
- ۱۶- جنگ با ناقضان معاهده ۱۶۴
- ۱۷- جواز معاهده با غیر مسلمان ۱۶۴
- ۱۸- دشمنان ناقض معاهده ۱۶۴
- ۱۹- شرایط فسخ معاهده ۱۶۶
- ۲۰- شرایط معاهده ۱۶۶
- ۲۱- شرایط وفای به معاهده ۱۶۸
- ۲۲- عوامل فسخ معاهده ۱۶۸
- ۲۳- عوامل فسخ معاهده با مشرکان ۱۷۰
- ۲۴- عوامل نقض معاهده ۱۷۰
- ۲۵- فسخ معاهده با مشرکان ۱۷۱
- ۲۶- فسخ معاهده صلح ۱۷۲
- ۲۷- فسخ معاهده عدم تعرض ۱۷۲
- ۲۸- فسق ناقضان معاهده ۱۷۴
- ۲۹- کافران ناقض معاهده ۱۷۴
- ۳۰- مشرکان ناقض معاهده ۱۷۴
- ۳۱- مشرکان وفادار به معاهده ۱۸۰

- ۱۸۰ - معاهده با اعراب - ۳۲
- ۱۸۰ - معاهده با اهل کتاب - ۳۳
- ۱۸۲ - معاهده با بنی نضیر - ۳۴
- ۱۸۲ - معاهده با دشمنان - ۳۵
- ۱۸۴ - معاهده با غیر مسلمان - ۳۶
- ۱۸۴ - معاهده با غیر مسلمانان - ۳۷
- ۱۸۵ - معاهده با کافران - ۳۸
- ۱۸۷ - معاهده با مسیحیان - ۳۹
- ۱۸۸ - معاهده با مشرکان - ۴۰
- ۱۹۰ - معاهده با مشرکان صدر اسلام - ۴۱
- ۱۹۱ - معاهده با یهود - ۴۲
- ۱۹۲ - معاهده بر ارث - ۴۳
- ۱۹۲ - معاهده جایز - ۴۴
- ۱۹۴ - معاهده در ازدواج - ۴۵
- ۱۹۴ - معاهده صلح - ۴۶
- ۱۹۶ - معاهده صلح در صدر اسلام - ۴۷
- ۱۹۶ - معاهده عدم تعرض - ۴۸
- ۲۰۲ - معاهده مسلمانان - ۴۹
- ۲۰۲ - معاهده مسلمانان صدر اسلام - ۵۰
- ۲۰۳ - معاهده مشرکان - ۵۱
- ۲۰۴ - معاهده مشرکان مکه - ۵۲
- ۲۰۴ - معاهده همسری - ۵۳
- ۲۰۶ - معاهده یهود بنی قریظه - ۵۴
- ۲۰۶ - معاهده یهود مدینه - ۵۵
- ۲۰۶ - مکان معاهده مسلمانان صدر اسلام - ۵۶
- ۲۰۶ - منشأ نقض معاهده - ۵۷

- ۵۸- موارد جواز فسخ معاهده ۲۰۸
- ۵۹- موارد نقض معاهده ۲۰۸
- ۶۰- موانع نقض معاهده ۲۰۸
- ۶۱- نقض معاهده صلح ۲۱۰
- ۶۲- نقض معاهده عدم تعرض ۲۱۰
- ۶۳- وجوب وفای به معاهده ۲۱۰
- ۶۴- وفای به معاهده ۲۱۲
- ۶۵- احکام معاهدات ۲۱۲
- ۶۶- الغای معاهدات ۲۱۴
- ۶۷- خیانت الغای معاهدات ۲۱۴
- ۶۸- معاهدات اجتماعی ۲۱۶
- ۶۹- معاهدات اقتصادی ۲۱۶
- ۷۰- معاهدات با کافران ۲۱۶
- ۷۱- معاهدات بین المللی ۲۱۶
- ۷۲- معاهدات سیاسی ۲۱۸
- ۷۳- معاهدات فرهنگی ۲۱۸
- ۷۴- معاهدات محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۱۸
- ۷۵- معاهدات مسلمانان ۲۲۰
- ۷۶- معاهدات مسلمانان صدر اسلام ۲۲۲
- ۷۷- معاهدات نظامی ۲۲۲
- ۷۸- منشأ معاهدات محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۲۲
- ۷۹- وفای به معاهدات ۲۲۴
- ۸۰- {معاهدات بین المللی} ۲۲۴
- ۸۱- معاهدات بین المللی ۲۲۴
- ۸۲- مسؤولیت معاهدان ۲۲۶
- ۶- معید ۲۲۷

- ۱- احکام معبد ۲۲۷
- ۲- اعلام فلسفه وجودی معبد ۲۲۷
- ۳- تاریخ معبد ۲۲۷
- ۴- عبادت در معبد ۲۲۸
- ۵- غذا در معبد قوم ابراهیم ۲۲۸
- ۶- مرتفع سازی معبد ۲۲۸
- ۷- معبد قوم ابراهیم ۲۲۸
- ۸- معبد مرتفع ۲۳۰
- ۹- ویژگیهای معبد قوم ابراهیم ۲۳۰
- ۷- معبود ۲۳۲
- ۱- آثار تعدد معبود ۲۳۲
- ۲- آمرزگاری معبود راستین ۲۳۳
- ۳- احاطه معبود راستین ۲۳۳
- ۴- احیاگری معبود راستین ۲۳۳
- ۵- ادراک معبود راستین ۲۳۵
- ۶- استحاله تعدد معبود ۲۳۵
- ۷- امداد به معبود ۲۳۵
- ۸- اهمیت تفکر در معبود ۲۳۷
- ۹- ایمن بخشی معبود راستین ۲۳۷
- ۱۰- بداهت خالقیت در معبود راستین ۲۳۷
- ۱۱- بطلان تعدد معبود ۲۳۷
- ۱۲- بنی اسرائیل و معبود راستین ۲۳۹
- ۱۳- بی نظیری معبود راستین ۲۳۹
- ۱۴- بی نیازی معبود راستین ۲۳۹
- ۱۵- بینایی معبود راستین ۲۴۱
- ۱۶- تدبیر معبود راستین ۲۴۱

- ۱۷- تشخیص معبود راستین ۲۴۱
- ۱۸- تعدد معبود آزر ۲۴۳
- ۱۹- تکلم معبود راستین ۲۴۳
- ۲۰- تنزیه معبود راستین ۲۴۳
- ۲۱- توبه پذیری معبود راستین ۲۴۴
- ۲۲- جاودانگی معبود راستین ۲۴۵
- ۲۳- حاکمیت معبود راستین ۲۴۵
- ۲۴- حیات بخشی معبود راستین ۲۴۷
- ۲۵- حیات معبود راستین ۲۴۷
- ۲۶- خالقیت معبود ۲۴۹
- ۲۷- خالقیت معبود راستین ۲۴۹
- ۲۸- دفع زیان معبود راستین ۲۵۷
- ۲۹- رازقیت معبود راستین ۲۵۷
- ۳۰- ربوبیت معبود ۲۶۰
- ۳۱- ربوبیت معبود راستین ۲۶۱
- ۳۲- رحمانیت معبود راستین ۲۶۳
- ۳۳- رحمت معبود راستین ۲۶۴
- ۳۴- زیان به معبود راستین ۲۶۵
- ۳۵- زیان تعدد معبود ۲۶۵
- ۳۶- زیان رسانی معبود راستین ۲۶۵
- ۳۷- سختی کیفر در معبود راستین ۲۶۷
- ۳۸- شرایط معبود ۲۶۷
- ۳۹- شرایط معبود راستین ۲۶۷
- ۴۰- شکست ناپذیری معبود راستین ۲۷۱
- ۴۱- شنوایی معبود راستین ۲۷۲
- ۴۲- شؤون معبود راستین ۲۷۳

- ۴۳- صفات معبود راستین ۲۷۴
- ۴۴- صورتگری معبود راستین ۲۷۵
- ۴۵- ضرررسانی معبود راستین ۲۷۵
- ۴۶- عزت معبود راستین ۲۷۶
- ۴۷- عطایای معبود راستین ۲۷۷
- ۴۸- عظمت معبود راستین ۲۷۷
- ۴۹- عقیده به تعدد معبود ۲۷۷
- ۵۰- عقیده به معبود حسی ۲۷۹
- ۵۱- علم غیب معبود راستین ۲۷۹
- ۵۲- علم معبود راستین ۲۸۰
- ۵۳- فضل معبود راستین ۲۸۳
- ۵۴- قداست معبود راستین ۲۸۳
- ۵۵- قدرت در معبود راستین ۲۸۳
- ۵۶- قدرت معبود ۲۸۵
- ۵۷- قدرت معبود راستین ۲۸۵
- ۵۸- کبریایی معبود راستین ۲۸۹
- ۵۹- کمال معبود راستین ۲۸۹
- ۶۰- کمالات معبود راستین ۲۸۹
- ۶۱- گرایش به معبود ۲۹۰
- ۶۲- مالکیت در معبود ۲۹۱
- ۶۳- مالکیت معبود راستین ۲۹۱
- ۶۴- معبود آزر ۲۹۳
- ۶۵- معبود انسان ها ۲۹۳
- ۶۶- معبود با ارزش ۲۹۵
- ۶۷- معبود بنی اسرائیل ۲۹۵
- ۶۸- معبود پسندیده ۲۹۷

- ۶۹- معبود حقیقی ۲۹۷
- ۷۰- معبود راستین و دفع زیان ۲۹۷
- ۷۱- معبود راستین و نقص ۲۹۷
- ۷۲- معبود راستین و نیاز ۲۹۹
- ۷۳- معبود شایسته ۲۹۹
- ۷۴- معبود قوم ابراهیم ۲۹۹
- ۷۵- معبود مردم دوران فرعون ۲۹۹
- ۷۶- معبود مصریان باستان ۳۰۱
- ۷۷- معبود هواپرستان ۳۰۱
- ۷۸- ملاک حمد معبود ۳۰۱
- ۷۹- ملاک معبود ۳۰۱
- ۸۰- ملاک معبود راستین ۳۰۳
- ۸۱- ملاکهای بطلان معبود ۳۰۷
- ۸۲- ملاکهای حقانیت معبود ۳۰۷
- ۸۳- ملاکهای معبود راستین ۳۰۷
- ۸۴- منفعت رسانی معبود راستین ۳۱۰
- ۸۵- میراندگی معبود راستین ۳۱۱
- ۸۶- نام معبود راستین ۳۱۱
- ۸۷- نجات بخشی معبود راستین ۳۱۳
- ۸۸- نشانه های معبود راستین ۳۱۳
- ۸۹- نظارت معبود راستین ۳۱۵
- ۹۰- نفع رسانی معبود راستین ۳۱۵
- ۹۱- نیازمندی معبود راستین ۳۱۷
- ۹۲- وسعت حاکمیت معبود ۳۱۷
- ۹۳- ویژگی معبود ۳۱۷
- ۹۴- ویژگی معبود راستین ۳۱۹

- ۳۱۹ ۹۵- ویژگی‌های معبود راستین
- ۳۲۱ ۹۶- هدایتگری معبود
- ۳۲۱ ۹۷- هدایتگری معبود راستین
- ۳۲۳ ۹۸- {معبود راستین}
- ۳۲۵ ۹۹- آمرزگاری معبود راستین
- ۳۲۶ ۱۰۰- احاطه معبود راستین
- ۳۲۷ ۱۰۱- احیاءگری معبود راستین
- ۳۲۷ ۱۰۲- ادراک معبود راستین
- ۳۲۹ ۱۰۳- ایمن بخشی معبود راستین
- ۳۲۹ ۱۰۴- بدهت خالقیت در معبود راستین
- ۳۲۹ ۱۰۵- بنی اسرائیل و معبود راستین
- ۳۲۹ ۱۰۶- بی نظیری معبود راستین
- ۳۳۱ ۱۰۷- بی نیازی معبود راستین
- ۳۳۱ ۱۰۸- بینایی معبود راستین
- ۳۳۱ ۱۰۹- تدبیر معبود راستین
- ۳۳۳ ۱۱۰- تشخیص معبود راستین
- ۳۳۳ ۱۱۱- تکلم معبود راستین
- ۳۳۳ ۱۱۲- تنزیه معبود راستین
- ۳۳۵ ۱۱۳- توبه پذیری معبود راستین
- ۳۳۵ ۱۱۴- جاودانگی معبود راستین
- ۳۳۶ ۱۱۵- حاکمیت معبود راستین
- ۳۳۷ ۱۱۶- حیات بخشی معبود راستین
- ۳۳۷ ۱۱۷- حیات معبود راستین
- ۳۳۹ ۱۱۸- خالقیت معبود راستین
- ۳۴۵ ۱۱۹- دفع زیان معبود راستین
- ۳۴۷ ۱۲۰- رازقیت معبود راستین

- ۱۲۱- ربوبیت معبود راستین ۳۴۹
- ۱۲۲- رحمانیت معبود راستین ۳۵۱
- ۱۲۳- رحمت معبود راستین ۳۵۳
- ۱۲۴- زیان به معبود راستین ۳۵۳
- ۱۲۵- زیان رسانی معبود راستین ۳۵۳
- ۱۲۶- سختی کیفر در معبود راستین ۳۵۵
- ۱۲۷- شرایط معبود راستین ۳۵۵
- ۱۲۸- شکست ناپذیری معبود راستین ۳۵۹
- ۱۲۹- شنوایی معبود راستین ۳۵۹
- ۱۳۰- شوون معبود راستین ۳۶۱
- ۱۳۱- صفات معبود راستین ۳۶۱
- ۱۳۲- صورتگری معبود راستین ۳۶۳
- ۱۳۳- ضرررسانی معبود راستین ۳۶۳
- ۱۳۴- عزت معبود راستین ۳۶۳
- ۱۳۵- عطایای معبود راستین ۳۶۴
- ۱۳۶- عظمت معبود راستین ۳۶۵
- ۱۳۷- علم غیب معبود راستین ۳۶۵
- ۱۳۸- علم معبود راستین ۳۶۵
- ۱۳۹- فضل معبود راستین ۳۶۸
- ۱۴۰- قداست معبود راستین ۳۶۹
- ۱۴۱- قدرت در معبود راستین ۳۶۹
- ۱۴۲- قدرت معبود راستین ۳۷۱
- ۱۴۳- کبریایی معبود راستین ۳۷۳
- ۱۴۴- کمال معبود راستین ۳۷۵
- ۱۴۵- کمالات معبود راستین ۳۷۵
- ۱۴۶- مالکیت معبود راستین ۳۷۵

- ۱۴۷- معبود راستین و دفع زیان ۳۷۷
- ۱۴۸- معبود راستین و نقص ۳۷۷
- ۱۴۹- معبود راستین و نیاز ۳۷۸
- ۱۵۰- ملاک معبود راستین ۳۷۹
- ۱۵۱- ملاکهای معبود راستین ۳۸۳
- ۱۵۲- منفعت رسانی معبود راستین ۳۸۵
- ۱۵۳- میراندگی معبود راستین ۳۸۵
- ۱۵۴- نام معبود راستین ۳۸۷
- ۱۵۵- نجات بخشی معبود راستین ۳۸۷
- ۱۵۶- نشانه های معبود راستین ۳۸۷
- ۱۵۷- نظارت معبود راستین ۳۹۰
- ۱۵۸- نفع رسانی معبود راستین ۳۹۱
- ۱۵۹- نیازمندی معبود راستین ۳۹۱
- ۱۶۰- ویژگی معبود راستین ۳۹۳
- ۱۶۱- ویژگیهای معبود راستین ۳۹۳
- ۱۶۲- هدایتگری معبود راستین ۳۹۵
- ۱۶۳- {معبودان باطل} ۳۹۶
- ۱۶۴- آثار ایمان به معبودان باطل ۳۹۷
- ۱۶۵- آثار ذکر عجز معبودان باطل ۳۹۷
- ۱۶۶- آثار ذکر معبودان باطل ۳۹۹
- ۱۶۷- آثار عجز معبودان باطل ۳۹۹
- ۱۶۸- آثار گمراهگری معبودان باطل ۳۹۹
- ۱۶۹- اجتناب از معبودان باطل ۴۰۰
- ۱۷۰- ادعای برتری معبودان باطل ۴۰۱
- ۱۷۱- ارزیابی معبودان باطل ۴۰۱
- ۱۷۲- استغاثه از معبودان باطل ۴۰۱

- ۱۷۳- استمداد اخروی از معبودان باطل ۴۰۳
- ۱۷۴- استمداد از معبودان باطل ۴۰۳
- ۱۷۵- اضرار معبودان باطل ۴۰۶
- ۱۷۶- اضلال معبودان باطل ۴۰۷
- ۱۷۷- اعراض از معبودان باطل ۴۰۷
- ۱۷۸- افشای عجز معبودان باطل ۴۰۷
- ۱۷۹- اقرار معبودان باطل ۴۰۹
- ۱۸۰- الوهیت معبودان باطل ۴۰۹
- ۱۸۱- امتحان معبودان باطل ۴۰۹
- ۱۸۲- امداد به معبودان باطل ۴۰۹
- ۱۸۳- امداد معبودان باطل ۴۱۱
- ۱۸۴- بطلان عقیده به معبودان باطل ۴۱۱
- ۱۸۵- بطلان معبودان باطل ۴۱۱
- ۱۸۶- بنی اسرائیل و معبودان باطل ۴۱۳
- ۱۸۷- بی ارزشی مالکیت معبودان باطل ۴۱۳
- ۱۸۸- بی تأثیری استمداد از معبودان باطل ۴۱۵
- ۱۸۹- بی تأثیری درخواست از معبودان باطل ۴۱۵
- ۱۹۰- بی تأثیری عبادت معبودان باطل ۴۱۷
- ۱۹۱- بی ثمری معبودان باطل ۴۱۸
- ۱۹۲- بی شعوری معبودان باطل ۴۱۹
- ۱۹۳- بی عقلی معبودان باطل ۴۱۹
- ۱۹۴- بی منطقی معبودان باطل ۴۱۹
- ۱۹۵- بی یآوری معبودان باطل ۴۱۹
- ۱۹۶- پرسش از معبودان باطل ۴۲۱
- ۱۹۷- پرسش درباره معبودان باطل ۴۲۲
- ۱۹۸- پوچی عقیده به معبودان باطل ۴۲۳

- ۱۹۹- پوچی معبودان باطل ۴۲۳
- ۲۰۰- تبری اخروی معبودان باطل ۴۲۹
- ۲۰۱- تبری از معبودان باطل ۴۲۹
- ۲۰۲- تبری معبودان باطل ۴۳۳
- ۲۰۳- تبیین حقیقت معبودان باطل ۴۳۳
- ۲۰۴- ترس از معبودان باطل ۴۳۵
- ۲۰۵- ترس معبودان باطل ۴۳۵
- ۲۰۶- ترک عبادت معبودان باطل ۴۳۵
- ۲۰۷- تشبیه درخواست از معبودان باطل ۴۳۶
- ۲۰۸- تشبیه معبودان باطل ۴۳۷
- ۲۰۹- تعدد معبودان باطل ۴۳۹
- ۲۱۰- تعدد معبودان باطل مشرکان صدراسلام ۴۴۱
- ۲۱۱- تقرب معبودان باطل ۴۴۱
- ۲۱۲- تکذیب اخروی معبودان باطل ۴۴۱
- ۲۱۳- تکذیب عبادت معبودان باطل ۴۴۳
- ۲۱۴- تکذیب معبودان باطل ۴۴۳
- ۲۱۵- تکذیبهای معبودان باطل ۴۴۳
- ۲۱۶- تلاش معبودان باطل ۴۴۴
- ۲۱۷- تنهایی اخروی معبودان باطل ۴۴۵
- ۲۱۸- توقع از معبودان باطل ۴۴۵
- ۲۱۹- جهل معبودان باطل ۴۴۵
- ۲۲۰- حتمیت ورود معبودان باطل به جهنم ۴۴۷
- ۲۲۱- حسابرسی از معبودان باطل ۴۴۷
- ۲۲۲- حشر معبودان باطل ۴۴۷
- ۲۲۳- حقیقت معبودان باطل ۴۴۹
- ۲۲۴- حمایت از معبودان باطل ۴۵۱

- ۲۲۵- خالق معبودان باطل - ۴۵۱
- ۲۲۶- درخواست از معبودان باطل - ۴۵۱
- ۲۲۷- درخواست تبیین حقیقت معبودان باطل - ۴۵۳
- ۲۲۸- درخواست معبودان باطل - ۴۵۳
- ۲۲۹- دشمنان اخروی معبودان باطل - ۴۵۳
- ۲۳۰- دشمنی اخروی معبودان باطل - ۴۵۵
- ۲۳۱- دشمنی با معبودان باطل - ۴۵۵
- ۲۳۲- دشمنی معبودان باطل - ۴۵۵
- ۲۳۳- دشنام به معبودان باطل - ۴۵۷
- ۲۳۴- دلایل بطلان معبودان باطل - ۴۵۷
- ۲۳۵- دلایل بوجی معبودان باطل - ۴۵۹
- ۲۳۶- دلایل عجز معبودان باطل - ۴۵۹
- ۲۳۷- رازقیت معبودان باطل - ۴۵۹
- ۲۳۸- رد الوهیت معبودان باطل - ۴۶۱
- ۲۳۹- رد خالقیت معبودان باطل - ۴۶۱
- ۲۴۰- رد شفاعت معبودان باطل - ۴۶۱
- ۲۴۱- رد عبادت معبودان باطل - ۴۶۱
- ۲۴۲- رد قداست معبودان باطل - ۴۶۳
- ۲۴۳- رد معبودان باطل - ۴۶۳
- ۲۴۴- زیان استمداد از معبودان باطل - ۴۶۳
- ۲۴۵- زیان رسانی معبودان باطل - ۴۶۳
- ۲۴۶- سرزنش سهم المال معبودان باطل - ۴۶۵
- ۲۴۷- سرزنش عقیده به رازقیت معبودان باطل - ۴۶۵
- ۲۴۸- سهم المال معبودان باطل - ۴۶۵
- ۲۴۹- شرایط کیفر معبودان باطل - ۴۶۷
- ۲۵۰- شعور معبودان باطل - ۴۶۷

- ۲۵۱- شعیب(ع) و معبودان باطل ۴۶۹
- ۲۵۲- شفاعت معبودان باطل ۴۶۹
- ۲۵۳- شکایت از معبودان باطل ۴۷۳
- ۲۵۴- شگفتی عقیده به معبودان باطل ۴۷۳
- ۲۵۵- ضعف معبودان باطل ۴۷۳
- ۲۵۶- ظلمت معبودان باطل ۴۷۵
- ۲۵۷- عبادت معبودان باطل ۴۷۶
- ۲۵۸- عبودیت معبودان باطل ۴۷۸
- ۲۵۹- عجز اخروی معبودان باطل ۴۷۹
- ۲۶۰- عجز معبودان باطل ۴۸۱
- ۲۶۱- عجز معبودان باطل مشرکان ۵۰۳
- ۲۶۲- عذاب اخروی معبودان باطل ۵۰۳
- ۲۶۳- عظمت معبودان باطل ۵۰۳
- ۲۶۴- عقیده به امداد معبودان باطل ۵۰۳
- ۲۶۵- عقیده به تدبیر معبودان باطل ۵۰۵
- ۲۶۶- عقیده به شعور معبودان باطل ۵۰۵
- ۲۶۷- عقیده به شفاعت معبودان باطل ۵۰۵
- ۲۶۸- عقیده به معبودان باطل ۵۰۷
- ۲۶۹- عقیده به ولایت معبودان باطل ۵۰۹
- ۲۷۰- علاقه به معبودان باطل ۵۰۹
- ۲۷۱- عنصر معبودان باطل ۵۰۹
- ۲۷۲- عوامل علاقه به معبودان باطل ۵۱۱
- ۲۷۳- غفلت از معبودان باطل ۵۱۱
- ۲۷۴- فراموشی معبودان باطل ۵۱۱
- ۲۷۵- فرجام معبودان باطل ۵۱۱
- ۲۷۶- فلسفه عبادت معبودان باطل ۵۱۳

- ۲۷۷- قدرت معبودان باطل ۵۱۳
- ۲۷۸- کافران و معبودان باطل ۵۱۳
- ۲۷۹- کری معبودان باطل ۵۱۵
- ۲۸۰- کفر به معبودان باطل ۵۱۵
- ۲۸۱- کوردلی معبودان باطل ۵۱۵
- ۲۸۲- گرایش به معبودان باطل ۵۱۵
- ۲۸۳- گفتگوی مشرکان با معبودان باطل ۵۱۷
- ۲۸۴- گمراهگری معبودان باطل ۵۱۷
- ۲۸۵- مبارزه با معبودان باطل ۵۱۷
- ۲۸۶- مجادله با معبودان باطل ۵۱۸
- ۲۸۷- مجسمه معبودان باطل ۵۱۹
- ۲۸۸- مجعول بودن معبودان باطل ۵۲۰
- ۲۸۹- مخلوق بودن معبودان باطل ۵۲۱
- ۲۹۰- مخلوقیت معبودان باطل ۵۲۱
- ۲۹۱- مخلوقیت معبودان باطل مشرکان ۵۲۳
- ۲۹۲- مراد از معبودان باطل ۵۲۳
- ۲۹۳- مردگی معبودان باطل ۵۲۵
- ۲۹۴- مشرکان صدر اسلام و معبودان باطل ۵۲۵
- ۲۹۵- مشرکان و ذکر معبودان باطل ۵۲۵
- ۲۹۶- مشرکان و معبودان باطل ۵۲۷
- ۲۹۷- معبودان باطل بنی اسرائیل ۵۳۱
- ۲۹۸- معبودان باطل در جهنم ۵۳۱
- ۲۹۹- معبودان باطل در قیامت ۵۳۵
- ۳۰۰- معبودان باطل قوم ثمود ۵۴۲
- ۳۰۱- معبودان باطل قوم عاد ۵۴۲
- ۳۰۲- معبودان باطل مشرکان ۵۴۵

۵۴۹	۳۰۳- معبودان باطل و آسمانها
۵۴۹	۳۰۴- معبودان باطل و اجابت دعا
۵۴۹	۳۰۵- معبودان باطل و امدادهای مشرکان
۵۵۰	۳۰۶- معبودان باطل و تأمین نیاز
۵۵۱	۳۰۷- معبودان باطل و تبدیل زبان
۵۵۱	۳۰۸- معبودان باطل و جلب منفعت
۵۵۱	۳۰۹- معبودان باطل و خالقیت
۵۵۳	۳۱۰- معبودان باطل و خلقت
۵۵۳	۳۱۱- معبودان باطل و خلقت آفرینش
۵۵۵	۳۱۲- معبودان باطل و دفع زبان
۵۵۶	۳۱۳- معبودان باطل و رازقیت
۵۵۷	۳۱۴- معبودان باطل و عرش
۵۵۷	۳۱۵- معبودان باطل و قضاوت
۵۵۷	۳۱۶- معبودان باطل و مالکیت
۵۵۹	۳۱۷- معبودان باطل و مرگ
۵۵۹	۳۱۸- معبودان باطل و منفعت رسانی
۵۵۹	۳۱۹- معبودان باطل و نجات از عذاب
۵۵۹	۳۲۰- مکذبان اخروی معبودان باطل
۵۶۱	۳۲۱- مکر معبودان باطل
۵۶۱	۳۲۲- مملوکیت معبودان باطل
۵۶۱	۳۲۳- منفعت رسانی معبودان باطل
۵۶۳	۳۲۴- نشانه های پوچی معبودان باطل
۵۶۳	۳۲۵- نفع رسانی معبودان باطل
۵۶۳	۳۲۶- نقش معبودان باطل
۵۶۷	۳۲۷- نوح(ع) و معبودان باطل
۵۶۹	۳۲۸- ولایت معبودان باطل

- ۲۲۹- ویژگیهای حشر معبودان باطل ۵۶۹
- ۲۳۰- یوسف(ع) و معبودان باطل ۵۶۹
- ۲۳۱- {معبودان دروغین} ۵۷۱
- ۲۳۲- معبودان دروغین بدعت گزاران ۵۷۱
- ۲۳۳- معبودان دروغین فرعون ۵۷۱
- ۲۳۴- معبودان دروغین قوم ابراهیم ۵۷۱
- ۲۳۵- معبودیت ۵۷۳
- ۲۳۶- حقانیت معبودیت خدا ۵۷۳
- ۲۳۷- زمینه معبودیت خدا ۵۷۳
- ۲۳۸- شرایط معبودیت ۵۷۵
- ۲۳۹- معبودیت الله ۵۷۵
- ۲۴۰- معبودیت خالق ۵۷۵
- ۲۴۱- معبودیت خدا ۵۷۵
- ۲۴۲- معبودیت عیسی(ع) ۵۷۷
- ۲۴۳- معبودیت غیر خدا ۵۷۷
- ۲۴۴- معبودیت فرعون ۵۷۷
- ۲۴۵- معبودیت مخلوق ۵۷۷
- ۲۴۶- معبودیت مریم(س) ۵۷۹
- ۲۴۷- ملاک معبودیت ۵۷۹
- ۲۴۸- ملاکهای معبودیت ۵۸۷
- ۸- معجزه ۵۹۰
- ۱- معجزه ۵۹۰
- ۲- آثار تکذیب معجزه ۵۹۱
- ۳- آثار معجزه ۵۹۳
- ۴- آثار معجزه موسی(ع) ۵۹۶
- ۵- آثار معجزه هارون(ع) ۵۹۹

- ۶- ابلاغ معجزه بر فرعون ۵۹۹
- ۷- اتمام حجت با معجزه ۵۹۹
- ۸- ارائه معجزه ۶۰۱
- ۹- ارائه معجزه به مؤمنان ۶۰۱
- ۱۰- ارائه معجزه موسی(ع) ۶۰۳
- ۱۱- استهزای معجزه ۶۰۳
- ۱۲- استهزای معجزه موسی(ع) ۶۰۳
- ۱۳- اعراض از معجزه ۶۰۵
- ۱۴- اعراض از معجزه موسی(ع) ۶۰۵
- ۱۵- اقتراحی معجزه ۶۰۵
- ۱۶- امتحان با معجزه ۶۰۷
- ۱۷- انبیا و معجزه ۶۰۷
- ۱۸- انبیا و معجزه اقتراحی ۶۰۷
- ۱۹- انذار با معجزه ۶۰۹
- ۲۰- انکار معجزه موسی(ع) ۶۰۹
- ۲۱- اهمیت معجزه ۶۰۹
- ۲۲- اهمیت معجزه صالح(ع) ۶۱۱
- ۲۳- اهمیت معجزه عصای موسی(ع) ۶۱۱
- ۲۴- اهمیت معجزه ید بیضا موسی(ع) ۶۱۲
- ۲۵- ایمان به معجزه موسی(ع) ۶۱۳
- ۲۶- بنی اسرائیل و معجزه عیسی(ع) ۶۱۳
- ۲۷- بی تأثیری معجزه ۶۱۴
- ۲۸- بی تأثیری معجزه بر رهبران ظالم ۶۱۵
- ۲۹- بی تأثیری معجزه بر فرعون ۶۱۵
- ۳۰- بی تأثیری معجزه بر کافران ۶۱۵
- ۳۱- بی تأثیری معجزه بر لجوج ۶۱۹

- ۳۲- بی تأثیری معجزه بر مشرکان ۶۱۹
- ۳۳- بی تأثیری معجزه بر مکذبان دین ۶۱۹
- ۳۴- بی تأثیری معجزه در مشرکان ۶۲۱
- ۳۵- پذیرش معجزه ۶۲۱
- ۳۶- تبیین محدوده معجزه ۶۲۱
- ۳۷- تبیین منشأ معجزه ۶۲۱
- ۳۸- تداوم معجزه محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۲۲
- ۳۹- ترس از معجزه موسی(ع) ۶۲۲
- ۴۰- ترسناکی معجزه موسی(ع) ۶۲۲
- ۴۱- تعجب از معجزه موسی(ع) ۶۲۲
- ۴۲- تعداد معجزه موسی(ع) ۶۲۴
- ۴۳- تعدد معجزه محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۲۴
- ۴۴- تعدد معجزه موسی(ع) ۶۲۴
- ۴۵- تعدد معجزه هارون(ع) ۶۲۹
- ۴۶- تعدد معجزه هود(ع) ۶۳۰
- ۴۷- تعقل در معجزه محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۳۱
- ۴۸- تفاوت معجزه با جادو ۶۳۲
- ۴۹- تفاوت معجزه و جادو ۶۳۲
- ۵۰- تکذیب معجزه ۶۳۲
- ۵۱- تکذیب معجزه محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۳۴
- ۵۲- تکذیب معجزه موسی(ع) ۶۳۵
- ۵۳- تکذیب معجزه هود(ع) ۶۳۸
- ۵۴- تهمت جادو به معجزه ۶۳۸
- ۵۵- جادوگران فرعون و معجزه موسی(ع) ۶۳۸
- ۵۶- جاودانگی معجزه محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۴۰
- ۵۷- حقانیت معجزه ۶۴۰

- ۵۸- حقانیت معجزه موسی(ع) ۶۴۲
- ۵۹- حقانیت معجزه هارون(ع) ۶۴۳
- ۶۰- حقیقت معجزه ۶۴۴
- ۶۱- درخواست معجزه ۶۴۶
- ۶۲- درخواست معجزه از صالح(ع) ۶۵۴
- ۶۳- درخواست معجزه از محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۵۴
- ۶۴- درخواست معجزه تکلم مردگان ۶۵۶
- ۶۵- درخواست معجزه حسی ۶۵۶
- ۶۶- درخواست معجزه نزول ملائکه ۶۵۸
- ۶۷- دعوت به استهزای معجزه ۶۵۸
- ۶۸- دلایل حقانیت معجزه موسی(ع) ۶۵۹
- ۶۹- دلایل رد معجزه اقتراحی ۶۶۰
- ۷۰- ذکر معجزه ۶۶۰
- ۷۱- ذکر معجزه کوه طور ۶۶۲
- ۷۲- رد معجزه اقتراحی ۶۶۲
- ۷۳- رد معجزه اقتراحی مشرکان ۶۶۴
- ۷۴- زمان معجزه ۶۶۴
- ۷۵- زمینه انکار معجزه ۶۶۴
- ۷۶- زمینه قبول معجزه ۶۶۶
- ۷۷- زمینه معجزه ۶۶۶
- ۷۸- زیبایی معجزه موسی(ع) ۶۶۶
- ۷۹- شرایط تحقق معجزه ۶۶۶
- ۸۰- شرایط معجزه ۶۶۸
- ۸۱- شیوع خبر معجزه موسی(ع) ۶۷۰
- ۸۲- عجز از معجزه ۶۷۰
- ۸۳- عذاب بعد از معجزه ۶۷۰

- ۸۴- عظمت معجزه ۶۷۰
- ۸۵- عظمت معجزه موسی(ع) ۶۷۲
- ۸۶- عقیده فرعون به معجزه ۶۷۳
- ۸۷- عقیده فرعونیان به معجزه ۶۷۴
- ۸۸- علم به حقایق معجزه ۶۷۴
- ۸۹- عوامل اعراض از معجزه موسی(ع) ۶۷۴
- ۹۰- عوامل اعراض از معجزه هارون(ع) ۶۷۶
- ۹۱- عوامل تکذیب معجزه ۶۷۶
- ۹۲- عوامل تکذیب معجزه محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۷۶
- ۹۳- عوامل محرومیت از معجزه ۶۷۶
- ۹۴- عوامل مؤثر در معجزه ۶۷۸
- ۹۵- فرعون و معجزه موسی(ع) ۶۷۸
- ۹۶- فرعونیان و معجزه موسی(ع) ۶۷۹
- ۹۷- فلسفه رد معجزه اقتراحی ۶۸۱
- ۹۸- فلسفه معجزه ۶۸۲
- ۹۹- فلسفه معجزه اقتراحی ۶۸۴
- ۱۰۰- فلسفه معجزه انبیا ۶۸۶
- ۱۰۱- فلسفه معجزه صالح(ع) ۶۸۶
- ۱۰۲- فلسفه معجزه موسی(ع) در سرزمین طوی ۶۸۷
- ۱۰۳- فلسفه نزول معجزه ۶۸۸
- ۱۰۴- قانونمندی معجزه ۶۸۸
- ۱۰۵- قوم ثمود و تکذیب معجزه ۶۹۰
- ۱۰۶- کافران صدر اسلام و معجزه ۶۹۰
- ۱۰۷- کافران مکه و معجزه ۶۹۰
- ۱۰۸- کافران و درخواست معجزه ۶۹۱
- ۱۰۹- کافران و معجزه ۶۹۲

- ۱۱۰- کافران و معجزه محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۹۲
- ۱۱۱- کفر به معجزه ۶۹۲
- ۱۱۲- کیفر تکذیب معجزه ۶۹۴
- ۱۱۳- کیفر دشمنی با معجزه ۶۹۴
- ۱۱۴- کیفیت ایجاد معجزه ۶۹۶
- ۱۱۵- مبارزه با معجزه موسی(ع) ۶۹۶
- ۱۱۶- محدوده ارائه معجزه ۶۹۶
- ۱۱۷- مراتب معجزه ۶۹۸
- ۱۱۸- مشرکان صدر اسلام و معجزه ۶۹۹
- ۱۱۹- مشرکان مکه و معجزه ۷۰۰
- ۱۲۰- مشرکان و معجزه ۷۰۰
- ۱۲۱- مشرکان و معجزه محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۰۰
- ۱۲۲- معجزه احیای مردگان ۷۰۲
- ۱۲۳- معجزه از آیات خدا ۷۰۲
- ۱۲۴- معجزه اقتراحی ۷۰۳
- ۱۲۵- معجزه اقتراحی اقوام پیشین ۷۲۰
- ۱۲۶- معجزه اقتراحی مشرکان ۷۲۰
- ۱۲۷- معجزه انبیا ۷۲۱
- ۱۲۸- معجزه انبیای بنی اسرائیل ۷۲۷
- ۱۲۹- معجزه ایوب(ع) ۷۲۸
- ۱۳۰- معجزه بالا بردن کوه طور ۷۲۸
- ۱۳۱- معجزه برای حق ناپذیران ۷۲۸
- ۱۳۲- معجزه برای مکذبان ۷۲۸
- ۱۳۳- معجزه پیروزی در غزه خیبر ۷۳۰
- ۱۳۴- معجزه تکلم مردگان ۷۳۰
- ۱۳۵- معجزه تولد اسحاق(ع) ۷۳۱

- ۱۳۶- معجزه چشمه سنگی ۷۳۲
- ۱۳۷- معجزه حرکت کوه ۷۳۲
- ۱۳۸- معجزه حسی انبیا ۷۳۲
- ۱۳۹- معجزه داود(ع) ۷۳۴
- ۱۴۰- معجزه در بنی اسرائیل ۷۳۴
- ۱۴۱- معجزه سلیمان(ع) ۷۳۴
- ۱۴۲- معجزه سور قرآن ۷۳۶
- ۱۴۳- معجزه شتر صالح ۷۳۶
- ۱۴۴- معجزه شعیب(ع) ۷۳۸
- ۱۴۵- معجزه شق القمر ۷۳۸
- ۱۴۶- معجزه شکافتن زمین ۷۳۸
- ۱۴۷- معجزه صالح(ع) ۷۴۰
- ۱۴۸- معجزه عصای موسی(ع) ۷۴۴
- ۱۴۹- معجزه عیسی(ع) ۷۴۴
- ۱۵۰- معجزه قرآن ۷۴۸
- ۱۵۱- معجزه کوه طور ۷۴۹
- ۱۵۲- معجزه مائده آسمانی ۷۵۰
- ۱۵۳- معجزه محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۵۰
- ۱۵۴- معجزه مریم(س) ۷۵۶
- ۱۵۵- معجزه موسی(ع) ۷۵۶
- ۱۵۶- معجزه نزول ملانکه ۷۷۳
- ۱۵۷- معجزه نوح(ع) ۷۷۴
- ۱۵۸- معجزه و جادو ۷۷۴
- ۱۵۹- معجزه ولادت عیسی(ع) ۷۷۶
- ۱۶۰- معجزه ولادت یحیی(ع) ۷۷۸
- ۱۶۱- معجزه هارون(ع) ۷۷۸

- ۱۶۲- معجزه یحیی (ع) ----- ۷۷۸
- ۱۶۳- معجزه یدبضای موسی (ع) ----- ۷۸۰
- ۱۶۴- معجزه یوسف (ع) ----- ۷۸۰
- ۱۶۵- مکذبان معجزه ----- ۷۸۰
- ۱۶۶- مکذبان معجزه موسی (ع) ----- ۷۸۲
- ۱۶۷- منشأ معجزه ----- ۷۸۲
- ۱۶۸- منشأ معجزه اقتراحی ----- ۷۹۵
- ۱۶۹- منشأ معجزه انبیا ----- ۷۹۶
- ۱۷۰- منشأ معجزه موسی (ع) ----- ۷۹۶
- ۱۷۱- موانع معجزه اقتراحی ----- ۷۹۷
- ۱۷۲- موجبات نزول معجزه ----- ۷۹۸
- ۱۷۳- نبوت و معجزه ----- ۷۹۸
- ۱۷۴- نزول معجزه بر قوم ثمود ----- ۷۹۸
- ۱۷۵- نعمت معجزه ----- ۷۹۸
- ۱۷۶- نقش معجزه ----- ۸۰۰
- ۱۷۷- نقش معجزه صالح (ع) ----- ۸۰۸
- ۱۷۸- نقش معجزه موسی (ع) ----- ۸۰۸
- ۱۷۹- نیاز به معجزه ----- ۸۱۰
- ۱۸۰- وضوح معجزه موسی (ع) ----- ۸۱۰
- ۱۸۱- وعده معجزه به مشرکان ----- ۸۱۲
- ۱۸۲- وقت ارائه معجزه موسی (ع) ----- ۸۱۲
- ۱۸۳- ویژگی معجزه عیسی (ع) ----- ۸۱۴
- ۱۸۴- ویژگی معجزه موسی (ع) ----- ۸۱۴
- ۱۸۵- ویژگیهای معجزه انبیای پیشین ----- ۸۱۴
- ۱۸۶- ویژگیهای معجزه محمد (صلی الله علیه و آله) ----- ۸۱۶
- ۱۸۷- ویژگیهای معجزه موسی (ع) ----- ۸۱۶

- ۱۸۸- هدایت ناپذیران و معجزه ۸۱۶
- ۱۸۹- همانندسازی معجزه موسی(ع) ۸۱۸
- ۱۹۰- هماهنگی مکذبان معجزه ۸۱۸
- ۹- معذور ۸۲۰
- ۱- احکام معذور ۸۲۰
- ۲- جاهل معذور ۸۲۰
- ۳- معذور از جنگ ۸۲۰
- ۴- معذور از جهاد ۸۲۱
- ۵- معذور نبودن یهود ۸۲۱
- ۶- {معذوران} ۸۲۲
- ۷- آموزش معذوران از جهاد ۸۲۳
- ۸- اندوه معذوران غزوه تبوک ۸۲۳
- ۹- تشخیص معذوران از جنگ ۸۲۳
- ۱۰- حسن نیت معذوران از جهاد ۸۲۳
- ۱۱- خیرخواهی معذوران از جهاد ۸۲۵
- ۱۲- دلجویی از معذوران جهاد ۸۲۵
- ۱۳- علایق معذوران غزوه تبوک ۸۲۵
- ۱۴- گریه معذوران غزوه تبوک ۸۲۵
- ۱۵- محمد(صلی الله علیه و آله) و معذوران از جهاد ۸۲۷
- ۱۶- مسؤولیت معذوران از جهاد ۸۲۷
- ۱۷- مصونیت معذوران از جهاد ۸۲۷
- ۱۸- معذوران از جهاد ۸۲۷
- ۱۹- معذوران از جهاد در بهشت ۸۳۱
- ۲۰- معذوران از جهاد مالی ۸۳۱
- ۲۱- معذوران از روزه ۸۳۲
- ۲۲- نگرانی معذوران از جهاد ۸۳۵

- ۲۳- همنشینی با معذوران از جهاد ----- ۸۳۵
- ۱۰- معراج ----- ۸۳۶
- ۱- تاریخ معراج محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۸۳۶
- ۲- فضیلت شب معراج ----- ۸۳۶
- ۳- فلسفه ظهور حقایق در معراج ----- ۸۳۶
- ۴- فلسفه معراج محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۸۳۷
- ۵- محمد(صلی الله علیه و آله) در معراج ----- ۸۳۷
- ۶- مدت معراج محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۸۳۹
- ۷- معراج از آیات خدا ----- ۸۳۹
- ۸- معراج جسمانی محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۸۳۹
- ۹- معراج محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۸۴۰
- ۱۰- موسی(ع) در معراج ----- ۸۴۴
- ۱۱- نماز محمد(صلی الله علیه و آله) در شب معراج ----- ۸۴۵
- ۱۱- معروضان از خدا ----- ۸۴۶
- ۱- معروضان از خدا ----- ۸۴۶
- ۲- اغواپذیری معروضان از خدا ----- ۸۴۶
- ۳- اقرار اخروی معروضان از خدا ----- ۸۴۷
- ۴- بینش معروضان از خدا ----- ۸۴۷
- ۵- تعجب اخروی معروضان از خدا ----- ۸۴۷
- ۶- تعدد اولیای معروضان از خدا ----- ۸۴۸
- ۷- جهل معروضان از خدا ----- ۸۴۹
- ۸- حشر معروضان از خدا ----- ۸۴۹
- ۹- رحمت بر معروضان از خدا ----- ۸۴۹
- ۱۰- سختی حسابرسی معروضان از خدا ----- ۸۵۱
- ۱۱- سرزنش معروضان از خدا ----- ۸۵۱
- ۱۲- عجز معروضان از خدا ----- ۸۵۱

- ۱۳- عذاب معرضان از خدا ۸۵۱
- ۱۴- کوری اخروی معرضان از خدا ۸۵۳
- ۱۵- کیفر معرضان از خدا ۸۵۳
- ۱۶- کیفر معرضان از خدا ۸۵۵
- ۱۷- گمراهی معرضان از خدا ۸۵۵
- ۱۸- مرگ معرضان از خدا ۸۵۶
- ۱۹- معرضان از خدا ۸۵۷
- ۲۰- معرضان از خدا در جهنم ۸۵۷
- ۲۱- معرضان از خدا و هدایت ۸۵۷
- ۲۲- هدایت ناپذیری معرضان از خدا ۸۵۷
- ۲۳- همنشینی شیاطین با معرضان از خدا ۸۵۹
- ۲۴- هوشیاری دنیوی معرضان از خدا ۸۵۹
- ۱۲- معروف ۸۶۰
- ۱- آثار اجتماعی امر به معروف ۸۶۰
- ۲- آثار امر به معروف ۸۶۰
- ۳- آثار ترک امر به معروف ۸۶۳
- ۴- آثار نهی از معروف ۸۶۳
- ۵- آمران به معروف ایله ۸۶۴
- ۶- احکام امر به معروف ۸۶۵
- ۷- ارزش امر به معروف ۸۶۷
- ۸- امر به معروف در ادیان ۸۶۷
- ۹- امر به معروف در بنی اسرائیل ۸۶۹
- ۱۰- امر به معروف در دوران لقمان ۸۶۹
- ۱۱- امر به معروف مجاهدان ۸۶۹
- ۱۲- امر به معروف محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۷۱
- ۱۳- امر به معروف مؤمنان ۸۷۱

- ۱۴- امر به معروف هارون(ع) ۸۷۱
- ۱۵- امر به معروف یاران خدا ۸۷۱
- ۱۶- اهمیت امر به معروف ۸۷۳
- ۱۷- پاداش امر به معروف ۸۷۷
- ۱۸- تاریخ امر به معروف ۸۷۹
- ۱۹- ترک امر به معروف ۸۷۹
- ۲۰- جرم نهی از معروف ۸۷۹
- ۲۱- حق امر به معروف ۸۷۹
- ۲۲- خشونت در امر به معروف ۸۸۱
- ۲۳- دعوت به امر به معروف ۸۸۱
- ۲۴- روش امر به معروف ۸۸۱
- ۲۵- سختیهای امر به معروف ۸۸۳
- ۲۶- شرایط امر به معروف ۸۸۳
- ۲۷- صبر در امر به معروف ۸۸۴
- ۲۸- عمومیت امر به معروف ۸۸۵
- ۲۹- فسق نهی از معروف ۸۸۵
- ۳۰- مراد از معروف ۸۸۵
- ۳۱- مسؤلیت آمران به معروف ۸۸۷
- ۳۲- معروف دانستن منکر ۸۸۷
- ۳۳- منافقان و نهی از معروف ۸۸۷
- ۳۴- منکر دانستن معروف ۸۸۸
- ۱۳- معصومان ۸۹۰
- ۱- معصومان ۸۹۰
- ۲- خشیت معصومان ۸۹۱
- ۳- معصومین ۸۹۱
- ۱۴- معلم ۸۹۳

- ۱- معلم ۸۹۳
- ۲- احترام معلم ۸۹۳
- ۳- اطاعت از معلم ۸۹۳
- ۴- اولین معلم ۸۹۴
- ۵- درک محضر معلم ۸۹۴
- ۶- مسؤولیت معلم ۸۹۴
- ۷- معلم آدم(ع) ۸۹۴
- ۸- معلم ابراهیم(ع) ۸۹۶
- ۹- معلم اسحاق(ع) ۸۹۶
- ۱۰- معلم انبیا ۸۹۶
- ۱۱- معلم انسان ها ۸۹۷
- ۱۲- معلم ایوب(ع) ۸۹۸
- ۱۳- معلم حوا ۸۹۸
- ۱۴- معلم خضر(ع) ۸۹۹
- ۱۵- معلم داود(ع) ۹۰۰
- ۱۶- معلم عیسی(ع) ۹۰۱
- ۱۷- معلم قرآن ۹۰۲
- ۱۸- معلم ماروت ۹۰۲
- ۱۹- معلم متقین ۹۰۲
- ۲۰- معلم محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۰۳
- ۲۱- معلم مریم(س) ۹۲۲
- ۲۲- معلم ملائکه ۹۲۲
- ۲۳- معلم موسی(ع) ۹۲۲
- ۲۴- معلم نوح(ع) ۹۲۴
- ۲۵- معلم یعقوب(ع) ۹۲۴
- ۲۶- معلم یوسف(ع) ۹۲۶

- ۹۲۸ ۲۷- نقش معلم
- ۹۳۰ ۱۵- معماری
- ۹۳۰ ۱- تاریخ معماری
- ۹۳۰ ۲- شرایط معماری
- ۹۳۰ ۳- معماری قوم عاد
- ۹۳۱ ۴- نیاز به معماری
- ۹۳۱ ۵- هنر در معماری
- ۹۳۲ ۱۶- معنویت
- ۹۳۲ ۱- آثار معنویت
- ۹۳۲ ۲- معنویت در امور اقتصادی
- ۹۳۲ ۳- آثار معنویات
- ۹۳۳ ۴- احیای معنویات
- ۹۳۳ ۵- ارزش معنویات
- ۹۳۳ ۶- اسلام و معنویات
- ۹۳۵ ۷- امیدواری به معنویات
- ۹۳۵ ۸- اهتمام موحدان به معنویات
- ۹۳۵ ۹- اهمیت معنویات
- ۹۳۶ ۱۰- پاداش معنویات
- ۹۳۷ ۱۱- جاودانگی معنویات
- ۹۳۷ ۱۲- سوءاستفاده از معنویات
- ۹۳۷ ۱۳- عوامل وصول به معنویات
- ۹۳۹ ۱۴- مراتب مقامات معنوی
- ۹۳۹ ۱۵- نشانه های برخورداری از معنویات
- ۹۳۹ ۱۶- نقش معنویات
- ۹۴۱ ۱۷- نیاز به معنویات
- ۹۴۲ ۱۷- مغالطه

- ۱- مغالطه ۹۴۲
- ۲- آثار مغالطه ۹۴۲
- ۳- اعراض از مغالطه گران در آیات خدا ۹۴۳
- ۴- اعراض از مغالطه گران در اسلام ۹۴۳
- ۵- اعراض از مغالطه گران در دین ۹۴۳
- ۶- اعراض از مغالطه گران در قرآن ۹۴۵
- ۷- برخورد با مغالطه گران در آیات خدا ۹۴۵
- ۸- برخورد با مغالطه گران در دین ۹۴۷
- ۹- برخورد با مغالطه گران در قرآن ۹۴۷
- ۱۰- بی اعتنایی به مغالطه گران در آیات خدا ۹۴۷
- ۱۱- بی اعتنایی به مغالطه گران در دین ۹۴۷
- ۱۲- ظلم مغالطه در آیات خدا ۹۴۹
- ۱۳- ظلم مغالطه در قرآن ۹۴۹
- ۱۴- گمراهی مغالطه گران در دین ۹۴۹
- ۱۵- گناه مغالطه گران در اسلام ۹۴۹
- ۱۶- گناه مغالطه گران در قرآن ۹۵۱
- ۱۷- لجاجت مغالطه گران در دین ۹۵۱
- ۱۸- مغالطه در نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۵۱
- ۱۹- مغالطه کافران ۹۵۱
- ۲۰- مغالطه گران در آیات خدا ۹۵۳
- ۲۱- مغالطه گران در دین ۹۵۳
- ۲۲- مغالطه گران در قرآن ۹۵۳
- ۲۳- مغالطه مشرکان ۹۵۳
- ۲۴- مغالطه نمرود ۹۵۵
- ۲۵- همنشینی با مغالطه گران در آیات خدا ۹۵۵
- ۲۶- همنشینی با مغالطه گران در دین ۹۵۵

- ۲۷- همنشینی با مغالطه گران در قرآن ۹۵۷
- ۱۸- مغرب ۹۵۹
- ۱- اختیار مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۵۹
- ۲- ایمان ظالمان مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۵۹
- ۳- ایمان مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۵۹
- ۴- تسبیح خدا قبل از مغرب ۹۶۰
- ۵- تشریح نماز مغرب ۹۶۰
- ۶- تشکل مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۶۰
- ۷- تعدد مغرب ۹۶۰
- ۸- تمدن در مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۶۲
- ۹- تمدن مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۶۲
- ۱۰- حکومت در مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۶۴
- ۱۱- ذکر خدا در مغرب ۹۶۴
- ۱۲- ذوالقرنین در مغرب زمین ۹۶۴
- ۱۳- زبان مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۶۵
- ۱۴- سوگند به مغرب ستارگان ۹۶۶
- ۱۵- طلوع خورشید از مغرب ۹۶۶
- ۱۶- ظلم مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۶۶
- ۱۷- عجز مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۶۸
- ۱۸- عظمت مغرب ۹۶۸
- ۱۹- عفو مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۶۸
- ۲۰- عمل صالح مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۶۹
- ۲۱- کفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۷۰
- ۲۲- کیفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۷۰
- ۲۳- مالک مغرب ۹۷۰
- ۲۴- مری مغرب ۹۷۲

- ۲۵- مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین ۹۷۲
- ۲۶- مسافرت ذوالقرنین به مغرب ۹۷۴
- ۲۷- مغرب خورشید ۹۷۶
- ۲۸- مغرب در تابستان ۹۷۶
- ۲۹- مغرب در زمستان ۹۷۶
- ۳۰- مغرب صحرای سینا ۹۷۶
- ۳۱- مغرب ماه (قمر) ۹۷۸
- ۳۲- ملاقات ذوالقرنین با مردم مغرب ۹۷۸
- ۳۳- نافله مغرب ۹۷۸
- ۳۴- نقش مغرب ۹۸۰
- ۳۵- نقش مغرب خورشید ۹۸۰
- ۳۶- وقت نماز مغرب ۹۸۰
- ۱۹- مغضوبان خدا ۹۸۲
- ۱- مغضوبان خدا ۹۸۲
- ۲- توبه مغضوبان خدا ۹۹۶
- ۳- دوستی با مغضوبان خدا ۹۹۶
- ۴- ذلت مغضوبان خدا ۹۹۸
- ۵- صفات مغضوبان خدا ۹۹۸
- ۶- فرجام مغضوبان خدا ۹۹۸
- ۷- کیفر مغضوبان خدا ۱۰۰۰
- ۸- گمراهی مغضوبان خدا ۱۰۰۰
- ۹- هلاکت مغضوبان خدا ۱۰۰۰
- ۲۰- مفسد ۱۰۰۱
- ۱- اصلاح مفسد کتمان حق ۱۰۰۱
- ۲- اصلاح مفسد گناه ۱۰۰۱
- ۳- اهمیت دفع مفسد ۱۰۰۱

- ۴- جهل به مفاسد ۱۰۰۲
- ۵- مفاسد خمر ۱۰۰۲
- ۶- مفاسد قمار ۱۰۰۲
- ۷- منشأ مفاسد اجتماعی قوم عاد ۱۰۰۲
- ۸- اعراض از مفاسد اجتماعی ۱۰۰۴
- ۹- روش برخورد با مفاسد اجتماعی ۱۰۰۴
- ۱۰- مبارزه با مفاسد اجتماعی ۱۰۰۴
- ۲۱- مفتریان بر خدا ۱۰۰۵
- ۱- مفتریان بر خدا ۱۰۰۵
- ۲- اعراض از مفتریان بر خدا ۱۰۰۵
- ۳- انذار مفتریان بر خدا ۱۰۰۶
- ۴- تهدید مفتریان بر خدا ۱۰۰۶
- ۵- روحیه مفتریان بر خدا ۱۰۰۶
- ۶- زیانکاری اخروی مفتریان بر خدا ۱۰۰۶
- ۷- سرزنش مفتریان بر خدا ۱۰۰۸
- ۸- ظلم مفتریان بر خدا ۱۰۰۸
- ۹- عذاب دنیوی مفتریان بر خدا ۱۰۰۸
- ۱۰- فرجام مفتریان بر خدا ۱۰۱۰
- ۱۱- کری مفتریان بر خدا ۱۰۱۰
- ۱۲- کوری مفتریان بر خدا ۱۰۱۰
- ۱۳- گواهی علیه مفتریان بر خدا ۱۰۱۱
- ۱۴- لعن مفتریان بر خدا ۱۰۱۲
- ۱۵- محرومیت مفتریان بر خدا ۱۰۱۲
- ۱۶- مغضوبیت مفتریان بر خدا ۱۰۱۲
- ۱۷- مفتریان بر خدا در قیامت ۱۰۱۴
- ۱۸- مفتریان بر خدا و آیات خدا ۱۰۱۴

- ۱۹- فتریان به خدا ----- ۱۰۱۴
- ۲۰- احتضار مفتریان به خدا ----- ۱۰۱۶
- ۲۱- اضلال مفتریان به خدا ----- ۱۰۱۸
- ۲۲- انذار مفتریان به خدا ----- ۱۰۱۸
- ۲۳- حتمیت کیفر مفتریان به خدا ----- ۱۰۱۸
- ۲۴- حتمیت مؤاخذة مفتریان به خدا ----- ۱۰۱۹
- ۲۵- ذلت اخروی مفتریان به خدا ----- ۱۰۲۰
- ۲۶- روزی مفتریان به خدا ----- ۱۰۲۰
- ۲۷- روسیاهی مفتریان به خدا ----- ۱۰۲۰
- ۲۸- ظلم مفتریان به خدا ----- ۱۰۲۲
- ۲۹- عبرت از مفتریان به خدا ----- ۱۰۲۲
- ۳۰- فرجام مفتریان به خدا ----- ۱۰۲۲
- ۳۱- کفر مفتریان به خدا ----- ۱۰۲۳
- ۳۲- کیفر مفتریان به خدا ----- ۱۰۲۴
- ۳۳- مفتریان به خدا در جهنم ----- ۱۰۲۴
- ۳۴- مفتریان به خدا در قیامت ----- ۱۰۲۶
- ۳۵- هشدار به مفتریان به خدا ----- ۱۰۲۶
- درباره مرکز ----- ۱۰۲۸

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 98

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- معارف

1- ابلاغ معارف به هدایت ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 34 - 5

5- پیامبران و مبلغان دین ، به بیان و ابلاغ معارف برای هدایت ناپذیران ، موظف نیستند .

إن أردت أن أنصح لكم

نوح(ع)، پس از دریافت این واقعیت که خداوند، به خاطر لجاجتهای قومش خواسته که آنان گمراه باشند، نصیحت کردن و ابلاغ دین را با جمله شرطیه (إن أردت ..) بیان می کند تا به این نکته اشاره کند که: ابلاغ دین پس از این مرحله، بر من لازم و ضروری نیست.

2- ارزش معارف دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 11 - 14

14 - دانش و معرفت دینی ، از ملاک های فضیلت و برتری

یرفع الله الذین .. و الذین أوتوا العلم درجت

3- دشمنان دین و معارف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 124 - 6

ص: 1

6- انکار نفوذ آموزه های قرآن در میان دل و جان مردم ، از ترفند های منافقان و دشمنان دین

و إذا ما أنزلت سورة فمنهم من يقول أئیکم زادته هذه إیماناً

استفهام در جمله «اَیْکُم زادته .. .» استفهام انکاری و بیانگر نفی تأثیرگذاری آیات قرآن در دل و جان اهل ایمان است. قابل ذکر است که ضمیر «منهم» به منافقان برمی گردد.

4- فهم معارف آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 8

8- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، پیش گام فهم معارف عمیق عالم است .

ألم تر أن الله یولج الّیل فی النهار

خطاب «ألم تر» اگر چه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، اما به قرینه «بما تعملون» حکم اختصاص به او ندارد. مخاطب قرار دادن آن حضرت، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 31 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، پیش گام فهم معارف عمیق عالم است .

ألم تر أن الفلک تجری

خطاب «ألم تر» اگر چه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، اما به قرینه «لیریکم» حکم اختصاص به آن حضرت ندارد. مخاطب قرار دادن او، می تواند به خاطر یادآوری نکته یاد شده باشد.

5- گواهان بر معارف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 79 - 9

9- خداوند ، گواهی کافی برای حَقَّائِیت معارف ارائه شده در قرآن

ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سیئه فمن نفسک .. و کفی بالله شهیداً

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق «شهیداً»، معارفی باشد که در این بخش از آیات تبیین گردید.

6- نظام معارف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 2

13 - قوانین و معارف موجود در کتاب های آسمانی ، متناسب با ساختار حقیقی انسان

اللّٰه لا اله الاّ هو الحيّ القيّوم. نزل ... هو الذي يصوركم

قیّومیت خدا و آفریدن انسان به گونه ای که او خواسته است و نیز علم مطلق او و نزول کتاب برای هدایت، بیانگر تناسب قوانین با ساختار انسانی است.

14 - هماهنگی قوانین تکوین و تشریح

الحيّ القيّوم ... نزل ... يصوركم ... هو العزيز الحكيم

واضع قوانین تکوین (صورت بندی انسان) و تشریح (فرستادن کتب آسمانی)، خداوند حکیم است و حکمت او اقتضا می کند که این دو قانون با یکدیگر هماهنگ باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 19 - 5

5 - ارتباط توحید و قسط و دین ، در نگرش قرآن

لا اله هو .. قائماً بالقسط ... انّ الدين

معارف دینی

7- ارزش معارف دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 11 - 14

14 - دانش و معرفت دینی ، از ملاک های فضیلت و برتری

يرفع الله الذين .. و الذين أوتوا العلم درجات

ص: 3

2- معاش

1- ابزار تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 20 - 1

1- خداوند، انواع وسایل معیشت و زندگی آدمیان را، در زمین قرار داده است.

والأرض مددنها .. و جعلنا لكم فيها معيش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 21 - 2

2- رویش متناسب گیاهان و پدیده های معدنی و اعطای مواهب و وسایل معیشت، از خزانه الهی است.

و أنبتنا فيها من كلّ شيء موزون. و جعلنا لكم فيها معيش و من لستم له برزقین . و إ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 22 - 10

10- آب باران، از وسایل معیشت خدادادی برای انسانها

و جعلنا لكم فيها معيش .. فأنزلنا من السماء ماء فأسقینكموه

2- ادیان و معاش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 8

8- رساندن انسان ها به معیشتی نیکو در دنیا، از هدف های قرآن و ادیان الهی است.

ص: 4

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ . . . وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَعًا حَسَنًا

3- استفاده از ابزار تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 33 - 6

6- بهره مندی از اوج رفاه و ثروت ، بدون اسباب و علل ، ناسازگار با قانون بهره گیری از ابزار و وسایل در تأمین معیشت *

و لولا أن یکون الناس أمه وحده لجعلنا . . . معارج علیها یظهرون

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از «امت واحده» تساوی انسان ها در برابر بهره گیری از اسباب و وسایل در تأمین معیشت باشد.

4- اهمیت اعتدال در تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 29 - 7

7- رعایت اعتدال در معیشت و تأمین زندگی و پرهیز از افراط و تفریط در آن ، امری شایسته و لازم

لاتجعل یدک مغلوله . . . و لاتبسطنها کلّ البسط

5- اهمیت تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 273 - 4

4- ضرورت تأمین هزینه زندگی ، هر چند همراه با تلاش و تحمّل شدائد باشد .

لا یستطیعون ضرباً فی الارض

کلمه «ضرباً فی الارض» کنایه از تلاش است که طبعاً همراه تحمّل شدائد خواهد بود و چون توانمند بر تلاش به مقتضای «لا یستطیعون . . .» نمی تواند از مصارف انفاق باشد، الزاماً باید برای تأمین مخارج زندگی کوشش نماید، هر چند با تحمّل شدائد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 21

21 - تلاش برای تجارت و امرار معاش ، امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند

بیتغون فضلا من ربهم

ص: 5

از اینکه تجارت و به دست آوردن درآمدهای مادی در ردیف جلب رضایت الهی قرار گرفته است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 18

18 - تأمین محل سکونت و اسباب معیشت پیش از امر به نیایش و استغفار، روشی نیکو برای واداشتن مردم به خضوع و خشوع در برابر خداوند و طلب آموزش از او

و إذ قیل لهم اسکنوا .. ادخلوا الباب سجداً نغفر لکم خطیئکم

بیان طبیعی داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس اقتضا می کرد که جمله «ادخلوا الباب سجداً» و جمله «قولوا حطه» پیش از جمله «اسکنوا ..» و «کلوا ...» آورده شود. زیرا اول باید تصرف شود و سپس سکونت انجام گیرد. این تقدیم و تأخیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 18

18 - ضرورت تلاش برای تأمین آذوقه و پرهیز از غفلت و سستی در تأمین معاش آینده

نمیر اهلنا .. ذلک کیل یسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 66 - 8

8 - خداوند، خواهان سعی و تلاش انسان در راه تأمین روزی خویش و برخورداری از مظاهر طبیعت چون دریاهاست.

ربکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 18

18 - اشتغال زنان به کار در بیرون از خانه جهت تأمین نیاز زندگی، در صورت نبود مردی در خانواده، کاری روا و پسندیده است.

قالتا لانسقی .. و ابونا شیخ کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - مریضی، تأمین نیازهای زندگی و شرکت در جنگ با دشمن، از عذرهای پذیرفته شده برای کاستن از عبادت شبانه و شب زنده داری

علم أن سيكون منكم مرضى . . . فاقراءوا ما تيسر منه

17 - تلاش برای تأمین زندگی، هم چون جنگ در راه خدا، دارای اهمیت است.

وآخرون يضربون في الأرض يبتغون من فضل الله وءآخرون يقتلون في سبيل الله

از این که تلاش برای تأمین زندگی، در کنار جنگ در راه خدا مطرح شده، می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

19 - شب زنده داری، نباید به مقداری باشد که به سلامت مؤمنان آسیب رساند و یا مانع از تلاش روزانه برای تأمین زندگی و یا

پیکار در راه خدا شود .

فاقرءوا ما تيسر من القرآن علم أن سيكون منكم مرضى . . فاقراءوا ما تيسر منه

20 - ترغيب خداوند ، به تأمين تلاش برای نیاز های زندگی و استقلال اقتصادی

و ءآخرون يضربون في الأرض يبتغون من فضل الله

برداشت یاد شده، با توجه به این مطلب است که آیه شریفه، در مقام تمجید از تلاش گران عرصه زندگی است. ضمن آن که آمدن تعبیر «فضل الله» در این باره، تأیید کننده همین حقیقت است.

6- اهمیت معاش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 8 - 11 - 3 - 8

8- رساندن انسان ها به معیشتی نیکو در دنیا ، از هدف های قرآن و ادیان الهی است .

الّا تعبدوا إلاّ الله . . . وأن استغفروا ربکم ثم توبوا إليه یمتعکم متعاً حسناً

7- تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 17، 18، 19 - 11

11 - تأمین هزینه های زندگی از سوی مردان ، فلسفه تشریح حق مدیریت و سرپرستی آنان بر همسران خویش

الرّجال قوّامون علی النساء . . . و بما انفقوا من اموالهم

17 - لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی ، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّالحات قانتات حافظات

ظاهراً «فالصّالحات . . . » نتیجه ای است مترتب بر جمله «الرّجال . . . بما انفقوا». بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

18 - سلامت خانواده در گرو مدیریت مرد ، تأمین زندگی از سوی او ، و اطاعت و حفظ حقوق شوهر از سوی زن است .

الرّجال قوّامون علی النساء . . . و بما انفقوا . . . فالصّالحات قانتات حافظات للغیب

چون در ذیل آیه و آیات بعد به مسأله اختلافات خانوادگی پرداخته است، معلوم می شود که توصیه ها و قوانین مطرح شده برای جلوگیری از اختلافات و به خطر افتادن سلامت خانواده است.

19 - اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی ، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است .

الرجال قوامون .. و بما انفقوا... فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله

مراد از «بما حفظ الله»، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و «باء» مقابله در «بما حفظ» می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

ص: 7

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 10 - 7

7 - وجود وسائل معیشت در زمین، نعمتی بزرگ برای انسانها و بایسته سپاسگزاری است.

و لقد مکنکم فی الأرض . . . قليلا ما تشكرون

8- تأمین معاش آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 60 - 7

7- ورود به مصر و مراجعه به یوسف (ع) تنها راه تأمین آذوقه برای خاندان یعقوب (ع) در سال های قحطی

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی و لاتقربون

چنان چه برای برادران یوسف راهی جز آمدن به مصر برای تهیه آذوقه وجود داشت تهدید یوسف (ع) (فلا کیل لکم عندی) مفهومی نداشت و اثری نمی بخشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 9

9- فرزندان یعقوب متکفل تهیه آذوقه برای خاندان وی ، و سفر به مصر تنها راه ایشان برای فراهم کردن طعام

و نمیر أهلنا

«میره» به معنای طعام است و «میر» (مصدر نمیر) به معنای تهیه کردن و فراهم آوردن طعام می باشد.

9- تأمین معاش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 20 - 5

5- زمین ، مرکز تأمین امکانات و وسایل معیشت انسان

و الأرض مددنها . . . و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 70 - 7

7- امتنان خدا بر آدمیان به خاطر بهره مند کردن آنان از کرامت انسانی و نیز ذخیره های معیشتی دریا و خشکی

و لقد کرّمنا بنی ءادم و حملنهم... و رزقنهم من الطّیّبیت

ص: 8

10- تأمین معاش خانواده شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 16

16 - ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان .. قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

11- تأمین معاش در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 11 - 4

4 - قابلیت روز برای رفع نیازمندی های زندگانی در آن ، از نعمت های خداوند به انسان

و جعلنا النهار معاشاً

12- تأمین معاش فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 34 - 5

5 - تأمین نیاز های غذایی گرسنگان و بینوایان و ترغیب کردن دیگران به آن ، تکلیفی است همگانی .

و لایحضّ علی طعام المسکین

13- تأمین معاش مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 34 - 5

5 - تأمین نیاز های غذایی گرسنگان و بینوایان و ترغیب کردن دیگران به آن ، تکلیفی است همگانی .

و لایحضّ علی طعام المسکین

14- تأمین معاش مسلمانان مکه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 60 - 5

ص: 9

5- مسلمانان مکه، در صورت هجرت از مکه، نگران معاش خود بودند.

إِنَّ أَرْضِي وَسِعَهُ... وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ

این که خداوند پس از توصیه به هجرت برای حفظ ارزش دینی، رازقیت خود را مطرح می کند و یادآوری می کند که خیلی از جنبندگان، قادر به تأمین روزی خود نیستند، احتمال دارد درصدد دفع توهم و پرسشی باشد که مسلمانان، آن را در ذهن خود داشته اند. برداشت بالا براساس احتمال یاد شده است.

15- تأمین معاش انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 24 - 9

9- زمین در بر دارنده وسیله زندگانی و معیشت انسانها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتْعٌ إِلَىٰ حِينٍ

16- تلاش برای تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 11، 8، 5، 4

4- تلاش و کوشش آدمیان در کسب معاش و روزی، از آیات الهی است.

و من ءایته... و ابتغواؤکم من فضله

5- تأمین معاش و زندگی، در گرو پیگیری و تلاش است.

و ابتغواؤکم من فضله

با توجه به معنای ابتغاء - که جدیت در بر آوردن خواسته است. (مفردات راغب) - نکته بالا قابل استفاده است.

8- تلاش در راه کسب معیشت، امری پسندیده و ارزشمند است.

و من ءایته... و ابتغواؤکم من فضله

کاربرد واژه «فضل» برای کسب و کار، حاکی از اهمیت و ارزش آن است.

11- آیه بودن خواب در شب و تلاش در روز برای کسب روزی، برای دارندگان گوش شنوا، قابل درک است.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

17- روش تأمین معاش برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 7

ص: 10

7- فرزندان یعقوب بجز راهی مصر شدن و به حضور یوسف (ع) رسیدن، راهی برای تأمین آذوقه در سال های قحطی نداشتند.

يٰۤاَبۡنَا مَنۡعَ مِنَّا الْكَيۡلَ فَاَرْسَلۡ مَعَنَا اَخَانَا

چنان چه جز به مصر رفتن راهی فراروی فرزندان یعقوب بود، او آن راه را به فرزندانش پیشنهاد می کرد تا مجبور نباشد بنیامین را همراه آنان بفرستد.

18- عوامل تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 11 - 3

3- نخل ها با خوشه های پوشیده در غلاف، دارای سهمی مهم در تأمین نیاز های خلق

و النخل ذات الأکمام

«کم» (مفرد «اکمام») به معنای کاسه یا غلاف میوه گفته می شود.

19- قرآن و معاش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 8

8- رساندن انسان ها به معیشتی نیکو در دنیا، از هدف های قرآن و ادیان الهی است.

اَلَّا تَعۡبُدُوۡا اِلَّا اللّٰهَ . . . وَاَنۡ اسْتَغۡفِرُوۡا رَبِّکُمۡ ثُمَّ تَوَبُّوۡا اِلَیۡهِ یَمۡتَعِکُمۡ مَّتَّعًا حَسَنًا

20- معاش نیکوی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 4 - 7

7- خداوند، بر اعطای معیشت نیکو به موحدان و عذاب کردن مشرکان و پرستشگران غیر او تواناست.

یَمۡتَعِکُمۡ مَّتَّعًا حَسَنًا . . . وَاِنۡ تَوَلَّوۡا فَاِنۡیۡ اَخَافُ عَلَیۡکُمۡ عَذَابَ یَوْمٍ کَبِیۡرٍ . . . و هو علی

در بر داشت فوق، جمله «و هو علی . . .» در ارتباط با «یمتعکم» و «أخاف علیکم عذاب یوم کبیر» معنا شده است.

21- منابع تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 19 - 7

ص: 11

7- تغذیه و امرار معاش از منابع گیاهی ، یکی از مهم ترین فواید رویش گیاهان برای انسان

و منها تأکلون

ضمیر «منها» به «جئات» بازمی گردد؛ یعنی: و از آن [باغ ها] می خورید. گفتنی است که جمله «منها تأکلون» (از باغ ها می خورید) می تواند کنایه از این باشد که شما با آن باغ ها، امرار معاش و گذران زندگی می کنید؛ مثلاً وقتی گفته می شود «فلانی از حرفه اش می خورد» مقصود این است که در سایه حرفه اش زندگی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 6

6- شتر ، گاو و گوسفند ، از منابع درآمد و امرار معاش انسان

و منها تأکلون

جمله «و منها تأکلون» (از آنها می خورید) می تواند تعبیر کنایی از ارتزاق و کسب درآمد باشد؛ چنان که گفته می شود «فلانی از حرفه اش می خورد» که مقصود این است که فلانی از حرفه اش زندگی کرده کسب درآمد می نماید.

22- منشأ تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 8

8 - خداوند ، به وجود آورنده روزی و فراهم آورنده اسباب معیشت برای انسانهاست .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 20 - 4

4- خداوند ، فراهم آورنده وسایل معیشت و روزی ده تمامی موجودات زنده

و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 28 - 11

11 - تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس و ناامیدی انسان ، جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

و لو بسط الله الرزق .. و لكن ينزل بقدر ما يشاء ... و هو الذي ينزل الغيث ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 14 - 3

3 - امکانات زندگی و وسایل معیشت انسان ها ، به قدرت و مشیت خداوند است .

و مهّدت له تمهیداً

ص: 12

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 11 - 3

3 - خداوند ، پدیدآورنده روز و فراهم سازنده شرایط کسب معاش در آن

و جعلنا

23- منشأ معاش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 6

6- خداوند ، عطا کننده معیشتی نیکو به انسانها

یمتعکم متعاً حسناً

«تمتع» (مصدر یمتع) به معنای بهره مند ساختن است و «متاع» به چیزی که از آن بهره می گیرند و استفاده می کنند (وسایل زندگی) گفته می شود.

24- موجبات معاش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 7

7- یکتاپرستی ، پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، استغفار از شرک و گناه و حرکت به سوی خدا ، موجب جلب عنایت خدا و دستیابی به معیشتی نیکو در دنیا است .

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ . . . وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يمتعكم متعاً حسناً

25- نقش تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 132 - 18

18 - اندیشه تأمین معاش ، نباید مانع انجام عبادت و تبلیغ گردد .

وَأْمُرْ بِالْهَلْكِ بِالصَّلْوَةِ وَأصْطَبِرْ عَلَيْهَا . . . نحن نرزقك

26- نگرانی از تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 60 - 7

7 - نگرانی از تأمین معاش و زندگی ، امری طبیعی و رایج در میان انسان ها است .

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَةٌ .. وَ كَأَيُّنَ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا

بنابراین احتمال که این آیه، در صدد دفع توهمی باشد که در میان مسلمانان مکه، پس از توصیه به هجرت پدید آمده است، نکته یاد شده به دست می آید.

27- وقت تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 3

3 - خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا

به قرینه «مبصراً» لفظ «مظلماً»، بعد از «اللیل» ؛ و به قرینه «لتسكنوا فيه» جمله «لتعملوا فيه»، بعد از لفظ «مبصراً» مقدر است ؛ یعنی: هو الذي جعل لكم الليل مظلماً، لتسكنوا فيه و النهار مبصراً لتعملوا فيه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 6

6 - روز ، زمان مناسب برای تلاش و کوشش جهت تأمین زندگی است .

و من ءاياته .. و النهار و ابتغواكم من فضله

برداشت بالا همان گونه که برخی مفسران نیز گفته اند، بنابراین اساس است که در آیه، تقدیم و تأخیری به این صورت «و من آیاته منامکم باللیل و ابتغواکم من فضله بالنهار» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 22

22 - روز ، زمان مناسب برای تلاش اقتصادی و تأمین زندگی

تقوم أدنی من ثلثی الیل . . . یتغون من فضل اللّٰه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که تلاش روزانه (یتغون . . .) در برابر شب زنده داری (تقوم...اللیل) واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 11 - 2

2 - روز ، زمانی مناسب برای فعالیت و فراهم سازی آذوقه زندگانی

وجعلنا النهار معاشاً

ص: 14

از جمله معانی «معاش، «معیشت» است؛ یعنی، آنچه زندگی به آن تداوم یابد (لسان العرب). مفاد آیه شریفه با توجه به این معنا، مبالغه در سبب بودن روز برای معیشت و زندگانی است.

ص: 15

3- معاشرت

1- آثار معاشرت با فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 6

6- معاشرت و ملازمت با اقشار محروم جامعه ایمانی، در پی دارنده مشکلات و نیازمند صبر و شکیبایی است.

و اصبر نفسک

2- آثار معاشرت با محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 22 - 4

4 - مشاهده کمال عقلانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی معاشران آن حضرت، دلیلی کافی بر مردود بودن ادعای جنون درباره او است.

و ما صاحبکم بمجنون

عنوان «صاحبکم» گویای مردود بودن اتهام جنون است؛ زیرا مصاحبت روز مرّه کسانی که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) تهمت جنون می زدند، با آن حضرت، مایه شناخت وضعیت فکری آن بزرگوار بوده و دستاویزی برای نسبت جنون باقی نمی گذارد.

3- آثار معاشرت پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 18 - 12

12 - برخورد شایسته با مردم، محبت خداوند را در پی دارد.

ص: 16

و لاتصغر خدك للناس . . . إن الله لا يحب كل مختال فخور

4- آداب معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 16, 18, 4

4 - با مردمان به نیکی سخن گفتن و معاشرت نیکو داشتن ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

«حسناً» مصدر است به معنای وصف (حَسَنًا = نیکو) این کلمه می تواند صفت برای مفعول مطلق و جانشین آن باشد؛ یعنی: «قولوا للناس قولاً حسناً؛ با مردم سخن نیکو بگویند». در المیزان آمده که جمله مذکور کنایه از معاشرت نیک است.

6 - گفتار نیک و معاشرت نیکو با سایر اقوام و ملت ها ، میثاق خدا با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

مراد از «الناس» می تواند همان اسرائیلیان باشد و می تواند اقوام و ملت های دیگر هم باشد. برداشت فوق مبتنی بر دومین احتمال است.

16 - معاشرت نیکو با همگان حتی با کافران ، از وظایف اهل ایمان است .

و قولوا للناس حسناً

مراد از «الناس» می تواند افراد همان ملتی باشد که مخاطب جمله «قولوا» است و می تواند مراد از آن افراد ملت های دیگر باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

18 - معاشرت نیکو با مردم اقامه نماز و ادای زکات ، از مصداق های اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت . . . و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوة و آتوا الزكوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 9, 12

9 - ورود به خانه از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، نه از آداب حج است و نه رفتار نیکو برای حاجیان

و ليس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

12 - ترک سنت جاهلی و ورود به خانه های از راه های متعارف آن ، فرمان و توصیه خدا به مسلمانان

لیس البر . . . و أتوا البيوت من أبوابها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 220 - 11

11 - لزوم حفظ شخصیت ایتام ، با رفتار و برخورد برادرانه با آنان

و ان تخالطوهم فاخوانکم

از اینکه خداوند به جای هر معیار دیگری در برخورد با ایتام، از برادری سخن گفته است، احتمالاً کنایه از پرهیز از رفتارهای ترحم و یا تحقیرآمیز باشد که موجب از بین رفتن شخصیت آنان می شود.

ص: 17

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 24

24 - لزوم پرهیز از معاشرتهایی که خطر کفر و انحراف دارد و مایه درآمدن به جهنم است .

و لا تنكحوا... و لا تنكحوا... اولئك يدعون الى النار

با توجه به عمومیت تعلیل: اولئك يدعون الى النار، و شمول آن نسبت به موارد غیر ازدواج.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 1,2,5,7

1 - ارزش و برتری گفتار پسندیده و عفو و گذشت، نسبت به بخششی که آزار به دنبال دارد .

قول معروف و مغفره خیر من صدقه يتبعها اذی

2 - لزوم رعایت برخورد نیکو با نیازمندان در گفتار و رفتار

قول معروف و مغفره خیر

5 - ارزشمندی سخن نیک با مردم و پرده پوشی اسرار آنان در برخورد های اجتماعی

قول معروف و مغفره خیر

7 - حفظ و پاسداری شخصیت انسان ها، از ارزش های اساسی اسلام

قول معروف و مغفره خیر من صدقه يتبعها اذی

با توجه به ضرورت برخورد نیکو و پرده پوشی اسرار نیازمندان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 21

21 - عفو و عطوفت از وظایف مدیران و والیان جامعه

و اعف عتًا و اغفر لنا و ارحمنا و انت مولینا

چون جمله «انت مولینا» به منزله علت برای جمله سابق است، می توان نتیجه گرفت که هر کس نسبت به دیگری نحوی از ولایت را به اذن

خداوند دارا باشد، باید عفو و .. را نسبت به او اعمال کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 75 - 4

4- لزوم برخورد واقع بینانه و منصفانه با مردم (دوست و دشمن)

و من اهل الكتاب من ان تأمنه

قرآن، کافران اهل کتاب را در آنجا که صفتی ممدوح داشته اند، ذکر کرده و آنان را ستوده، و این درسی برای مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 134 - 9

9- اهتمام اسلام به سالم سازی روابط متقابل افراد در جامعه

ص: 18

الَّذِينَ يَنْفَقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 5

5 - خُلِقَ وَ خَوِيَ خَوْشٍ وَ مَدَارَىٰ بِأَ مَرْدَمِ ، بِرِخَاسْتِهِ اَز رَحْمَتِ اِهْيِ

فَبِمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 5.8

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 8 - 4

4 - لزوم رعایت ادب در گفتار

وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

«قول معروف»، به معنای گفتاری است که در شرع و عرف مردم پسندیده باشد، که از آن به گفتار مؤدبانه تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 9 - 11

11 - لزوم برخورد نیک و گفتار صواب و متین با یتیمان

وَلِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 36 - 23

23 - لزوم حسن معاشرت در روابط اجتماعی

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- اهمیت روابط عاطفی و اخلاقی و برخورد های نیکو در جامعه اسلامی

و اذا حیّتم بتحیه فحیّوا باحسن منها او ردّوها

توصیه خداوند به پاسخگویی بهتر در برابر درود و تحیت دیگران، برای ایجاد روابط عاطفی و اخلاقی در جامعه اسلامی است.

6- لزوم پاسخگویی بهتر یا برابر به نیکی دیگران

و اذا حیّتم بتحیه فحیّوا باحسن منها او ردّوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - لزوم قطع پیوند ، با کسانی که رابطه دوستی با یهود و نصارا برقرار می سازند .

لا تتخذوا اليهود و النصرى أولياء .. و من يتولهم منكم فانه منهم

جمله «فانه منهم» می رساند که هر مسلمانی که پذیرای ولایت یهود و نصارا باشد و یا با آنان روابط دوستانه برقرار کند، از زمره آنان خواهد بود و جمله «و لاتتخذوا ..» دلالت می کند که نباید با وی رابطه دوستی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که حتی برخی از احکام و شعایر دین را به بازی گرفته و مورد تمسخر قرار می دهند . *

لا تتخذوا الذین .. و إذا نادیتم إلی الصلوة اتخذوها هزواً ولعباً

تحریم دوستی با استهزا کنندگان نماز پس از تحریم دوستی با استهزا کنندگان دین، می تواند گویای این نکته باشد که تمسخر هر یک از احکام اسلام، مصداق استهزای دین است و همان حکم (حرمت ایجاد روابط) را در پی خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- سلام کردن ، از آداب معاشرت با مردم به هنگام وارد شدن بر آنان

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشرى قالوا سلماً

9- تهیه غذا برای مهمانان ، از آداب معاشرت و خصلتی نیکوست .

فما لبث أن جاء بعجل حنید

14- استفسار نکردن از مهمان درباره تهیه غذا و نوع آن و درنگ نکردن در آماده کردن و آوردن آن ، از آداب مهمان نوازی است .

فما لبث أن جاء بعجل حنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- گوش سپاری به فرمان ها و خواسته های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

فأرسل معنا أخانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 68 - 4

4- گوش سپاری به فرمان های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 2,3,5

2- یوسف (ع) برای استقبال از پدر و مادر، برادران و سایر بستگانش، از شهر مصر بیرون رفت.

ص: 20

فلما دخلوا علی یوسف . . . قال ادخلوا مصر

جمله «ادخلوا مصر» (به مصر وارد شوید) گویای این است که یوسف(ع) در خارج شهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

3- به استقبال پدر، مادر و بستگان رفتن و در خارج شهر به انتظار قدم آنان ماندن، رسمی نیکو و از آداب معاشرت است.

فلما دخلوا علی یوسف . . . قال ادخلوا مصر

5- یوسف (ع) در بیرون شهر مصر، جایگاهی را برای مراسم استقبال از خاندانش تدارک دید.

فلما دخلوا علی یوسف

جمله «آن گاه که بر یوسف(ع) وارد شدند» (فلما دخلوا علی یوسف) می رساند که یوسف(ع) در ساختمان و یا چادرهایی منزل گرفته بود. در غیر این صورت واژه ورود و دخول جایگاهی نداشت؛ بلکه کلمه ملاقات و مانند آن مناسب می نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 2

2- سلام کردن به هنگام ملاقات و وارد شدن بر یکدیگر، از آداب و اخلاق پسندیده

و تَبْتَهُم عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ . إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 6

6- تعرّض و اهانت به مهمان دیگران، عملی ناپسند و ممنوع است.

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تقضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 6

6- حفظ حرمت مهمان و دفاع از آن در برابر تجاوز دیگران، تکلیفی برعهده میزبان

قال إن هؤلاء ضيفي . . . واتقوا الله ولا تخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 7

7- رعایت ادب در برخورد با عقاید و مقدسات دیگران - هر چند باطل باشد - امری پسندیده است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

کاربرد کلمات «الذین» و «هم» - که در ذوی العقول استعمال می شوند - برای معبودهای مشرکان - که معمولاً از سنگ، چوب و .. بوده اند - می تواند اشاره به نکته یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 23 - 16

16- برخورد عاطفی و مؤدبانه ، با پدر و مادر و تکریم آنان به هنگام سخن گفتن با ایشان ، تکلیفی برعهده فرزندان

ص: 21

فلاتقل لهما أفّ . . . وقل لهما قولاً كريماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 24 - 10

10- انسان باید از مربی خویش قدردانی و برای او از خداوند طلب رحمت کند .

ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 4

4- لزوم برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر و معذرتی شایسته ، در صورت عدم امکان ادای حق ایشان

وآت ذالقریبی . . . و إمّا تعرضنّ عنهم ... فقل لهم قولاً میسوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 53 - 3,4

3- لازمه عبودیت انسان برای خدا ، داشتن برخورد نیک با دیگر بندگان اوست .

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

ذکر وصف «عبادی» می تواند اشاره به مطلب فوق باشد.

4- خداوند ، خواهان موضع گیری شایسته و سخن نیک انسان ، در قبال گفتار و برخورد های ناشایست دیگران

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

در آیات قبل ، سخن ناروای کافران در مسحور خواندن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ذکر شده است و در این آیه می فرماید: «شما بهترین را بگوئید». از مجموع این فرازها برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 9

9- خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در برخورد مناسب با اختلاف آرای مردم ، تعلیم می دهد .

قل ربی أعلم بعدتهم .. فلاتمار فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 8

8- همراه شدن با خدمت کاران در تناول غذا و مدّ نظر داشتن تلاش و خستگی آنان ، لازم است .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 5

ص: 22

5- تبریک و شادباش گفتن به مادر پس از تولد نوزاد، کاری پسندیده است.

و قرّی عیناً

چشم روشنی گفتن به مریم(س) از هر ناحیه ای که صورت گرفته باشد، نشان از و مطلوب بودن آن، در پی زایمان مادران و به دنیا آوردن فرزند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 10

10- لزوم رعایت ادب و ملاحظت در گفتار با پدر، اگر چه مشرک باشد. *

يَأْتِ . . . يَأْتِ إِيَّيْهِ أَخَافُ أَنْ يَمْسُكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 13

13- خوش گفتاری، برخورد نیک و سعه صدر با جاهلان، بدگویان و مخالفان، شیوه ای نیکو و روشی ابراهیمی است.

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

بیان عمل و گفتار حضرت ابراهیم(ع) و امر به یادآوری آن، دلالت بر نیکویی آن عمل و روش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 14 - 3

3- معرفی خود به مخاطب در آغاز گفت و گو، از آداب مکالمه و هم صحبت شدن با دیگران است.

يَمُوسَى . . . إِيَّيْهِ أَنَا اللَّهُ

خداوند با ندای «یا موسی» به او فهماند که نام وی را می داند، آن گاه در نخستین سخنان خود با موسی(ع)، خود را به او معرفی کرد تا گفت و گو با شناخت طرفین ادامه یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 10, 2, 4, 5, 6, 1

1 - ورود ناگهانی و بدون آشنایی دادن و انس قبلی ، به محل سکونت و خانه دیگران ، ممنوع است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا

برداشت یاد شده، براساس این مبنا است که «استئناس» (مصدر «تستأنسوا») از ماده «انس» (در مقابل وحشت) باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: شخص وارد شونده در ابتدا باید از راه اجازه خواستن و غیره با صاحب خانه مأنوس شود، آن گاه وارد خانه گردد تا موجب وحشت و اضطراب خود و دیگران نشود.

2 - ورود به خانه و محل سکونت دیگران ، بدون اطمینان از وجود صاحب آن و اجازه از او ، ممنوع است .

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا

برداشت فوق، بر این مبنا است که «استئناس» (مصدر «تستأنسوا») استفعال از «آنس إذا أبصر» و به معنای استعلام و استکشاف باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: «وارد خانه کسی نشوید تا آن که از وضعیت و احوال صاحب خانه باخبر شوید که معمولاً این استعلام همراه با استیذان (اجازه خواستن) است».

ص: 23

4- ورود به محل سکونت و خانه دیگران پیش از سلام کردن به اهل آن، ممنوع است.

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

5- اذن خواستن و سلام کردن، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا

6- ورود به محل سکونت و خانه دیگران - هر چند با اجازه باشد - نباید همراه با تکلف، تحمیل و احساس سنگینی برای صاحب آن باشد.

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

برداشت یاد شده از تعبیر «تستأنسوا» به جای «تستأذنوا» و دستور به سلام کردن - که پیام آور دوستی و صفا است - استفاده می شود.

10- ورود افراد به خانه و محل سکونت خودشان به طور ناگهانی جایز است.

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم... لعلکم تذکرون

از قید «غیر بیوتکم» استفاده می شود که شرایط ورود به خانه افراد (مثل اذن ورود گرفتن و سلام کردن) مربوط به خانه های دیگران است و خانه های شخصی افراد چنین شرایطی را ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 28 - 1,2,3,4,5,6,9

1- ورود به خانه و محل سکونت دیگران با علم به این که کسی در آن نیست، ممنوع است.

فإن لم تجدوا فیها أحداً فلاتدخلوها

2- ورود به خانه و محل سکونت دیگران به هنگام نیافتن کسی در آن، با کسب مجوز شرعی یا قانونی، جایز است.

فإن لم تجدوا فیها أحداً فلاتدخلوها حتی یؤذن لکم

مجهول آمدن فعل «یؤذن» - بدون ذکر فاعل (اجازه دهنده) - می تواند حاکی از این نکته باشد که برای ورود به خانه دیگران، یک نوع مجوزی لازم است؛ چه آن مجوز ناشی از قوانین متعارف باشد و چه از ناحیه شرع.

3- مؤمنان در صورت مواجه شدن با بی میلی صاحب خانه و درخواست مراجعت، باید عذر او را موجه دانسته و بازگردند.

فإن لم تجدوا فیها أحداً فلاتدخلوها حتی یؤذن لکم

4 - توقف در کنار درب خانه و محل سکونت دیگران ، به هنگام مواجه شدن با بی میلی صاحب آن و درخواست مراجعت ، ممنوع است

وإن قیل لکم ارجعوا فارجعوا

5 - پذیرفتن میهمان و اجازه ندادن به کسی برای ورود به خانه و محل سکونت خود ، جایز است .

وإن قیل لکم ارجعوا فارجعوا

6 - پذیرفتن عذر صاحب خانه و تحمیل نکردن خود بر او و انصراف از ورود به خانه وی ، نشانه رشد و بالندگی است .

وإن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هوأزکی لکم

«زکاه» (مصدر «أزکی») هم به معنای «نمو و رشد» و هم به معنای «طهارت و پاکی» است. برداشت فوق، مبتنی بر معنای نخست است.

9 - رشد و طهارت ، ملاک های گزینش نحوه زندگی و اساس تنظیم آداب و روابط اجتماعی است .

وإن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هوأزکی لکم

ص: 24

جمله «هو اذکی لکم» برای تعلیل احکام مربوط به آداب ورود به خانه های دیگران است؛ ولی این تعلیل از نوع تعلیلی است که موجب تعمیم حکم می شود. بنابراین هر رفتاری که موجب رشد و پاکی انسان شود، امری پسندیده و بایسته است که باید ملاک گزینش هر نوع رفتاری قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 -

2,3,5,6,7,8,10,11,13,14,15,24

2 - بردگان ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت صاحبان خود ، در سه وقت اذن بطلبند : 1- پیش از نماز بامداد ، 2- به وقت استراحت نیمروزی (ظهر) ، 3- پس از نماز عشا (هنگام خواب شب) .

لیستندنکم الذین ملکت ایمنکم .. ثلث مرّت من قبل صلوه الفجر و حین تضرعون ثیابکم

3 - فرزندان نابالغ ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان ، اجازه بگیرند .

لیستندنکم .. الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... ثلث عورت لکم

5 - پدران و مادران ، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت (چون برهنگی و ...) در انتظار فرزندان نشان ظاهر شوند .

لیستندنکم .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم و من بعد صلوه العشاء ثلث عورت لکم

از این که فرزندان ممنوع شدند که بدون اذن، وارد اتاق و محل استراحت پدران و مادرانشان (در سه وقتی که نوعاً والدین در حال برهنگی و خلوت و متناسب با وضعیت خواب قرار دارند) شوند، می توان استفاده کرد که والدین هم نباید با چنین وضعیتی بر فرزندان نشان وارد شوند. گفتنی است: مفهوم جمله «لیس علیکم و لا علیهم جناح؛ نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست» مؤید برداشت یاد شده است؛ زیرا معلوم می شود که در اوقات سه گانه، جناح (گناه) خواهد بود.

6 - آگاه نشدن فرزندان از وضعیت متناسب با خواب و استراحت (حالت برهنگی و خلوت) پدران و مادران در اتاق هایشان ، فلسفه و حکمت تشریح حکم اذن گرفتن فرزندان برای دیدار با والدین است .

لیستندنکم .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... و من بعد صلوه العشاء ثلث عورت لکم

جمله «ثلاث عورات لکم» استینافیه بیانیه است و بیانگر علت تشریح حکم اذن گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق و محل استراحت والدین خویش است.

7 - زنان و مردان مؤمن ، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت ، در انتظار خدمت کاران خویش ظاهر شوند .

لیستندنکم الذین ملکت ایمنکم .. من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

8 - آگاه نشدن خدمت کاران از وضعیت متناسب با خواب و استراحت (برهنگی و خلوت) صاحبان خود در اتاق هایشان، فلسفه و حکمت تشریح حکم اذن گرفتن آنان برای دیدار با صاحبان خویش

ليستئذنکم الذین ملکت أيمنکم .. من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

10 - رفت و آمد خدمت کاران به اتاق صاحبان خود، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر، استراحت نیمروزی و هنگام خواب شب، بدون اذن جایز است .

ليستئذنکم الذین ملکت أيمنکم .. من قبل صلوه الفجر ... ليس عليكم و لا عليهم جنا

11 - رفت و آمد فرزندان به اتاق پدر و مادر، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر، وقت استراحت نیمروزی و پس از نماز عشا، بدون اذن جایز است .

ليستئذنکم .. و الذین لم يبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... ليس عليكم و

13 - هرگونه رفتاری که موجب تحریک جنسی فرزندان نابالغ و ممیز (بلوغ زودرس) شود، ممنوع است .

ليستئذنکم .. و الذین لم يبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه العشاء ... ليس علیکم

با توجه به فلسفه و حکمت اذن گرفتن فرزندان نابالغ، برای ورود به محل خواب و خلوت پدر و مادرشان و نیز لزوم پرهیز والدین از ظاهر شدن با چنین وضعیتی در انظار فرزندان خویش، می توان گفت که هرگونه تحریک جنسی فرزندان (بلوغ زودرس) ممنوع است و مورد آیه خصوصیتی ندارد.

14 - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین، برای رفت و آمد نزدیک با آنان در غیر از سه وقت مقرر است.

ليستئذنکم .. ثلث عورت لکم ليس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

جمله «طوّفون علیکم..» جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است؛ یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

15 - ضرورت معاشرت تنگاتنگ خدمت کاران با صاحبان خود و مشقت اجازه خواستن، فلسفه و دلیل لازم نبودن اذن خواستن برای رفت و آمد نزدیک آنان در غیر از سه وقت مقرر

ليستئذنکم .. ثلث عورت لکم ليس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

24 - «عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزّوجلّ: «الذین ملکتم ایمانکم» قال هی خاصه فی الرجال دون النساء؛

امام صادق(ع) در باره سخن خداوند - عزّوجلّ - «... لیستئذنکم الذین ملکتم ایمانکم...» فرمود: این حکم برای غلامان است نه کنیزان».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 59 - 2، 1

1 - کودکان، به مجرد رسیدن به سن بلوغ، باید برای ورود به اتاق خلوت و خوابگاه پدر و مادرشان در همه اوقات، اذن بگیرند.

ليستئذنکم .. و الذین لم يبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... و إذا بلغ الأطفل منکم

2 - کودکان، به مجرد رسیدن به سن بلوغ، باید برای ورود به اتاق و محل سکونت پدر و مادرشان از آنان اذن بگیرند.

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فليستئذنوا کما استئذن الذین من قبلهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از «الذین من قبلهم» افراد بالغی باشند که تکلیف آنان در آیه 27 و 28 ذکر شده است؛ یعنی، همان گونه که بزرگسالان باید برای ورود به اتاق و منزل مسکونی افراد اجازه بگیرند، اطفالی که به سن بلوغ رسیده اند نیز، باید اذن

بطلبند؛ هر چند اهل خانه و ساکنان منازل، پدر و مادر آنان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 19,24,25,36,39,40

19 - ناینایان، لنگ ها و مریضان، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز با خویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه، غذا میل کنند.

ليس على الأعمى حرج... ولا على أنفسمك أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت آبائكم... أ

24 - سلام کردن به یکدیگر به هنگام ورود به خانه ها، توصیه خداوند به همه مسلمانان

فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم

25 - سلام کردن، از آداب معاشرت و رفت و آمد و مهمانی میان مسلمانان

ص: 26

فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم

36 - « عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزّوجلّ: « أو مملكتكم مفاتحه » قال: الرجل يكون له وكيل يقوم في ماله فيأكل بغير إذنه;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در باره سخن خدای - عزّوجلّ - «أو ما ملکتم مفاتحه» فرمود: این مانند آن است که شخص، وکیلی دارد که اداره مال او در دست وی است. او می تواند بدون اجازه صاحب مال از آن بخورد».

39 - « عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزّوجلّ: « أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم » قال: هؤلاء الذين سمى الله عزّوجلّ في هذه الآية تأكل بغير إذنه من التمر والمأدوم . . . فأما ما خلا ذلك من الطعام فلا;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای - عزّوجلّ - «أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم» فرمود: افرادی که خداوند - عزّوجلّ - در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشیشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید».

40 - « أبي الصباح قال: سألت أبا جعفر (ع)، عن قول الله عزّوجلّ: فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم . . . » فقال: هو تسليم الرجل على أهل البيت حين يدخل ثم يردون عليه، فهو سلامكم على أنفسكم;

ابوالصباح از امام باقر(ع) پرسید: این که خداوند فرموده است: «فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم» مراد چیست؟ فرمود: مراد این است که شخص، هرگاه وارد خانه شود، بر اهل خانه سلام کند. پس آنان جواب سلام او را می دهند. پس آن سلام شما بر خودتان است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 63 - 14، 5، 4

4 - مسلمانان صدر اسلام به ننگه داری حرمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در گفتارشان موظف و از صدا زدن آن حضرت، همچون صدا زدن دیگر مردمان، ممنوع بودند.

لاتجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که اضافه «دعا» به «الرسول» اضافه مصدر به مفعول باشد؛ یعنی، دعوت و صدا زدن شما پیامبر(صلی الله علیه و آله) را. . .

5 - ننگه داری حرمت رهبر جامعه اسلامی و رعایت ادب در گفتار با آنان، امری لازم و بایسته

لاتجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضاً

آیه شریفه، درباره پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) است؛ ولی چون نام ایشان به عنوان ولی امر مسلمین یاد شده است (و إذا كانوا معه على أمر جامع . . .) می توان آن را درباره تمامی رهبران جامعه اسلامی تسری داد و شامل کسانی دانست که ولایت امری مسلمین را برعهده دارند.

14 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « لاتجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضاً » يقول : لاتقولوا : يا محمد (صلى الله عليه وآله) ولا يا أبا القاسم لكن قولوا يا نبى الله ويا رسول الله . . . » ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا «لاتجعلوا دعاء الرسول كدعاء بعضكم بعضاً» روايت شده است كه [رسول خدا(صلى الله عليه وآله)] را با اسم و كنيه نخوانيد و نگوويد «يا محمد»، «يا أبا القاسم» ولكن [با احترام] بگوويد: «يا نبى الله» و «يا رسول الله» . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - لقمان - 31 - 18 - 6,3,2

ص: 27

2 - سفارش لقمان به پرهیز از منش متکبرانه و گردن فرازی کردن، جلوه ای از حکمت او است .

و لقد آتینا لقمن الحکمه .. إذ قال ... و لا تصعّر خدک للناس

3 - مراعات و حقوق مردم، در برخورد اخلاقی، دارای اهمیتی ویژه است .

و لا تصعّر خدک للناس

«لام» در «لنّاس» برای تعلیل است؛ یعنی، روی خود را متکبرانه به خاطر اعراض از مردم، برنگردان. چنین دستوری حکایت از آن دارد که مردم، در برخورد اخلاقی، دارای حقوق لازم الرعایه اند.

6 - انسان، نباید حرکت خویش را براساس خوشی و سرمستی سامان دهد .

و لا تمش فی الأرض مرحاً

بنابراین احتمال که «مرح» مفعولّ له برای فعل «تمش» باشد، معنای یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 2

2 - ارزش مبادرت به سلام، هنگام ورود بر دیگران

إذ دخلوا علیه فقالوا سلماً

مطلب بالا، با توجه به این نکته است که خداوند، ابتدا وصف «مکرم» را برای میهمانان ابراهیم(ع) آورده و سپس نخستین عمل آن میهمانان شریف (سلام به هنگام ورود) را یاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 11 - 11، 6، 1

1 - باز کردن جا برای دیگران در مجالس، از آداب نیکوی معاشرت و روابط اجتماعی است .

يأئها الذين ءامنوا إذا قيل لكم تفسّحوا في المجلس فافسّحوا

6 - برخاستن از مجالس و جای خویش را به دیگران دادن، از آداب نیکو در معاشرت و روابط اجتماعی

و إذا قيل انشزوا فانشزوا

11 - برخاستن از جای خویش در مجالس و قرار دادن آن در اختیار دیگران ، برای دانشمندان و فرهیختگان بسی زینده تر از دیگران است

فانشزوا یرفع الله الذین ءامنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجت

با این که تعبیر «الذین آمنوا» شامل عالمان نیز می شود، اختصاص به ذکر عالمان گویای این حقیقت است که رعایت آداب معاشرت، از هر مؤمنی پسندیده است و از عالمان مؤمن پسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 2 - 4

4 - آگاه نشدن شخص از اظهار انزجار و ناراحتی دیگران ، مجوز چنین رفتاری با وی نیست و از زشتی آن نمی کاهد .

عبس و تولی . أن جاء الأعمی

با آن که فرد نابینا، گرفتگی چهره را مشاهده نمی کرد؛ ولی آیه شریفه آن رفتار را نکوهیده خوانده و فاعل آن را مذمت کرده است.

ص: 28

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 10 - 3

3 - ترجیح اشراف بر دیگران در تبلیغ دین و برخورد دو گانه تبعیض آمیز در معاشرت با مردم ، مذموم است .

أما من استغنى . فأنت له تصدّى ... فأنت عنه تلّهی

5- احکام معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 6، 3، 1

1 - بر کسانی که از همنشینی با بیهوده گویان درباره قرآن و اسلام پرهیز می کنند، ولی بناچار سخنان آنها را می شنوند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

در این برداشت، «یتقون» به معنای لغوی آن گرفته شده است.

3 - بر کسانی که در همنشینی با مغالطه گران درباره قرآن و اسلام از بحث پرهیز نموده و سعی در بازداشتن دیگران کنند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری

در این برداشت، «یتقون» به معنای لغوی آن و متعلق آن «خوض» گرفته شده است. علاوه بر این که «ذکری» نیز مفعول مطلق برای فعل

محذوف «یذکرونهم» فرض شده است؛ یعنی: «یتقون الخوض و لکن یذکرونهم ذکری».

6 - همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام نپردازند، حرام نیست.*

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل «یتقون» کافران، و مرجع ضمیر «حسابهم» خوض کنندگان فرض شده است؛ یعنی حساب کافرانی که از خوض پرهیز می

کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

6- ارزش معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 17 - 6

6 - ارزشمندترین رابطه مردم با یتیمان ، بها دادن به شخصیت آنان و اکرام و احترام به ایشان است .

آیه شریفه، عنایتی ویژه به احترام یتیمان دارد؛ به گونه ای که گویا اولین انتظار آنان از جامعه، درک شخصیت آنها و بها دادن به آن است.

7- اهمیت آداب معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 26

26 - پیوند خویشاوندی و دوستی و ارتباطات نزدیک، نباید موجب سهل انگاری در رعایت ادب اسلامی و آداب معاشرتی میان خویشاوندان و دوستان گردد.

لیس علی الأعمی حرج . . . و لا علی أنفسکم آن تأکلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم ... فإ

برداشت یاد شده به خاطر این است که غالباً پیوند دوستی و خویشاوندی، سبب سهل انگاری در رعایت ادب فیما بین می شود. از این رو می توان گفت: خداوند توصیه فرمود که مسلمانان به هنگام ملاقات با دوستان و خویشاوندان خود، سلام کنند و....

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 5 - 5

5 - اهمیت آداب اجتماعی در نگاه دین

لاترفعوا أصوتکم . . . و لو أنهم صبروا ... لکان خیراً لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 11 - 9

9 - برخاستن از جای خویش و قرار دادن آن در اختیار دیگر مؤمنان، مایه بالا رفتن درجات انسان و تقرب و نزدیکی او به خداوند است.

فانشزوا یرفع الله الذین ءامنوا منکم . . . درجت

برخی از مفسران «ارتقاع درجات» را کنایه از تقرب به خداوند دانسته اند. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 1 - 3

3 - لزوم آگاهی از شیوه صحیح برخورد های اجتماعی و پرهیز از برخورد نامناسب با مردم

عبس و تولی

8- اهمیت معاشرت پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 53 - 12، 4

4- خداوند ، خواهان موضع گیری شایسته و سخن نیک انسان ، در قبال گفتار و برخورد های ناشایست دیگران

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

در آیات قبل، سخن ناروای کافران در مسحور خواندن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ذکر شده است و در این آیه می فرماید: «شما بهترین را بگویید». از مجموع این فرازها برداشت فوق استفاده می شود.

ص: 30

12- به کارگیری کلمات نیک و رفتار شایسته ، مانع نفوذ شیطان و از بین برنده زمینه های اختلاف و خصومت است . *

وقل لعبادی یقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم

بنابر اینکه امر الهی به گفتار نیک، به منظور پیشگیری از نفوذ شیطان باشد، این برداشت به دست می آید.

9- تبیین مذمومیت معاشرت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 18 - 9

9- تبیین فلسفه مذمومیت رفتار های اخلاقی ، برای تفهیم دقیق آن از شیوه های تربیتی قرآن کریم است .

ولا تصعّر خدک للناس و لاتمش فی الأرض مرحاً إنّ الله لایحبّ کلّ مختال فخور

10- تعلیم آداب معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 1

1 - پدر و مادر ، وظیفه دارند که آداب و چگونگی ورود به اتاق و محل استراحت خود را به فرزندان نابالغ خویش بیاموزند .

یأیها الذین ءامنوا لیستذنکم الذین ملکت أیمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ث

فعل امر «لیستذنکم» هر چند در ظاهر متوجه بردگان و فرزندان نابالغ است؛ ولی به قرینه این که خطاب «یأیها الذین آمنوا» متوجه پدران و مادران مؤمن است و نیز چون فرزندان نابالغ مکلف نیستند تا بشود به آنان امر و نهی کرد، از این رو این امر متوجه اولیای فرزندان خواهد بود که آنان باید محتوای این دستور را به فرزندان خویش بیاموزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 9

9- آموزش اخلاق و آداب معاشرت ، از وظایف پدر درباره فرزند خویش است .

یینی ... و لاتصعّر خدک للناس ... و اغضض من صوتک

11- تهدید نارکان آداب معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - کسانی که در ورود به خانه و محل سکونت دیگران آداب مورد توصیه خدا را رعایت نکنند، به مجازات الهی تهدید شده اند.

وإن قيل لكم ارجعوا فارجعوا هو أزكى لكم و الله بما تعملون علیم

ص: 31

جمله «و الله بما تعملون علیم» - که علم همه جانبه الهی را به بشر یادآور می شود - هشدار می دهد که کسانی که احکام یاد شده را رعایت نمی کنند.

12- حسن معاشرت با مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 27 - 5

5 - آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت ، فرونشاندن اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَأْتِيهَا النَّفْسَ الْمَطْمَئِنَّةَ

توصیف «نفس» به «مطمئن» - در قیامت - ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

13- حسن معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 27 - 5

5 - آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت ، فرونشاندن اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَأْتِيهَا النَّفْسَ الْمَطْمَئِنَّةَ

توصیف «نفس» به «مطمئن» - در قیامت - ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

14- حلم در معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 134 - 4

4 - تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتر داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

اعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَنْقُوتُونَ ... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ

15- خیریت آداب معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 8

ص: 32

8 - خودداری از ورود به محل سکونت و خانه دیگران ، بدون اجازه و سلام کردن ، به خیر و صلاح جامعه است .

لا تدخلوا بيوتنا غير بيوتكم حتى تستأنسوا . . . ذلکم خیر لکم

16- روش معاشرت با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 5 - 4

4 - تعلیم ادب از سوی خداوند ، به اعراب در معاشرت با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لا تقدّموا . . . لا ترفعوا . . . و لا تجهروا له . . . إنّ الذین یغضّون . . . ولو أنّهم ص

17- زمینه معاشرت پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 53 - 3

3- لازمه عبودیت انسان برای خدا ، داشتن برخورد نیک با دیگر بندگان اوست .

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

ذکر وصف «عبادی» می تواند اشاره به مطلب فوق باشد.

18- سابقه در معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 21 - 4

4 - لزوم توجه و احترام به سوابق معاشرت

وقد افضی بعضکم الی بعض

بنابر اینکه مراد از «وقد افضی»، پیوند معاشرتی باشد.

19- سرزنش معاشرت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- تبیین فلسفه مذمومیت رفتار های اخلاقی ، برای تفهیم دقیق آن از شیوه های تربیتی قرآن کریم است .

ولا تصعّر خدک للناس ولا تمش فی الأرض مرحًا إنّ الله لایحبّ کلّ مختال فخور

ص: 33

20- صبر در معاشرت با فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 6

6- معاشرت و ملازمت با اقشار محروم جامعه ایمانی، در پی دارنده مشکلات و نیازمند صبر و شکیبایی است.

و اصبر نفسک

21- عفو در معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 134 - 4،7

4 - تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی، از ویژگی های اهل تقوا

أعدت للمتقين. الذين ينفقون... والكاظمين الغيظ والعافين عن الناس

7 - انفاق مستمر (انفاق در هر شرایط)، مهار کردن خشم و گذشت از لغزش های مردم، از مصادیق احسان و نیکوکاری

الذين ينفقون في السراء والضراء والكاظمين الغيظ والعافين عن الناس وال

مراد از «و الله يحب المحسنين»، این است که خداوند دارندگان صفات ذکر شده در آیه را دوست دارد یعنی: و الله يحبهم. ولی به جای ضمیر، کلمه «المحسنين» به کار رفته تا در ضمن، اشاره کند که موارد یاد شده از مصادیق نیکوکاری است.

22- عوامل معاشرت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 18 - 11

11 - برخی رفتار های اخلاقی، ریشه در درون انسان دارد.

ولا تصعر خدك للناس ولا تمش في الأرض مرحًا إن الله لا يحب كل مختال فخور

با توجه به ریشه «مختال» - که پندار و خیال گرایی است - نکته بالا به دست می آید.

23- مشکلات معاشرت با فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 6

6- معاشرت و ملازمت با اقشار محروم جامعه ایمانی ، در پی دارنده مشکلات و نیازمند صبر و شکیبایی است .

ص: 34

24- معاشرت با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 9

9 - جواز معاشرت و مبادله با اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم و طعامکم حل لهم

بدان احتمال که مراد از جمله «طعام الذین . . .»، جواز دادن طعام و گرفتن طعام از اهل کتاب باشد. مصداق روشن این مفهوم، داد و ستد و مبادله طعام است و به نظر می رسد که طعام خصوصیتی نداشته باشد.

25- معاشرت با بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 26

26 - اهل کتاب با جامعه مسلمانان صدر اسلام برخورد و حشر و نشر نداشتند .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّٰه بأمره إن اللّٰه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 6

6 - همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام نپردازند، حرام نیست. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل «یتقون» کافران، و مرجع ضمیر «حسابهم» خوض کنندگان فرض شده است؛ یعنی حساب کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

26- معاشرت با سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 14

14 - لزوم برخورد شایسته و سازنده در گفتار و رفتار با سفیهان

وقولوا لهم قولا معروفاً

در برداشت فوق کلمه «قولاً» به معنای کنایی آن، یعنی مطلق معاشرت (سخن و رفتار)، گرفته شده است.

ص: 35

27- معاشرت با فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 2

2 - لزوم رعایت برخورد نیکو با نیازمندان در گفتار و رفتار

قول معروف و مغفره خیر

28- معاشرت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 140 - 10

10 - جواز معاشرت و مجالست با کافران ، آنگاه که آیات الهی را استهزا نکنند و سخنانشان کفر به آیات الهی نباشد .

فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

مفهوم جمله «حتی یخوضوا...»، جواز معاشرت با شرط ذکر شده است.

29- معاشرت با کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 3 - 12

12 - عدم لزوم رعایت مساوات بین کنیزان ، برای مالکان آنان

فان خفتنم الا تعدلوا فواحدة او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا

مراد از مساوات، عدالت و قسطی است که شوهر ملزم به رعایت آن در بین زنان متعدد خویش می باشد.

30- معاشرت با محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 54 - 5

5 - خداوند ، به مسلمانان ، درباره تخلف از دستورهایی که در مورد رفتار با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا همسران اش داده است ،

هشدار داد .

لاتدخلوا بيوت النبي . . . وإذا سألتموهنّ متعاً . . . وما كان لكم أن . . . ولا أن

ص: 36

31- معاشرت با مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 17

17 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) نباید در برخورد با مردم، فقر و غنا و گرسنگی و سیری را ملاک قرار دهد.

ما علیک من حسابهم من شیء و ما من حسابک علیهم من شیء

32- معاشرت با مؤمنان فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 28 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) با تهیدستان مؤمن، معاشرت داشت.

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم

واژه «اصبر» چنان چه دارای مفعول باشد، امر به حبس کردن و تثبیت است. این تعبیر و نیز جمله «لاتعد عیناک عنهم» این نکته را می رساند که شیوه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برخورد با تهیدستان، شیوه ای مطلوب بوده و خداوند، او را به پایداری بر آن و ترک انصراف از دیدار آنان ترغیب می کند.

33- معاشرت با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 9، 5

5 - رفق و مدارا با پدر و مادر و داشتن رفتاری شایسته با آنان در امور دنیوی، امری لازم است.

و صاحبهما فی الدنیا معروفاً

9 - رعایت حال پدر و مادر و معاشرت با آنان، در هر منطقه ای، بسته به رسوم متفاوت آن جا است.

و صاحبهما فی الدنیا معروفاً

«معروفاً» صفت برای مفعول مطلق محذوف فعل «صاحب» است و مراد از آن، چیزی است که به خوبی و نیکی در میان مردم شهرت دارد.

34- معاشرت با والدین مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 7

ص: 37

7- انسان ، به داشتن رفتار نیک با پدر و مادر ، حتی در صورت مشرک بودن آنان موظف است .

وإن جهداک علی أن تشرک . . . وصاحبهما فی الدنيا معروفاً

35- معاشرت با همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 19 - 10,11

10 - وجوب معاشرت پسندیده مردان با همسرانشان

و عاشروهنّ بالمعروف

11 - مرد نباید با همسر خویش ، هر چند مورد پسند او نباشد ، بدرفتاری کند .

و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتموهن

جواب جمله شرطیه «فان کرهتموهن» حذف شده و «عسی ان تکرهوا» جانشین آن شده است. یعنی «فان کرهتموهنّ فایضاً عاشروهنّ بالمعروف عسی ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 21 - 13

13 - زندگی پسندیده با همسر یا آزاد گذاردن وی با رفتار نیک ، پیمان برگرفته زن از مرد به هنگام ازدواج

واخذن منکم میثاقاً غلیظاً

از امام باقر(ع) درباره «میثاق» در آیه فوق چنین نقل شده است که: «المیثاق الغلیظ» هو العهد المأخوذ علی الزوج حاله العقد من امساک بالمعروف او تسریح باحسان.

مجمع البیان، ج 3، ص 42؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 356، ح 11.

36- معاشرت با همسران محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 54 - 5

5 - خداوند ، به مسلمانان ، درباره تخلف از دستورهایی که در مورد رفتار با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا همسران اش داده است ، هشدار داد .

لا تدخلوا بيوت النبي . . . وإذا سألتموهنّ متعاً . . . و ما كان لکم أن . . . و لا أن

ص: 38

37- معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 220 - 4,7,8,9,11,22

4 - ایتم و کیفیت معاشرت با آنان ، از مسائل مورد ابتلا در صدر اسلام

و یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر

فعل مضارع «یسئلونک» دلالت بر استمرار و تکرار سؤال دارد و تکرار سؤال، نشانگر ابتلای جامعه به مورد سؤال است.

7 - جواز هرگونه معاشرت با ایتم بر اساس برادری و اصلاح امور آنان

الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

8 - معاشرت با ایتم ، باید بر اساس برادری دینی باشد .

و ان تخالطوهم فاخوانکم

یعنی بدون اینکه خود را - مثلا - برتر از آنان بدانید و یا آنان را به استضعاف بکشید؛ بلکه همانند رفتار با دیگران، باید برادری بین شما حاکم باشد.

9 - معاشرت و اصلاح امور ایتم ، بهتر از پرهیز از معاشرت با آنان است .

و یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

بنابراینکه «خیر»، افعال التفضیل باشد. گویا مسلمانان به خاطر آیات شدیداللحنی که درباره چگونگی رفتار با ایتم و اموال آنان نازل شده بود از معاشرت با آنان پرهیز داشتند که آیه مزبور، پرهیز را رد کرده و معاشرت برادرانه و دخالت اصلاح طلبانه در امور آنان را تجویز کرده است.

11 - لزوم حفظ شخصیت ایتم ، با رفتار و برخورد برادرانه با آنان

و ان تخالطوهم فاخوانکم

از اینکه خداوند به جای هر معیار دیگری در برخورد با ایتم، از برادری سخن گفته است، احتمالا کنایه از پرهیز از رفتارهای ترحم و یا تحقیرآمیز باشد که موجب از بین رفتن شخصیت آنان می شود.

22 - تحمیل نشدن رنج و مشقت به مردم ، فلسفه تجویز معاشرت با ایتم از سوی خداوند

وان تخالطوهم فاخوانکم . . . ولو شاء الله لاعتکم

38- معاشرت بردگان با همسران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 55 - 5

5- همسران رسول الله ، می توانند بدون داشتن حجاب با بردگان خود روبه رو شده و با آنان سخن بگویند .

وإذا سألتموهنّ متعاً فسنلوهنّ من وراء حجاب . . . لاجنّاح علیهنّ فی . . . ولا ما مل

ص: 39

39- معاشرت پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 12

12 - عُرف (نظر عموم مردم) تعیین کننده معاشرت های پسندیده

و عاشروهنّ بالمعروف

مراد از «معروف»، امری است که مردم در اجتماع خویش به نیکی می شناسند و مورد انکار قرار نمی دهند.

40- معاشرت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 25 - 8

8 - زندگی با فاسقان ، دشوار و ناخوشایند بر بندگان شایسته خداوند

فأفرق بیننا و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 51 - 12

12 - لزوم قطع پیوند ، با کسانی که رابطه دوستی با یهود و نصارا برقرار می سازند .

لا تتخذوا الیهود و النصری اولیاء . . . و من یتولهم منکم فانه منہم

جمله «فانه منهم» می رساند که هر مسلمانی که پذیرای ولایت یهود و نصارا باشد و یا با آنان روابط دوستانه برقرار کند، از زمره آنان خواهد بود و جمله «و لاتتخذوا . . .» دلالت می کند که نباید با وی رابطه دوستی داشت.

41- معاشرت ناپسند با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 15

15 - خداوند به انسان ها درباره لغزش در عقیده و رفتار ناصحیح با والدین ، هشدار می دهد .

وإن جهداك على أن تشرك بي . . . فلا تطعهما و صاحبهما في الدنيا معروفاً و اتبع سب

42- نقش آداب معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

17 - حجرات - 49 - 4 - 6

ص: 40

6- رعایت ادب و حرمت افراد در روابط اجتماعی، نشانگر میزان اندیشه و خرد انسان

إِنَّ الَّذِينَ ينادونك من وراء الحجرت أكثرهم لا يعقلون

از مفهوم «أكثرهم...»، استفاده می شود که هر جا اندیشه باشد، آداب صحیح روابط اجتماعی نیز خواهد بود.

ص: 41

1- معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 198 - 17

17 - جواز خرید و فروش ، در ایام حج ، بعد از خروج از احرام و اتمام مناسک

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم

امام صادق (ع) درباره قول خداوند «لیس علیکم . . .» فرمود: یعنی الرزق اذا احلّ الرجل من احرامه و قضی نسکه فلیشترو لیبع فی الموسم

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 96، ح 262؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 201، ح 1.

2- آثار خیانت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 10 - 3

3 - کم فروشی و خیانت در معامله ، تکذیب عملی روز قیامت است .

ویل للمطفّین . . ویل یومئذ للمکذّبین

آیات مورد بحث درباره «مطفّین» است و آنان را با عناوین «فجّار» و «مکذّبین» تهدید به عذاب الهی می کند. مراد از «یومئذ» همان «یوم یقوم الناس...» است که در آیات پیشین گذشت. تکذیب می تواند، شامل تکذیب عملی و قولی باشد؛ بنابراین آیه اختصاص به کافران ندارد.

ص: 42

3- اجتناب از خیانت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 3

3- خیر و مصلحت واقعی انسان و جامعه ، در اجتناب کردن از کم فروشی و خیانت اقتصادی است .

و أوفوا الكيل . . . وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر

4- احکام معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 4،6

4 - تجارت ، از اسباب نقل و انتقال مشروع اموال

الّا ان تکون تجاره عن تراض منکم

6 - مبادله بدون رضایت طرفین ، باطل است .

الّا ان تکون تجاره عن تراض منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 5 - 8

8 - اطعام اهل کتاب و فروش خوراکی ها به آنان ، امری جایز و مباح

و طعامکم حل لهم

چون اهل کتاب به دستورات قرآن و حلالها و حرامهای آن اعتنایی ندارند، بنابراین حکم به حلّیت طعام مسلمانان برای آنها به این معناست که برای مسلمانان جایز است که طعام خود را در اختیار آنان قرار دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 6،7،8

6 - پرکردن پیمانه ها و مطابق بودن کالا با وزنه های ترازو، امری واجب در مبادله کالاها

«کیل» به معنای پیمانۀ کردن و نیز به چیزی که با آن کیل می کنند (پیمانۀ) گفته می شود و در اینجا مراد معنای دوم است. ایفاء (مصدر اوفوا) به معنای اکمال و اتمام است. اتمام و اکمال پیمانۀ به این است که پیمانۀ مورد استفاده تا حد معمول آن پر شود و ایفاء و اکمال ترازو به این است که کالای توزین شده مطابق با وزنه های ترازو بوده و کمتر از آن نباشد.

7- در مبادله کالا باید از پیمانۀ و ترازو و وزنه های صحیح استفاده کرد.

«میزان» به ترازو و نیز وزنه های آن گفته می شود. «بالقسط» هم می تواند برای «أوفوا» باشد، که در این صورت قیدی توضیحی و برای تأکید است، و هم می تواند قید برای کیل و میزان باشد. یعنی پیمانۀ، ترازو و وزنه ها باید متعادل بوده، پیمانۀ کوچکتر از حد متعارف نباشد و ترازو خراب نبوده و وزنه ها کاستی نداشته باشد.

8- بی عدالتی و کمفروشی در معاملات از محرمات الهی است.

أتل ما حرم ربکم . . . و أفوا کیل و المیزان بالقسط

جمله «أفوا . . .» به دلیل «ما حرم ربکم»، بیانگر مصداقی از محرمات الهی است، بنابراین علاوه بر وجوب عدالت در مبادلات، حکایت از حرمت بی عدالتی و کمفروشی نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 85 - 8

8- کم فروشی و بی مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم، حرام و از مصداق های فسادانگیزی در زمین است .

أفوا المکیال و المیزان . . . و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 1, 2

1- وجوب کامل کردن پیمانانه و کم نگذاشتن از آن، در معاملات کیلی

و أفوا کیل إذا کلتم

2- لزوم به کارگیری ترازوی دقیق و سنگ تمام در سنجش اشیا

وزنوا بالقسطاس المستقیم

«قسطاس» به معنای میزان است که مصداق بارز و روشن آن ترازو برای توزین اشیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 9 - 2

2- حرمت کم فروشی، مغبون ساختن دیگران و کم نهادن سهم طرف مقابل در مبادلات اقتصادی

و أقیموا الوزن بالقسط و لاتخسروا المیزان

5- ارزش صداقت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- درست کاری اقتصادی ، دارای ارزشی برتر از مال داشتن و دارایی

ذلك خير و أحسن تأويلا

ممکن است مفضل عليه «خير»، کم فروشی و خیانت در سنجش کالا- و سود حاصله از آن باشد؛ یعنی، رعایت عدل و انصاف و به کارگیری ترازوی کامل و سود حاصله از آن، بهتر از کم فروشی و سود به دست آمده از آن است.

ص: 44

6- ارکان معامله با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 17

17 - جهاد با جان، رکن اصلی معامله با خدا و برتر از جهاد مالی

اشتری... أنفسهم و أموالهم... یقتلون فی سبیل اللّٰه فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که تقدم «أنفسهم» بر «أموالهم» بیانگر ارزش برتر جهاد با جان باشد و «یقاتلون» صرفاً در بردارنده جهاد با جان باشد؛ زیرا در جمله «فیقتلون و یقتلون» (می کشند و کشته می شوند) تنها جنبه جهاد با جان مطرح گردیده است.

7- بی عدالتی در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 8

8 - بی عدالتی و کمفروشی در معاملات از محرمات الهی است.

أتل ما حرم ربکم... و أوفوا الکیل و المیزان بالقسط

جمله «أوفوا...» به دلیل «ما حرم ربکم»، بیانگر مصداقی از محرمات الهی است، بنابراین علاوه بر وجوب عدالت در مبادلات، حکایت از حرمت بی عدالتی و کمفروشی نیز دارد.

8- پاداش معامله با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 30 - 5

5 - سوداگری با خداوند، دارای سود و برکتی بسیار و بالاتر از انتظار

یرجون تجره لن تبور . لیوقیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه می تواند ناظر به تجارت پرسودی باشد که مورد انتظار تلاوت کنندگان کتاب الهی و... است و در آیه قبل از آن بحث به میان آمد.

9- پیمانانه در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 6،7

6 - پرکردن پیمانہ ها و مطابق بودن کالا با وزنه های ترازو، امری واجب در مبادله کالاها

ص: 45

و أوفوا الكيل و الميزان

«کیل» به معنای پیمانه کردن و نیز به چیزی که با آن کیل می کنند (پیمانه) گفته می شود و در اینجا مراد معنای دوم است. ایفاء (مصدر اوفوا) به معنای اکمال و اتمام است. اتمام و اکمال پیمانه به این است که پیمانه مورد استفاده تا حد معمول آن پر شود و ایفاء و اکمال ترازو به این است که کالای توزین شده مطابق با وزنه های ترازو بوده و کمتر از آن نباشد.

7- در مبادله کالا باید از پیمانه و ترازو و وزنه های صحیح استفاده کرد.

و أوفوا الكيل و الميزان بالقسط

«میزان» به ترازو و نیز وزنه های آن گفته می شود. «بالقسط» هم می تواند برای «أوفوا» باشد، که در این صورت قیدی توضیحی و برای تأکید است، و هم می تواند قید برای کیل و میزان باشد. یعنی پیمانه، ترازو و وزنه ها باید متعادل بوده، پیمانه کوچکتر از حد متعارف نباشد و ترازو خراب نبوده و وزنه ها کاستی نداشته باشد.

10- ترازو در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 7

7- در مبادله کالا باید از پیمانه و ترازو و وزنه های صحیح استفاده کرد.

و أوفوا الكيل و الميزان بالقسط

«میزان» به ترازو و نیز وزنه های آن گفته می شود. «بالقسط» هم می تواند برای «أوفوا» باشد، که در این صورت قیدی توضیحی و برای تأکید است، و هم می تواند قید برای کیل و میزان باشد. یعنی پیمانه، ترازو و وزنه ها باید متعادل بوده، پیمانه کوچکتر از حد متعارف نباشد و ترازو خراب نبوده و وزنه ها کاستی نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 2

2- لزوم به کارگیری ترازوی دقیق و سنگ تمام در سنجش اشیا

وزنوا بالقسطاس المستقیم

«قسطاس» به معنای میزان است که مصداق بارز و روشن آن ترازو برای توزین اشیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - استفاده از ترازوی دقیق در معاملات و رعایت عدالت اقتصادی، از رهنمود های شعیب (ع) به مردم

وزنوا بالقسطاس المستقیم

«زَنَهُ وَوَزَنَ» (مصدر «زنوا») به معنای سنجیدن و «قسطاس» (مرادف «میزان») به معنای ترازو است. «مستقیم» نیز معادل درست می باشد؛ یعنی، «و با ترازوی درست وزن کنید».

ص: 46

11- حلیت معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 275 - 9

9- حکم به حلیت بیع (معاملات غیر ربوی) و حرمت ربا (معاملات ربوی)، از جانب خداوند

و احلّ الله البيع و حرّم الربوا

12- زمینه ظلم در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 87 - 12

12- آزادی بی قید و شرط مالکان در تصرف اموال خویش، زمینه ساز رعایت نکردن قسط و عدالت در مبادلات است.

أوفوا المکیال و المیزان بالقسط .. أو أن نفعلی فی أموالنا مانسؤا

13- سودمندی معامله با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 30 - 5

5- سوداگری با خداوند، دارای سود و برکتی بسیار و بالاتر از انتظار

یرجون تجره لن تبور . لیوقیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه می تواند ناظر به تجارت پرسودی باشد که مورد انتظار تلاوت کنندگان کتاب الهی و .. است و در آیه قبل از آن بحث به میان آمد.

14- سوگند در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 9

9- سوگند و پیمان، ارزشی است که نباید در معاملات مادی تحت الشعاع قرار گیرد.

دخلاً بينكم أن تكون أمّه هي أربي من أمّه

ص: 47

15- شرایط صحت معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 5

5- رضایت طرفین مبادله، شرط صحت و مشروعیت آن مبادله

الّا ان تكون تجاره عن تراض منكم

16- عدالت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 11، 12، 20

11 - مراعات کردن عدالت در مبادلات و انتخاب سودمندترین روش برای تصرف در اموال آنها بیش از توان متعارف واجب نیست.

إلا بالتی هی أحسن . . . و أوفوا الكیل . . . لانکلف نفسا إلا وسعها

بیان این حقیقت که «خداوند انسان را بیش از توانش تکلیف نمی کند» پس از فرمانهای یاد شده، اشاره به این دارد که مکلفان برای رعایت آن فرمانها لازم نیست خود را به مشقت اندازند. چرا که انجام تکلیف تا حد قدرت متعارف فرض است و نه بیش از آن.

12 - تجاوز نکردن به اموال یتیمان و رعایت عدالت در مبادلات از تکالیفی است که انسانها بر انجام آن توانا هستند. *

و لا تقربوا مال الیتیم . . . و أوفوا الكیل و المیزان بالقسط لانکلف نفسا إلا وسعها

برخی بر آنند که هدف از جمله «لانکلف . . .» تذکر این معناست که فرمانهای یاد شده در حد توان انسانهاست تا مبادا به گمان اینکه این اوامر مشقتبار و طاقت شکن است، از پذیرش آنها سرباز زنند.

20 - ضایع نساختن اموال یتیمان، عدالت در داد و ستد، پرهیز از سخنان نابحق و پایبند بودن به پیمانهای الهی، از توصیه های خداوند به انسانها

و لا تقربوا مال الیتیم . . . ذلکم وصیکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 153 - 2

2 - نیکی به پدر و مادر، عدالت در داد و ستد، پایبند بودن به پیمانهای الهی و به عدل سخن گفتن، راهی است راست برای حرکت به سوی

خدا.

و بالولدين إحسنًا .. و أن هذا صرطى مستقيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 22

22 - دعوت مردم به سلامت اقتصادی و رعایت عدالت در خرید و فروش ، از مهمترین رسالت های شعیب برای قوم خویش پس از دعوت به توحید

يقوم اعبدوا الله .. فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم

ص: 48

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 4

4 - گرایش به توحید و رعایت عدل در خرید و فروش و امور اقتصادی ، مایه خسارت در دیدگاه اشراف کفرپیشه قوم مدین

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

برداشت فوق با توجه به آیه 85، که بیانگر پیامهای شعیب است، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 9 - 1

1 - فرمان الهی به رعایت کامل عدل در سنجش اشیا به هنگام داد و ستد

و أقيموا الوزن بالقسط

تعبیر «أقيموا الوزن بالقسط» دلالت بر لزوم رعایت کامل و همه جانبه عدل در داد و ستد اشیا دارد.

17- گواه در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 48,49

48 - زیان رساندن به گواه و نویسنده مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن «لا یضار»

49 - خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن «لا یضار»

18- گواهی در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

44 - لزوم شاهد گرفتن در هنگام داد و ستد هر چند معامله ای نقد و بدون مطالبه باشد .

و اشهدوا اذا تبایعتم

ص: 49

19- معامله انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 7 - 1

1 - تناول غذا، رفت و آمد و داد و ستد در بازار، ناسازگار با شأن رسالت و پیامبری از دیدگاه مشرکان و کافران

وقال الذین كفروا... وقالوا مال هذا الرسول يأكل الطعام ويمشى فی الأسواق

20- معامله با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 31، 32، 9، 8

8 - اطعام اهل کتاب و فروش خوراکی ها به آنان، امری جایز و مباح

و طعامکم حل لهم

چون اهل کتاب به دستورات قرآن و حلالها و حرامهای آن اعتنایی ندارند، بنابراین حکم به حلیت طعام مسلمانان برای آنها به این معناست که برای مسلمانان جایز است که طعام خود را در اختیار آنان قرار دهند.

9 - جواز معاشرت و مبادله با اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم و طعامکم حل لهم

بدان احتمال که مراد از جمله «طعام الذین...»، جواز دادن طعام و گرفتن طعام از اهل کتاب باشد. مصداق روشن این مفهوم، داد و ستد و مبادله طعام است و به نظر می رسد که طعام خصوصیتی نداشته باشد.

31 - انکار جواز مبادله با اهل کتاب و انکار حلیت طعام آنان، کفر و موجب حبط عمل است.

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم... و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله

از مصادیق مورد نظر برای ایمان، معارف و احکامی است که در آیه مورد بحث، مطرح شده است، همانند حلیت طعام اهل کتاب و... .

32 - انکار جواز ازدواج با زنان اهل کتاب، کفر و موجب حبط عمل است.

و المحصنت من الذین اوتوا الکتب... و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله

21- معامله با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 10،15

10 - مجاهدان و رزمندگان راه الهی ، معامله گران جان و مال خویش با خداوند

إن الله اشترى من المؤمنين . . . يقتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون

15 - کشتن و کشته شدن در راه خدا ، هر دو ارزش و معامله با خداست .

يقتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون

ص: 50

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 31 - 12

12- اعمال نیک انسان (نماز ، انفاق و . . .) داد و ستد و دوستی با خداوند است .

یقیموا الصلوه و ینفقوا . . . من قبل أن یأتی یوم لایع فیہ و لا خلل

22- معامله باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 6

6 - مبادله بدون رضایت طرفین ، باطل است .

الّا ان تكون تجاره عن تراض منکم

23- معامله خدا با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 20

20 - « عن جعفر بن محمد (ع) انه سئل عن قول الله تعالى : « ان الله اشترى من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بآن لهم الجنة . . . » هذا لكل من جاهد فی سبیل الله أم لقوم دون قوم ؟ فقال ابو عبد الله (ع) : . . . أنزل الله عز و جل علیه بعقب ذلك : « التائبون العابدون الحامدون . . . » فابان الله عز و جل بهذا صفة المؤمنین الذین اشترى منهم أنفسهم و أموالهم . . . »

روایت شده که از امام صادق (ع) سؤال شد: اینکه خدای تعالی می فرماید: «به تحقیق خدا از مؤمنان نفسها و مالهایشان را خریده است که در مقابل به آنان بهشت بدهد» آیا شامل همه کسانی است که در راه خدا جهاد می کنند یا برای گروه خاصی است و نه همه گروهها؟ امام فرمود: . . . خدای عز و جل به دنبال آیه مزبور، این آیه را بر رسول خود نازل فرمود: «التائبون العابدون الحامدون . . . » و بدین وسیله صفات مؤمنانی را که نفسها و مالهایشان را خریده است بیان نمود . . .»

24- معامله در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 31 - 16

16- عالم آخرت ، جای هیچ گونه تلاش ، سوداگری و پیوند دوستی نیست و برای انسان کارساز نخواهد بود .

يقيموا الصلوه وينفقوا .. من قبل أن يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلل

ص: 51

25- معامله در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 198 - 17، 2، 1

1 - جواز کسب و کار ، در هنگام انجام مناسک حج

الحج اشهر معلومات .. لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

جمله «لیس علیکم ..» ، ناظر به کسب و کار در حج و هنگام انجام مناسک است ؛ به دلیل وقوع آن در بین احکام حج. علاوه بر اینکه کسب و کار در زمانهای دیگر، محل شبهه نیست تا نفی و یا اثبات شود.

2 - ممنوعیت فعالیت های اقتصادی در حج ، پندار غلط برخی از مسلمانان صدر اسلام

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

برخی از مسلمانان، خرید و فروش را در حج گناه می شمردند که با این آیه، این تصوّر دفع شد. (مجمع البیان).

مجمع البیان، ج 2، ص 527؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 201، ح 2.

17 - جواز خرید و فروش ، در ایام حجّ ، بعد از خروج از احرام و اتمام مناسک

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم

امام صادق (ع) درباره قول خداوند «لیس علیکم ..» فرمود: یعنی الرزق اذا احلّ الرجل من احرامه وقضى نسكه فليشترو ليبيع في الموسم

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 96، ح 262؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 201، ح 1.

26- معامله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 123 - 9، 5

5 - در روز قیامت ، از هیچ کس فدیة و عوضی که خویشان را با آن باز خرد ، پذیرفته نمی شود .

«عدل» به معنای فدیة و عوضی است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

9- توهّم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های بنی اسرائیل است .

بینی اسرائیل . . . و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعه

فعل «اتقوا» به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرائیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در بین آنان است.

27- معامله ربوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 275 - 10، 9

9 - حکم به حلیت بیع (معاملات غیر ربوی) و حرمت ربا (معاملات ربوی)، از جانب خداوند

و احلّ الله البيع و حرّم الربوا

10 - حلیت سود ربوی برای رباخواران، قبل از رسیدن حکم تحریم ربا به آنان

فمن جاء موعظه من ربّه فانتهی فله ما سلف

«فله ما اخذ و اکل من الربوا قبل التّهی.»

28- معامله زیانبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 47

47 - دستیابی به منافع دنیا در مقابل از دست دادن آخرت، سودایی زیانبار است.

لبس ماشروا به أنفسهم

29- معامله کیلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 6، 7

6 - پرکردن پیمانه ها و مطابق بودن کالا با وزنه های ترازو، امری واجب در مبادله کالاها

و أوفوا الكیل و المیزان

«کیل» به معنای پیمانه کردن و نیز به چیزی که با آن کیل می کنند (پیمانه) گفته می شود و در اینجا مراد معنای دوم است. ایفاء (مصدر اوفوا) به معنای اكمال و اتمام است. اتمام و اكمال پیمانه به این است که پیمانه مورد استفاده تا حد معمول آن پر شود و ایفاء و اكمال ترازو به این است که کالای توزین شده مطابق با وزنه های ترازو بوده و کمتر از آن نباشد.

7 - در مبادله کالا باید از پیمانه و ترازو و وزنه های صحیح استفاده کرد.

«میزان» به ترازو و نیز وزنه های آن گفته می شود. «بالقسط» هم می تواند برای «أوفوا» باشد، که در این صورت قیدی توضیحی و برای تأکید است، و هم می تواند قید برای کیل و میزان باشد. یعنی پیمانه، ترازو و وزنه ها باید متعادل بوده، پیمانه کوچکتر از حد متعارف نباشد و ترازو خراب نبوده و وزنه ها کاستی نداشته باشد.

30- معامله لقیط در دوران یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 19 - 12

12- خرید و فروش لقیط (انسان یافت شده) امری ناروا و غیرقانونی در عصر یعقوب

و أسروه بضعه

31- معامله مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 10

10 - مجاهدان و رزمندگان راه الهی ، معامله گران جان و مال خویش با خداوند

إن الله اشترى من المؤمنين .. یقتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون

32- معامله نقدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 42,43

42 - عدم لزوم کتابت و ثبت مبادلات نقدی

إلا أن تكون تجاره حاضره تديرونها بينكم فليس عليكم جناح ألا تكتبوها

43 - حسن تنظیم سند و ثبت مبادلاتی که میان طرفین دست به دست گردد . *

فليس عليكم جناح ألا تكتبوها

33- معامله وزنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 6,7

6 - پرکردن پیمانها و مطابق بودن کالا با وزنه های ترازو، امری واجب در مبادله کالاها

«کیل» به معنای پیمانۀ کردن و نیز به چیزی که با آن کیل می کنند (پیمانۀ) گفته می شود و در اینجا مراد معنای دوم است. ایفاء (مصدر اوفوا) به معنای اکمال و اتمام است. اتمام و اکمال پیمانۀ به این است که پیمانۀ مورد استفاده تا حد معمول آن پر شود و ایفاء و اکمال ترازو به این است که کالای توزین شده مطابق با وزنه های ترازو بوده و کمتر از آن نباشد.

7- در مبادله کالا باید از پیمانۀ و ترازو و وزنه های صحیح استفاده کرد.

و أوفوا الكيل و الميزان بالقسط

«میزان» به ترازو و نیز وزنه های آن گفته می شود. «بالقسط» هم می تواند برای «أوفوا» باشد، که در این صورت قیدی توضیحی و برای تأکید است، و هم می تواند قید برای کیل و میزان باشد. یعنی پیمانانه، ترازو و وزنه ها باید متعادل بوده، پیمانانه کوچکتر از حد متعارف نباشد و ترازو خراب نبوده و وزنه ها کاستی نداشته باشد.

34- ناپسندی معامله لقیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 19 - 12

12- خرید و فروش لقیط (انسان یافت شده) امری ناروا و غیرقانونی در عصر یعقوب

و أسروه بضعه

35- نقش معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 9 - 5

5 - مبادلات اقتصادی ، از لغزش گاه های مهم و زمینه ساز ابتلای انسان به بی عدالتی

الأتطغوا فی المیزان . و أقیموا الوزن بالقسط و لاتخسروا المیزان

تذکرهاى مکرر خداوند، می نمایاند که آدمی از این ناحیه در معرض لغزش جدی است.

معامله ربوی

36- {معامله ربوی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 130 - 3،6

3 - سیر تصاعدی اصل سرمایه ، در معاملات ربوی *

لا تأكلوا الرّبواً اضعافاً مضاعفه

از آنجا که رباخواری قطعاً حرام است، بنابراین قید «اضعافاً مضاعفه» اشاره به وضعیتی است که سرمایه های ربوی به خود می گیرد؛ و آن،

سیر تصاعدی و مضاعف شدن همیشگی آن است.

6- خطر رواج رباخواری (درآمد ها و معاملات غیر مشروع) در دوران پس از جنگ *

يا ايها الذين امنوا لا تأكلوا الربوا

تذکره به حکم ربا پس از بیان جنگ بدر و احد می تواند اشاره به این حقیقت باشد که معمولاً جوامع بشری پس از دوران جنگ به

ص: 55

درآمدهای غیر مشروع، خصوصاً رباخواری، می پردازند.

37- معامله ربوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 275 - 9،10

9 - حکم به حلیت بیع (معاملات غیر ربوی) و حرمت ربا (معاملات ربوی)، از جانب خداوند

و احلّ الله البيع و حرّم الربوا

10 - حلیت سود ربوی برای رباخواران، قبل از رسیدن حکم تحریم ربا به آنان

فمن جاءه موعظه من ربّه فانتهی فله ما سلف

«فله ما اخذ و اكل من الربوا قبل التّهی.»

معاملات

38- عوامل تضمین معاملات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 6

6 - نقش مؤثر ایمان به خدا و روز جزا در تضمین قراردادها و سلامت روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه

و الله علی ما نقول وکیل

مفسران بر این باورند که گواه گرفتن خداوند از سوی موسی (ع) در قرارداد خود با شعیب (ع) برای تأکید بیشتر بر این میثاق و تضمین عمل به آن بود.

39- نظارت خدا در معاملات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 5

5 - ایمان راستین به خداوند، مقتضی ناظر دانستن او بر معاملات و عقد قراردادها

والله على ما نقول وكيل

ص: 56

1- آثار تخلف از معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 6، 5

5 - کمترین کوتاهی معاهدین در عمل به مواد و شرایط پیمان عدم تعرض، نقض پیمان است.

إلا الذين عهدتم من المشركين ثم لم ينقصوكم شيئاً

6 - تهدید مشرکان معاهد صدر اسلام به لغو پیمان عدم تعرض مسلمانان با آنان در صورت مشاهده کمترین کوتاهی در عمل به مواد آن و مشاهده هر گونه کمک به دشمنان اسلام

ثم لم ينقصوكم شيئاً و لم يظهروا عليكم أحداً

2- آثار فسخ معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 1

1 - وجود ناخرسندی میان مسلمانان صدر اسلام، نسبت به لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و تردید و دودلی آنان در پیکار با مشرکان پیمان شکن

کیف و إن يظهروا عليكم

کلمه «کیف» - که برای استفهام انکاری است - مفید برداشت فوق است.

ص: 57

3- آثار فسخ معاهده با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 4، 1

1 - هلال ماه صفر سال دهم هجرت، آغاز اجرای فرمان کشتن و منع عبور و مرور مشرکان و سلب آزادی سیر و سیاحت از آنان

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين

توصیف «الأشهر» به «الحرم» حاکی از این است که: منظور از «أربعة أشهر» در آیه دوّم (فسیحوا فی الأرض أربعة أشهر) ماههای حرام سال؛ یعنی، رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرّم است. بر این مبنا «ال» در «الأشهر» برای عهد حضوری می باشد؛ یعنی هنگامی که این سه ماه حرام - که اکنون با اعلام پیام برائت در روز حج اکبر مصادف شده است - پایان یافت، مشرکان را بکشید. گفتنی است که پایان آن سه ماه، مساوی با آغاز ماه صفر سال دهم هجرت بود.

4 - دستور به کارگیری تمام شیوه های ممکن (به ترتیب: کشتن، اسیر گرفتن، محاصره و کمین زدن) برای ایجاد فشار بر مشرکان صدر اسلام

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا

4- آثار معاهده عدم تعرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 4، 3

3 - دستور خداوند مبنی بر منع تعرض مسلمانان به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام، در مدت مهلت چهار ماهه

فسیحوا فی الارض أربعة أشهر

مهلت دادن به مشرکان و مجاز دانستن رفت و آمدشان در هر جای زمین در حقیقت دستوری است به مسلمانان که نباید در مدت مقرر متعرض آنان شوند.

4 - اعطای آزادی رفت و آمد و سیر و سیاحت به مشرکان صدر اسلام، در ظرف مهلت چهار ماهه

فسیحوا فی الارض أربعة أشهر

«سَدِّيحٌ» و «سیاحت» (مصدر سیحوا) به معنای سیر کردن است و امر در «سیحوا» به معنای اباحه و اعطای آزادی سیر و سیاحت می باشد.

5- آثار نقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 1

1 - ابطال اعتبار پیمان های صلح مسلمانان صدر اسلام از سوی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پی نقض آن توسط مشرکان معاهد

براه من اللّٰه ورسوله إلى الذین عهدتم من المشرکین

«برائت» به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. متعلق «برائت» - به قرینه «الذین عاهدتم» - پیمانهای منعقد شده میان

ص: 58

مسلمانان صدر اسلام و مشرکان است. اعلام جدا شدن و فاصله گرفتن از عهد و پیمان کنایه از الغا و بی اعتبار نمودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 12

12 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض شدن آن از سوی معاهدان جایز است .

إلا الذین عهدتم من المشرکین ثم لم ینقضوکم شیئاً .. فأتوا إلیهم عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 2,3

2 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض در صورت نقض آن از سوی معاهدان ، جایز است .

کیف یکون للمشرکین عهد

3 - وجود ناخرسندی میان مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به لغو اعتبار پیمان عدم تعرض از سوی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تردید و دودلی آنان در پیکار با مشرکان

کیف یکون للمشرکین عهد عندالله و عندرسوله

کلمه «کیف» در «کیف یکون للمشرکین عهد» - که برای استفهام انکاری است - مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 6,8

6 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و اعلان جنگ به معاهدان کافر ، در صورت شکسته شدن پیمان از سوی آنان ، بلامانع است .

وإن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم .. فقتلوا

8 - خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

وإن نکثوا أیمنهم .. فقتلوا أئمه الکفر

6- آثار وفای به معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9-7-8

8- وفاداری به پیمان، مادامی که طرف معاهده بر آن پایبند است، واجب است.

إلا الذین عهدتم عند المسجد الحرام فما استقموا لكم فاستقیموا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9-12-5

5- پایبندی بر پیمان، مادامی که طرف معاهده به آن وفادار بماند، لازم است.

ص: 59

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

7- احكام معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 282 - 37

37 - اعتبار حقوقی قرارداد ثبت شده

و لا تسئموا أن تكتبوه .. ذلكم اقسط عند الله و اقوم للشهادة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 1 - 2،7

2 - لغو اعتبار پيمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براهه من الله و رسوله إلى الذين عهدتم

7 - بستن پيمان عدم تعرض با جوامع غير مسلمان ، جايز است .

الذين عهدتم من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 4 - 11،12،4،2

2 - بستن پيمان عدم تعرض با جوامع غير مسلمان ، جايز است .

الذين عهدتم من المشركين

4 - وارد شدن هر ضربه ای به جان یا مال مسلمانان از سوی طرف معاهده ، نقض پيمان شمرده شده و لغو آن را مجاز می کند .

إلا الذين عهدتم من المشركين ثم لم ينقصوكم شيئاً

11 - وفاداری به پيمان عدم تعرض ، مادامی که طرف معاهده بر آن پایبند باشد ، لازم است .

إلا الذين عهدتم من المشركين ثم لم ينقصوكم شيئاً .. فأتوا إليهم عهدهم

12 - لغو اعتبار پيمان عدم تعرض ، در صورت نقض شدن آن از سوی معاهدان جايز است .

إلا الذين عهدتم من المشركين ثم لم ينقصوكم شيئاً.. فأتوا إليهم عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 7 - 10، 2

2 - لغو اعتبار پيمان عدم تعرض در صورت نقض آن از سوى معاهدان ، جايز است .

كيف يكون للمشركين عهد

10 - بستن پيمان عدم تعرض با جوامع غير مسلمان ، جايز است .

كيف يكون للمشركين عهد .. إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام

ص: 60

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 10

10 - وفاداری و التزام به عهد و پیمان ، واجب است .

وإن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلا و لاذمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 10 - 5

5 - وفاداری و التزام به عهد و پیمان ، واجب است .

لا يرقبون في مؤمن إلا و لاذمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 10، 6، 5، 4

4 - بستن پیمان صلح با جوامع غیرمسلمان ، جایز است .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

5 - پایبندی بر پیمان ، مادامی که طرف معاهده به آن وفادار بماند ، لازم است .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

6 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و اعلان جنگ به معاهدان کافر ، در صورت شکسته شدن پیمان از سوی آنان ، بلامانع است .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم .. فقتلوا

10 - طعن و توهین به اسلام از سوی کفار معاهد ، لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان نبرد با آن را ، مجاز می کند .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم و طعنوا في دينكم فقتلوا

8- اعلام فسخ معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 4

4- اعلام الغای اعتبار پیمان صلح به طرف معاهده لازم است .

براءه .. إلى الذین عهدتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 3 - 2

2- دستور خداوند مبنی بر ابلاغ لغو پیمان عدم تعرض مسلمانان با مشرکان پیمان شکن به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من الله ورسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر أن الله بريء من المشركين ورسو

برداشت فوق بر این اساس است که «برائت» در «أن الله بريء من المشركين ورسوله» کنایه از الغای پیمان صلح و عدم تعرض باشد.

گفتنی است که جمله «أذن من الله ورسوله ...» جمله خبری است در مقام انشا و دستور؛ یعنی باید الغای پیمان عدم

ص: 61

تعرض در روز «حج اکبر» به عموم مردم حاضر در مراسم حج، ابلاغ گردد.

9- اعلام فسخ معاهده با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 3

3 - دستور خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر ابلاغ الغای پیمان عدم تعرض، به مشرکان معاهد

براهه من الله ورسوله إلى الذین عهدتم

10- انحراف ناقضان معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 18

18 - پیمان شکنان، مردمانی فاسق و منحرف از مسیر حق

لا یرقبوا فیکم... ذمه... و اکثرهم فسقون

11- اهمیت وفای به معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 9

9 - توصیه مسلمانان صدر اسلام به ادامه پایبندی بر پیمان عدم تعرض خود با مشرکان وفادار، تا پایان یافتن مدت پیمان

إلا الذین عهدتم... فأتّموا إلیهم عهدهم إلی مدتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 11

11 - وفاداری به پیمان، نشانه تقوای پیشگی است.

فما استقموا لکم فاستقیموا لهم إن الله یحب المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور وادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به مسلمانان است .

ص: 62

وإن نكثوا أيمانهم .. فقتلوا أئمة الكفر ... لعلهم ينتهون

12- بی اعتباری معاهده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 3

3 - غیر قابل اعتماد بودن کافران و مشرکان ، در پیمان و پیوند دوستی با مسلمانان

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاّ و لاذمه

«إلّ» در لغت به معنای عهد، قسم و قرابت (خویشاوندی) آمده است (قاموس المحيط) ولی در این آیه - به قرینه آمدن واژه «ذمه» که به معنای عهد است - معنای قرابت و خویشاوندی مقصود است.

13- بی اعتباری معاهده مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 3,7

3 - غیر قابل اعتماد بودن کافران و مشرکان ، در پیمان و پیوند دوستی با مسلمانان

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاّ و لاذمه

«إلّ» در لغت به معنای عهد، قسم و قرابت (خویشاوندی) آمده است (قاموس المحيط) ولی در این آیه - به قرینه آمدن واژه «ذمه» که به معنای عهد است - معنای قرابت و خویشاوندی مقصود است.

7 - شرک پیشگان صدر اسلام در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی نداشتند .

وإن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاّ و لاذمه

14- تجاوزگری ناقضان معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 10 - 9

9 - پیمان شکنان ، مردمانی تجاوزپیشه اند .

لایرغبون فی مؤمن إلاّ و لاذمه و أولئک هم المعتدون

15- تذکر به مشرکان ناقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 15 - 3

3 - تذکر خداوند به باز بودن راه بازگشت به اسلام ، برای مشرکان پیمان شکن

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم . . . و يتوب الله على من يشاء

16- جنگ با ناقضان معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 13 - 1

1 - تشویق و تشجیع مسلمانان صدر اسلام به جنگ با مشرکان پیمان شکن و توطئه گر علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم و همّوا بإخراج الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 15 - 7

7 - جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قتلوهم . . . و يتوب الله على من يشاء و الله عليم حكيم

17- جواز معاهده با غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 4

4 - بستن پیمان صلح با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

و إن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

18- دشمنان ناقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- لزوم دادن فرصت مناسب به دشمنان پیمان شکن ، برای توبه و بازگشت به دامن اسلام ، پیش از جنگ با آنان

براءه من الله ورسوله . . . فسيحوا في الارض اربعة اشهر

6- در ماه های حرام ، سلب امنیت از دشمن پیمان شکن ، ممنوع است . *

تفریح «فسیحوا فی الارض» بر «براه من الله ورسوله» با حرف «فاء»، می تواند اشاره به این نکته باشد که: تعرض به دشمن در چهار ماه از سال، ممنوع است و خداوند بر اساس همین قانون، مشرکان را در این چهار ماه آزاد می گذارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 14 - 1

1 - ضرورت نبرد با دشمن پیمان شکن و جنگ طلب

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم... قتلوهم

ضمیر «هم» در «قاتلوهم» به شرک پیشگان پیمان شکن و آغازگر جنگ در آیه پیش (قوماً نكثوا أيمانهم... و هم بدءوكم أول مره) برمی گردد.

19- شرایط فسخ معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 2

2 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض در صورت نقض آن از سوی معاهدان، جایز است.

کیف یکون للمشرکین عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 6

6 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و اعلان جنگ به معاهدان کافر، در صورت شکسته شدن پیمان از سوی آنان، بلامانع است.

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم... فقتلوا

20- شرایط معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 91 - 13، 8

8 - کناره گیری از برخورد، تقاضای صلح و دست کشیدن از هر گونه تعرض به مسلمانان، از شرایط لازم برای لزوم پذیرش قرارداد ترک

تعرض

فان لم يعتزلوكم . . . و يكفوا ايديهم

13 - امضای قرارداد عدم تعرض با دشمنان دین ، تنها در صورتی جایز است که از سوی مخالفان پیشنهاد شود . *

و يلقوا اليكم السلم

ص: 65

21- شرایط وفای به معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 11

11 - وفاداری به پیمان عدم تعرض ، مادامی که طرف معاهده بر آن پایبند باشد ، لازم است .

إلا الذین عهدتم من المشرکین ثم لم ینقصوکم شیئاً .. فأتوا إلیهم عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 8,9

8 - وفاداری به پیمان ، مادامی که طرف معاهده بر آن پایبند است ، واجب است .

إلا الذین عهدتم عند المسجد الحرام فما استقموا لکم فاستقیموا لهم

9 - خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به ادامه پایبندی بر پیمان عدم تعرض خود با مشرکان ، مادامی که آنان بر پیمان خود پایبند بمانند ، توصیه فرمود .

فما استقموا لکم فاستقیموا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 5

5 - پایبندی بر پیمان ، مادامی که طرف معاهده به آن وفادار بماند ، لازم است .

وإن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم

22- عوامل فسخ معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 2

2 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براءه من اللّٰه ورسوله إلی الذین عهدتم

4 - وارد شدن هر ضربه ای به جان یا مال مسلمانان از سوی طرف معاهده ، نقض پیمان شمرده شده و لغو آن را مجاز می کند .

إلا الذین عهدتم من المشرکین ثم لم ینقصوکم شیئاً

6 - تهدید مشرکان معاهد صدر اسلام به لغو پیمان عدم تعرض مسلمانان با آنان در صورت مشاهده کمترین کوتاهی در عمل به مواد آن و مشاهده هر گونه کمک به دشمنان اسلام

ثم لم ينقصوكم شيئاً و لم يظهروا عليكم أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 7 - 2

2 - لغو اعتبار پيمان عدم تعرض در صورت نقض آن از سوی معاهدان ، جايز است .

كيف يكون للمشركين عهد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 12 - 10

10 - طعن و توهين به اسلام از سوی كفار معاهد ، لغو اعتبار پيمان صلح و اعلان نبرد با آن را ، مجاز می کند .

و إن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم و طعنوا في دينكم فقتلوا

23- عوامل فسخ معاهده با مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 1 - 1

1 - ابطال اعتبار پيمان های صلح مسلمانان صدر اسلام از سوی خدا و پيامبر (صلی الله عليه و آله) در پی نقض آن توسط مشركان معاهد

براه من الله و رسوله إلى الذين عهدتم من المشركين

«برائت» به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. متعلق «برائت» - به قرينه «الذين عهدتم» - پيمانهای منعقد شده میان مسلمانان صدر اسلام و مشركان است. اعلام جدا شدن و فاصله گرفتن از عهد و پيمان کنایه از الغا و بی اعتبار نمودن آن است.

24- عوامل نقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 10 - 8

8 - شکستن پيمان و عدم التزام به آن ، برخاسته از روح تجاوزپيشگی است .

لايرقبون في مؤمن إلا و لاذمه و أولئك هم المعتدون

25- فسخ معاھده با مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 2

ص: 67

2- دستور خداوند مبنی بر ابلاغ لغو پیمان عدم تعرض مسلمانان با مشرکان پیمان شکن به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من الله ورسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر أن الله بريء من المشركين ورسو

برداشت فوق بر این اساس است که «برائت» در «أن الله بريء من المشركين ورسوله» کنایه از الغای پیمان صلح و عدم تعرض باشد. گفتنی است که جمله «أذن من الله ورسوله ...» جمله خبری است در مقام انشا و دستور؛ یعنی باید الغای پیمان عدم تعرض در روز «حج اکبر» به عموم مردم حاضر در مراسم حج، ابلاغ گردد.

26- فسخ معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 1 - 4,5

4- اعلام الغای اعتبار پیمان صلح به طرف معاهده لازم است .

براهه ... إلى الذين عهدتم

5- لغو اعتبار پیمان های صلح و عدم تعرض ، از اختیارات رهبر جامعه اسلامی است .

براهه من الله ورسوله إلى الذين عهدتم

27- فسخ معاهده عدم تعرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 1 - 2,5

2- لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براهه من الله ورسوله إلى الذين عهدتم

5- لغو اعتبار پیمان های صلح و عدم تعرض ، از اختیارات رهبر جامعه اسلامی است .

براهه من الله ورسوله إلى الذين عهدتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 2 - 1

1- اعطای چهار ماه مهلت به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، در پی ابطال پیمان عدم تعرض مسلمانان با آنان

براه من اللّٰه ورسوله . . . فسيحوا في الارض اربعة أشهر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 7 - 4

4 - ابطال اعتبار پيمان عدم تعرض مسلمانان ، از اختيارات رهبر جامعه اسلامي است .

كيف يكون للمشركين عهد عند اللّٰه و عند رسوله

ص: 68

28- فسق ناقضان معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 18

18 - پیمان شکنان ، مردمانی فاسق و منحرف از مسیر حق

لایرغبوا فیکم . . . ذمه . . . و اکثرهم فسقون

29- کافران ناقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 6

6 - دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاّ و لاذمه

30- مشرکان ناقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 8

8 - نقض شدن پیمان عدم تعرض ، از سوی اکثریت مشرکان صدر اسلام

الذین عہدتہم من المشرکین

مقصود از «الذین عاهدتم» - به دلیل آیات 4 و 7 - مشرکان معاهدی هستند که ملتزم به رعایت پیمانهای صلح نبودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 2 - 1,3,5,9,12

1 - اعطای چهار ماه مهلت به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، در پی ابطال پیمان عدم تعرض مسلمانان با آنان

براءہ من اللہ ورسولہ . . . فسیحوا فی الارض اربعہ أشهر

3 - دستور خداوند مبنی بر منع تعرض مسلمانان به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، در مدت مهلت چهار ماهه

مهلت دادن به مشرکان و مجاز دانستن رفت و آمدشان در هر جای زمین در حقیقت دستوری است به مسلمانان که نباید در مدت مقرر متعرض آنان شوند.

5 - اعطای آزادی سیر و سیاحت به مشرکان پیمان شکن ، در چهار ماه حرام از سال (ذیقعدہ ، ذیحجه ، محرم و رجب)

فسیحوا فی الارض أربعه أشهر

توصیف «أربعه أشهر» به «الاشهر الحرم» (در آیه 5) می تواند قرینه باشد بر این که: مراد از «أربعه أشهر» همان چهار ماه حرام معروف (ذیقعدہ، ذیحجه، محرم و رجب) است ؛ یعنی با الغای اعتبار پیمان صلح و برداشته شدن امان از مشرکان، آنان تنها در ماههای حرام، آزادی رفت و آمد و سیر و سیاحت خواهند داشت.

9 - تهدید خداوند به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، به شکست خفت بار و خوارکننده در صورت تسلیم نشدن و پای فشردن بر شرک و کفر

واعلموا أنکم غیر معجزی اللہ و أن اللہ مخزی الکفرین

«اخزاء» (مصدر مخزی) به معنای خوار و خفیف کردن است. به کارگیری اسم فاعل به جای فعل در جمله «و أن اللہ مخزی الکافرین» بیانگر سنت قطعی خداوند درباره شکست کفر و کفرپیشگان بوده و تهدیدی برای مشرکان پیمان شکن می باشد.

12 - نوید خدا به مسلمانان صدر اسلام به امداد های غیبی و شکست ذلت بار شرک پیشگان پیمان شکن

واعلموا .. أن اللہ مخزی الکفرین

تهدید مشرکان پیمان شکن صدر اسلام به شکست و خواری در واقع نویدی بود به مسلمانان به اینکه در صورت شروع جنگ، خداوند آنان را با امدادهای غیبی خود کمک فرموده و پیروز خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 3 - 9 - 2،7

2 - دستور خداوند مبنی بر ابلاغ لغو پیمان عدم تعرض مسلمانان با مشرکان پیمان شکن به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من اللہ و رسوله إلى الناس یوم الحج الأكبر أن اللہ بریء من المشرکین و رسو

برداشت فوق بر این اساس است که «برائت» در «أن اللہ بریء من المشرکین و رسوله» کنایه از الغای پیمان صلح و عدم تعرض باشد. گفتنی است که جمله «أذان من اللہ و رسوله ...» جمله خبری است در مقام انشا و دستور ؛ یعنی باید الغای پیمان عدم تعرض در روز «حج اکبر» به عموم مردم حاضر در مراسم حج، ابلاغ گردد.

7 - توصیه و تشویق الهی به عموم مشرکان عهدشکن ، مبنی بر توبه و بازگشت به اسلام در ظرف چهار ماه مهلت داده شده به آنان

فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر .. و أذن من اللہ ... فإن تبتم فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9-6-8

8- اماکن سکونت (شهر ها ، روستا ها و . . .) مشرکان پیمان شکن صدر اسلام تنها مراکز امن اعلام شده از سوی خدا برای آنان

فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم . . . ثم أبلغه مأمنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9-7-1

1- نقض شدن پیمان عدم تعرض از سوی اکثریت مشرکان صدر اسلام

کیف یکون للمشرکین عهد

مراد از مشرکان در جمله «کیف یکون للمشرکین عهد» - به قرینه «إلا الذين عاهدتم عند المسجد الحرام» - مشرکان معاهدی

ص: 70

هستند که بر پیمان خود با مسلمانان پایبند نماندند. ذیل آیه بعد (و اکثرهم فاسقون) بیانگر نقض پیمان از سوی اکثریت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 15

15 - اکثریت مشرکان صدر اسلام بر پیمان عدم تعرض خود با مسلمانان پایبند نمانده و آن را نقض کردند .

و اکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 10 - 12، 2

2 - مشرکان صدر اسلام در رابطه با هیچ مؤمنی به عهد و پیمانی پایبند نبودند .

لا یرقبون فی مؤمن إلا و لاذمه

«ذمه» به معنای عهد و پیمان است. قابل ذکر است که کلمه «مؤمن» و «ذمه» هر دو نکره در سیاق نفی بوده و مفید عموم می باشند.

12 - جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام، جنگ دفاعی بود نه ابتدایی .

و أولئک هم المعتدون

از این آیه شریفه و آیات پیش استفاده می شود که: خداوند به منظور دفاع از حقوق مسلمانان و کوتاه شدن دست دشمن از تجاوز به حقوق ایشان، معاهده صلح با مشرکان را لغو و مسلمانان را به جنگ و نبرد با آنان فراخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 3

3 - شرک پیشگان صدر اسلام، مردمانی سست عهد و پیمان شکن بودند .

و إن نکثوا أیمانهم من بعد عهدهم .. . إنهم لا أیمان لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 13 - 4

4 - نقض پیمان تعرض از سوی مشرکان معاهد صدر اسلام

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 14 - 8

8 - مرگ و ذلت مشرکان پیمان شکن صدر اسلام و پیروزی سپاه اسلام ، شفاعت سینه دردمند مؤمنان آسیب دیده از تجاوز

يعذبهم الله بأيديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 71

1 - دل های مؤمنان صدر اسلام نسبت به مشرکان پیمان شکن ، آکنده از خشم بود .

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. و يشف صدور قوم مؤمنين . و يذهب غيظ قلوبهم

31- مشرکان وفادار به معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - عموم مشرکانی که در کنار مسجدالحرام با مسلمانان پیمان عدم تعرض بسته بودند ، بر پیمان خویش پایبند نماندند .

إلا الذين عهدتم عند المسجدالحرام

32- معاهده با اعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - ترک تعرض به مسلمانان از سوی طوایفی از اعراب در مقابل عدم تعرض مسلمانان به آن طایفه ، موضوع قرارداد پیشنهادی نمایندگان آن طایفه .

ستجدون اخريں يريدون ان يامنوكم و يامنوا قومهم

33- معاهده با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - رهایی اهل کتاب (یهود) از ذلت ، در گرو گرایش آنان به اسلام و یا بستن پیمان نامه ای با جامعه اسلامی (پذیرش حاکمیت جامعه اسلامی و شرایط ذمه)

صُربت عليهم الدّله .. ألا بحبل من الله و حبل من الناس

بنابر اینکه «حبل من الناس»، رابطه و تعهد با جامعه اسلامی باشد؛ به قرینه اینکه در سیاق «حبل من الله» قرار گرفته است.

6 - مسلمانان موظف به رعایت حقوق اهل کتاب (احترام به حقوق آنان) ، در صورت گرایش آنان به اسلام و یا پذیرش عهدنامه با جامعه

ضُربت عليهم الذّٰله أين ما ثقفوا الا بحبل من الله و حبل من الناس

بنابر اینکه «ضربت» در مقام تشریح باشد و «الا»، دو مورد را استثنا کند: گرایش به اسلام؛ و پذیرش پیمان نامه با مسلمین.

7- لزوم پایبندی مسلمانان، به قرارداد های جامعه اسلامی با دیگر جوامع

ضربت عليهم الدّله .. الا بحبل من الله و حبل من الناس

«و حبل من الناس»، در برداشت فوق به معنای قرارداد مسلمین با اهل کتاب است و آیه فوق بیانگر این است که در صورت قرارداد، نباید متعرض آنها شد.

34- معاهده با بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 11 - 10

10 - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان ، در وفا نکردن منافقان به پیمان خویش با کافران (یهود بنی نضیر)

و الله يشهد انهم لکذبون

35- معاهده با دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 91 - 13، 12، 8، 5

5 - ضرورت پذیرش پیمان عدم تعرض با مخالفان ، علی رغم روحیه ستیزه جویی و پیمان شکنی آنان

ستجدون اخرين يريدون ان يامنوكم و يامنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنة اركسوا في

8 - کناره گیری از برخورد ، تقاضای صلح و دست کشیدن از هر گونه تعرض به مسلمانان ، از شرایط لازم برای لزوم پذیرش قرارداد ترک تعرض

فان لم يعتزلوكم .. و يكفوا ايديهم

12 - پذیرش قرارداد ترک تعرض عنوان شده از سوی دشمنان ، فرمان خداوند به مسلمانان

ستجدون اخرين .. و اولئکم جعلنا لکم عليهم سلطاناً مبیناً

13 - امضای قرارداد عدم تعرض با دشمنان دین ، تنها در صورتی جایز است که از سوی مخالفان پیشنهاد شود . *

و يلقوا اليکم السلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 2

2- لزوم مطلع ساختن دشمن از بی اعتباری عهدنامه آنان ، پس از الغا و بی اعتبار دانستن آن

و إما تخافن من قوم خيانه فانبذ إليهم على سواء

«سواء» به معنای مساوی و برابر بودن است. «علی سواء» حال برای ضمیر در «فانبذ» و ضمیر در «إلیهم» است ؛ یعنی در حالی که تو و آنان در این امر مساوی هستید. و مراد از مساوی بودن، چنانچه مفسران گفته اند، تساوی در آگاهی به لغو پیمان نامه است. افکندن عهدنامه به طرف آنان (فانبذ إليهم) این معنا را تأیید می کند.

ص: 73

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 14

14 - تقوا، بازدارنده آدمی از شکستن پیمان است، هر چند طرف های پیمان، دشمنانی حق ستیز باشند.

إلا الذين عهدتم من المشركين... فأتوا إليهم عهدهم إلى مدتهم إن الله يحب المت

36- معاهده با غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 7

7 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان، جایز است.

الذين عهدتم من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 2

2 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان، جایز است.

الذين عهدتم من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 10

10 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان، جایز است.

كيف يكون للمشركين عهد... إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام

37- معاهده با غیر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 4

4 - بستن پیمان صلح با جوامع غیر مسلمان، جایز است.

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

38- معاهده با كافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 74

14 - کافرانی که با مسلمانان پیمان عدم تعرض دارند ، هر چند به انگیزه مبارزه با اسلام به غیر مهاجران هجوم برند ، مهاجران و انصار موظف به یاری آنان نیستند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

مراد از میثاق به قرینه مقام، پیمان عدم تعرض و متارکه جنگ است.

15 - مسلمانان نباید حتی به خاطر دفاع از مؤمنانی که مورد هجوم کافران قرار گرفتند پیمان خویش را با آن کافران نادیده انگارند و آن را نقض کنند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

16 - مسلمانان عصر بعثت با گروههایی از کافران پیمان عدم تعرض داشته و به آن وفادار بودند .

إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

17 - اهمیت ویژه پایداری به پیمان ، حتی در صورت کافر بودن طرف مقابل

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

هر چند مراد از «میثق» در آیه شریفه پیمان متارکه جنگ است، ولی روشن است که پیمان متارکه جنگ خصوصیتی ندارد. بنابراین می توان آیه شریفه را در همه پیمانهای مجاز، ساری و جاری دانست.

18 - پیمان بستن با کافران (پیمان عدم تعرض و . . .) امری جایز و پایداری به آن واجب است .

إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 14

14 - انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی) ، که موجب سلطه کافران گردد ، نامشروع و باطل است .

ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تصمیم بر الغا و اعلان بی اعتباری معاهدات امضا شده با کفران ، در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران جامعه اسلامی است .

فانبد إليهم على سواء

39- معاهده با مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 120 - 6

6 - توافق های سطحی با یهود و نصارا ، در گرایش آنان به اسلام مؤثر نیست .

ولن ترضى عنك اليهود ولا النصرى حتى تتبع ملتهم

ص: 75

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 7

7 - ناتوانی مسلمانان سست ایمان بر پابندی به تعهد خویش با یهود و نصارا

اهولاء الذین اقساموا بالله جهد ایمنهم انهم لمعکم

40- معاهده با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 6

6 - وجود پیمان های صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

الذین عهدتم من المشرکین

مقصود از «معاهده» در «عاهدتم» - به قرینه آیه 4 - معاهده صلح و عدم تعرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 2

2 - دستور خداوند مبنی بر ابلاغ لغو پیمان عدم تعرض مسلمانان با مشرکان پیمان شکن به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من الله ورسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر أن الله بريء من المشركين ورسو

برداشت فوق بر این اساس است که «برائت» در «أن الله بريء من المشركين ورسوله» کنایه از الغای پیمان صلح و عدم تعرض باشد. گفتنی است که جمله «أذن من الله ورسوله ...» جمله خبری است در مقام انشا و دستور؛ یعنی باید الغای پیمان عدم تعرض در روز «حج اکبر» به عموم مردم حاضر در مراسم حج، ابلاغ گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 8,9,10

8 - کمک و پشتیبانی طرف معاهده به دشمنان، علیه مسلمانان، نقض پیمان عدم تعرض است.

إلا الذین عهدتم من المشركین ... ولم یظهروا علیکم أحداً

9 - توصیه مسلمانان صدر اسلام به ادامه پابندی بر پیمان عدم تعرض خود با مشرکان وفادار ، تا پایان یافتن مدت پیمان

إلا الذين عهدتم .. فأتوا إليهم عهدهم إلى مدتهم

10 - محترم شمرده شدن پیمان عدم تعرض مسلمانان صدر اسلام با دسته ای از مشرکان ، به خاطر پایبند ماندنشان بر آن و نقض نشدن پیمان از سوی آنان

إلا الذين عهدتم .. فأتوا إليهم عهدهم إلى مدتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 9، 6، 5

5 - انعقاد پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان در کنار مسجدالحرام

ص: 76

إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام

6- وجود پیمان های صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام

9- خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به ادامه پایبندی بر پیمان عدم تعرض خود با مشرکان ، مادامی که آنان بر پیمان خود پایبند بمانند ، توصیه فرمود .

فما استقموا لكم فاستقيموا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 12 - 2، 1

1- انعقاد پیمان صلح ، میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان عصر بعثت

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

2- شرک پیشگان عصر بعثت ، بر پیمان صلح خود با مسلمانان ، سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 13 - 3

3- وجود پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

قوماً نكثوا أيمانهم

41- معاهده با مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 4 - 1

1- وجود پیمان های عدم تعرض میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

إلا الذين عهدتم من المشركين

42- معاهده با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 120 - 6

6 - توافق های سطحی با یهود و نصارا، در گرایش آنان به اسلام مؤثر نیست.

ولن ترضی عنک الیهود ولا النصری حتی تتبع ملتهم

ص: 77

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 7

7 - ناتوانی مسلمانان سست ایمان بر پابندی به تعهد خویش با یهود و نصارا

اهولاء الذین اقسما بالله جهد ایمنهم انهم لمعکم

43- معاهده بر ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 33 - 9، 10، 6

6 - پیمان بر توارث، از موجبات ارث

و لکلّ جعلنا موالی . . . و الذین عقدت ایمانکم

عقد یمین به معنای پیمان بستن است و چون بحث آیه درباره ارث است، این پیمان درباره میراث خواهد بود؛ یعنی پیمان بر ارث. گفتنی است که در برداشت فوق، «الذین» عطف بر «الوالدان» شده است.

9 - وجوب پرداخت حقوق کسانی که با آنها پیمان های مالی بسته شده است .

و الذین عقدت ایمانکم فاتوهم نصیبهم

در برداشت فوق، «الذین» مبتدا گرفته شده و جمله «فاتوهم نصیبهم» خبر آن؛ در نتیجه، «الذین . . .» از زمره وارثان نخواهد بود.

10 - وارث باید حقوقی را که به واسطه عقد و پیمان بر مال میت است، پرداخت کند .

و الذین عقدت ایمانکم فاتوهم نصیبهم

چنانچه جمله «و الذین . . .» مستأنفه باشد، مراد از «الذین»، وارثان نخواهند بود؛ بلکه کسانی هستند که با میت پیمان مالی بسته اند. البتّه مخاطبان به پرداخت حقوق آنان، همان ورثه می باشد.

44- معاهده جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 7

7 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان، جایز است .

الذین عهدتم من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 2

2 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذین عهدتم من المشرکین

ص: 78

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 10

10 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

کیف یكون للمشرکین عهد . . . إلا الذین عهدتم عند المسجد الحرام

45- معاهده در ازدواج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 25

25 - جواز هر نوع قراردادی بین زن و شوهر ، پس از ازدواج ، به شرط رضایت طرفین

و لا جناح علیکم فیما تراضیتن به من بعد الفریضه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: ما تراضوا به من بعد النکاح فهو جایز . . .

کافی، ج 5، ص 456، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 467، ح 173؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 360، ح 6.

46- معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 5

5 - انعقاد پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان در کنار مسجد الحرام

إلا الذین عهدتم عند المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 10، 8، 4، 2، 1

1 - انعقاد پیمان صلح ، میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان عصر بعثت

وإن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم

2- شرک پیشگان عصر بعثت ، بر پیمان صلح خود با مسلمانان ، سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

4- بستن پیمان صلح با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

8- خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

وإن نكثوا أيمانهم .. فقتلوا أئمة الكفر

ص: 79

10 - طعن و توهین به اسلام از سوی کفار معاهد ، لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان نبرد با آن را ، مجاز می کند .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم وطعنوا في دينكم فقتلوا

47- معاهده صلح در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 6 - 7 - 9

6 - وجود پیمان های صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 3 - 9 - 13

3 - وجود پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

قوماً نكثوا أيمانهم

48- معاهده عدم تعرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 91 - 5,8,10,12,13

5 - ضرورت پذیرش پیمان عدم تعرض با مخالفان ، علی رغم روحیه ستیزه جویی و پیمان شکنی آنان

ستجدون آخرین یزیدون ان یامنوکم و یامنوا قومهم کَلَّمَا رَدُّوا الی الفتنه ارسوا فی

8 - کناره گیری از برخورد ، تقاضای صلح و دست کشیدن از هر گونه تعرض به مسلمانان ، از شرایط لازم برای لزوم پذیرش قرارداد ترک

تعرض

فان لم يعتزلوکم . . . و یکفوا ایدیهم

10 - ضرورت تعقیب و کشتن کسانی که علی رغم امضای پیمان ترک تعرض ، بدان وفا نکنند .

فان لم يعتزلوکم . . . فخذوهم و اقتلوهم

12 - پذیرش قرارداد ترک تعرض عنوان شده از سوی دشمنان ، فرمان خداوند به مسلمانان

ستجدون اخرين . . . و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً

13 - امضای قرارداد عدم تعرض با دشمنان دین ، تنها در صورتی جایز است که از سوی مخالفان پیشنهاد شود . *

و یلقوا الیکم السلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 18، 16، 14

ص: 80

14 - کافرانی که با مسلمانان پیمان عدم تعرض دارند ، هر چند به انگیزه مبارزه با اسلام به غیر مهاجران هجوم برند ، مهاجران و انصار موظف به یاری آنان نیستند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

مراد از میثاق به قرینه مقام، پیمان عدم تعرض و متارکه جنگ است.

16 - مسلمانان عصر بعثت با گروههایی از کافران پیمان عدم تعرض داشته و به آن وفادار بودند .

إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

18 - پیمان بستن با کافران (پیمان عدم تعرض و . . .) امری جایز و پایبندی به آن واجب است .

إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 3,7,8

3 - دستور خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر ابلاغ الغای پیمان عدم تعرض ، به مشرکان معاهد

براهه من الله ورسوله إلى الذین عهدتم

7 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذین عهدتم من المشرکین

8 - نقض شدن پیمان عدم تعرض ، از سوی اکثریت مشرکان صدر اسلام

الذین عهدتم من المشرکین

مقصود از «الذین عهدتم» - به دلیل آیات 4 و 7 - مشرکان معاهدی هستند که ملتزم به رعایت پیمانهای صلح نبودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 2

2 - دستور خداوند مبنی بر ابلاغ لغو پیمان عدم تعرض مسلمانان با مشرکان پیمان شکن به عموم مردم حاضر در مراسم حج

وَأَذِّنْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ

برداشت فوق بر این اساس است که «برائت» در «أن الله بريء من المشركين ورسوله» کنایه از الغای پیمان صلح و عدم تعرض باشد. گفتنی است که جمله «أذان من الله ورسوله ...» جمله خبری است در مقام انشا و دستور؛ یعنی باید الغای پیمان عدم تعرض در روز «حج اکبر» به عموم مردم حاضر در مراسم حج، ابلاغ گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 11، 10، 9، 8، 6، 5، 2، 1

1 - وجود پیمان های عدم تعرض میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

إلا الذين عهدتم من المشركين

2 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان، جایز است.

الذين عهدتم من المشركين

5 - کمترین کوتاهی معاهدین در عمل به مواد و شرایط پیمان عدم تعرض، نقض پیمان است.

إلا الذين عهدتم من المشركين ثم لم ينقصوكم شيئاً

ص: 81

6 - تهدید مشرکان معاهد صدر اسلام به لغو پیمان عدم تعرض مسلمانان با آنان در صورت مشاهده کمترین کوتاهی در عمل به مواد آن و مشاهده هر گونه کمک به دشمنان اسلام

ثم لم ينقصوكم شيئاً و لم يظهروا عليكم أحداً

8 - کمک و پشتیبانی طرف معاهده به دشمنان ، علیه مسلمانان ، نقض پیمان عدم تعرض است .

إلا الذين عهدتم من المشركين ... و لم يظهروا عليكم أحداً

9 - توصیه مسلمانان صدر اسلام به ادامه پابندی بر پیمان عدم تعرض خود با مشرکان وفادار ، تا پایان یافتن مدت پیمان

إلا الذين عهدتم ... فأتوا إليهم عهدهم إلى مدتهم

10 - محترم شمرده شدن پیمان عدم تعرض مسلمانان صدر اسلام با دسته ای از مشرکان ، به خاطر پایبند ماندنشان بر آن و نقض نشدن پیمان از سوی آنان

إلا الذين عهدتم ... فأتوا إليهم عهدهم إلى مدتهم

11 - وفاداری به پیمان عدم تعرض ، مادامی که طرف معاهده بر آن پایبند باشد ، لازم است .

إلا الذين عهدتم من المشركين ثم لم ينقصوكم شيئاً .. فأتوا إليهم عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 10, 3, 2, 1

1 - نقض شدن پیمان عدم تعرض از سوی اکثریت مشرکان صدر اسلام

کیف یکون للمشرکین عهد

مراد از مشرکان در جمله «کیف یکون للمشرکین عهد» - به قرینه «إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام» - مشرکان معاهدی هستند که بر پیمان خود با مسلمانان پایبند نماندند. ذیل آیه بعد (و اکثرهم فاسقون) بیانگر نقض پیمان از سوی اکثریت آنان است.

2 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض در صورت نقض آن از سوی معاهدان ، جایز است .

کیف یکون للمشرکین عهد

3 - وجود ناخرسندی میان مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به لغو اعتبار پیمان عدم تعرض از سوی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تردید و دودلی آنان در پیکار با مشرکان

کیف یكون للمشرکین عهد عندالله و عند رسوله

کلمه «کیف» در «کیف یكون للمشرکین عهد» - که برای استفهام انکاری است - مفید برداشت فوق است.

9 - خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به ادامه پایبندی بر پیمان عدم تعرض خود با مشرکان ، مادامی که آنان بر پیمان خود پایبند بمانند ، توصیه فرمود .

فما استقموا لکم فاستقیموا لهم

10 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

کیف یكون للمشرکین عهد . . . إلا الذین عهدتم عند المسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 1

1 - وجود ناخرسندی میان مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و تردید و دودلی آنان در پیکار با مشرکان

ص: 82

پیمان شکن

کیف و این یظهوروا علیکم

کلمه «کیف» - که برای استفهام انکاری است - مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 6

6 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و اعلان جنگ به معاهدان کافر، در صورت شکسته شدن پیمان از سوی آنان، بلامانع است.

و این نکثوا ایمنهم من بعد عهدهم .. فقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 13 - 4

4 - نقض پیمان تعرض از سوی مشرکان معاهد صدر اسلام

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم

49- معاهده مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 91 - 3

3 - ترک تعرض به مسلمانان از سوی طوایفی از اعراب در مقابل عدم تعرض مسلمانان به آن طایفه، موضوع قرارداد پیشنهادی نمایندگان آن طایفه.

ستجدون آخرین یریدون ان یامنوکم و یامنوا قومهم

50- معاهده مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 16

16 - مسلمانان عصر بعثت با گروههایی از کافران پیمان عدم تعرض داشته و به آن وفادار بودند.

إلا على قوم بينكم و بينهم ميثق

51- معاهده مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 83

5 - شرک پیشگان صدر اسلام ، بر پیمان خود با مسلمانان سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

قوماً نکتوا ایمنهم

52- معاهده مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 4

4 - یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، هم پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب

مراد از «الذین ظاهرُوا» یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر «هم»، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

53- معاهده همسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 21 - 13، 12، 11، 10، 9

9 - باز پس گیری مهریه زنان ، شکستن پیمان محکمی است که همسران با شوهران خویش بسته اند .

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً

10 - برانگیختن وجدان انسانی از روش های قرآن برای ایجاد تعهد نسبت به رعایت پیمان های زناشویی

و کیف تأخذونه . . . و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً

11 - مهریه ، حتی برای زن در قبال آمیزش و پیمان زناشویی

و کیف تأخذونه و قد افضی

جمله «و قد افضی»، که کنایه از آمیزش است، و جمله «اخذن منکم»، که دلالت بر عقد زناشویی می کند، بیانگر این است که زن در قبال آن دو، مالک مهریه است.

12 - عقد نکاح ، پیمان استواری که زن از مرد گرفته است .

واخذن منكم ميثاقاً غليظاً

امام باقر (ع) درباره ميثاق در آيه فوق فرمود: «الميثاق»، الكلمه التي عقد بها النكاح . . .

كافي، ج 5، ص 560، ح 19؛ تفسير برهان، ج 1، ص 355، ح 8.

13 - زندگي پسندیده با همسر يا آزاد گذاردن وی با رفتار نیک، پيمان برگرفته زن از مرد به هنگام ازدواج

واخذن منكم ميثاقاً غليظاً

از امام باقر (ع) درباره «ميثاق» در آيه فوق چنين نقل شده است كه: «الميثاق الغليظ» هو العهد المأخوذ على الزوج حاله العقد من امساک بالمعروف او تسريح باحسان.

ص: 84

مجمع البيان، ج 3، ص 42؛ تفسير برهان، ج 1، ص 356، ح 11.

54- معاهده يهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 4

4 - يهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، هم پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتاب

مراد از «الذین ظاهرُوا» يهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر «هم»، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

55- معاهده يهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 11 - 10

10 - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان ، در وفا نکردن منافقان به پیمان خویش با کافران (يهود بنی نضیر)

والله یشهد إثمهم لکذبون

56- مکان معاهده مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 5

5 - انعقاد پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان در کنار مسجدالحرام

إلا الذین عهدتم عند المسجدالحرام

57- منشأ نقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17- پیمان شکنی ، کرداری برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لا یرقبوا فیکم إلاّ و لاذمه . . . و اکثرهم فسقون

ص: 85

58- موارد جواز فسخ معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 12، 4

4 - وارد شدن هر ضربه ای به جان یا مال مسلمانان از سوی طرف معاهده ، نقض پیمان شمرده شده و لغو آن را مجاز می کند .

إلا الذین عهدتم من المشرکین ثم لم ینقصوکم شیئاً

12 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض شدن آن از سوی معاهدان جایز است .

إلا الذین عهدتم من المشرکین ثم لم ینقصوکم شیئاً .. فأتوا إلیهم عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 2

2 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض در صورت نقض آن از سوی معاهدان ، جایز است .

کیف یکون للمشرکین عهد

59- موارد نقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 8، 7، 5

5 - کمترین کوتاهی معاهدین در عمل به مواد و شرایط پیمان عدم تعرض ، نقض پیمان است .

إلا الذین عهدتم من المشرکین ثم لم ینقصوکم شیئاً

7 - کمک به دشمنان اسلام علیه مسلمانان ، از موارد نقض پیمان از سوی مشرکان معاهد صدر اسلام بود .

إلا الذین عهدتم من المشرکین .. و لم یظهروا علیکم أحداً

8 - کمک و پشتیبانی طرف معاهده به دشمنان ، علیه مسلمانان ، نقض پیمان عدم تعرض است .

إلا الذین عهدتم من المشرکین .. و لم یظهروا علیکم أحداً

60- موانع نقض معاهده

14 - تقوا، بازدارنده آدمی از شکستن پیمان است، هر چند طرف های پیمان، دشمنانی حق ستیز باشند.

إلا الذين عهدتم من المشركين... فأتوا إليهم عهدهم إلى مدتهم إن الله يحب المت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 12

12 - تقوا، بازدارنده آدمی از شکستن عهد و پیمان

فما استقموا لكم فاستقيموا لهم إن الله يحب المتقين

61- نقض معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 1

1 - ابطال اعتبار پیمان های صلح مسلمانان صدر اسلام از سوی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پی نقض آن توسط مشرکان معاهد

براهه من الله ورسوله إلى الذين عهدتم من المشركين

«برائت» به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. متعلق «برائت» - به قرینه «الذین عاهدتم» - پیمانهای منعقد شده میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان است. اعلام جدا شدن و فاصله گرفتن از عهد و پیمان کنایه از الغا و بی اعتبار نمودن آن است.

62- نقض معاهده عدم تعرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 1

1 - نقض شدن پیمان عدم تعرض از سوی اکثریت مشرکان صدر اسلام

کیف یكون للمشركين عهد

مراد از مشرکان در جمله «کیف یكون للمشركين عهد» - به قرینه «إلا الذین عاهدتم عند المسجد الحرام» - مشرکان معاهدی هستند که بر پیمان خود با مسلمانان پایبند نماندند. ذیل آیه بعد (و اکثرهم فاسقون) بیانگر نقض پیمان از سوی اکثریت آنان است.

63- وجوب وفای به معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 10

10 - وفاداری و التزام به عهد و پیمان، واجب است.

وإن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلاّ ولأذمه

ص: 87

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 10 - 5

5 - وفاداری و التزام به عهد و پیمان ، واجب است .

لا یرقبون فی مؤمن إلاّ و لاذمه

64- وفای به معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 10،13

10 - محترم شمرده شدن پیمان عدم تعرض مسلمانان صدر اسلام با دسته ای از مشرکان ، به خاطر پایبند ماندنشان بر آن و نقض نشدن پیمان از سوی آنان

إلا الذین عهدتم .. فأتوا إلیهم عهدهم إلی مدتهم

13 - وفاداری به پیمان ، نشانه تقوایبشگی است .

فأتوا إلیهم عهدهم إلی مدتهم إنّ الله یحب المتقین

معاهدات

65- احکام معاهدات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 1،2،8

1 - مسلمانان موظفند در صورت ظهور نشانه ای حاکی از تصمیم کافران بر پیمان شکنی ، معاهدات فیما بین را الغا کنند و آن را بی اعتبار بشمارند .

و إما تخافن من قوم خیانه فانبد إلیهم

مراد از «خیانه» به قرینه سیاق پیمان شکنی است و ترس از پیمان شکنی به معنای آشکار شدن شواهد و اماراتی است بر اینکه طرف مقابل نقض پیمان را در سر می پروراند. «نبد» به معنای انداختن و مفعول «فانبد» «عهدهم» است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده است.

2 - لزوم مطلع ساختن دشمن از بی اعتباری عهدنامه آنان ، پس از الغا و بی اعتبار دانستن آن

و إما تخافن من قوم خيانه فانبذ إليهم على سواء

«سواء» به معنای مساوی و برابر بودن است. «علی سواء» حال برای ضمیر در «فانبذ» و ضمیر در «إليهم» است؛ یعنی در حالی که تو و آنان در این امر مساوی هستید. و مراد از مساوی بودن، چنانچه مفسران گفته اند، تساوی در آگاهی به لغو پیمان نامه است. افکندن عهدنامه به طرف آنان (فانبذ إليهم) این معنا را تأیید می کند.

8 - بی اعتبار شمردن و الغای عهدنامه ها بدون آگاه ساختن طرف مقابل، خیانت است.

فانبذ إليهم على سواء إن الله لا يحب الخائنين

ص: 88

برداشت فوق بر این اساس است که «إن الله . . .» تعلیل برای «علی سواء» باشد. یعنی اگر این دستور (آگاه ساختن دشمن به لغو عهدنامه او) را اجرا نکنی، خیانتکاری و خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.

66- الغای معاهدات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 3، 2، 1

1 - مسلمانان موظفند در صورت ظهور نشانه ای حاکی از تصمیم کافران بر پیمان شکنی، معاهدات فیما بین را الغا کنند و آن را بی اعتبار بشمارند.

و إما تخافن من قوم خیانة فانبذ إلیهم

مراد از «خیانه» به قرینه سیاق پیمان شکنی است و ترس از پیمان شکنی به معنای آشکار شدن شواهد و اماراتی است بر اینکه طرف مقابل نقض پیمان را در سر می پروراند. «نبذ» به معنای انداختن و مفعول «فانبذ» «عهدهم» است که به خاطر وضوح در کلام نیامده است.

2 - لزوم مطلع ساختن دشمن از بی اعتباری عهدنامه آنان، پس از الغا و بی اعتبار دانستن آن

و إما تخافن من قوم خیانة فانبذ إلیهم علی سواء

«سواء» به معنای مساوی و برابر بودن است. «علی سواء» حال برای ضمیر در «فانبذ» و ضمیر در «إلیهم» است؛ یعنی در حالی که تو و آنان در این امر مساوی هستید. و مراد از مساوی بودن، چنانچه مفسران گفته اند، تساوی در آگاهی به لغو پیمان نامه است. افکندن عهدنامه به طرف آنان (فانبذ إلیهم) این معنا را تأیید می کند.

3 - تصمیم بر الغا و اعلان بی اعتباری معاهدات امضا شده با کافران، در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران جامعه اسلامی است.

فانبذ إلیهم علی سواء

67- خیانت الغای معاهدات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 8

8 - بی اعتبار شمردن و الغای عهدنامه ها بدون آگاه ساختن طرف مقابل، خیانت است.

فانبذ إلیهم علی سواء إن الله لایحب الخائنین

برداشت فوق بر این اساس است که «إِنَّ اللَّهَ . . .» تعلیل برای «علی سواء» باشد. یعنی اگر این دستور (آگاه ساختن دشمن به لغو عهدنامه او) را اجرا نکنی، خیانتکاری و خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.

ص: 89

68- معاهدات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 1

1 - وجوب وفا به تمامی عقد ها و پیمان ها (فردی ، اجتماعی ، بین المللی و پیمان های الهی)

یا ایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود

69- معاهدات اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 14

14 - انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی) ، که موجب سلطه کافران گردد ، نامشروع و باطل است .

ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

70- معاهدات با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 90 - 5

5 - جواز معاهده و پیمان همکاری و ترک مخاصمه با غیر مسلمانان

الا الذين يصلون الى قوم بينكم وبينهم ميثاق

71- معاهدات بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 90 - 3

3 - لزوم وفاداری جامعه اسلامی به همپیمان ها و معاهده های بین المللی خود

الا الذين يصلون الى قوم بينكم وبينهم ميثاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجوب وفا به تمامی عقد ها و پیمان ها (فردی ، اجتماعی ، بین المللی و پیمان های الهی)

یا ایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود

ص: 90

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 56 - 8,9

8 - رهبران جامعه اسلامی مجاز در پیمان بستن با جوامع کفرپیشه

الذین عهدت منهم ثم ینقضون

9 - نقض پیمان های گذشته از سوی جوامع کفرپیشه ، مانع جواز معاهده جدید نخواهد شد .

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

72- معاهدات سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 14

14 - انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی) ، که موجب سلطه کافران گردد ، نامشروع و باطل است .

و لن یجعل الله للكفرین علی المؤمنین سبیلا

73- معاهدات فرهنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 14

14 - انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی) ، که موجب سلطه کافران گردد ، نامشروع و باطل است .

و لن یجعل الله للكفرین علی المؤمنین سبیلا

74- معاهدات محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 56 - 1,3

1 - پیمان های متعدد پیامبر (صلی الله علیه و آله) با کافران مکه و پیمان شکنی های آنان

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) بارها از یهودیان پیمان گرفت و آنان همواره پیمان خویش را شکستند .

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

برخی برآنند که مراد از «الذین عهدت» مشرکان مکه هستند، ولی مشهور مفسران گفته اند مقصود یهودیانی هستند که در عصر بعثت در اطراف مدینه سکونت گزیده بودند.

ص: 91

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 90 - 4، 2، 1

1 - ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که با همپیمانان مسلمین رابطه ای ویژه (همانند پیمان نظامی) دارند .

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم . . . الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از رابطه ویژه ای که از «یصلون الی . . .» استفاده می شود، رابطه ای است که اگر هر یک از آن دو طایفه مورد تعرض قرار گیرند، طایفه دیگر موظف به حمایت از آنان شوند؛ همانند پیمان نظامی.

2 - ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان پناهنده، به همپیمانان مسلمین

الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از «یصلون»، می تواند پناهنده شدن منافقان به همپیمانان مسلمین باشد. چون «یصلون» را به منافقان اسناد داده، نه به همپیمانان.

4 - جواز دوستی و یاری خواستن از منافقان و کافران پناهنده، به همپیمانان مسلمانان *

و لا تتخذوا منهم ولیاً و لا نصیراً. الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

در برداشت فوق احتمال داده شده که «الا الذین یصلون . . .» استثنا از حکمی است که در جمله «و لا تتخذوا منهم ولیاً و لا نصیراً» بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 1 - 9 - 6

6 - وجود پیمان های صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

الذین عهدتم من المشرکین

مقصود از «معاهده» در «عهدتم» - به قرینه آیه 4 - معاهده صلح و عدم تعرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 6

6- وجود پیمان های صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 12 - 1, 2

1- انعقاد پیمان صلح ، میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان عصر بعثت

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

2- شرک پیشگان عصر بعثت ، بر پیمان صلح خود با مسلمانان ، سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

ص: 92

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 13 - 3,5

3 - وجود پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

قوماً نكثوا أيمانهم

5 - شرک پیشگان صدر اسلام ، بر پیمان خود با مسلمانان سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

قوماً نكثوا أيمانهم

76- معاهدات مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 4 - 10, 1

1 - وجود پیمان های عدم تعرض میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

إلا الذين عهدتم من المشركين

10 - محترم شمرده شدن پیمان عدم تعرض مسلمانان صدر اسلام با دسته ای از مشرکان ، به خاطر پایبند ماندنشان بر آن و نقض نشدن پیمان از سوی آنان

إلا الذين عهدتم .. فأتوا إليهم عهدهم إلى مدتهم

77- معاهدات نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 14

14 - انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی) ، که موجب سلطه کافران گردد ، نامشروع و باطل است .

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

78- منشأ معاهدات محمد(صلى الله عليه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تجلی مشیت و خواست خداوند، در تصمیم‌گیری‌ها، پیمان‌ها و موضع‌گیری‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ

تعبیر «إِنَّمَا يُبَايِعُونَ» می‌رساند که عمل و تصمیم پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همان خواست و اراده خدا است و بدین جهت پیمان با او

عین

ص: 93

پیمان با خدا است.

79- وفای به معاهدات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 13

13 - لزوم پایبندی به عهد ها و پیمانهایی که آدمی با دیگران بسته است .

و الموفون بعهدهم إذا عهدوا

جمله «إذا عهدوا» بیانگر این است که: مقصود از «عهد» در جمله فوق، عهدهایی است که انسانها با یکدیگر منعقد می کنند نه عهدهای خدا با مردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 21 - 8

8 - لزوم پایبندی به تعهدات و پیمانها

و كيف تأخذونه .. و اخذن منكم ميثاقاً غليظاً

معاهدات بين المللى

80- {معاهدات بين المللى}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 112 - 7

7 - لزوم پایبندی مسلمانان ، به قرارداد های جامعه اسلامی با دیگر جوامع

ضُربت عليهم الذّله .. الا بحبل من الله و حبل من الناس

«و حبل من الناس»، در برداشت فوق به معنای قرارداد مسلمین با اهل کتاب است و آیه فوق بیانگر این است که در صورت قرارداد، نباید متعرض آنها شد.

81- معاهدات بين المللى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - لزوم وفاداری جامعه اسلامی به همپیمان ها و معاهده های بین المللی خود

الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ

ص: 94

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 1

1 - وجوب وفا به تمامی عقد ها و پیمان ها (فردی ، اجتماعی ، بین المللی و پیمان های الهی)

یا ایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 56 - 8،9

8 - رهبران جامعه اسلامی مجاز در پیمان بستن با جوامع کفرپیشه

الذین عهدت منهم ثم ینقضون

9 - نقض پیمان های گذشته از سوی جوامع کفرپیشه ، مانع جواز معاهده جدید نخواهد شد .

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

معاهدان

82- مسؤولیت معاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 8

8- اهل پیمان ، با مشاهده ضعف در طرف مقابل ، نباید به پیمان شکنی روی آورند .

تتخذون ایمنکم دخلاً بینکم أن تكون أمه هی أربی من أمه

ص: 95

1- احکام معبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 36 - 5

5 - مرتفع ساختن کانون های عبادت و ذکر خدا، جایز و مشروع است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه

2- اعلام فلسفه وجودی معبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 18 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور اعلام فلسفه وجودی مساجد و معابد

و أنّ المسجد لله

جمله «انّ المساجد لله»، عطف بر «انّه استمع...» است؛ یعنی، «قل أوحى إليّ أنّ المساجد لله...».

3- تاریخ معبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 6

6 - بنای محل هایی برای عبادت، دارای تاریخی طولانی

يعملون له ما يشاء من محرب

ص: 96

4- عبادت در معبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 18 - 3

3- هیچ کس جز خداوند، نباید در مساجد و معابد مورد پرستش قرار گیرد.

فلاتدعوا مع الله أحدًا

تفریع جمله «فلاتدعوا..» بر «أن المساجد لله»، می رساند که نهی از دعا و عبادت غیر خدا، مربوط به مساجد است.

5- غذا در معبد قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 91 - 3

3- وجود غذا در بتکده، به هنگام رفتن مردم از شهر و آمدن ابراهیم (ع) به آن بتکده

فراغ إلى الهتهم فقال ألا تأكلون

پرسش استهزاآمیز ابراهیم(ع) از بت ها برای غذا خوردن، می رساند که در محل معبودهای مشرکان، غذا وجود داشت. گفتنی است که در تاریخ آمده است: مشرکان غذاهایی را برای متبرک شدن نزد بت ها می گذاشتند که این موضوع، می تواند مؤید برداشت بالا باشد.

6- مرتفع سازی معبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 36 - 5

5- مرتفع ساختن کانون های عبادت و ذکر خدا، جایز و مشروع است.

فی بیوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه

7- معبد قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 57 - 6

6- قوم ابراهیم ، معبد و جایگاهی خاص برای پرستش بت ها داشتند .

لَأَكِيدَنَّ أَصْنَمَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ

ص: 97

مقصود از پشت کردن و رفتن قوم ابراهیم، ممکن است در رابطه با بتخانه ها و محل اجتماع بت ها باشد؛ یعنی، وقتی شما پشت به بتخانه ها کردید و به خانه ها و هر جای دیگر رفتید، من به سراغ بت ها خواهم رفت و علیه آنها چاره اندیشی خواهم کرد. از این سخن استفاده می شود که قوم ابراهیم دارای معبد و جایگاه ویژه برای پرستش بت ها بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 62 - 3

3- بتکده قوم ابراهیم، محل محاکمه و بازجویی ابراهیم (ع) *

قالوا أنت فعلت هذا بالهتنا یا ابرهیم

«هذا» اشاره به شیء نزدیک است و مشارالیه آن، عمل ابراهیم (ع) (شکستن بت ها) است. از این رو می توان استفاده کرد که محل محاکمه آن حضرت در خود بتکده و یا نزدیک به آن بوده است.

8- معبد مرتفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 36 - 4

4 - مثل نور خداوند، همانند چراغی است پرفروغ و درخشان در چراغ دانی که در خانه ها و معابدی مرتفع واقع است که همواره نام خداوند در آنها زنده می باشد.

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح .. فی بیوت أذن الله أن ترفع و يذكر فیها اسمه

برداشت فوق بر دو چیز استوار است: 1- مراد از «ترفع» رفعت مادی باشد؛ چنان که خداوند درباره حضرت ابراهیم (ع) فرمود: «و إذا یرفع ابراهیم القواعد من البیت؛ و آن گاه ابراهیم پایه های خانه (خانه خدا) را بالا برد» بقره، آیه 127. 2- جمله «فی بیوت» ادامه تمثیل خداوند باشد.

9- ویژگیهای معبد قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 59 - 6

6- معبد و بتکده قوم ابراهیم، نگهبان نداشت.

فجعلهم جذذاً .. قالوا من فعل هذا بالهتنا

از این که در برابر حضرت ابراهیم(ع) مقاومتی صورت نگرفت و مشرکان از عامل شکستن بت ها اطلاعی پیدا نکردند، می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

ص: 98

1- آثار تعدد معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 2

2- تعدد خداوند در جهان هستی، موجب فساد، فروپاشی و متلاشی شدن نظام آن است.

لو كان فيهما إله إلا الله لفسدتا

«فساد» در مقابل «صلاح» قرار دارد و معنای آن خروج از حد اعتدال است (مفردات راغب). گفتنی است فساد و صلاح هر چیزی متناسب با خود آن چیز خواهد بود و فساد آسمان ها و زمین، به معنای متلاشی شدن نظم کنونی و فروپاشی انسجام و پیوستگی آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 91 - 6,4

4- وجود خدایان متعدد، مستلزم وجود آفرینش های متعدد و جدا از هم

إذا لذهب كل إله بما خلق

6- تعدد خدایان، مستلزم پیدایش حرج و مرج و نابسامانی در نظام هستی و در نتیجه باعث فروپاشی آن است.

و لعلا بعضهم على بعض

«عُلُوٌّ» (مصدر «علا») به معنای غلبه یافتن و چیره شدن است؛ یعنی، «و لو كان معه من إله لغلِبَ بعضهم على بعض؛ اگر علاوه بر خدا، خدایان دیگری نیز بودند، در کار تدبیر جهان نقش داشتند [و در نتیجه] بعضی بر برخی دیگر چیره می شدند و کار جهان به فساد و تباهی کشیده می شد». گفتنی است که استدلال فوق، بر این فرض استوار است که مجموعه از خدایان در کار خلق و تدبیر جهان موجود، نقش مشترک داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 8,9

8 - وجود چند معبود در جهان - بر فرض امکان آن - موجب نزاع میان آنان بر سر حاکمیت می شود .

ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشکسون

برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: پیام آیه شریفه مانند پیام دو آیه زیر است، با این تفاوت که آیه مورد بحث مثالی است قابل فهم برای عموم مردم و در محدوده زندگی بشری؛ ولی این دو آیه مسأله را در مقیاس کل جهان مورد بحث قرار می دارد: 1- «لوکان فیهما آلهه إلاّ الله لفسدتا. ..»، (سوره انبیا(21) آیه 22). 2- «لذهب کلّ إله بما خلق و لعلا بعضهم علی بعض...»، (سوره مؤمنون(23) آیه 91).

9 - تعدد خدا، موجب متلاشی شدن و مختل گشتن نظام زندگی بشر خواهد شد .

ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشکسون

2- آمرزگاری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت، علم، گناه آمرزی، توبه پذیری، سخت عقوبت دادن، صاحب فضل و عطا داشتن، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب . . . لا إله إلاّ هو

3- احاطه معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 6

6 - معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إنّما إلهکم الله . . . وسع کلّ شیء علماً

جمله «وسع...» بدل برای «لا إله إلاّ هو» است و هر دو، تعلیل برای «إنّما إلهکم...» می باشند.

4- احیاگری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 3

3- توانایی بر زنده کردن مردگان ، لازمه تفکیک ناپذیر مقام الوهیت

أم اتّخذوا ءالهه من الأرض هم ینشرون

برداشت یاد شده باتوجه به دو نکته است: 1- آیات پیشین و بعدی، در باره الوهیت و یگانگی خدا است. 2- آیه شریفه هر گونه توانایی از خدایان ادعایی بر احیای مردگان را نفی کرده است. از مجموع این آیات استفاده می شود که احیای مردگان تنها در گرو

ص: 100

الوهیت حقیقی و لازمه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 4،11

4- هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند.

اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم م

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن «من» در «من شیء» برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره «ذلکم» به خلق، رزق، اماته و احیاء - مصدرهای فعل های یاد شده در آیه - اشاره دارد.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات، از ویژگی های الوهیت اند.

اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم

5- ادراک معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 7

7- شنوایی، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز، از شروط بدهی معبود حقیقی است.

لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئاً

6- استحاله تعدد معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 1

1- تعدد خدا در جهان آفرینش، محال و غیر ممکن است.

لو کان فیهما الهه إلاّ الله لفسدتا

برداشت یاد شده با استفاده از «لو» امتناعیه در «لوکان» است.

7- امداد به معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 68 - 5

5- معبود ها ، نیازمند یاری و نصرت از دید قوم بت پرست ابراهیم

وانصروا الهتکم

ص: 101

8- اهمیت تفکر در معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 70 - 2

2- اهتمام ابراهیم (ع) برای به اندیشه واداشتن مردم شرک پیشه عصر خویش درباره حقیقت معبود های شان

إذ قال .. ما تعبدون

استفهام در «ماتعبدون» استفهام حقیقی نیست؛ زیرا ابراهیم(ع) می دید که آنان بت می پرستند. بنابراین پرسش یاد شده بدان منظور بوده است که افکار آنان را برآشوبد و به اندیشیدن درباره آنچه می پرستند وادارد.

9- ایمن بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 10

10 - تنها تضمین کننده ایمنی و امنیت خلق ، شایسته الوهیت و پرستش است .

هو الله الذی لا إله إلا هو .. المؤمن

وصف «المؤمن»، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در خداوند دارد.

10- بداهت خالقیت در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 4

4- خالق بودن و مخلوق نبودن برای الوهیت ، از بدیهیات عقلی است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

از اینکه در رد الوهیت معبودهای مشرکان، تنها به یادآوری این نکته که آنان توان آفرینشگری ندارند و خود مخلوقند، پرداخته و استدلال نکرده است، حکایت از نکته یاد شده می کند.

11- بطلان تعدد معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- وجود خدایان متعدد برای هستی ، مستلزم محال است . *

ص: 102

لو كان معه .. إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سبیلاً

تعدد خدایان، مستلزم تعدد قدرت و تنازع است و نزاع و درگیری با ثبات و نظم هستی سازگار نیست؛ بنابراین، با فرض وجود خدایان متعدد محال است که نظمی بر جهان حکمفرما شود. این احتمال که «لو» در «لوکان» امتناعیه است، مؤید حقیقت فوق می باشد.

12- بنی اسرائیل و معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 14

14 - قوم موسی مردمی جاهل و ناآگاه به ویژگی ها و صفات معبود راستین و شایسته پرستش

قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه قال إنکم قوم تجهلون

13- بی نظیری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 6

6 - معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إئما إلهکم الله .. وسع کل شیء علمًا

جمله «وسع ..» بدل برای «لا إله إلا هو» است و هر دو، تعلیل برای «إئما إلهکم...» می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 14

14 - مقام الوهیت ، مبرّأ و پیراسته از زوجیت و داشتن همانند

جعل لکم من أنفسکم أزواجًا .. لیس کمثله شیء

ذکر «لیس کمثله شیء» پس از طرح مسأله زوجیت برخی موجودات، می تواند اشعار به نفی همسر داشتن خدا داشته باشد.

14- بی نیازی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ . . . وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

ص: 103

جمله «وسع ..» بدل برای «لا إله إلا هو» است و هر دو، تعلیل برای «إِنَّمَا إِلَهُكُم...» می باشند.

15- بینایی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 7

7 - معبود راستین باید شنوا و بینا باشد .

این تدعوهم ... لا یسمعوا ... و هم لا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 7

7- شنوایی، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز، از شروط بدیهی معبود حقیقی است .

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

16- تدبیر معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 2

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد، شایسته پرستش نیست .

اللّٰه لا إله إلا هو

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان روایی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

17- تشخیص معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 7

7 - اجابت دعا، از راه های شناسایی معبود راستین است .

سواء عليكم أذعوتموهم أم أتم صمتون

ص: 104

18- تعدد معبود آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 7

7- آزر ، بت های متعددی را معبود خود می دانست و آنها را عبادت می کرد .

قال أراغب أنت عن ءالهي

19- تکلم معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 8

8 - هدایتگری انسان ها و توان سخن گفتن با آنان از روشنترین نشانه های معبود راستین

ألم يروا أنه لا يكلمهم ولا يهديهم سبيلا

20- تنزیه معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 3

3- معبود هستی ، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

وقل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 5

5 - وجود قدسی و پیراسته از هر عیب و آلودگی ، شایسته مقام الوهیت و پرستش است ; نه جز او .

هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس

وصف «القدوس»، می تواند اشعار به علیت حصر پرستش در خدای یگانه داشته باشد.

21- توبه پذیری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

ص: 105

10 - عزت، علم، گناه آمرزی، توبه پذیری، سخت عقوبت دادن، صاحب فضل و عطا داشتن، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب... لا إله إلا هو

22- جاودانگی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 5

5- برخورداری از حیات جاوید، مرز میان معبود حقیقی و غیر حقیقی

و توکل علی الحی الذی لایموت

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد محکوم کردن شرک و بت پرستی و اثبات توحید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 88 - 6

6- فناپذیری و بقا، شرط شایستگی برای معبود بودن است.

لا إله إلا هو کلّ شیء هالک إلا وجهه

جمله «کلّ شیء...» تعلیل برای عدم شایستگی غیر خدا برای معبود بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 5

5- داشتن حیات حقیقی، مستقل و جاوید، از اوصاف معبود حقیقی است.

هو الحی لا إله إلا هو

23- حاکمیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 88 - 10

10 - فرمان روایی بر جهان ، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لا إله إلا هو .. له الحكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 12

12 - مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن ، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

ص: 106

و الله خلقكم .. الشمس و القمر ... ذلكم الله ربكم له الملك و الذين تدعون من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 2، 1

1 - یگانه معبود هستی ، فرمانروای مطلق نظام وجود است .

هو الله الذی .. الملك القدوس

2 - یگانه مدبر و فرمانروای جهان هستی ، شایسته مقام خداوندی و پرستش است .

هو الله الذی لا إله إلا هو الملك

وصف «الملك» برای جمله قبل، اشعار به علیت دارد.

24- حیات بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8 - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أمن یبدؤا الخلق ثم یرعیده .. أءله مع الله

25- حیات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 22 - 2

2- علم ، قدرت ، خالقیت و حیات ، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لا یخلق .. و الله یعلم ... و الذین یدعون من دون الله لا یخلقون شیئ

آوردن عبارت «إلهکم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحی لا إله إلا هو

ص: 107

26- خالقیت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 13

13- خالق و آفریننده ، تنها حقیقتِ شایسته پرستش

اعبدوا الله .. هو أنشأكم من الأرض

جمله «هو أنشأكم ..» استدلالی است برای توحید و لزوم یکتاپرستی که از جمله «اعبدواالله ...» به دست می آید؛ یعنی، چون خداوند خالق است، شایسته پرستش است و چون در آفریدن شریکی ندارد، پس نباید در پرستش نیز برای او شریکی بیندازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 10

10- تنها خداوند خالق ، شأن مورد پرستش قرار گرفتن و کمک طلبیدن را دارد .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً

آیه درصدد سرزنش عمل مشرکان در اتخاذ معبودهای متعدد است و استفاده می شود که چنان کاری مذموم و قبیح می باشد.

27- خالقیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 3

3- توانمندی بر آفریدن و نیز مخلوق نبودن ، از نشانه های خدا و معبود حقیقی است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

از اینکه خداوند در مقام بیان رد الوهیت معبودهای مشرکان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده می شود که «الله» باید خالق بوده و مخلوق نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 22 - 2

2- علم، قدرت ، خالقیت و حیات ، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن يخلق كمن لا يخلق . . . و الله يعلم ... و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً

آوردن عبارت «إلهكم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 21 - 4

4 - آفریننده انسان ها ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا ربكم الذي خلقكم و الذين من قبلكم

ص: 108

توصیف خداوند به «خالقیت» - پس از بیان لزوم پرستش او - بیانگر علت لزوم پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 12

12 - شایستگی اله بودن و معبود شدن ، تنها در خور خالق و آفریدگار انسان است .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا إلی بارئکم

«بارء» از اسما و صفتهای الهی و به معنای آفریننده است. موسی(ع) با انتخاب این اسم و صفت در جمله «توبوا إلی بارئکم» - با توجه به اینکه مخاطبانش کسانی هستند که به پرستش غیر خدا روی آورده بودند - اشاره به این دارد که: خالق آدمی سزاوار معبود شدن است؛ چرا به غیر او گرایش پیدا کردید؟ باید توبه کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 2

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّٰه لا إله إلاّ هو

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان رویی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6 - مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتّخذوا من دونه ءالهه لایخلقون شیئا و هم یخلقون . . . و لانشورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 3

3 - خالق و راهنمای انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی شعور و ساخته دست بشر .

فإنهم عدوٌ لى إلا ربّ العلمين . الذى خلقنى فهو يهدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 25 - 2

2 - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

يسجدون للشمس . . . ألا يسجدوا لله الذى يخرج الخبء فى السموت و الأرض

«ال» در «الخبء» برای جنس و مفید استغراق است «خَبء» به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین «يخرج الخبء»؛ یعنی، «يخرج جميع الأشياء المستورة تحت استار العدم منها إلى الوجود».

ص: 109

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8 - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ .. أءَلَهُ مَعَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 11، 4، 7

4 - هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان ، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِثْلَ ذَلِكَ

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن «من» در «من شیء» برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره «ذلکم» به خلق، رزق، اماته و احیاء - مصدرهای فعل های یاد شده در آیه - اشاره دارد.

7 - خدایان ناتوان از آفرینش و روزی دهی به انسان ، شایسته خدایی نیستند .

هل من شركائکم من یفعل من ذلکم من شیء

استفهام در آیه، انکاری است و آیه، در صدد بیان این نکته است که خدای یگانه، اوصاف یادشده را دارد، در حالی که خدایان شما، چنین نیستند، پس شایسته خدایی نیستند.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات ، از ویژگی های الوهیت اند .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 2

2 - خالقیت ، از شرایط الوهیت است .

هذا خلق الله

از تحدی خداوند با مشرکان، استفاده می شود که «الله» باید توان خالقیت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 22 - 4

4 - عبادت ، تنها شایسته خدای خالق است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 2

2 - تنها ، خالق جهان هستی مستحق پرستش است .

قال أتعبدون ما تنحتون . و الله خلقکم و ما تعملون

تذکر به خالقیت خدا نسبت به انسان و مصنوعات وی، پس از محکوم کردن پرستش مصنوعات بشری، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

ص: 110

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 125 - 10

10 - خالقیت ، شرط شایستگی برای معبودیت

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 16

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و . . .) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 8

8 - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

وقال ربکم ادعونی أستجب لکم . . . الله الذی جعل لکم... النهار مبصراً

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل - که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 13

13 - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و رب حقیقی

الله الذی جعل لکم الأرض . . . و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطیب ذلکم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 2

2 - تنها معبودی شایسته پرستش است که سامان بخش وجود انسان و آفریدگار سرشت آدمی است .

إلا الذي فطرني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 5

5- توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن ، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر،

ص: 111

ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

28- دفع زیان معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6 - مخلوق نبودن، قدرت بر آفرینندگی، جلب منفعت، دفع ضرر، میراندن، حیات بخشیدن و احیای مردگان، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتخذوا من دونه ءالهه لایخلقون شیئا و هم یخلقون . . . و لانشورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 6

6 - توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: 1- آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. 2- این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

29- راز قیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 3

3- روزی رسانی، از معیار های شناخت معبود حقیقی از غیر اوست .

و یعبدون من دون الله ما لایملک لهم رزقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8 - پرستش، مخصوص پدیدآورنده، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

امن یبدوا الخلق ثم یعیده . . . ءله مع الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 7

7 - مالکیت و توان مندی بر تأمین روزی ، شرط بایسته ، برای معبود

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا

ص: 112

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 11، 7، 4

4 - هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان ، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند .

اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم م

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن «من» در «من شیء» برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره «ذلکم» به خلق، رزق، اماته و احیاء - مصدرهای فعل های یاد شده در آیه - اشاره دارد.

7 - خدایان ناتوان از آفرینش و روزی دهی به انسان ، شایسته خدایی نیستند .

هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم من شیء

استفهام در آیه، انکاری است و آیه، در صدد بیان این نکته است که خدای یگانه، اوصاف یادشده را دارد، در حالی که خدایان شما، چنین نیستند، پس شایسته خدایی نیستند.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات ، از ویژگی های الوهیت اند .

اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 8

8 - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

وقال ربکم ادعونی أستجب لکم . . . اللّٰه الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل - که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 13

13 - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض . . . وصورکم فأحسن صورکم ورزقکم من الطّیبّ ذلکم اللّٰه

30- ربوبیت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 117 - 7

7 - ربوبیت ، ملاک شایستگی برای پرستش

ان اعبدوا اللّٰه ربی وربکم

توصیف «اللّٰه» به «ربی وربکم» اشاره به علت لزوم پرستش خداوند (اعبدوا) دارد یعنی چون خداوند رب است شایسته و بایسته

ص: 113

پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 4

4- قوام بخشی به بندگان و تدبیر امور ایشان ، از ویژگی های معبود شایسته پرستش

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت و جعلوا لله شركاء

31- ربوبیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 3

3 - استجاب دعا و بر آوردن حاجت ، تنها در توان ربّ و مالک حقیقی جهان (الله) است .

ذلکم الله ربکم له الملك و الذین تدعون من دونه .. إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 87 - 3

3 - تنها پروردگار جهان ، سزاوار عبودیت و پرستش است .

أنفکاً ءالهه دون الله تریدون . فما ظنکم برّب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 126 - 3

3 - عبودیت و پرستش ، تنها شایسته پروردگار انسان ها است .

أتدعون بعلاً .. الله ربکم وربّ ءابانکم الأولین

یادآوری ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها، پس از محکوم کردن پرستش بت ها، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 3

3 - تنها مالک و مدبر جهان هستی ، شایسته عبادت است .

و ما من إله إلا الله .. ربّ السموت والأرض و ما بينهما

توصیف خداوند به، مالک و مدبر هستی بودن - پس از بیان یکتایی او در معبودیت - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 17

17 - ربوبیت ، از اوصاف خدای حقیقی (الله) است .

ص: 114

اللّٰهُ رَبِّكُمْ

«رَبِّكُمْ» صفت برای «اللّٰهُ» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 5

5- توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن ، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر، ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 2

2 - یگانه مدبّر و فرمانروای جهان هستی ، شایسته مقام خداوندی و پرستش است .

هو اللّٰهُ الذی لا إله إلاّ هو الملک

وصف «الملک» برای جمله قبل، اشعار به علیت دارد.

32- رحمانیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 8

8 - رحمانیت ، از جمله ویژگی های لازم برای معبودیت است .

فقالوا هذا إلهکم وإله موسى . . . وإنّ ربکم الرحمن

هارون(ع)، در مقام رد معبود بودن گوساله سامری، برخی از ویژگی های معبود حقیقی را بیان نمود؛ که از جمله آنها «رحمان» بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 45 - 6

6 - خداوندِ دارای رحمت گسترده و مطلق ، تنها موجود شایسته پرستش است .

أجعلنا من دون الرحمن ءالهه يعبدون

33- رحمت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 115

6- رحمت گسترده و پایدار، لازمه مقام الوهیت و خداوندگاری است.

هو الله الذی . . . هو الرحمن الرحیم

34- زیان به معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- تنها موجود ایمن از زیان پذیری و زیان رسانی، شایسته مقام خداوندی است.

هو الله الذی . . . السلم

وصف «السلام»، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در «الله» دارد.

35- زیان تعدد معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- وجود خدایان متعدد، مستلزم رقابت و درگیری حتمی برای تصاحب قدرت و حاکمیت جهان

قل لو کان . . . إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سیبلاً

خدایی، مظهر قدرت و حاکمیت بر جهان است و وجود چند خدا، به معنای وجود چند قدرت و حاکمیت می باشد و این مستلزم رقابت و برخورد بر سر تصاحب قدرت و حاکمیت بر جهان (عرش) است.

36- زیان رسانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- قدرت بر پاسخ گویی و اجابت خواسته ها و توان نفع و ضرر رسانی، از جمله ویژگی های لازم برای معبود حقیقی است.

أفلا یرون الّآیّ رجع إلیهم قولاً و لا یملک لهم ضرراً و لا نفعاً

«برگرداندن قول»، مفهومی است که شامل اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 3

3 - لازمه معبود راستین ، در دست داشتن عوامل و اسباب سود و زیان انسان

ص: 116

أو ينفعونكم أو يضرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 8

8 - تنها موجود ایمن از زیان پذیری و زیان رسانی ، شایسته مقام خداوندی است .

هو الله الذی . . . السلم

وصف «السلام»، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در «الله» دارد.

37- سختی کيفر در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمیزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب . . . لا إله إلا هو

38- شرایط معبود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

4 - نساء - 4 - 117 - 5

5 - تأثیر پذیری موجودات ، دلیل عدم صلاحیت آنان برای خدایی و پرستش

ان يدعون من دونه الا انثاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 5

5 - خداوندی می تواند پاسخ حاجت ها و خواسته ها را بدهد که بر همه چیز مالکیت داشته باشد .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذره

39- شرایط معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 3

3 - معبودی جز خداوند، که مبدع هستی و خالق همه چیز و بدون همسر و فرزند باشد، وجود ندارد.

ص: 117

بديع السموت .. انى يكون له ولد ولم تكن له صاحبه ... لا إله إلا هو خلق كل شىء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 197 - 5

5 - معبود به حق بايد شكست ناپذير و از آسيب ها و حوادث مصون باشد .

و الذين تدعون من دونه ... و لا أنفسهم ينصرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 42 - 7

7- شنوایی ، بينایی (ادراك) و قدرت بر رفع نیاز ، از شروط بديهی معبود حقیقی است .

لِمَ تعبد ما لا يسمع و لا يبصر و لا يغنى عنك شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 8 - 6, 2

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّٰه لا إله إلاّ هو

برداشت فوق ، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت ، فرمان رویی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است .

6 - معبودی جز دارنده بهترین اوصاف کمال ، سزاوار پرستش نیست .

اللّٰه لا إله إلاّ هو له الأسماء الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 98 - 6

6 - معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إنّما إلهکم اللّٰه .. وسع کلّ شىء علماً

جمله «وسع ..» بدل برای «لا إله إلا هو» است و هر دو، تعلیل برای «إِنَّمَا إِلَهُكُم...» می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8 - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ .. أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 65 - 2

2 - لزوم برخورداری معبود ، از علم مطلق و آگاهی به نهانی ترین امور هستی

ص: 118

قل لا يعلم من فى السموت و الأرض الغيب إلا الله

این بخش از آیات، در مقام اثبات توحید و رد شرک است و در این راستا است که علم مطلق الهی مطرح و به انسان یادآوری شده است که این علم فقط در اختیار خداوند می باشد و نه غیر او؛ پس غیر او شایسته برای پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 88 - 10، 6

6 - فناپذیری و بقا، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لا إله إلا هو كل شيء هالك إلا وجهه

جمله «كل شيء..» تعلیل برای عدم شایستگی غیر خدا برای معبود بودن است.

10 - فرمان روایی بر جهان، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لا إله إلا هو... له الحكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 7

7 - مالکیت و توان مندی بر تأمین روزی، شرط بایسته، برای معبود

إن الذين تعبدون من دون الله لا يملكون لكم رزقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 12

12 - مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

و الله خلقكم... الشمس و القمر... ذلكم الله ربكم له الملك و الذين تدعون من

40- شکست ناپذیری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 5

5- معبود به حق باید شکست ناپذیر و از آسیب ها و حوادث مصون باشد .

والذین تدعون من دونه . . . و لا أنفسهم ینصرون

41- شنوایی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 7

ص: 119

7 - معبود راستین باید شنوا و بینا باشد .

إن تدعوهم . . . لا یسمعوا . . . و هم لا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 7

7- شنوایی ، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز ، از شروط بدهی معبود حقیقی است .

لِمَ تعبد ما لا یسمع و لا یبصر و لا یغنی عنک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 3

3 - موجود ناتوان و ناشنوا ، فاقد شایستگی برای خدا بودن و پرستیده شدن

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 5

5- معبود واقعی و شایسته پرستش ، توانا بر شنیدن صدای عبادت گران و قادر بر اجابت خواسته های آنان

و من أضلّ ممّن یدعوا من دون الله من لا یتجیب له إلی یوم القیمه

خداوند، مشرکان را به سبب پرستش موجوداتی که قادر به شنوایی و اجابت دعای آنان نیستند، سرزنش کرده است. مفهوم این سخن آن است که معبود واقعی، باید قادر بر شنیدن و اجابت خواسته ها و نیازهای مخلوقات باشد.

42- شؤون معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 3

3 - قضاوت به حق ، از شؤون الوهیت حقیقی است .

و الله یقضی بالحقّ و الذین یدعون من دونه لا یقضون بشیء

مطلب یاد شده، از تصریح شدن اسم جلاله (الله) به دست می آید.

43- صفات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 17

17 - ربوبیت ، از اوصاف خدای حقیقی (الله) است .

ص: 120

اللّٰهُ رَبِّكُمْ

«رَبِّكُمْ» صفت برای «اللّٰهُ» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب ... لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 5

5 - داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحي لا إله إلا هو

44- صورتگری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 6

6 - تنها خداوند وجودبخش و صورت آفرین ، شایسته پرستش

لا إله إلا هو ... هو الله الخلق البارئ المصوّر

اوصاف بیان شده در آیه شریفه، مشعر به علیت برای حصر الوهیت در وجود خداوند است.

45- ضرورسانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 4

4 - تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَ لَا يَضُرُّنَا

46- عزت معبود راستين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

ص: 121

10 - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 14

14 - هر موجودی شکست پذیر مقهور ، نالایق برای پرستش است .

لا إله إلا هو .. العزيز

با توجه به این که آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ضروری خداوند است؛ از مفهوم آیه استفاده می شود که موجود فاقد این اوصاف، شایسته الوهیت نیست.

47- عطایای معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

48- عظمت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 17

17 - یکتا معبود هستی ، دارای عظمت ، کبریایی و شکوه

هو الله .. المتكبر

49- عقیده به تعدد معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 3

3- وجود خدایان برای تدبیر امور عالم ، پنداری باطل است .

و يعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 122

1 - قوم فرعون ، معتقد به خدایانی متعدد

أنا ربكم الأعلى

50- عقیده به معبود حسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 13

13 - باور به خدای محسوس و ملموس ، نشانه جهل آدمی است .

كما لهم ءالهه قال إنكم قوم تجهلون

موسی(ع)، بنی اسرائیل را در پی درخواست خدایی محسوس و ملموس، که از «كما لهم ءالهه» استفاده می شود، مردمی جاهل خواند.

51- علم غیب معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 65 - 2

2- لزوم برخورداری معبود ، از علم مطلق و آگاهی به نهانی ترین امور هستی

قل لا یعلم من فی السموت و الأرض الغیب إلا الله

این بخش از آیات، در مقام اثبات توحید و رد شرک است و در این راستا است که علم مطلق الهی مطرح و به انسان یادآوری شده است که این علم فقط در اختیار خداوند می باشد و نه غیر او؛ پس غیر او شایسته برای پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 22 - 4

4- آگاهی مطلق به غیب و شهود ، لازمه مقام الوهیت و خداوندگاری است .

هو الله الذی لا إله إلا هو علم الغیب و الشهده

توصیف «الله» به «عالم الغیب و الشهاده»، بیان بالا را افاده می کند.

52- علم معبود راستين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 22 - 2

ص: 123

2- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لا یخلق... و الله یعلم... و الذین یدعون من دون الله لا یخلقون شیئ

آوردن عبارت «إلهکم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 2

2- کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد، شایسته پرستش نیست.

الله لا إله إلا هو

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان روابی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 6

6- معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد.

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ... وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

جمله «وسع...» بدل برای «لا إله إلا هو» است و هر دو، تعلیل برای «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ...» می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 25 - 7,8

7- تنها خدای آگاه به هر آشکار و نهان سزاوار پرستش است، نه مظاهر طبیعت (چون خورشید، ماه و...).

یسجدون للشمس... أَلَا یَسْجُدُوا لِلَّهِ... و یعلم ما تخفون و ما تعلنون

عبارت «و یعلم ما تخفون...» عطف بر «یخرج» و استدلال دیگری است بر این که تنها خدای یگانه سزاوار پرستش است، نه پدیده هایی چون خورشید، ماه و... .

8- قدرت و علم فراگیر و نامحدود، دو ملاک اصلی در شناخت معبود حقیقی

الذی یخرج الخبء .. و یعلم ما تخفون

«یخرج الخبء» بیانگر قدرت نامحدود و «یعلم» بیانگر علم گسترده الهی است. خداوند با طرح این دو اصل، به انسان یادآوری می کند که معبود راستین باید از این دو صفت برخوردار باشد. در غیر این صورت شایسته پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمیزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

ص: 124

53- فضل معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمیزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

54- قداست معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 5

5 - وجود قدسی و پیراسته از هر عیب و آلودگی ، شایسته مقام الوهیت و پرستش است ; نه جز او .

هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس

وصف «القدوس»، می تواند اشعار به علیت حصر پرستش در خدای یگانه داشته باشد.

55- قدرت در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 192 - 4

4 - عاجز بودن معبودان اهل شرک بر دفاع از خود و پرستشگران خویش ، دلیل عدم لیاقت آنها برای ربوبیت و پرستش

ایشركون ما ... لا يستطيعون لهم نصرا ولا أنفسهم ينصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 3

3 - هدایتگری و پاسخ به هدایتجویی بندگان ، از ملاک های معبود راستین

وإن تدعوهم إلى الهدى لا يتبعوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 7

7 - اجابت درخواست بندگان ، از نشانه های معبود راستین

فادعوههم فليستجيبوا لكم ان كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 3

ص: 125

3- توانمندی بر آفریدن و نیز مخلوق نبودن، از نشانه های خدا و معبود حقیقی است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

از اینکه خداوند در مقام بیان رد الوهیت معبودهای مشرکان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده می شود که «الله» باید خالق بوده و مخلوق نباشد.

56- قدرت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 5

5- موجود فاقد قدرت مستقل و مطلق، شایسته پرستش نیست .

الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم و لاتحویلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 36 - 3

3 - توانمندی معبود بر جزای بندگان، نمایانگر شایستگی وی برای حمد و سپاس

و ما لکم من نصرین . . . فلله الحمد رب السموت و رب الارض

حرف «فاء» در «فلله الحمد» مفاد آن را بر مطالب قبل که در باره معاد بود، تفریع کرده است.

57- قدرت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 4

4 - توان بر یاری بندگان از ملاک های معبود راستین

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 22 - 2

2- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لایخلق... و الله یعلم... و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئ

آوردن عبارت «إلهکم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 126

5 - انعام - 6 - 71 - 4

4 - تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 7

7 - شنوایی، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز، از شروط بدیهی معبود حقیقی است.

لَم تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6 - مخلوق نبودن، قدرت بر آفرینندگی، جلب منفعت، دفع ضرر، میراندن، حیات بخشیدن و احیای مردگان، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتّخذوا من دونه ءالهه لا یخلقون شیئا و هم یخلقون ... و لانشورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 6

6 - توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و یعبدون من دون الله ما لا ینفعهم ولا یضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: 1- آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. 2- این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 3

3 - موجود ناتوان و ناشنوا، فاقد شایستگی برای خدا بودن و پرستیده شدن

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 25 - 8

8 - قدرت و علم فراگیر و نامحدود ، دو ملاک اصلی در شناخت معبود حقیقی

الذی ینخرج الخبء . . . و یعلم ما تخفون

«ینخرج الخبء» بیانگر قدرت نامحدود و «یعلم» بیانگر علم گسترده الهی است. خداوند با طرح این دو اصل، به انسان یادآوری می کند که معبود راستین باید از این دو صفت برخوردار باشد. در غیر این صورت شایسته پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 127

18 - حشر - 59 - 23 - 16

16 - موجود ضعیف و ناتوان از اعمال اراده خویش ، نالایق برای الوهیت و پرستش

لا إله إلا هو .. الجبار المتكبر

با توجه به این که آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ضروری خداوند است؛ از مفهوم آیه استفاده می شود که موجود فاقد این اوصاف، شایسته الوهیت نیست.

58- کبریایی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 17

17 - یکتا معبود هستی ، دارای عظمت ، کبریایی و شکوه

هو الله .. المتكبر

59- کمال معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 6

6 - معبودی جز دارنده بهترین اوصاف کمال ، سزاوار پرستش نیست .

الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى

60- کمالات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 3

3- معبود هستی ، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

وقل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

61- گرایش به معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 128

8 - هود - 11 - 50 - 9

9- انسان از دیرباز ، برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 9

9- انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش و گرایش به معبود

ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 10

10- انسان ، از دیرباز برخوردار از روحیه پرستش معبود و گرایش به آن بود .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

62- مالکیت در معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 5

5 - خداوندی می تواند پاسخ حاجت ها و خواسته ها را بدهد که بر همه چیز مالکیت داشته باشد .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرة

63- مالکیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 2

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

الله لا إله إلا هو

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان رویی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 7

7 - مالکیت و توان مندی بر تأمین روزی، شرط بایسته، برای معبود

ص: 129

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 12

12 - مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن ، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

و الله خلقکم .. الشمس والقمر ... ذلکم الله ربکم له الملك و الذین تدعون من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 3

3 - استجابت دعا و بر آوردن حاجت ، تنها در توان ربّ و مالک حقیقی جهان (الله) است .

ذلکم الله ربکم له الملك و الذین تدعون من دونه .. إن تدعوهم لا یسمعوا دعاءکم و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 3

3 - تنها مالک و مدبر جهان هستی ، شایسته عبادت است .

و ما من إله إلاّ الله .. ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

توصیف خداوند به ، مالک و مدبر هستی بودن - پس از بیان یکتایی او در معبودیت - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

64- معبود آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 70 - 1

1 - پرسش ابراهیم (ع) از پدر خود و قومش ، درباره آنچه مورد پرستش قرار داده بودند .

إذ قال لأئیه و قومه ما تعبدون

65- معبود انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 163 - 1

1 - معبود حقیقی همه انسان ها ، معبودی است یگانه و یکتا

وإلهکم إله واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 130

4- معبود حقیقی انسان ها ، همان معبود یگانه در جهان هستی است .

إِثْمًا إِلَهُكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

وصف «الذی..» برای تعلیل است؛ یعنی، چون «اللّه» کسی است که هیچ معبود بر حقی در جهان جز او وجود ندارد، پس «خدای شما» نیز هم او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 23 - 4

4- انسان با هر اندیشه و مرام ، دارای معبودی برای خویش

من اتّخذ إلهه هویه

از تقدیم «إلهه» بر «هواه»، استفاده می شود که وجود «إله» و معبود برای انسان، امری غیر قابل انکار است. با این تفاوت که مؤمن به عبودیت پروردگار روی آورده؛ ولی کافر و ناصالح هوای خویش را به خدایی برگزیده است.

66- معبود با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 87 - 1

1 - خداوند ، تنها معبود شایسته پرستش

اللّٰه لا اله الا هو

67- معبود بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 9،6

6- سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان «اله» بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج... فقالوا هذا إلهكم وإله موسى

9- سامری و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهكم وإله موسى فَنسِي

در باره مرجع ضمیر فاعلی «نسی» دو احتمال وجود دارد: 1- مرجع موسی (ع) باشد. 2- مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

ص: 131

68- معبود پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 117 - 3,4,5

3 - خداوند تنها موجود قاهر ، تأثیرناپذیر و سزاوار پرستش

ان يدعون من دونه الا انثاً

4 - هیچ موجودی - جز خداوند - صلاحیت برای خدایی و پرستش ندارد .

ان يدعون من دونه الا انثاً

5 - تأثیر پذیری موجودات ، دلیل عدم صلاحیت آنان برای خدایی و پرستش

ان يدعون من دونه الا انثاً

69- معبود حقیقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 29

29 - الله ، تنها خدای یگانه و معبود حقیقی انسانها

انما الله اله وحد

70- معبود راستین و دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 11

11 - موجود ناتوان از رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از وی ، شایسته پرستش نیست .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله ... هل هنّ کشفة ضرّه ... برحمه هل هنّ ممسکت

71- معبود راستین و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- معبود هستی ، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

وقل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

ص: 132

72- معبود راستین و نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 3

3- معبود هستی ، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

و قل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

73- معبود شایسته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 255 - 1,4

1 - تنها خداوند شایسته پرستش است .

اللّٰه لا اله الا هو

4- حیات و قیومیت مطلق ، ملاک معبود بر حق

اللّٰه لا اله الا هو الحيّ القيوم

آوردن دو صفت «حی» و «قیوم»، اشاره به علت حصر عبودیت در خداوند است؛ یعنی تنها زنده قائم به ذات و مدبّر اشیا، می تواند معبود باشد.

74- معبود قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 70 - 1

1 - پرسش ابراهیم (ع) از پدر خود و قومش ، درباره آنچه مورد پرستش قرار داده بودند .

إذ قال لأبيه وقومه ما تعبدون

75- معبود مردم دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 29 - 5

ص: 133

5- فرعون ، مورد پرستش مردم سرزمین خویش

لئن اتَّخَذتِ إِلَهًا غَيْرِي

76- معبود مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 4

4- فرعون ، مورد پرستش مردم مصر

و قال فرعون . . . ما علمت لكم من إله غيري

77- معبود هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 23 - 1

1 - هوای نفس ، معبود و خدای گروهی از مردمان

أفرءیت من اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَهُ

78- ملاک حمد معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 36 - 3

3- توانمندی معبود بر جزای بندگان ، نمایانگر شایستگی وی برای حمد و سپاس

و ما لكم من نصرين . . . فليله الحمد رب السموت ورب الأرض

حرف «فاء» در «فليله الحمد» مفاد آن را بر مطالب قبل که در باره معاد بود، تفریع کرده است.

79- ملاک معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 12، 6

6 - تنها کسی شایسته پرستش است که زمام زیان و نفع مردم به دست اوست .

اتعبدون من دون الله ما لا یملک لکم ضراً و لافعاً

12 - شنوایی و دانایی مطلق ، ویژگی معبود شایسته و بایسته پرستش

ص: 134

قل اتعبدون من دون الله... و الله هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 117 - 7

7 - ربوبیت ، ملاک شایستگی برای پرستش

ان اعبدوا الله ربی و ربکم

توصیف «الله» به «ربی و ربکم» اشاره به علت لزوم پرستش خداوند (اعبدوا) دارد یعنی چون خداوند رب است شایسته و بایسته پرستش است.

80- ملاک معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 4

4 - تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا و لا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 6

6 - توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان ، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم و لا يضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: 1- آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. 2- این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 5

5 - برخورداری از حیات جاوید ، مرز میان معبود حقیقی و غیر حقیقی

و توکل علی الحی الذی لایموت

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد محکوم کردن شرک و بت پرستی و اثبات توحید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 3

3 - موجود ناتوان و ناشنوا ، فاقد شایستگی برای خدا بودن و پرستیده شدن

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

ص: 135

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 3

3 - لازمه معبود راستین ، در دست داشتن عوامل و اسباب سود و زیان انسان

أو ينفعونكم أو يضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 3

3 - خالق و راهنمای انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی شعور و ساخته دست بشر .

فإنهم عدوٌ لى إلا رب العلمين . الذى خلقنى فهو يهدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 79 - 3

3 - تنها تأمین کننده نیاز های زندگی انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی جان و ساخته دست مردمان .

فإنهم عدوٌ لى إلا . . . و الذى هو يطعمنى و يسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 25 - 2,7,8

2 - خدای پدید آورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

يسجدون للشمس . . . ألا يسجدوا لله الذى يخرج الخبء فى السموت و الأرض

«ال» در «الخبء» برای جنس و مفید استغراق است «خَبء» به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین «يخرج الخبء»؛ یعنی، «يخرج جميع الأشياء المستورة تحت استار العدم منها إلى الوجود».

7 - تنها خدای آگاه به هر آشکار و نهان سزاوار پرستش است ، نه مظاهر طبیعت (چون خورشید ، ماه و . . .) .

يسجدون للشمس . . . ألا يسجدوا لله ... و يعلم ما تخفون و ما تعلنون

عبارت «و يعلم ما تخفون . . .» عطف بر «يخرج» و استدلال دیگری است بر این که تنها خدای یگانه سزاوار پرستش است، نه پدیده هایی

چون خورشید، ماه و... .

8- قدرت و علم فراگیر و نامحدود، دو ملاک اصلی در شناخت معبود حقیقی

الذی یخرج الخبء . . . و یعلم ما تخفون

«یخرج الخبء» بیانگر قدرت نامحدود و «یعلم» بیانگر علم گسترده الهی است. خداوند با طرح این دو اصل، به انسان یادآوری می کند که معبود راستین باید از این دو صفت برخوردار باشد. در غیر این صورت شایسته پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 11، 7

7 - خدایان ناتوان از آفرینش و روزی دهی به انسان، شایسته خدایی نیستند .

هل من شركائکم من یفعل من ذلکم من شیء

ص: 136

استفهام در آیه، انکاری است و آیه، در صدد بیان این نکته است که خدای یگانه، اوصاف یادشده را دارد، در حالی که خدایان شما، چنین نیستند، پس شایسته خدایی نیستند.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات، از ویژگی های الوهیت اند.

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 6 - 6

6 - معبود شایسته پرستش، معبودی یگانه و بی شریک است.

أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَحْدٍ

81- ملاکهای بطلان معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 6

6 - حق و باطل، ملاک گزینش و یا عدم گزینش معبود است.

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ

تعلیل در آیه، به این که «خداوند حق است و معبودان دیگر، باطل اند»، نشان دهنده این است که حق و باطل، ملاک و معیارند.

82- ملاکهای حقانیت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 6

6 - حق و باطل، ملاک گزینش و یا عدم گزینش معبود است.

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ

تعلیل در آیه، به این که «خداوند حق است و معبودان دیگر، باطل اند»، نشان دهنده این است که حق و باطل، ملاک و معیارند.

83- ملاکهای معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 191 - 2

2 - توانایی بر آفرینش ، از ملاک های معبود راستین و از ملاک های شایسته بودن برای ربوبیت و تدبیر هستی است .

ایشرکون ما لایخلق شیئا

ص: 137

با توجه به آیات قبل و بعد معلوم می شود که مراد از شرک، شرک در ربوبیت و پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 192 - 3

3 - توانا بودن بر یاری رسانی به بندگان و دفاع کردن از خویش ، از ملاک های ربوبیت و معبود راستین است .

لايستطيعون لهم نصرا و لا أنفسهم ينصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 3

3 - هدایتگری و پاسخ به هدایتجویی بندگان ، از ملاک های معبود راستین

و إن تدعوهم إلى الهدى لا يتبعوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 4,8

4 - توان بر یاری بندگان از ملاک های معبود راستین

و الذين تدعون من دونه لا يستطيعون نصرکم

8 - تنها خداوند دارای ملاک پرستش و شایسته عبادت است .

و الذين تدعون من دونه لا يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 6,7

6 - ارائه رهنمون به بندگان ، از ملاک های معبود راستین

و إن تدعوهم إلى الهدى لا يسمعوا

خداوند معبودان اهل شرک را بدان جهت که راهنمای انسانها نیستند، شایسته پرستش نمی داند. بنابراین هدایت کردن انسانها از ملاکهای معبود به حق است.

7- معبود راستین باید شنوا و بینا باشد .

إن تدعوهم .. لا یسمعوا ... و هم لا یبصرون

84- منفعت رسانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 4

4- قدرت بر پاسخ گویی و اجابت خواسته ها و توان نفع و ضرر رسانی ، از جمله ویژگی های لازم برای معبود حقیقی است .

أفلا یرون الایرجع إلیهم قولاً و لا یملک لهم ضرراً و لانفعاً

ص: 138

«برگرداندن قول»، مفهومی است که شامل اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 3

3 - لازمه معبود راستین ، در دست داشتن عوامل و اسباب سود و زیان انسان

أو ينفعونكم أو يضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 11

11 - موجود ناتوان از رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از وی ، شایسته پرستش نیست .

قل أفرئتم ما تدعون من دون الله ... هل هنّ كشتف ضرّه ... برحمه هل هنّ ممسكت

85- میراندگی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 11، 4

4 - هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان ، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند .

الله الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم م

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن «من» در «من شیء» برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره «ذلکم» به خلق، رزق، اماته و احیاء - مصدرهای فعل های یاد شده در آیه - اشاره دارد.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات ، از ویژگی های الوهیت اند .

الله الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم

86- نام معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 3

3- « الله » ، نام مخصوص و ویژه معبود یگانه و حقیقی هستی

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

ص: 139

87- نجات بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 4

4- داشتن پیام هدایت آفرین و نجات بخش برای زندگی دنیایی و اخروی انسان ها ، از ویژگی های خدای بر حق و شایسته پرستش

لاجرم أنما تدعونني إليه لیس له دعوة فی الدنيا و لا فی الآخره

از این که مؤمن آل فرعون در رد عقیده مشرکان، به این مطلب استدلال کرد که معبودهای ادعایی شما، پیامی برای بشر ندارد؛ می توان استفاده کرد که داشتن پیام، از خصوصیات معبود حقیقی و شایسته پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 28 - 3

3- معبود راستین ، قادر به نجات انسان در همه شرایط دشوار

فلولا نصرهم الذین اتّخذوا من دون الله قریباً ءالهه

مفهوم آیه، گویای برداشت یاد شده است.

88- نشانه های معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 8

8 - هدایتگری انسان ها و توان سخن گفتن با آنان از روشنترین نشانه های معبود راستین

ألم یروا أنه لا یكلمهم و لا یهدیهم سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 7

7- اجابت درخواست بندگان ، از نشانه های معبود راستین

فادعوهم فلیستجیبا لکم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6 - مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ . . . وَلَا يَنْشُورُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 140

6- آفرینش جهان هستی چون انسان، دریا، خورشید و ماه، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

والله خلقکم من تراب... ثم جعلکم أزواجًا... و ما یستوی البحران... و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 16

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان، زمین، انسان و...)، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

خلق السموت و الأرض... خلقکم من نفس وحده... ذلکم الله

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 13

13 - آفرینش زمین، آسمان، انسان و روزی های او، از اوصاف معبود و رب حقیقی

الله الذی جعل لکم الأرض... و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطیبیت ذلکم اللّ

89- نظارت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 12

12 - یگانه موجود ناظر و نگهدارنده نظام هستی، شایسته الوهیت و پرستش است.

هو الله الذی لا إله إلا هو... المهیمن

وصف «المهیمن» - که به معنای «حافظ» و «مراقب» است - اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در خداوند دارد.

90- نفع رسانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 4

4 - تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

ص: 141

6 - مخلوق نبودن، قدرت بر آفرینندگی، جلب منفعت، دفع ضرر، میراندن، حیات بخشیدن و احیای مردگان، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلَقُونَ . . . وَ لَانشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 6

6 - توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: 1- آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. 2- این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

91- نیازمندی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 43 - 4

4- احتیاج و نیازمندی، با مقام الوهیت ناسازگار است .

لا يستطيعون نصر أنفسهم

خداوند، ناتوانی «آلهه» در حفظ خویش و نیاز آنها به محافظانی دیگر را، دلیل عدم صلاحیت ایشان برای الوهیت شمرده است. یادآوری این حقیقت می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

92- وسعت حاکمیت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 11

11- حد و مرز نداشتن دامنه حکومت و حاکمیت، لازمه خدایی کردن و الوهیت است .

قل لو كان معه . . . إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سبیلاً

93- ویژگی معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 2 - 6

6 - معبود ، باید زنده و قائم به ذات باشد .

ص: 142

اللّٰه لا اله الا هو الحي القيوم

دو صفت حی و قیوم، اشاره به علت حصر عبودیت به خداوند است؛ یعنی تنها زنده قائم به ذات می تواند معبود باشد.

94- ویژگی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 5

5- تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر اللّٰه أتخذ ولیا .. و إن یمسک اللّٰه بضر ... فهو علی کل شیء قدير

95- ویژگیهای معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 22 - 2

2- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لا یخلق .. و اللّٰه یعلم ... و الذین یدعون من دون اللّٰه لا یخلقون شیئ

آوردن عبارت «إلهکم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 4

4- قدرت بر پاسخ گویی و اجابت خواسته ها و توان نفع و ضرر رسانی، از جمله ویژگی های لازم برای معبود حقیقی است.

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً و لا یملک لهم ضرراً و لا نفعاً

«برگرداندن قول»، مفهومی است که شامل اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 8

8- رحمانیت، از جمله ویژگی های لازم برای معبودیت است.

فقالوا هذا إلهكم وإله موسى . . . وإن ربكم الرحمن

هارون(ع)، در مقام رد معبود بودن گوساله سامری، برخی از ویژگی های معبود حقیقی را بیان نمود؛ که از جمله آنها «رحمان» بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 143

3- معبود راستین ، قادر به نجات انسان در همه شرایط دشوار

فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قرباناً ءالهه

مفهوم آیه، گویای برداشت یاد شده است.

96- هدایتگری معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 8

8 - هدایتگری انسان ها و توان سخن گفتن با آنان از روشنترین نشانه های معبود راستین

ألم یروا أنه لا یکلمهم و لا یهدیهم سیلا

97- هدایتگری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 3

3- هدایتگری و پاسخ به هدایتجویی بندگان ، از ملاک های معبود راستین

و إن تدعوهم إلى الهدی لا یتبعوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 6

6 - ارائه رهنمون به بندگان ، از ملاک های معبود راستین

و إن تدعوهم إلى الهدی لا یسمعوا

خداوند معبودان اهل شرک را بدان جهت که راهنمای انسانها نیستند، شایسته پرستش نمی داند. بنابراین هدایت کردن انسانها از ملاکهای معبود به حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - خالق و راهنمای انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی شعور و ساخته دست بشر .

فَاتَّهَم عَدُوِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ . الذی خلقنی فهو یهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 4

ص: 144

4- داشتن پیام هدایت آفرین و نجات بخش برای زندگی دنیایی و اخروی انسان ها، از ویژگی های خدای بر حق و شایسته پرستش

لاجرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

از این که مؤمن آل فرعون در رد عقیده مشرکان، به این مطلب استدلال کرد که معبودهای ادعایی شما، پیامی برای بشر ندارد؛ می توان استفاده کرد که داشتن پیام، از خصوصیات معبود حقیقی و شایسته پرستش است.

معبود راستین

98- {معبود راستین}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 3 - 3

3- خداوند تنها معبود حقیقی و شایسته پرستش در جهان هستی

و هو الله في السموت وفي الأرض

اگر «فی السماوات»، متعلق به «الله» باشد. کمله «الله»، به تأویل مشتق رفته و می تواند مشتق از «إله» به معنی معبود باشد. «حصر» نیز از معرفه بودن مبتدا و خبر استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 4, 2

2- الله، تنها معبود حقیقی انسان ها است.

إنما إلهكم الله

4- معبود حقیقی انسان ها، همان معبود یگانه در جهان هستی است.

إنما إلهكم الله الذي لا إله الا هو

وصف «الذی...» برای تعلیل است؛ یعنی، چون «الله» کسی است که هیچ معبود بر حقی در جهان جز او وجود ندارد، پس «خدای شما» نیز هم او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 25 - 10

10 - خدا ، تنها معبود به حق و شایسته الوهیت

أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 26 - 1

1 - خدا ، تنها معبود راستین و شایسته پرستش

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ . . . اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

ص: 145

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 35 - 5

5 - الله ، تنها معبود حقیقی است .

لا إله إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 22

22 - الله ، معبود حقیقی است .

الله ربكم له الملك لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 22 - 1

1 - « الله » ، همان یگانه معبود بی همتا است .

هو الله الذی لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ناس - 114 - 3 - 1,5

1 - خداوند ، معبود حقیقی مردم است .

إله الناس

5 - توصیف خداوند به معبود حقیقی و شایسته مردم ، از آداب استعاذه به درگاه او است .

قل أعوذ . . . إله الناس

99- آرمزگاری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت، علم، گناه آمرزی، توبه پذیری، سخت عقوبت دادن، صاحب فضل و عطا داشتن، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب... لا إله إلا هو

100- احاطه معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 146

6- معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ .. وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

جمله «وسع ..» بدل برای «لا إله إلا هو» است و هر دو، تعلیل برای «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ...» می باشند.

101- احیاء مبعود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 3

3- توانایی بر زنده کردن مردگان ، لازمه تفکیک ناپذیر مقام الوهیت

أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يَشْرُونَ

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1- آیات پیشین و بعدی، در باره الوهیت و یگانگی خدا است. 2- آیه شریفه هر گونه توانایی از خدایان ادعایی بر احیای مردگان را نفی کرده است. از مجموع این آیات استفاده می شود که احیای مردگان تنها در گرو الوهیت حقیقی و لازمه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 11، 4

4- هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان ، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُمْ مَن يَفْعَلُ مِثْلَ مَا

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن «من» در «من شیء» برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره «ذلکم» به خلق، رزق، اماته و احیاء - مصدرهای فعل های یاد شده در آیه - اشاره دارد.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات ، از ویژگی های الوهیت اند .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

102- ادراک معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- شنوایی، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز، از شروط بدیهی معبود حقیقی است.

لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يَبْصُرُ وَلَا يَغْنَى عَنْكَ شَيْئًا

ص: 147

103- ایمن بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 10

10 - تنها تضمین کننده ایمنی و امنیت خلق ، شایسته الوهیت و پرستش است .

هو الله الذی لا إله إلا هو .. المؤمن

وصف «المؤمن»، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در خداوند دارد.

104- بداهت خالقیت در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 4

4- خالق بودن و مخلوق نبودن برای الوهیت ، از بدیهیات عقلی است .

والذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

از اینکه در رد الوهیت معبودهای مشرکان، تنها به یادآوری این نکته که آنان توان آفرینشگری ندارند و خود مخلوقند، پرداخته و استدلال نکرده است، حکایت از نکته یاد شده می کند.

105- بنی اسرائیل و معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 14

14 - قوم موسی مردمی جاهل و ناآگاه به ویژگی ها و صفات معبود راستین و شایسته پرستش

قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه قال إنکم قوم تجهلون

106- بی نظیری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 6

6 - معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ .. وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

جمله «وسع ..» بدل برای «لا إله إلا هو» است و هر دو، تعلیل برای «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ...» می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 148

14 - مقام الوهیت ، میرا و پیراسته از زوجیت و داشتن همانند

جعل لکم من أنفسکم أزوجًا .. لیس کمثله شیء

ذکر «لیس کمثله شیء» پس از طرح مسأله زوجیت برخی موجودات، می تواند اشعار به نفی همسر داشتن خدا داشته باشد.

107- بی نیازی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 6

6 - معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ .. وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

جمله «وسع ..» بدل برای «لا إله إلا هو» است و هر دو، تعلیل برای «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ...» می باشند.

108- بینایی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 7

7- شنوایی ، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز ، از شروط بدهی معبود حقیقی است .

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 7

7 - معبود راستین باید شنوا و بینا باشد .

إِنْ تَدْعُوهُمْ .. لَا يَسْمَعُوا ... وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

109- تدبیر معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّٰه لا اِلهَ اِلَّا هُوَ

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان‌روایی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند

ص: 149

منحصر ساخته است.

110- تشخیص معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 7

7 - اجابت دعا ، از راه های شناسایی معبود راستین است .

سواء علیکم ادعوتموهم أم أتم صمتون

111- تکلم معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 8

8 - هدایتگری انسان ها و توان سخن گفتن با آنان از روشنترین نشانه های معبود راستین

ألم یروا أنه لا یکلمهم و لا یهدیهم سیلا

112- تنزیه معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 3

3- معبود هستی ، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

وقل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 5

5- وجود قدسی و پیراسته از هر عیب و آلودگی ، شایسته مقام الوهیت و پرستش است ؛ نه جز او .

هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس

وصف «القدوس»، می تواند اشعار به علیت حصر پرستش در خدای یگانه داشته باشد.

ص: 150

113- توبه پذیری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 3 - 40 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمیزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

114- جاودانگی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 5

5 - برخورداری از حیات جاوید ، مرز میان معبود حقیقی و غیر حقیقی

و توکل علی الحی الذی لایموت

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد محکوم کردن شرک و بت پرستی و اثبات توحید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 88 - 6

6 - فناپذیری و بقا ، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لا إله إلا هو کلّ شیء هالک إلا وجهه

جمله «کلّ شیء ..» «تعلیل برای عدم شایستگی غیرخدا برای معبود بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 5

5 - داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحی لا إله إلا هو

115- حاکمیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 88 - 10

10 - فرمان روایی بر جهان ، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لا إله إلا هو . . . له الحكم

ص: 151

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 12

12 - مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن ، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

و الله خلقکم .. الشمس و القمر ... ذلکم الله ربکم له الملك و الذین تدعون من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 2، 1

1 - یگانه معبود هستی ، فرمانروای مطلق نظام وجود است .

هو الله الذی .. الملك القدّوس

2 - یگانه مدبّر و فرمانروای جهان هستی ، شایسته مقام خداوندی و پرستش است .

هو الله الذی لا إله إلاّ هو الملك

وصف «الملك» برای جمله قبل ، اشعار به علیت دارد.

116- حیات بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8 - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أمن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده .. أءله مع الله

117- حیات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 5

5 - داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحیّ لا إله إلاّ هو

2- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لایخلق... و الله یعلم... و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئ

آوردن عبارت «إلهکم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 21 - 4

4- آفریننده انسان ها ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

توصیف خداوند به «خالقیت» - پس از بیان لزوم پرستش او - بیانگر علت لزوم پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 12

12 - شایستگی اله بودن و معبود شدن ، تنها در خور خالق و آفریدگار انسان است .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا إلی بارئکم

«بارء» از اسما و صفت‌های الهی و به معنای آفریننده است. موسی(ع) با انتخاب این اسم و صفت در جمله «توبوا إلی بارئکم» - با توجه به اینکه مخاطبانش کسانی هستند که به پرستش غیر خدا روی آورده بودند - اشاره به این دارد که: خالق آدمی سزاوار معبود شدن است؛ چرا به غیر او گرایش پیدا کردید؟ باید توبه کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 8 - 20 - 2

2- کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّه لا إله إلاّ هو

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان روابی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 3 - 25 - 6

6 - مخلوق نبودن، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود

واقعی و شایسته پرستش (الله)

واتخذوا من دونه ءالهه لا یخلقون شیئاً و هم یخلقون . . . و لانشوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 3

3 - خالق و راهنمای انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی شعور و ساخته دست بشر .

فإنهم عدوٌ لى إلا رب العلمین . الذى خلقنى فهو یهدین

ص: 153

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 25 - 2

2 - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم، شایسته پرستش است، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت.

یسجدون للشمس .. ألا یسجدوا لله الذی یرج الخبء فی السموت و الأرض

«ال» در «الخبء» برای جنس و مفید استغراق است «خَبء» به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین «یخرج الخبء»؛ یعنی، «یخرج جمیع الأشياء المستوره تحت استار العدم منها إلى الوجود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8 - پرستش، مخصوص پدیدآورنده، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أمن یدؤا الخلق ثم یرعده .. أءله مع الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 11، 4، 7

4 - هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند.

الله الذی خلقکم ثم رزقکم ثم یمیتکم ثم یحییکم هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم م

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن «من» در «من شیء» برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره «ذلکم» به خلق، رزق، اماته و احیاء - مصدرهای فعل های یاد شده در آیه - اشاره دارد.

7 - خدایان ناتوان از آفرینش و روزی دهی به انسان، شایسته خدایی نیستند.

هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم من شیء

استفهام در آیه، انکاری است و آیه، در صدد بیان این نکته است که خدای یگانه، اوصاف یادشده را دارد، در حالی که خدایان شما، چنین نیستند، پس شایسته خدایی نیستند.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات، از ویژگی های الوهیت اند.

الله الذی خلقکم ثم رزقکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 2

2 - خالقیت ، از شرایط الوهیت است .

هذا خلق الله

از تحدی خداوند با مشرکان، استفاده می شود که «الله» باید توان خالقیت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 22 - 4

4 - عبادت ، تنها شایسته خدای خالق است .

ص: 154

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 96 - 2

2- تنها، خالق جهان هستی مستحق پرستش است .

قال أتعبدون ما تتحتون . و الله خلقکم و ما تعملون

تذکر به خالقیت خدا نسبت به انسان و مصنوعات وی، پس از محکوم کردن پرستش مصنوعات بشری، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 125 - 10

10 - خالقیت، شرط شایستگی برای معبودیت

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 16

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان، زمین، انسان و...)، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 8

8 - عبادت و حاجت خواهی، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

وقال ربکم ادعونی أستجب لکم .. الله الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل - که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - آفرینش زمین، آسمان، انسان و روزی های او، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض . . . و صوّرکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطّیّب ذلکم اللّٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 2

ص: 155

2- تنها معبودی شایسته پرستش است که سامان بخش وجود انسان و آفریدگار سرشت آدمی است .

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 5

5- توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن ، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر، ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 20 - 3

3- توانمندی بر آفریدن و نیز مخلوق نبودن ، از نشانه های خدا و معبود حقیقی است .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

از اینکه خداوند در مقام بیان رد الوهیت معبودهای مشرکان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده می شود که «الله» باید خالق بوده و مخلوق نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 22 - 2

2- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن يخلق كمن لا يخلق... و الله يعلم... و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً

آوردن عبارت «إلهكم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

119- دفع زیان معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - مخلوق نبودن، قدرت بر آفرینندگی، جلب منفعت، دفع ضرر، میراندن، حیات بخشیدن و احیای مردگان، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

واتخذوا من دونه ءالهه لایخلقون شیئا و هم یخلقون . . . و لانشورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان ، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: 1- آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. 2- این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

120- رازقیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8- پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أَمَّنْ یَبْدُوا الخلق ثم یعیده .. . أءله مع الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 7

7- مالکیت و توان مندی بر تأمین روزی ، شرط بایسته ، برای معبود

إنّ الذین تعبدون من دون الله لایملکون لکم رزقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 11، 4، 7

4- هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان ، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند .

الله الذی خلقکم ثم رزقکم ثم یمیتکم ثم یحییکم هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم م

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن «من» در «من شیء» برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره «ذلکم» به خلق، رزق، اماته و احیاء - مصدرهای فعل های یاد شده در آیه - اشاره دارد.

7- خدایان ناتوان از آفرینش و روزی دهی به انسان ، شایسته خدایی نیستند .

هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم من شیء

استفهام در آیه، انکاری است و آیه، در صدد بیان این نکته است که خدای یگانه، اوصاف یادشده را دارد، در حالی که خدایان شما، چنین نیستند، پس شایسته خدایی نیستند.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات، از ویژگی های الوهیت اند.

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 8

8 - عبادت و حاجت خواهی، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است.

ص: 157

وقال ربكم ادعوني أستجب لكم .. الله الذي جعل لكم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل - که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 13

13 - آفریش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

الله الذي جعل لكم الأرض .. و صوركم فأحسن صوركم و رزقكم من الطيبات ذلكم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 3

3- روزی رسانی ، از معیار های شناخت معبود حقیقی از غیر اوست .

و يعبدون من دون الله ما لا يملك لهم رزقًا

121- ربوبیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 3

3 - استجاب دعا و بر آوردن حاجت ، تنها در توان ربّ و مالک حقیقی جهان (الله) است .

ذلكم الله ربكم له الملك و الذين تدعون من دونه .. إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 87 - 3

3 - تنها پروردگار جهان ، سزاوار عبودیت و پرستش است .

أنفكاً الهه دون الله تريدون . فما ظنكم برب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 126 - 3

3- عبودیت و پرستش، تنها شایسته پروردگار انسان ها است .

أَتَدْعُونَ بَعْلًا .. اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ

یادآوری ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها، پس از محکوم کردن پرستش بت ها، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 3

ص: 158

3- تنها مالک و مدبر جهان هستی ، شایسته عبادت است .

و ما من إله إلا الله .. رب السموت و الأرض و ما بينهما

توصیف خداوند به، مالک و مدبر هستی بودن - پس از بیان یکتایی او در معبودیت - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 17

17 - ربوبیت ، از اوصاف خدای حقیقی (الله) است .

الله ربکم

«ربکم» صفت برای «الله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 5

5- توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن ، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر، ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 2

2- یگانه مدبر و فرمانروای جهان هستی ، شایسته مقام خداوندی و پرستش است .

هو الله الذی لا إله إلا هو الملک

وصف «الملک» برای جمله قبل، اشعار به علیت دارد.

122- رحمانیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رحمانیت ، از جمله ویژگی های لازم برای معبودیت است .

فقالوا هذا إلهكم وإله موسى . . . وإن ربكم الرحمن

هارون(ع)، در مقام رد معبود بودن گوساله سامری، برخی از ویژگی های معبود حقیقی را بیان نمود؛ که از جمله آنها «رحمان» بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 45 - 6

ص: 159

6 - خداوندِ دارای رحمت گسترده و مطلق ، تنها موجود شایسته پرستش است .

أجعلنا من دون الرحمن ءالهه يعبدون

123- رحمت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 22 - 6

6 - رحمت گسترده و پایدار ، لازمه مقام الوهیت و خداوندگاری است .

هو الله الذی . . . هو الرحمن الرحیم

124- زیان به معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 8

8 - تنها موجود ایمن از زیان پذیری و زیان رسانی ، شایسته مقام خداوندی است .

هو الله الذی . . . السلم

وصف «السلام»، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در «الله» دارد.

125- زیان رسانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 4

4 - قدرت بر پاسخ گویی و اجابت خواسته ها و توان نفع و ضرر رسانی ، از جمله ویژگی های لازم برای معبود حقیقی است .

أفلا یرون الّآیّرجع إلیهم قولاً و لایملک لهم ضرراً و لانفعاً

«برگرداندن قول»، مفهومی است که شامل اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 3

3- لازمه معبود راستین ، در دست داشتن عوامل و اسباب سود و زیان انسان

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 160

8 - تنها موجود ایمن از زیان پذیری و زیان رسانی ، شایسته مقام خداوندی است .

هو الله الذی .. السلام

وصف «السلام»، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در «الله» دارد.

126- سختی کيفر در معبود راستين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

127- شرایط معبود راستين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 7

7- شنوایی ، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز ، از شروط بدهی معبود حقیقی است .

لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 6, 2

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

الله لا إله إلا هو

برداشت فوق ، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت ، فرمان رویی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است .

6 - معبودی جز دارنده بهترین اوصاف کمال ، سزاوار پرستش نیست .

اللّٰه لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ له الاسماء الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 6

6 - معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ . . . وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

جمله «وسع . . .» بدل برای «لا إله إلا هو» است و هر دو، تعلیل برای «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ . . .» می باشند.

ص: 161

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8 - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ .. أءَلَهُ مَعَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 65 - 2

2 - لزوم برخورداری معبود ، از علم مطلق و آگاهی به نهانی ترین امور هستی

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ

این بخش از آیات، در مقام اثبات توحید و رد شرک است و در این راستا است که علم مطلق الهی مطرح و به انسان یادآوری شده است که این علم فقط در اختیار خداوند می باشد و نه غیر او؛ پس غیر او شایسته برای پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 88 - 10، 6

6 - فناپذیری و بقا ، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كَلَّ شَيْءٌ هَالِكًا إِلَّا وَجْهَهُ

جمله «كَلَّ شَيْءٌ ..» تعلیل برای عدم شایستگی غیر خدا برای معبود بودن است.

10 - فرمان روایی بر جهان ، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ .. لَهُ الْحُكْمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 7

7 - مالکیت و توان مندی بر تأمین روزی ، شرط بایسته ، برای معبود

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 12

12 - مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن ، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

والله خلقکم .. الشمس والقمر ... ذلکم الله ربکم له الملك و الذین تدعون من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 3

3 - معبودی جز خداوند، که مبدع هستی و خالق همه چیز و بدون همسر و فرزند باشد، وجود ندارد.

بديع السموت .. انى يكون له ولد ولم تكن له صاحبه ... لا اله الا هو خلق كل شىء

ص: 162

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 5

5 - معبود به حق باید شکست ناپذیر و از آسیب ها و حوادث مصون باشد .

والذین تدعون من دونه . . . و لا أنفسهم ینصرون

128- شکست ناپذیری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 5

5 - معبود به حق باید شکست ناپذیر و از آسیب ها و حوادث مصون باشد .

والذین تدعون من دونه . . . و لا أنفسهم ینصرون

129- شنوایی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 7

7- شنوایی ، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز ، از شروط بدهی معبود حقیقی است .

لِمَ تعبد ما لا یسمع و لا یبصر و لا یغنی عنک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 3

3 - موجود ناتوان و ناشنوا ، فاقد شایستگی برای خدا بودن و پرستیده شدن

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 5

5- معبود واقعی و شایسته پرستش ، توانا بر شنیدن صدای عبادت گران و قادر بر اجابت خواسته های آنان

و من أضلّ ممّن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له إلى يوم القيمة

خداوند، مشرکان را به سبب پرستش موجوداتی که قادر به شنوایی و اجابت دعای آنان نیستند، سرزنش کرده است. مفهوم این سخن آن است که معبود واقعی، باید قادر بر شنیدن و اجابت خواسته ها و نیازهای مخلوقات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 163

6 - اعراف - 7 - 198 - 7

7 - معبود راستین باید شنوا و بینا باشد .

إن تدعوهم ... لا یسمعوا ... و هم لا یبصرون

130- شؤن معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 3

3 - قضاوت به حق ، از شؤن الوهیت حقیقی است .

والله یقضی بالحقّ و الذین یدعون من دونه لا یقضون بشیء

مطلب یاد شده، از تصریح شدن اسم جلاله (الله) به دست می آید.

131- صفات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 17

17 - ربوبیت ، از اوصاف خدای حقیقی (الله) است .

الله ربکم

«ربکم» صفت برای «الله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب ... لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 5

5- داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحی لا إله إلا هو

ص: 164

132- صورتگری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 6

6 - تنها خداوند وجودبخش و صورت آفرین ، شایسته پرستش

لا إله إلا هو .. هو الله الخلق البارئ المصور

اوصاف بیان شده در آیه شریفه، مشعر به علیت برای حصر الوهیت در وجود خداوند است.

133- ضرورت سانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 4

4 - تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا

134- عزت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 3 - 40 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 14

14 - هر موجودی شکست پذیر مقهور ، نالایق برای پرستش است .

لا إله إلا هو .. العزيز

با توجه به این که آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ضروری خداوند است؛ از مفهوم آیه استفاده می شود که موجود فاقد این اوصاف، شایسته

الوهیت نیست.

135- عطایای معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

ص: 165

10 - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب . . . لا إله إلا هو

136- عظمت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 17

17 - یکتا معبود هستی ، دارای عظمت ، کبریایی و شکوه

هو الله . . . المتكبر

137- علم غیب معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 65 - 2

2 - لزوم برخورداری معبود ، از علم مطلق و آگاهی به نهانی ترین امور هستی

قل لا يعلم من فی السموت و الأرض الغیب إلا الله

این بخش از آیات، در مقام اثبات توحید و رد شرک است و در این راستا است که علم مطلق الهی مطرح و به انسان یادآوری شده است که این علم فقط در اختیار خداوند می باشد و نه غیر او؛ پس غیر او شایسته برای پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 22 - 4

4 - آگاهی مطلق به غیب و شهود ، لازمه مقام الوهیت و خداوندگاری است .

هو الله الذی لا إله إلا هو علم الغیب و الشهده

توصیف «الله» به «عالم الغیب و الشهده»، بیان بالا را افاده می کند.

138- علم معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّٰه لا اِلهَ اِلَّا هُوَ

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان‌روایی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند

ص: 166

منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 6

6 - معبودی سزاوار پرستش است که بی نیاز از شریک بوده و علم او مطلق و محیط بر همه چیز باشد .

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ .. وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

جمله «وسع ..» بدل برای «لا إله إلا هو» است و هر دو، تعلیل برای «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ...» می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 25 - 7,8

7 - تنها خدای آگاه به هر آشکار و نهان سزاوار پرستش است ، نه مظاهر طبیعت (چون خورشید ، ماه و ...) .

يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ .. أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ ... وَيَعْلَمُ مَا تَخْفُونَ وَمَا تَعْلَنُونَ

عبارت «و يعلم ما تخفون ..» عطف بر «يخرج» و استدلال دیگری است بر این که تنها خدای یگانه سزاوار پرستش است، نه پدیده هایی چون خورشید، ماه و

8 - قدرت و علم فراگیر و نامحدود ، دو ملاک اصلی در شناخت معبود حقیقی

الذی یرج الخبء .. و یعلم ما تخفون

«یرج الخبء» بیانگر قدرت نامحدود و «یعلم» بیانگر علم گسترده الهی است. خداوند با طرح این دو اصل، به انسان یادآوری می کند که معبود راستین باید از این دو صفت برخوردار باشد. در غیر این صورت شایسته پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لا یخلق . . . و الله یعلم . . . و الذین یدعون من دون الله لا یخلقون شیئ

آوردن عبارت «إلهکم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

139- فضل معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 167

10 - عزت ، علم ، گناه آمیزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب . . . لا إله إلا هو

140- قداست معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 5

5 - وجود قدسی و پیراسته از هر عیب و آلودگی ، شایسته مقام الوهیت و پرستش است ; نه جز او .

هو الله الذی لا إله إلا هو الملك القدوس

وصف «القدوس»، می تواند اشعار به علیت حصر پرستش در خدای یگانه داشته باشد.

141- قدرت در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 192 - 4

4 - عاجز بودن معبودان اهل شرک بر دفاع از خود و پرستشگران خویش ، دلیل عدم لیاقت آنها برای ربوبیت و پرستش

ایشرکون ما . . . لا یتطیعون لهم نصرا و لا أنفسهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 3

3 - هدایتگری و پاسخ به هدایتجویی بندگان ، از ملاک های معبود راستین

و إن تدعوهم إلى الهدی لا یتبعوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 7

7 - اجابت درخواست بندگان ، از نشانه های معبود راستین

فادعوهم فليستجيبوا لكم إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 3

3- توانمندی بر آفریدن و نیز مخلوق نبودن ، از نشانه های خدا و معبود حقیقی است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

ص: 168

از اینکه خداوند در مقام بیان رد الوهیت معبودهای مشرکان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده می شود که «الله» باید خالق بوده و مخلوق نباشد.

142- قدرت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 4

4- تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 7

7- شنوایی، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز، از شروط بدیهی معبود حقیقی است.

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 3 - 25 - 6

6- مخلوق نبودن، قدرت بر آفرینندگی، جلب منفعت، دفع ضرر، میراندن، حیات بخشیدن و احیای مردگان، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ... وَلَا يَنْشُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 6

6- توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: 1- آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. 2- این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 3

3 - موجود ناتوان و ناشنوا ، فاقد شایستگی برای خدا بودن و پرستیده شدن

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 169

8- قدرت و علم فراگیر و نامحدود، دو ملاک اصلی در شناخت معبود حقیقی

الذی ینخرج الخبء... و یعلم ما تخفون

«ینخرج الخبء» بیانگر قدرت نامحدود و «یعلم» بیانگر علم گسترده الهی است. خداوند با طرح این دو اصل، به انسان یادآوری می کند که معبود راستین باید از این دو صفت برخوردار باشد. در غیر این صورت شایسته پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 16

16 - موجود ضعیف و ناتوان از اعمال اراده خویش، نالایق برای الوهیت و پرستش

لا إله إلا هو... الجبار المتكبر

با توجه به این که آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ضروری خداوند است؛ از مفهوم آیه استفاده می شود که موجود فاقد این اوصاف، شایسته الوهیت نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 4

4 - توان بر یاری بندگان از ملاک های معبود راستین

و الذین تدعون من دونه لا یستطیعون نصرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 22 - 2

2- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لا یخلق... و الله یعلم... و الذین یدعون من دون الله لا یخلقون شیئ

آوردن عبارت «إلهکم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 17

17 - یکتا معبود هستی ، دارای عظمت ، کبریایی و شکوه

هو الله ... المتکبر

ص: 170

144- کمال معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 6

6 - معبودی جز دارنده بهترین اوصاف کمال ، سزاوار پرستش نیست .

اللّٰه لا إله إلا هو له الأسماء الحسنی

145- کمالات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 3

3- معبود هستی ، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

و قل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

146- مالکیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 2

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّٰه لا إله إلا هو

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان رویی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 7

7 - مالکیت و توان مندی بر تأمین روزی ، شرط بایسته ، برای معبود

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 12

12 - مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن ، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

و الله خلقکم .. الشمس و القمر ... ذلکم الله ربکم له الملك و الذین تدعون من

ص: 171

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 3

3 - استجاب دعا و بر آوردن حاجت ، تنها در توان ربّ و مالک حقیقی جهان (الله) است .

ذلکم الله ربکم له الملک و الذین تدعون من دونه . . . إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 3

3 - تنها مالک و مدبر جهان هستی ، شایسته عبادت است .

و ما من إله إلاّ الله . . . ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

توصیف خداوند به ، مالک و مدبر هستی بودن - پس از بیان یکتایی او در معبودیت - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

147- معبود راستین و دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 11

11 - موجود ناتوان از رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از وی ، شایسته پرستش نیست .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله . . . هل هنّ کشفة ضربّه . . . برحمه هل هنّ ممسکت

148- معبود راستین و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 3

3- معبود هستی ، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

و قل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

149- معبود راستین و نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 3

ص: 172

3- معبود هستی، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

و قل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

150- ملاک معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 4

4 - تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 6

6 - توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: 1- آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. 2- این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 5

5 - برخورداری از حیات جاوید، مرز میان معبود حقیقی و غیر حقیقی

و توکل علی الحی الذی لایموت

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد محکوم کردن شرک و بت پرستی و اثبات توحید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 3

3 - موجود ناتوان و ناشنوا ، فاقد شایستگی برای خدا بودن و پرستیده شدن

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 3

3 - لازمه معبود راستین ، در دست داشتن عوامل و اسباب سود و زیان انسان

ص: 173

أو ينفعونكم أو يضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 3

3 - خالق و راهنمای انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی شعور و ساخته دست بشر .

فإنهم عدوٌ لى إلا ربّ العلمین . الذی خلقنى فهو یهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 79 - 3

3 - تنها تأمین کننده نیاز های زندگی انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی جان و ساخته دست مردمان .

فإنهم عدوٌ لى إلا . . . و الذی هو یطعمنى و یسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 25 - 8، 7، 2

2 - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

یسجدون للشمس . . . ألا یسجدوا لله الذی یرج الخبء فى السموت و الأرض

«ال» در «الخبء» برای جنس و مفید استغراق است «خبء» به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین «یرج الخبء»؛ یعنی، «یرج جمیع الأشياء المستوره تحت استار العدم منها إلى الوجود».

7 - تنها خدای آگاه به هر آشکار و نهان سزاوار پرستش است ، نه مظاهر طبیعت (چون خورشید ، ماه و . . .) .

یسجدون للشمس . . . ألا یسجدوا لله . . . و یعلم ما تخفون و ما تعلنون

عبارت «و یعلم ما تخفون . . .» عطف بر «یرج» و استدلال دیگری است بر این که تنها خدای یگانه سزاوار پرستش است، نه پدیده هایی چون خورشید، ماه و . . .

8 - قدرت و علم فراگیر و نامحدود ، دو ملاک اصلی در شناخت معبود حقیقی

الذی یرج الخبء . . . و یعلم ما تخفون

«یخرج الخبء» بیانگر قدرت نامحدود و «یعلم» بیانگر علم گسترده الهی است. خداوند با طرح این دو اصل، به انسان یادآوری می کند که معبود راستین باید از این دو صفت برخوردار باشد. در غیر این صورت شایسته پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 11، 7

7 - خدایان ناتوان از آفرینش و روزی دهی به انسان ، شایسته خدایی نیستند .

هل من شركائکم من یفعل من ذلکم من شیء

استفهام در آیه، انکاری است و آیه، در صدد بیان این نکته است که خدای یگانه، اوصاف یادشده را دارد، در حالی که خدایان شما، چنین نیستند، پس شایسته خدایی نیستند.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات ، از ویژگی های الوهیت اند .

اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم

ص: 174

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 6 - 6

6 - معبود شایسته پرستش ، معبودی یگانه و بی شریک است .

أَتَمَّا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَحْدٌ

151- ملاکهای معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 191 - 2

2 - توانایی بر آفرینش ، از ملاک های معبود راستین و از ملاک های شایسته بودن برای ربوبیت و تدبیر هستی است .

أَيُّشْرَكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا

با توجه به آیات قبل و بعد معلوم می شود که مراد از شرک، شرک در ربوبیت و پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 192 - 3

3 - توانا بودن بر یاری رسانی به بندگان و دفاع کردن از خویش ، از ملاک های ربوبیت و معبود راستین است .

لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 3

3 - هدایتگری و پاسخ به هدایتجویی بندگان ، از ملاک های معبود راستین

وَأَن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 4,8

4 - توان بر یاری بندگان از ملاک های معبود راستین

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

8 - تنها خداوند دارای ملاک پرستش و شایسته عبادت است .

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 6,7

6 - ارائه رهنمون به بندگان ، از ملاک های معبود راستین

ص: 175

وإن تدعوهم إلى الهدى لا يسمعون

خداوند معبودان اهل شرک را بدان جهت که راهنمای انسانها نیستند، شایسته پرستش نمی داند. بنابراین هدایت کردن انسانها از ملاکهای معبود به حق است.

7 - معبود راستین باید شنوا و بینا باشد .

إن تدعوهم ... لا يسمعون ... و هم لا يبصرون

152- منفعت رسانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 4

4 - قدرت بر پاسخ گویی و اجابت خواسته ها و توان نفع و ضرر رسانی ، از جمله ویژگی های لازم برای معبود حقیقی است .

أفلا يرون ألا يرجع إليهم قولاً ولا يملك لهم ضرراً ولا نفعاً

«برگرداندن قول»، مفهومی است که شامل اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 3

3 - لازمه معبود راستین ، در دست داشتن عوامل و اسباب سود و زیان انسان

أو ينفعونكم أو يضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 11

11 - موجود ناتوان از رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از وی ، شایسته پرستش نیست .

قل أفرأيتم ما تدعون من دون الله .. هل هنّ كسفت ضره ... برحمه هل هنّ ممسكت

153- میراندگی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان ، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند .

اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم م

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن «من» در «من شیء» برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره «ذلکم» به خلق، رزق، اماتة و احیاء - مصدرهای فعل های یاد شده در آیه - اشاره دارد.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات ، از ویژگی های الوهیت اند .

ص: 176

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

154- نام معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 3

3- « اللّٰهُ » ، نام مخصوص و ویژه معبود یگانه و حقیقی هستی

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

155- نجات بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 4

4- داشتن پیام هدایت آفرین و نجات بخش برای زندگی دنیایی و اخروی انسان ها ، از ویژگی های خدای بر حق و شایسته پرستش

لَا جُرْمَ أَمَّا تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ

از این که مؤمن آل فرعون در رد عقیده مشرکان، به این مطلب استدلال کرد که معبودهای ادعایی شما، پیامی برای بشر ندارد؛ می توان استفاده کرد که داشتن پیام، از خصوصیات معبود حقیقی و شایسته پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 28 - 3

3- معبود راستین ، قادر به نجات انسان در همه شرایط دشوار

فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَهُ

مفهوم آیه، گویای برداشت یاد شده است.

156- نشانه های معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6 - مخلوق نبودن، قدرت بر آفرینندگی، جلب منفعت، دفع ضرر، میراندن، حیات بخشیدن و احیای مردگان، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ لِيَخْلُقُوا شَيْئًا وَهُمْ يَخْلُقُونَ . . . وَلَا تَشُورُوا

ص: 177

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 6

6 - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

و الله خلقکم من تراب ... ثم جعلکم أزواجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 16

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و ...) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 13

13 - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

الله الذی جعل لکم الأرض ... و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطیب ذلکم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 8

8 - هدایتگری انسان ها و توان سخن گفتن با آنان از روشنترین نشانه های معبود راستین

الم یروا أنه لا یکلمهم و لا یهدیهم سبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 7

7 - اجابت درخواست بندگان ، از نشانه های معبود راستین

فادعوهم فليستجيبوا لكم إن كنتم صدقين

157- نظارت معبود راستين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حشر - 59 - 23 - 12

12 - يگانه موجود ناظر و نگهدارنده نظام هستی ، شایسته الوهیت و پرستش است .

هو الله الذی لا إله إلا هو . . . المهیمن

ص: 178

وصف «المهیمن» - که به معنای «حافظ» و «مراقب» است - اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در خداوند دارد.

158- نفع رسانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 4

4 - تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6 - مخلوق نبودن، قدرت بر آفرینندگی، جلب منفعت، دفع ضرر، میراندن، حیات بخشیدن و احیای مردگان، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

واتخذوا من دونه ءالهه لا یخلقون شیئا و هم یخلقون .. و لانشورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 6

6 - توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و یعبدون من دون الله ما لا ینفعهم ولا یضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: 1- آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. 2- این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

159- نیازمندی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 43 - 4

4- احتیاج و نیازمندی، با مقام الوهیت ناسازگار است.

لا یستطیعون نصر أنفسهم

خداوند، ناتوانی «آلهه» در حفظ خویش و نیاز آنها به محافظانی دیگر را، دلیل عدم صلاحیت ایشان برای الوهیت شمرده است. یادآوری این حقیقت می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

ص: 179

160- ویژگی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 5

5- تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر اللّٰه اتّخذ ولیا . . . و إن یمسک اللّٰه بضر . . . فهو علی کل شیء قدير

161- ویژگیهای معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 4

4- قدرت بر پاسخ گویی و اجابت خواسته ها و توان نفع و ضرر رسانی، از جمله ویژگی های لازم برای معبود حقیقی است .

أفلا یرون الّا یرجع الیهم قولاً و لایملک لهم ضرراً و لانفعاً

«برگرداندن قول»، مفهومی است که شامل اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 8

8- رحمانیت، از جمله ویژگی های لازم برای معبودیت است .

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی . . . و إن ربکم الرحمن

هارون(ع)، در مقام رد معبود بودن گوساله سامری، برخی از ویژگی های معبود حقیقی را بیان نمود؛ که از جمله آنها «رحمان» بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 28 - 3

3- معبود راستین، قادر به نجات انسان در همه شرایط دشوار

فلولا نصرهم الذین اتّخذوا من دون اللّٰه قرباناً ءالهه

مفهوم آیه، گویای برداشت یاد شده است.

2- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لایخلق... و الله یعلم... و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئ

آوردن عبارت «إلهکم إله واحد» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

162- هدایتگری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 3

3 - خالق و راهنمای انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی شعور و ساخته دست بشر .

فإنهم عدوٌ لى إلا ربّ العلمین . الذی خلقنى فهو یهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 4

4 - داشتن پیام هدایت آفرین و نجات بخش برای زندگی دنیایی و اخروی انسان ها ، از ویژگی های خدای بر حق و شایسته پرستش

لاجرم أنما تدعونى إليه لیس له دعوة فى الدنیا و لا فى الآخرة

از این که مؤمن آل فرعون در رد عقیده مشرکان، به این مطلب استدلال کرد که معبودهای ادعایی شما، پیامی برای بشر ندارد؛ می توان استفاده کرد که داشتن پیام، از خصوصیات معبود حقیقی و شایسته پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 3

3 - هدایتگری و پاسخ به هدایتجویی بندگان ، از ملاک های معبود راستین

و إن تدعوهم إلى الهدى لا یتبعوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 6

6 - ارائه رهنمون به بندگان ، از ملاک های معبود راستین

و إن تدعوهم إلى الهدى لا یسمعوا

خداوند معبودان اهل شرک را بدان جهت که راهنمای انسانها نیستند، شایسته پرستش نمی داند. بنابراین هدایت کردن انسانها از ملاکهای معبود به حق است.

163- {معبودان باطل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 71 - 11

11 - هود با پرخاش به قوم خویش خواهان ترک بحث و جدال آنان با وی درباره معبودان دروغین شد .

ص: 181

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أتم وءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 43 - 6

6- عقیده کافران ، در اعتبار و آبرومندی خدایان دروغینشان در نزد خداوند ، پوچ و بی اساس است .

لايستطيعون نصر أنفسهم ولا هم مئنا يصحبون

با توجه به این که مخاطبان آیه شریفه مشرکان هستند و آنان معبودها و خدایان خود را شفیع برای خود می پنداشتند؛ به دست می آید که مقصود این آیه، بیان بطلان چنین پنداری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 42 - 1

1 - خداوند ، به هرچه که غیر از او ، به عنوان معبود گرفته شده ، علم دارد .

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

164- آثار ایمان به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 21 - 4

4- باور به معبودهایی غیر از خدای یکتا ، باوری واهی و مایه خسران و تباهی است .

أولئك الذين خسروا أنفسهم و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

165- آثار ذکر عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 76 - 4

4 - توجه به ناتوانی معبود های ادعایی و عقیده به قدرت مطلق خداوند ، موجب تسلی خاطر و دل گرمی مبلغان اسلام و مدافعان عقیده توحیدی

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ينصرون . لايستطيعون نصرهم... فلا يحزنك قولهم

جمله «فلا یحزنک قولهم» جواب برای شرط مقدر است؛ یعنی، «إذا کان هذا حالهم مع ربهم حیث اتّخذوا رجاء النصر ءالهه من دون اللّٰه لا یقدرون نصرهم فلا تحزن بسبب قولهم...»؛ وقتی وضعیت آنان چنین است که به امید یاری، معبودهای دیگری جز خدا را - که توانای بر یاری رسانی ندارند - برگزیدند، پس تو از سخنان شان محزون مباش...».

ص: 182

166- آثار ذکر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 45 - 5

5- انبساط خاطر و شادمانی مشرکان به هنگام یاد شدن نام معبودهایی جز خداوند (معبود های ادعایی آنان)

و إذا ذکر الذین من دونه إذا هم یستبشرون

167- آثار عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 99 - 1

1- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان در گریز از جهنم ، دلیل عدم الوهیت آنان است .

ماتعبدون من دون الله حصب جهنم .. لو کان هؤلاء ءالهه ما وردوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 6

6- عدم توانایی بر پاسخ گویی به خواسته های مشرکان ، دلیل بطلان خدایان ادعایی آنان است .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذره

168- آثار گمراهگری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 163 - 1

1- گمراه گری مشرکان و معبودهایشان ، تنها در کسانی مؤثر خواهد بود که راه دوزخ را برگزینند .

ما أنتم علیه بفتنین . إلا من هو صال الجحیم

«صال» اسم فاعل و به معنای «لازم» است (اصل آن «صالی» می باشد); یعنی، کسی که ملازم و هم راه دوزخ است و دست از این راه دوزخی برنمی دارد. گفتنی است: صیغه اسم فاعل هرگاه در مورد موجود عاقل به کار رود، به مفهوم انجام کاری از روی اختیار و انتخاب است.

169- اجتناب از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 1

ص: 183

1 - هود با ابلاغ مأموریت خویش از جانب خداوند ، مردمش را به توحید ، عبادت خداوند و ترک پرستش معبودان دروغین فراخواند .

أَجْتِنَّا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذِرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 85 - 4

4- پرهیز از شرک‌ورزی و پرستش معبود های باطل ، نمودی کامل از تقواست .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً .. يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ

چون محور بحث در آیات گذشته، در باره شرک و پرستش معبودهای گوناگون بود؛ مناسبت چنین اقتضا دارد که مراد از «متّقین» در این آیه، کسانی باشند که از شرک‌ورزی و پرستش معبودهای باطل پرهیز می کنند.

170- ادعای برتری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 1

1 - مجادله مشرکان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در مقایسه معبود های خویش با عیسی (ع)

وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ مِنْهُ

171- ارزیابی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 3

3 - درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مشرکان ، برای نمایاندن هویت و جایگاه خدایانشان به او ، جهت ارزیابی حقانیت آنان

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ

172- استغاثه از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 5

5 - استغاثه و فریاد خواهی مشرکان از خدایان خود

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

ص: 184

173- استمداد اخروی از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 64 - 6, 3, 5

3- فراخواندن مشرکان از سوی خداوند ، برای یاری خواستن از معبودهایشان در قیامت .

وقیل ادعوا شرکاءکم

5- نصرت طلبی مشرکان در روز رستاخیز از معبودهایشان

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

6- بی جواب ماندن فریاد یاری خواهی مشرکان از معبودهایشان در قیامت

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

174- استمداد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 197 - 1

1- یاری جستن از بت ها و معبودان ، هدف مشرکان از پرستش آنها

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 22 - 8

8- مشرکان، غوطهور در پندارهای بی اساس خویش و امیدوار به کمکهای خدایان دروغین در قیامت

این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 101 - 7

7- مشرکان به هنگام نزول عذاب های الهی ، از بت ها و خدایان دروغین استمداد می کنند و برای رفع آن ، از آنها یاری می جویند .

فما أغنت عنهم آلهتهم التي يدعون من دون الله من شيء لما جاء أمر ربك

مراد از «أمر ربك» عذاب الهی است. اغناء (مصدر اغنت) به معنای کفایت کردن و برطرف ساختن است. «من شيء» مفعول برای «ما أغنت» می باشد و مقصود از آن عذاب است. بنابراین «فما أغنت عنهم آلهتهم ... من شيء»؛ یعنی، خدایانشان آنان را کفایت نکردند و حتی مقدار اندکی از عذاب را از ایشان، برطرف نساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 185

1- خداوند، در قیامت، به مشرکان فرصت خواهد داد تا از معبود های پنداری خویش استمداد کنند .

نادوا شركاءى الذین زعمتم

2- مشرکان، در قیامت، به پندار توان مندی معبودان شان بر یاری آنان، عجزلانه، از آنان استمداد خواهند کرد .

و یوم یقول نادوا .. فدعوهم

«فای تعقیب» در «فدعوهم» بر بی درنگ بودن کار آنان دلالت می کند. کاربرد فعل ماضی، برای کاری که در قیامت انجام می گیرد (دعوهم) نشانه آن است که - به مجرد فرصت یافتن مشرکان - باید استمداد را انجام یافته تلقی کرد.

7- مشرکان، حتی در قیامت هم دل بسته یاری معبودان شان اند .

فدعوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 74 - 4، 5، 6

4- مشرکان و بت پرستان، امیدوار به یاری رسانی معبود های خویش

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ینصرون

5- مشرکان و بت پرستان، معتقد به توانایی بت ها و معبود های خویش برای یاری رسانی

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ینصرون

6- حمایت و یاری شدن، انگیزه و دلیل مشرکان و بت پرستان، برای روی آوردن به آیین شرک و بت پرستی

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که «لعلّ» در آیه شریفه برای تعلیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 5

5- مشرکان، معبود ها را یار و یاور خود می دانستند .

و الذين اتَّخذوا من دونه أولياء

«ولی» (مفرد «أولياء») در لغت به سه معنا آمده است: محب، صديق و نصير (قاموس المحيط و مفردات راغب). در آیه شریفه - به قرینه جمله بعد (ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله) در معنای سوم به کاررفته است.

175- اضرار معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 109 - 5

5- معبود های اهل شرک ، ارمغانی جز خسارت و تباهی برای پرستشگران خویش ندارند .

فلاتک فی مریه مما یعبد هؤلاء ما یعبدون إلا کما یعبد اباؤهم

چنان چه «کما» در آیه شریفه برای تشبیه باشد، جمله «فلاتک . . .» به ضمیمه «إنا لموفوهم...» می رساند که: روا نبودن شک

ص: 186

و تردید به این جهت است که همان طور که معبودهای مشرکان پیشین، دستاوردی جز خسارت و تباهی برای پرستش کنندگان خود نداشتند (و ما زادوهم غیر تتیب، آیه 101) معبودهای اهل شرک در زمان تو نیز این چنینند.

176- اضلال معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 17 - 2,3

2 - خداوند به روز رستاخیز، خواستار پاسخ گویی معبود های مشرکان در باره علت گمراهی مشرکان و نقش آنان در این گمراهی

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله فیقول ءانتم أضللتم عبادی هولاء

3 - خداوند، به روز رستاخیز، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فیقول ءانتم أضللتم عبادی هولاء أم هم ضلّوا السبیل

177- اعراض از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 3

3- اجتناب از هرگونه معبود باطلی، از دعوت های روشن همه انبیای الهی

فهل علی الرسل إلاّ البلیغ المبین. و لقد بعثنا فی کلّ أمّه رسولاّ أن اعبدوا الله

«طاغوت» در لغت عبارت از هر معبود و مورد پرستشی جز خداوند است.

178- افشای عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 11

11 - برملا شدن ضعف و ناتوانی معبود ها (اصنام) و جهل و نادانی پرستندگان آنها با ضرب المثل خداوند، برای همگان

ضعف الطالب و المطلوب

«صَدَّ عَافَهُ» (مصدر «ضعف») به معنای ناتوان شدن است؛ یعنی، طالب و مطلوب هر دو ناتوان شدند. ظاهراً مقصود این است که با دلایل

قاطع و غیرقابل انکاری که ارائه شد، نه تنها ضعف و ناتوانی بت ها؛ بلکه جهل و نادانی پرستندگان آنها نیز بر همگان آشکار شد.

179- اقرار معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 3, 1

1 - اعتراف معبود های مشرکان به روز رستاخیز و در پیشگاه خداوند ، به منزه بودن او از داشتن هر گونه شریک

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله .. قالوا سبحنک

3 - معبود های مشرکان در روز رستاخیز ، اظهار می دارند که حق برگفتن سرپرستانی جز خدا را نداشته و سزاوار این کار نبوده اند .

قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

«أولیاء» می تواند از «ولایت» (به فتح «واو») به معنای سرپرست باشد و هم می تواند از ولایت (به کسر «واو») به معنای «نصرت» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای اول است.

180- الوهیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 99 - 1

1- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان در گریز از جهنم ، دلیل عدم الوهیت آنان است .

ماتعبدون من دون الله حصب جهنم .. لو کان هؤلاء ءالهه ما وردوها

181- امتحان معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 6

6 - خداوند از مشرکان خواست تا برای آزمون توانایی معبودانشان ، نیاز های خود را از آنان درخواست کنند .

فادعوهم فلیستجیبوا لکم

182- امداد به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- معبود های مشرکان از یاری رساندن به خود ناتوان و از یاری خدا محروم اند .

لا یستطیعون نصر أنفسهم و لا هم متّٰ یصحبون

«یصحبون» (از ریشه «صَحِبَ») به معنای «عاشَر» است و لازمه این معنا، نصرت و تأیید است؛ زیرا همنشین از دیگر همنشینان

ص: 188

حمایت خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 25 - 1

1 - ناتوانی مشرکان و هم فکران و معبود های آنان از یاری یکدیگر

احشروا الذین ظلموا و أزوجهم . . . ما لکم لاتنصرون

183- امداد معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 93 - 5

5 - باور مشرکان ، به یاری رسانی معبودهایشان در سختی ها و هلاکت ها

این ما کنتم تعبدون . من دون الله هل ينصرونکم أو ينتصرون

زیر سؤال رفتن توانایی معبودها بر یاری رسانی، حاکی از این است که مشرکان بر این باور بودند که معبودهایشان به آنان یاری خواهند رساند.

184- بطلان عقیده به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 6

6- موجودات دست ساز و فاقد هرگونه قدرت آفرینشگری ، لیاقت الوهیت ندارند و هرگونه عقیده ای به خدایی آنان ، باطل است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

185- بطلان معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 7

7- قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و يوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم الذين كنتم تزعمون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

5 - انعام - 6 - 24 - 3

ص: 189

3 - ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

از کاربردهای فعل «ضل» جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: «ضل الشيء إذا ضاع»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 40 - 11

11 - اگر مشرکان در ادعاهای پوچ و شرک آمیز خود صادق هستند، باید به هنگام سختی متوجه معبودهای خود شوند.

أغیر الله تدعون إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور ابلاغ پیام الهی به مشرکان درباره باطل بودن خدایان ادعایی شان

قل أرونی الذین ألحقتهم به شرکاء

186- بنی اسرائیل و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 15

15 - بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود.

و جوزنا بنی اسرائیل البحر... قالوا یموسی... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع «تجهلون» بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

187- بی ارزشی مالکیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 11

11 - معبود های ادعایی مشرکان ، فاقد هرگونه مالکیت ؛ حتی به مقدار پوست هسته خرما

و الذین تدعون من دونه ما یملکون من قطمیر

«قطمیر» به معنای لُفّافه و پوست میان خرما و هسته آن است (لسان العرب) البته این تعبیر در آیه شریفه، کنایه از بسیار ناچیز بودن است.

ص: 190

188- بی تأثیری استمداد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 4,5

4- بی نتیجه بودن کمک خواهی مشرکان از معبودان خویش ، هشدار خداوند به اهل شرک و پذیرندگان ولایت شیاطین است .

و یوم یقول نادوا شرکاءى . . . فلم یستجیبوا لهم

5- صحنه بیهوده بودن استمداد مشرکان از معبود های خود در قیامت ، صحنه ای شایان فراگیری و به خاطر سپردن است .

و یوم یقول نادوا شرکاءى . . . فلم یستجیبوا لهم

«یوم» مفعول برای فعل مقدری مانند «أذکروا» است ؛ یعنی ، «به یاد آن روز باشید که . . .» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 54 - 3

3- سرگذشت رفاه مند مغرور ، عصیان ابلیس و بی پاسخ ماندن استمداد مشرکان از معبودان خویش در قیامت ، نمونه هایی از مثال های هدایت گر قرآن است .

واضرب لهم مثلاً رجلین . . . ولقد صرفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

این آیه، به منزله نگاهی است کلی به آیات گذشته از سی و دوم با پنجاه و سوم.

189- بی تأثیری درخواست از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 14 - 2,7

2- خواندن معبود های دروغین و درخواست کردن از آنها ، کرداری بیهوده و باطل است .

له دعوه الحق

تقدیم «له» بر «دعوه الحق» حاکی از حصر است ؛ یعنی ، دعوت حق تنها از آن اوست نه از آن غیر او. و مراد از غیر او به قرینه جمله بعد معبودهایی است که مشرکان آنان را می خواندند و می پرستیدند.

7- درخواست کفرپیشگان از معبود های دروغین و دعا به پیشگاه آنان ، همواره تباه و بی ثمر است .

و ما دعاء الكفرين إلا في ضلل

از معانی «ضلال» تباهی و نابودی است. تباهی و نابودی را به صورت ظرفی برای دعا قرار دادن (فی ضلال) برای رساندن این معناست که: آن دعا کاملاً از میان رفته و نابود شده است. گویا نابودی همه جوانب آن را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 74 - 1

ص: 191

1 - اعتراف مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، به بی فایده بودن کامل عبادت غیرخدا و حاجت خواهی از معبود های ادعایی خویش

این ما کنتم تشرکون . من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئاً

جمله «ضلوا عنا» (از نظر ما ناپدید شدند و آنان را گم کردیم) کنایه از بطلان و پوچی آیین شرک و بی اثر بودن معبودهای ادعایی در عرصه قیامت است. گفتنی است جمله «بل لم نکن ندعوا...» می تواند به معنای بی اثر بودن حاجت خواهی از معبودها باشد؛ زیرا چیزی که بی فایده است مانند این است که وجود ندارد. هم چنین می تواند گویای انکار عبادت معبودها باشد که از سرِ ناچاری و اضطراب به آنها متوسل شده باشند. احتمال نخست مؤید برداشت یاد شده است.

190- بی تأثیری عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 23

23 - تقرب آفرین بودن عبادت معبود ها (بت و . . .) عقیده ای است دروغین .

و الذین اتخذوا من دونه اولیاء ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله زلفی . . . إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 2

2 - مؤمن آل فرعون قومش را از نقش نداشتن معبود های ادعایی در سعادت دنیوی و اخروی و نیز بی ثمر بودن عبادت آنها آگاه ساخت .

لاجرم أنما تدعوننی إليه لیس له دعوه فی الدنيا و لا فی الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 74 - 1

1 - اعتراف مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، به بی فایده بودن کامل عبادت غیرخدا و حاجت خواهی از معبود های ادعایی خویش

این ما کنتم تشرکون . من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئاً

جمله «ضلوا عنا» (از نظر ما ناپدید شدند و آنان را گم کردیم) کنایه از بطلان و پوچی آیین شرک و بی اثر بودن معبودهای ادعایی در عرصه قیامت است. گفتنی است جمله «بل لم نکن ندعوا...» می تواند به معنای بی اثر بودن حاجت خواهی از معبودها باشد؛ زیرا چیزی که بی فایده است مانند این است که وجود ندارد. هم چنین می تواند گویای انکار عبادت معبودها باشد که از سرِ ناچاری و اضطراب به آنها متوسل شده باشند. احتمال نخست مؤید برداشت یاد شده است.

191- بی ثمری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 1

ص: 192

1 - پرستش معبودهای واهی، سود واقعی برای آدمیان ندارند.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا

192- بی شعوری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 27

27- معبود های اقوام کافر ، موجوداتی فاقد شعور و درک بودند .

عمّا كان يعبد ءاباؤنا

به کار بردن «ما» ی موصول، که اغلب برای موجود فاقد شعور استعمال می شود، در معرفی معبودهای آنان، می تواند برای بیان نکته یاد شده باشد.

193- بی عقلی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 43 - 3

3 - معبود ها و شفیعیان مشرکان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فاقد هرگونه توانایی و تعقل

قل أولو كانوا لا يملكون شيئاً ولا يعقلون

194- بی منطقی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 102 - 3

3- گزینش اولیا و معبودان باطل از سوی کافران ، حرکتی بی پایه و متکی بر اوهام است .

أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

محتمل است «أن يتّخذوا...» جانشین دو مفعول برای «حسب» باشد. در این صورت، معنا چنین می شود: «آیا کافران گمان می کنند که غیر مرا ولیّ می گیرند؟!»، یعنی، آنان، تنها، در اوهام خود غوطه‌پورند و با حقایق فاصله بسیار دارند.

195- بی یآوری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 43 - 3

ص: 193

3- معبود های مشرکان از یاری رساندن به خود ناتوان و از یاری خدا محروم اند .

لايستطيعون نصر انفسهم ولا هم منا يصحبون

«یصحبون» (از ریشه «صَحِبَ») به معنای «عاشَر» است و لازمه این معنا، نصرت و تأیید است؛ زیرا همنشینان از دیگر همنشینان حمایت خواهد کرد.

196- پرسش از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 5

5- پرسش از موقعیت و جایگاه معبودهای پنداری مشرکان، از صحنه های محاکمه آنان در قیامت

ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم الذين كنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 17 - 3، 2

2- خداوند به روز رستاخیز ، خواستار پاسخ گویی معبود های مشرکان در باره علت گمراهی مشرکان و نقش آنان در این گمراهی

ويوم يحشرهم وما يعبدون من دون الله فيقول ءأنتم أضللتم عبادي هؤلاء

3- خداوند ، به روز رستاخیز ، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فيقول ءأنتم أضللتم عبادي هؤلاء أم هم ضلّوا السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 6

6- معبود های مشرکان در پاسخ به سؤال خداوند در قیامت ، عامل انحراف و گمراهی مشرکان را ، برخورداری آنان و پدرانیشان از رفاه بسیار و از یاد بردن خدا خواهند دانست .

ولكن متّعتهم و ءاباءهم حتّى نسوا الذكر

«لكن» - که در استدراک به کار می رود - در آیه شریفه برای رد این اتهام است که معبودها در گمراهی مشرکان مؤثر بودند و نیز برای بیان علت های واقعی این انحراف است که در این آیه، به دو عامل اشاره شده است: 1- رفاه (که موجب فراموشی خدا است) (متّعتهم).

..الذکر). 2- رفتار هلاکت بار آنان (و كانوا قوماً بوراً).

197- پرسش درباره معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 62 - 4

4- پرسش تحقیر آمیز خداوند از مشرکان ، درباره معبود های آنان در قیامت

ص: 194

فیقول این شرکاءى

استفهام در «این شرکاءى» برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 74 - 4

4 - پرسش تحقیر آمیز خداوند در قیامت از مشرکان درباره معبودهایشان

و یوم ینادیهم فیقول این شرکاءى

استفهام در «این شرکاءى» برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 73 - 3

3 - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثمّ قیل لهم این ما کنتم تشرکون

198- پوجى عقیده به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 8

8 - برگزیدن معبود های گوناگون و فاقد هر گونه توانایی ، به جای خداوندِ توانای بی همتا و آفریننده عالم هستی ، عملی غیر منطقی و شگفت آور

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک . . . و اتّخذوا من

199- پوجى معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 71 - 10، 9

9 - مشرکان ، پرستشگر معبودانی اعتباری و متکی به خدایانی پوچ و واهی

اتجدلوننى فى أسماء سمیتموها أنتم وءاباؤکم

10 - هود، گرفتار جدال و کشمکش مدام قوم عاد دربارہ معبودان بی اساسشان

اتجدلوننى فى أسماء سمیتموها أنتم وءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 2

ص: 195

2- هر معبودی جز خداوند ، تنها دارای نامی از خدایی و خالی از هنر و حقیقت آن

ما تعبدون من دونه إلاّ أسماء سمیتوها

مقصود از «أسماء سمیتوها» (نامهایی که شما بر معبودها نهاده اید) این است که این نامها ، الفاظی اند که مصداقی در خارج ندارند. اسمهایی بی مسمی و نامهایی بی نشانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 27 - 8

8- در قیامت ، پوچی و بطلان خدایان مشرکان بر ملا می شود .

يقول أين شركاءى الذين كنتم تشقون فيهم

از اینکه خداوند در قیامت در مؤاخذه مشرکان، از آنها می پرسد: خدایان ادعایی تان کجاست؟ و آنان جوابی نمی دهند، حکایت از آشکار شدن پوچی معبودهای مشرکان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 2، 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به اعلام خیالی بودن خدایان برگزیده مشرکان و ناتوانی کامل آنها در رفع هرگونه بیچارگی و درماندگی از مشرکان

قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم

2- هر معبودی جز خدا ، نیروی خیالی و برای رفع بیچارگی و بدبختی مردم ، فاقد قدرت است .

قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلاً

«الضرّ» به معنای بدحالی درونی و یا جسمانی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 14 - 1

1 - یگانگی خداوند و حقیقت نداشتن هیچ معبودی جز او ، سرلوحه وحی الهی به موسی (ع) در وادی طوی بود .

إِنِّى أَنَا اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 62 - 3

3 - هر معبودی به جز خدا، موهوم است و باطل .

وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَطْلُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 13 - 5

5 - شریکانی که مشرکان برای خدا قائل بودند ساخته و پرداخته خودشان بود .

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شَفَعُوْا

ص: 196

اضافه شدن «شركاء» به ضمير «هم» - که مرجع آن، مشرکان است - اشعار دارد به این که آنان، خود چنین شریکانی را ساخته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 5

5 - خدایان مشرکان، باطل و پوچ محض اند .

وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ

«باطل» متضاد «حق» است. «حق» به معنای «ثابت و پایدار» آمده است. بنابراین، باطل، به معنای «پوچ و بی ثبات» خواهد شد. (مفردات راغب) لازم به ذکر است، در صورتی که «ما» در «مایدعون» موصول باشد، دلالت می کند بر این که آنچه مشرکان به عنوان معبود و خدا انتخاب کرده اند، باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 2

2 - خدایان مشرکان، معبودهایی پنداری اند .

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 21، 23

21 - تمامی معبودها - جز الله - معبودهایی ساختگی و دروغین

لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

23 - آفرینش جهان (آسمان، زمین و انسان)، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبودهای دیگر

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ... لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» - که پس از بحث از خلقت جهان آمده است - به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 2

2- قرآن ، درصدد تحریک مشرکان ، برای اندیشیدن به پوچی و ناتوانی معبود های دروغینشان

قل أرءیتم ما تدعون من دون الله أرونی ماذا خلقوا

تعبیر «أرأیتم» چه به معنای «أخبرونی» باشد و چه به معنای سؤال از نگرستن؛ دعوت برای اندیشیدن در ماهیت پوچ بت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 28 - 6

6- ظهور پوچی و بی اثری معبود های مشرکان ، به هنگام نزول عذاب الهی

ص: 197

بل ضلّوا عنهم

«ضلّوا عنهم» کنایه از وجود بی خاصیتی است که معدوم به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 1

1 - خدایان دروغین مشرکان ، پوچ و بی بهره از هر گونه هویت واقعی

إن هی إلاّ أسماء سمّیتموها

200- تبری اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 4

4 - حضور معبودها در قیامت و انکار و تبری آنان از شرک و شرک‌ورزی مشرکان

و یوم القیمه یکفرون بشرکم

201- تبری از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 23، 24

23 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، مأمور به اعلام یگانگی خداوند و اظهار بیزارگی از شرک و معبودهای مشرکان

قل إنما هو إله وحد و إنی بریء مما تشرکون

24 - لزوم پایداری در عقیده توحیدی و اعلام صریح بطلان شرک و بیزارگی از معبودهای مشرکان

قل لا أشهد قل إنما هو إله وحد و إنی بریء مما تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 11، 9

9 - ابراهیم (ع) در پی ابطال مستدل عقاید شرک آمیز قوم خویش، به صراحت از معبودهای آنان بیزارگی جست.

فلما رء الشمس . . . إني برىء مما تشركون

چنانچه «ما» در «مما تشركون» موصول باشد، مضمون جمله چنین است: «برىء من الذى تشركون به». یعنی از چیزهاییکه به آن شرک میورزید بیزارم.

11 - ضرورت بیزاری جستن از معبودهای مشرکان و عقاید شرک

إني برىء مما تشركون

ص: 198

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 54 - 6, 5

5- هود (ع) به مشرکان اعلان کرد که از معبودهایشان بیزار است و آنها را منشأ هیچ تأثیری نمی داند و شایسته پرستش نمی شمارد .

قال .. اشهدوا انی بریء مما تشركون

بیزاری و تنفر هود(ع) از بتها و معبودهای اهل شرک، به معنای منشأ اثر ندانستن آنها و شایسته عبادت نشمردنشان است. از اینکه هود(ع) در خطاب به مردم نگفت: «اشهدکم»، ولی در گواه خواهی از خداوند گفت: «أشهد الله» معلوم می شود مراد از «واشهدوا»، مجرد اعلان است نه شاهد گرفتن مردم.

6- هود (ع) ، خداوند را بر بی تأثیر دانستن معبود های اهل شرک و اعلان بیزاری از آنان ، گواه گرفت .

قال انی أشهد الله واشهدوا انی بریء مما تشركون

اشهاد (مصدر اشهد) به معنای گواه گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 55 - 6

6- ناتوانی بت ها برای از میان بردن هود (ع) ، علی رغم بیزاری جستن علنی او از آنها ، نشانه حقیقت نداشتن ادعای قوم عاد (ابتلای هود به جنون از ناحیه بت ها)

إن نقول إلاّ اعتريك بعض ءالهننا بسوء .. فكيدوني جميعاً ثم لاتنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 6, 4

4- بیزاری معبود های باطل در قیامت ، از پرستش عبادت گران خود

و كانوا بعبادتهم كفرين

ضمير «كانوا» به معبودها و ضمير «بعبادتهم» به عبادت گران مشرک بازمی گردد.

6- اظهار دشمنی و بیزاری مشرکان ، نسبت به معبود های دروغین خود در قیامت *

كانوا لهم أعداء و كانوا بعبادتهم كفرين

فاعل «كانوا»، ضمیری است که ممکن است به «الناس» برگردد و مرجع ضمیر «هم» نیز ممکن است معبودهای مشرکان باشد که در آیه قبل، به عنوان معبودهای غیر الهی از آنها یاد شده است. بر اساس این دو احتمال، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 2 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور ابلاغ تباین معبود خود با معبودهای مشرکان و تصریح به ناهماهنگی کامل، بین شرک و توحید

قل . . لا أعبد ما تعبدون

ص: 199

202- تبری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 2

2- معبود های مشرکان در قیامت ، بطلان و بیهودگی عبادت های مشرکان را برملا کرده و از آن براءت خواهند جست .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

در مورد ضمیرهای موجود در آیه، احتمالاتی ذکر شده است؛ از جمله آن که ضمیر «یکفرون» و «یکنونون» به «ءالهه» باز می گردد و ضمیر «بعبادتهم» و «علیهم» به مشرکان. برداشت یاد شده مبتنی بر این وجه است. گفتنی است که «کفر» در معانی مختلفی از جمله انکار و براءت استعمال شده است (لسان العرب). در این آیه نیز به قرینه «و یکنونون علیهم ضدًا» به معنای براءت جستن و سلب مسؤولیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 4,5

4 - معبود های مشرکان در قیامت ، خود را از داشتن هر گونه نقشی در گمراهی مشرکان ، تبرئه کرده و آن را تکذیب خواهند کرد .

ءأنتم أضللتم عبادی .. قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

5 - اظهار شگفتی و اعلام انزجار معبود های مشرکان در قیامت ، از معبود قرار گرفتن خودشان از سوی مشرکان و یا نقش داشتن آنان در گمراهی دیگران

فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء .. قالوا سبحنک

جمله «سبحانک» و یا «سبحان الله» در دو مورد به کار می رود: 1- آن گاه که سخن شگفت آوری شنیده شود و شنونده بخواهد اظهار شگفتی کند. 2- آن گاه که سخنی بسیار زشت و ناروایی شنیده شود و شنونده بخواهد از آن اعلان براءت و اظهار انزجار کند و واکنش منفی از خود نشان دهد (برگرفته از لسان العرب).

203- تبیین حقیقت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 9

9- مشرکان ، ناتوان از ارائه تصویری درست و قابل قبول از حقیقت و جایگاه خدایان ادعایی خود

قل أرونی الذین ألحقتهم به شركاء کلاً بل هو اللّٰه

از این که جوابی از سوی مشرکان نقل نشده و خود خداوند زعم و پندار آنان را رد کرده است، به دست می آید که آنان به خوبی می دانستند که حقیقت خدایان ادعایی شان قابل ارائه نیست.

ص: 200

204- ترس از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 1

1 - نرسیدن از پیامد شرک به خدای یگانه و در هراس بودن از شریکان موهوم او، کاری شگفت و نابخردانه است.

و کیف أخاف ما أشرکتکم و لاتخافون أنکم أشرکتکم بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 51 - 9

9- معتقدان به خدایان متعدد (مشرکان) ، از معبود های خویش هراسان بودند .

لاتتخذوا إلهین اثنین . . . فإیّی-ی فارهبون

«فا» در «فایّای» جواب شرط مقدر است و آوردن آن بر سر مفعول مقدم - که مفید حصر است - می تواند حکایت از نکته یاد شده بکند.

205- ترس معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 57 - 9

9- معبود های مشرکان ، خود ترسان از عذاب خدا و امیدوار به رحمت او هستند .

یرجون رحمته و یخافون عذابه

206- ترک عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 2

2 - نپرستیدن معبودهای واهی هیچ زیان واقعی در پی ندارد.

أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

این برداشت بر این اساس است که جمله شرطیه «إن دعوناهم» پس از «لا ینفعنا»، و «إن ترکنا دعوتهم» پس از «لا یضرنا» به قرینه صدر آیه

منظور شده باشد.

207- تشبیه درخواست از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 201

6- مَثَل درخواست کننده از خدایان دروغین مثل تشنه ای است که از راه دور دستان خود را به طرف آب دراز می کند تا آب ، خود به کام او برسد که هرگز چنین نمی شود .

إِلَّا كَيْسَطُ كَفِيهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَ مَا هُوَ بِلُغَهُ

برخی عبارت «إِلَّا كَيْسَطُ» را استثنا از استجابت گرفته اند و گفته اند تقدیر کلام چنین است: «لَا يَسْتَجِيبُونَ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَسْتِجَابَةِ إِلَّا اسْتِجَابَةَ كَيْسَطِ الْمَاءِ لِيَبْلُغَ كَفِيهِ إِلَى الْمَاءِ». و برخی آن را استثنا از «الذِّينَ يَدْعُونَ» دانسته اند و گفته اند تقدیر کلام چنین می شود: «الذِّينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَيْسُوا إِلَّا كَبَاسَطُ كَفِيهِ إِلَى الْمَاءِ». قابل ذکر است که ضمیر در «لِيَبْلُغَ» به «الْمَاءِ» و ضمیر در «فَاهُ» (دهانش) به «بَاسَطُ» برمی گردد. و ضمیر «هُوَ» به «الْمَاءِ» و ضمیر در «بِالْغَهُ» به «فَاهُ» ارجاع می شود.

208- تشبیه معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 28 - 1

1 - معبودان باطل و جعلی ، در مقایسه با خداوند ، همانند بردگان زرخرید در برابر مالک خویش اند .

هل لكم من ما ملكت أيمانكم من شركاء في ما رزقنكم فأنتم فيه سواء

مثلی که در آیه آورده شده است، به قرینه آیات سابق - که درباره اثبات خداوند و وحدانیت بود - برای نفی معبودانی است که مشرکان، آنان را در برابر خداوند، انتخاب کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 75 - 3

3 - معبود های ادعایی به روز رستاخیز ، در حالی که همچون سپاه آماده به خدمت برای مشرکان اند ، از هرگونه یاری رسانی به آنان ناتوان خواهند بود .

لَا يَسْتَطِيعُونَ نُصْرَهُمْ وَ هُمْ لِهَمِّ جُنْدٍ مُحْضَرُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر «هم» به معبودها و ضمیر «لهم» به مشرکان بازگردد و این جمله حال برای ضمیر غایبی در «لَا يَسْتَطِيعُونَ» باشد. بر این اساس، این ترکیب از باب مبالغه آمده است؛ زیرا متمرکز کردن تمامی نیروها در قالب یک سپاه آماده به خدمت و در عین حال ناتوان بودن از یاری رسانی، نشان دهنده اوج ناتوانی معبودها می باشد. گفتمی است بر اساس این نظر، آیه شریفه ناظر به روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 5

5 - شباهت خدایان ادعایی شرک پیشگان ، به شریکان ناسازگار و سخت گیر

ضرب الله مثلاً رجلاً فیہ شرکاء متشکسون

ص: 202

209- تعدد معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 8

8- مشرکان ، معبود ها و خدایان متعددی برای خود داشتند .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئا و هم یخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 21 - 5

5- مشرکان ، خدایان متعددی برای خود داشته اند .

أموت غیر أحياء و ما یشعرون أئان یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 2

2- مشرکان در عصر بعثت ، چندگانه پرست و معتقد به خدایان و معبود ها متعدد بودند .

أم اتّخذوا ءالهه من الأرض

«آلهه» جمع «إله» به معنای خدایان و معبودها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 2

2- مشرکان ، دارای معبود های متعدد بودند .

و اتّخذوا من دونه ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 4

4- مشرکان ، به هنگام طلوع خورشید اسلام ، به معبود های متعددی اعتقاد داشتند .

ليضلاً عن الهتنا

«إله» مفرد «آلهه» به معنای معبود است و جمع آمدن آن حاکی است که مشرکان به چند معبود اعتقاد داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 36 - 8

8 - مشرکان ، دارای معبود های متعدد

أئنا لتاركوا الهتنا

«إله» (مفرد «آلهه») به معنای معبود است و جمع آمدن آن، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 203

11 - مشرکان ، دارای معبود های متعدد

أولياء ما نعبدهم

210- تعدد معبودان باطل مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 1

1- مشرکان عصر بعثت ، معبودهایی متعدد را به عنوان « الهه » می پرستیدند .

واتخذوا من دون الله ءالهه

211- تقرب معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 8

8- در صورت وجود معبودهایی جز خدای صاحب عرش در عالم ، همه آنها در جست و جوی راهی برای قرب به خداوند و بندگی در برابر او خواهند بود .

لو كان معه . . . إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سبيلاً

برداشت فوق، بر این اساس است که مقصود از راه یابی به خداوند، درگیری و نزاع نباشد؛ بلکه مقصود، راه تقرب به او باشد. آیه 44 که می فرماید: «همه موجودات و پدیده های جهان هستی، تسبیح گوی خداوندند، ولی شما درک نمی کنید» نیز قرینه بر این نکته است.

212- تکذیب اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 25 - 12

12 - قوم ابراهیم ، در قیامت ، معبودان خود را مورد انکار و کفر قرار می دهند .

ثم يوم القيمة يكفر بعضكم ببعض

برداشت بالا- بنابراین اساس است که «یکفر» به همان معنای رایج اش بوده و مفعول آن «ببعض» باشد که مراد از آن معبودان مشرکان

است.

ص: 204

213- تکذیب عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 74 - 3

3 - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو، از سرِ ناچاری و اضطراب به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند .

بل لم نكن ندعوا من قبل شيئا

214- تکذیب معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 13 - 7

7 - مشرکان، در قیامت، الوهیت معبودان خویش را انکار می کنند .

ولم يكن لهم من شركائهم شفعاؤا و كانوا بشركائهم كفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 84 - 2

2 - اقوام قدرتمند محکوم شده به عذاب استیصال، هنگام مشاهده آثار فرود آن، توبه کنان به خدای یکتا ایمان آورده و به انکار معبود های ادعایی خویش می پرداختند .

فلما رأوا بأسنا قالوا ءامنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشركين

215- تکذیبهای معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 86 - 6

6- ادعای مشرکان در قیامت مبنی بر شریک بودن معبود ها برای خدا، از سوی خود معبود ها تکذیب خواهد شد .

فألقوا إليهم القول إنكم لكدوبون

شکوائیه مشرکان از معبودهایشان در قیامت (قالوا هؤلاء ..)، ممکن است به این خاطر باشد که آنان معبودها را عامل گمراهی خود قلمداد می کنند. از این رو تکذیب معبودها می تواند مربوط به همین ادعا باشد.

216- تلاش معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 57 - 1

ص: 205

1- معبود های مشرکان ، خود در جست و جوی وسیله و راهی برای تقرب بیشتر به خدا هستند .

أولئك الذين يدعون يبتغون إلى ربهم الوسيلة

مشاراليه «أولئك»، «الذين زعمتم» در آیه قبل است که مقصود از آن معبودهای مشرکان می باشد.

217- تنهایی اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 95 - 3,4

3- معبود های باطل (فرزند پنداشته شدگان خداوند) و پرستندگان آنها ، همه یکه و تنها در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

دعوا للرحمن ولدًا .. و كلهم آتیه يوم القيمة فردًا

«كلهم» شامل تمامی موجودات ذی شعور آفرینش (من فی السموات والأرض) می گردد و از جمله آنها کسانی اند که برخی از مردم؛ آنان را فرزند خدا می پنداشتند (مانند: ملائکه، حضرت عیسی و عزیر(ع)).

4- تنهایی و بی کسی موجودات شعورمند آفرینش (معبود های پنداری و عبادت کنندگان آنها) در صحنه قیامت ، تجلی مملوکیت همه آنها در برابر خداوند است .

إلا آتی الرحمن عبدًا .. و كلهم آتیه يوم القيمة فردًا

218- توقع از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 7

7- مشرکان ، از خدایان خویش توقع داشتند مشکلات و گرفتاری های آنان را حل کرده و یا آن را به خوشی تبدیل کنند .

ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلاً

219- جهل معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 21 - 2,3

2- خدایان مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما يشعرون أيا ن يبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در «یشعرون» و «یبعثون» معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

3- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

ص: 206

و ما يشعرون أيا ن يبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر «یبعثون» پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی «یدعون» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 4

4- معبود های مشرکان، موجوداتی ناآگاه و بی خبر

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا

احتمال دارد مرجع ضمیر، «یعلمون»، «إلهه» باشد که از «ما» به دست می آید. بنابراین، جمله «لا يعلمون» در بیان توصیف «ما» است.

220- حتمیت ورود معبودان باطل به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 98 - 4

4- ورود همه مشرکان و معبودهایشان به جهنم، حتمی است.

إنکم و ماتعدون من دون الله حصب جهنم أنتم لها وردون

جمله «أنتم لها واردون» تأکید برای جمله «إنکم و ماتعدون..» است.

221- حسابرسی از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 23 - 5

5- خدایان پنداری مشرکان (مقربان و فرشتگان) خود مورد محاسبه و بازخواست قرار خواهند گرفت.

لايسل عمّا يفعل و هم يسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر «هم» به «من عنده» بازگردد؛ که از آنان به مقربان درگاه الهی و مصداق بارز آن «فرشتگان» تعبیر می شود.

222- حشر معبودان باطل

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 5

ص: 207

5- حشر مشرکان در قیامت ، به همراه معبود های مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذین اشرکوا مکانکم انتم و شرکاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 17 - 1

1- در روز قیامت ، مشرکان به همراه معبود های خویش ، محشور خواهند شد .

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 22 - 1

1- گرد آمدن مشرکان ستم پیشه و هم فکران و معبود های آنان ، در عرصه قیامت به فرمان خداوند

احشروا الذین ظلموا و ازوجهم و ما کانوا یعبدون

«ازواج» می تواند به معنای «اقران» (هم نشینان و هم فکران) باشد و نیز می تواند جمع «زوج» (به معنای همسر) باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 3

3- حشر تمامی انسان ها و نیز معبود های دروغین مشرکان ، در قیامت

یدعوا من دون اللّٰه . . . و إذا حشر الناس کانوا لهم أعداء

از عبارت «کانوا لهم أعداء» استفاده می شود که معبودهای مشرکان نیز همانند مردم، محشور می شوند و در آن رویارویی، عداوت ها صورت می گیرد.

223- حقیقت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 3,5,1

1 - معبودان دروغین ، موجوداتی همسان با نیایشگران آن معبودها

إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم

3 - همگان ، چه معبودان و چه پرستش کنندگان ، بنده خدا و مملوک او هستند .

إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم

«عباد»، جمع «عبد»، و به معنای بندگان و مملوکان است.

5 - توجه دادن اهل شرک به همسانی آنان با معبودانشان در ناتوانی و نیازمندی ، زمینه ساز باور آنان به بطلان شرک و شایسته نبودن معبودان برای پرستش

إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم

ص: 208

224- حمایت از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 27 - 5

5- مشرکان ، از معبود های ادعایی خویش به سختی دفاع کرده و با یکتاپرستان دربارہ آنها به منازعه می پرداختند .

این شرکاءى الذین کنتم تشقون فیهم

«تشافون» (از مصدر شقاق) به معنای مخالفت است به گونه ای که شخصی در یک طرف و شخص دیگری در طرف دیگر باشد. فعل «تشافون» از باب مفاعله است که برای فعلهای دو جانبه استفاده می شود و به قرینه مقام طرف درگیر با مشرکان، کسانی اند که معتقد به خدای واحد بودند و از آنها به موحدان تعبیر شده است.

225- خالق معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 25

25- خداوند آفریننده چیزهایی که اهل شرک آنها را معبود ها و خدایان خویش پنداشته اند .

أم جعلوا لله شرکاء .. قل الله خلق کل شیء

از مصداقهای مورد نظر برای «شیء» معبودهای اهل شرک است.

226- درخواست از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 5

5 - درخواست کردن از معبودان دروغین برای درخواست کننده بی ثمر و با لب فرو بستن از درخواست مساوی است .

سواء علیکم ادعوتموهم أم أنتم صمتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور فراخوان مشرکان به آزمودن ناتوانی خدایانشان از طریق دعای خود

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مما تقال ذرّه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 209

2- دعا و درخواست مشرکان از معبود های خویش

و الذین تدعون من دونه . . . إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم

227- درخواست تبیین حقیقت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 3

3- درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مشرکان ، برای نمایاندن هویت و جایگاه خدایانشان به او ، جهت ارزیابی حقانیت آنان

قل أرونی الذین ألحقتم به شركاء

228- درخواست معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 1

1 - معبود های ادعایی مشرکان - نه در دنیا و نه در آخرت - هرگز برای انسان ها پیامی نداشته ، آنان را به عبادت خویش فرا نخوانده اند .

لاجرم أنما تدعوننی إلیه لیس له دعوه فی الدنیا و لا فی الآخره

مقصود از «دعوت» معبودهای ادعایی در آیه شریفه، دو چیز می تواند باشد: 1- داشتن پیام برای انسان ها و فراخواندن به عبادت خود؛ 2- استجابت دعوت و یا دعای مستجاب شده؛ یعنی، به تقدیر کلمه ای باشد مانند: «استجابه دعوه او دعوه مستجاب» . برداشت یادشده مبتنی بر معنای نخست است.

229- دشمنان اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 8

8- مشرکان در قیامت ، پرستش و بندگی معبود های ساختگی را انکار کرده و با آنها به ستیز و دشمنی خواهند پرداخت .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر «یکفرون» و «یکنونون» مشرکان و مرجع ضمیر «بعبادتهم» و «علیهم» الهه دانسته شده و کفر نیز به

معنای انکار گرفته شده است.

ص: 210

230- دشمنی اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 3

3- معبود های مشرکان در قیامت ، به ستیز و دشمنی با پرستشگران خود خواهند پرداخت .

و یکنونون علیهم ضدًا

231- دشمنی با معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 9

9- قرآن پیشاپیش از سرخوردگی سریع مشرکان و ناکامی آنان در رسیدن به آرزوی عزّت و ثروت ، و ضدیت آنان با معبود های موهوم خویش ، خبر داده است .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

قرینه ای وجود ندارد که موجب انصراف آیه به وضعیت قیامت مشرکان باشد؛ بنابراین بعید نیست مراد آیه، اخبار از آینده نزدیک مشرکان مکه و روگردانی آنان از شرک و بت پرستی باشد. در این برداشت، ضمیر فاعلی «سیکفرون» و «یکنونون» به مشرکان بازگشت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 6

6- اظهار دشمنی و بیزاری مشرکان ، نسبت به معبود های دروغین خود در قیامت *

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

فاعل «کانوا»، ضمیری است که ممکن است به «الناس» برگردد و مرجع ضمیر «هم» نیز ممکن است معبودهای مشرکان باشد که در آیه قبل، به عنوان مبعودهای غیر الهی از آنها یاد شده است. بر اساس این دو احتمال، نکته یاد شده استفاده می شود.

232- دشمنی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان ، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبود ها و ضدیتشان با پرستشگران خویش

و یکنونون علیهم ضدًا . ألم تر انا ارسلنا الشیطین

استفهام در «آلم تر» برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

ص: 211

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 86 - 3

3- رانده شدن ذلیلانه مشرکان به سوی دوزخ ، نمودی از بی ثمر بودن شرک و ضدیت معبودهایشان با آنهاست .

و یکنونون علیهم ضناً .. یوم نحشر ... و نسوق المجرمین

در آیات پیشین، سخن از بی ثمر بودن پرستش های شرک آلود مشرکان و تأثیر منفی آن بر فرجام اخروی آنان بود؛ در این آیه نیز می تواند بیان مصداقی از همان معنا باشد؛ خصوصاً اگر «یوم» در «یوم نحشر» متعلق به «یکنون» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 1

1- موجودات مورد پرستش مشرکان ، دشمن ایشان در صحنه رستاخیز

و إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

233- دشنام به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 108 - 22

22 - عن أبی عبداللہ (ع): ... كان المؤمنون یسبون ما یعبد المشرکون من دون اللہ و كان المشرکون یسبون ما یعبد المؤمنون فنهی اللہ المؤمنین عن سب آلہتهم لکی لا یسب الکفار إله المؤمنین ... فقال: «و لا تسبوا الذین یدعون من دون اللہ فیسبوا اللہ عدوا بغير علم».

از امام صادق (ع) روایت شده است: ... مؤمنان، معبودهای غیر خدا را که مورد پرستش مشرکان بود، دشنام می دادند و مشرکان نیز معبود مؤمنان را ناسزا می گفتند، پس خداوند مؤمنان را از دشنام دادن به معبودهای مشرکان نهی فرمود، تا کفار نیز معبود مؤمنان را دشنام ندهند و آیه فوق را در این مورد نازل کرد.

234- دلایل بطلان معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 40 - 8

8 - توجه نکردن به معبودی غیر از خدا به هنگام مشکلات، دلیل پوچی تمامی معبودهای دروغین

قل أرءيتكم . . . إن كنتم صدقین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 6

ص: 212

6- عدم توانایی بر پاسخ گویی به خواسته های مشرکان ، دلیل بطلان خدایان ادعایی آنان است .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذرّه

235- دلایل پوچی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 62 - 4

4- گردش شب و روز در سایه تدبیر خدا ، آیتی روشن بر بطلان مرام شرک و پوچی خدایان دیگر

بأنّ الله یولج الیل فی النهار .. و أنّ ما یدعون من دونه هو البطل

236- دلایل عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 109 - 4

4- مطالعه در تاریخ اقوام مشرک و توجه به فرجام شوم آنان ، راهی برای پی بردن به بطلان شرک و نبود توان و نیرو در معبود های ساختگی است .

فلاتک فی مریه مما یعبد هؤلاء

237- رازقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 12، 13

12- دخیل دانستن معبود های باطل در امر روزی رسانی به بندگان ، افتزایی بیش نیست .

و یجعلون لما لایعلمون نصیباً ممّا رزقنهم تالله لتسئلنّ عمّا کنتم تقفرون

ممکن است متعلق «تقفرون»، «جعل نصیب» برای معبودهای باطل از سوی مشرکان باشد و مراد از سهم قرار دادن برای معبودها، دخیل دانستن آنها در امر روزی رسانی است.

13- افترا بستن به خدا (مبنی بر شریک داشتن خداوند در امر روزی) کار دائمی معتقدان به شرک ربوبی

برّیهم یشرکون ... و یجعلون لما لایعلمون نصیباً ممّا رزقنهم ... کنتم تقفرون

احتمال دارد مراد از «تفترون» همان نکته ای باشد که در آیه آمده است و آن دخالت دادن و سهیم دانستن معبودها و یا اسباب و عوامل در امر روزی دهی و یا نجات است.

ص: 213

238- رد الوهیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 5

5- عجز و ناتوانی مشرکان، از ارائه هرگونه دلیل و سند الهی، بر خداوندگاری معبود های خویش

ما أنزل الله بها من سلطان

«سلطان»، به معنای حجت و دلیل است.

239- رد خالقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 10

10- خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثيل .. قال ربكم رب السموت والأرض الذى فطرهنّ

حضرت ابراهیم(ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد. نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت است، نه چیز دیگر.

240- رد شفاعت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 23 - 11

11- ناتوانی معبود ها از شفاعت کردن به پیشگاه خداوند و نجات دادن پرستندگان خویش به هنگام گرفتاری، دلیل ناشایستگی آنها برای پرستش

ءاللهه إن یردن الرحمن بضرّ لاتغن عنّی شفعتهم شیئاً ولا ینقذون

برداشت یاد شده به جهت این نکته است که جمله «إن یردن الرحمن..» در مقام تعلیل برای جمله «ءأتخذ من دونه» می باشد.

241- رد عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- خداوند، هیچ رخصتی برای پرستش معبود های اهل شرک نداده است .

ما أنزل الله بها من سلطان

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که مراد از «سلطاناً»، حجت و دلیل نقلی باشد.

ص: 214

242- رد قداست معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 10

10- خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان ، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثيل .. قال ربکم رب السموت والأرض الذی فطرهنّ

حضرت ابراهیم (ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد. نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت است، نه چیز دیگر.

243- رد معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 2 - 1

1 - رد معبود های کافران و امتناع از عبادت آنها در تمام عمر خویش ، خط مشی ارائه شده از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در گفتوگو با کافران

لا أعبد ما تعبدون

244- زیان استمداد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 15

15- استمداد از خدایان دروغین نه تنها سودی برای استمداد کنندگان ندارد؛ بلکه بر خسارت و تباهی آنان نیز می افزاید .

و ما زادوهم غیر تتیب

در جمله «و ما زادوهم ..» نسبت افزودن خسارت به بتها داده شده است؛ ولی از آن جا که بتها بر خسارت زدن ناتوانند، مراد از «ما زادوهم ...» به قرینه «التی یدعون ...» این است که: اعتقاد به بتها مایه خسارت است و خواندن آنها و استمداد از آنها به هنگام نزول عذاب الهی، موجب افزایش خسارت استمداد کنندگان خواهد شد.

245- زیان رسانی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 1،4

ص: 215

1 - مشرکان ، در عصر بعثت ، موجوداتی را می پرستیدند که از رساندن نفع و یا دفع ضرر ، ناتوان بودند .

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

4 - معبود های مشرکان ، ناتوان از سودرساندن و یا دور کردن زیان از عبادت کنندگان خویش

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 42 - 1

1 - در روز قیامت معبود های مشرکان ، نمی توانند هیچ سود و زیانی را برای کسی عهده دار شوند .

فالیوم لایملک بعضکم لبعض نفعاً و لا ضرراً

246- سرزنش سهم المال معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 8

8- اختصاص دادن بخشی از روزی خدادادی به معبود های باطل ، مورد نکوهش خداوند

و یجعلون لما لایعلمون نصیباً ممّا رزقنهم تالله لتسئلنّ

247- سرزنش عقیده به رازقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 7

7- سهم دانستن معبود های باطل در روزی دهی ، مورد سرزنش خداوند

و یجعلون لما لایعلمون نصیباً ممّا رزقنهم تالله لتسئلنّ

248- سهم المال معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 9

9 - تعیین سهمی در اموال برای خداوند و سهمی برای شریکان موهوم او و تجویز مصرف سهم خداوند برای شریکان، کارهایی زیبا و شایسته از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت

و جعلوا لله مما ذرأ من الحرث .. کذلک زین لکثیر من المشرکین

اسم اشاره «کذلک» به آیه قبل اشارت دارد و مفاد «کاف» تشبیه در آن، بیان شباهت تزیین در این کار (قتل فرزند) با تزیین در

ص: 216

آیه قبل (تعیین سهام و...) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 3,6

3- مشرکان، بخشی از درآمد خود را برای معبود های خود اختصاص می دادند.

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم

برداشت فوق، مبتنی بر این اساس است که فاعل «لا يعلمون» «ما» بوده و مراد از آن بتها باشد که مفعول آن حذف شده است. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: مشرکان قرار می دهند سهمی را بر موجوداتی که چیزی نمی دانند.

6- اختصاص دادن مقداری از اموال خویش برای معبود های باطل، از بدعت های مشرکان

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم تالله لتسئلنّ

249- شرایط کیفر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 29 - 5

5- کسانی که به خدایی برگرفته شده، ولی خود مدعی آن نیستند، گنه کار نبوده و کیفر نمی شوند.

و من يقل منهم إني إله... نجزيه جهنّم

برداشت بالا از مفهوم شرط استفاده شده است؛ یعنی، خداوند تنها کسانی را که مدعی خدایی هستند عذاب می کند، نه کسانی که خود هیچ ادعایی در باره خدا بودن خویش ندارند.

250- شعور معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 11

11- در میان معبودان مشرکان، موجودات شعوردار نیز وجود دارد.

شركاء الذين زعمتم فدعوهم

با توجه به واژه «الذين» و ضمیر «هم» که برای ذوی العقول است، چنین بر می آید که معبودهای مشرکان، صرفاً بت و یا موجودات فاقد

شعور دیگر نیستند، بلکه موجوداتی با شعور مانند ملائکه جن و ... نیز در بین آن‌ها وجود دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 12

12 - برخی از معبودهای مشرکان، از موجودات دارای شعوراند.

أولياء ما نعبدهم

ص: 217

با توجه به آمدن ضمیر «هم» - که در مورد موجودات شعورمند به کار می رود - برداشت یادشده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 7

7- برخی از معبود های مشرکان ، در شمار موجودات شعورمند

ما تدعون من دون الله . . . ماذا خلقوا ... أم لهم شرك

به کار رفتن ضمایر ذوی العقول در مورد معبودهای دروغین مشرکان، می تواند از آن جهت باشد که در میان آنها، عناصری شعورمند نیز وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 8

8- وجود موجودات شعورمند ، در میان معبود های مشرکان

من لا يستجيب له إلى يوم القيمة و هم عن دعائهم غفلون

251- شعيب (ع) و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 18

18- شعيب (ع) هرگز تمایلی به اجحاف و بی عدالتی در داد و ستد و گرایشی به عبادت معبود های دروغین نداشت .

و ما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهيكم عنه

252- شفاعت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 4,6,7,8

4 - مشرکان می پنداشتند پس از مرگ مورد شفاعت معبودهای خویش قرار خواهند گرفت.

و ما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم أنهم فيكم شركوا

6 - مغرور شدن به داراییها و توهّم برخورداری از شفاعت از سوی معبودهای خیالی از عوامل غفلت انسان و دوری او از واقعیتهاست.

و ترکتم ما خولنکم وراء ظهورکم و ما نری معکم شفعاء کم الذین زعمتم

روی سخن آیه با مشرکان و حکایت حال آنان پس از مرگ است، جمله های «و ترکتم ..» و «ما نری ...» بیان دو عامل عمده گمراهی و سوء عاقبت مشرکان است که یکی از آنها مغرور شدن به دنیا و دیگری توهّم برخورداری از شفاعت از سوی معبودهای خویش است.

ص: 218

7 - شریک پنداشتن برای خداوند و پندار شفاعت آنها، امری خیالی و موهوم است.

الذین زعمتم أنهم فيكم شركوا

8 - با فرارسیدن مرگ، مشرکان بر پوچی پندار خویش در مورد شفاعت معبودهای خود پی خواهند برد.

و ما نرى معكم شفعاكم الذین زعمتم أنهم فيكم شركوا . . . و ضل عنكم ما كنتم تزعمون

در لسان العرب آمده که یکی از معانی «ضل»، پنهان و غایب شد است. بنابراین معنی جمله «و ضل عنکم ...»، یعنی آنچه را شما می پنداشتید پس از مرگ شفاعت شما را خواهند کرد، غایب و پنهان گشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 87 - 2

2- معبود های پنداری مشرکان ، از شفاعت در قیامت ناتوانند .

واتخذوا من دون الله الهة . . . لا يملكون الشفعة

چنان که برخی از مفسران گفته اند، مرجع ضمیر در «لا یملکون» می تواند «الهه» در آیات پیشین باشد. در این صورت رد پندار شفاعتی است که مشرکان آن را از معبودهای خود توقع داشتند. در این وجه استثنا منقطع و مفاد آن چنین خواهد بود: هر کس به عهدی نزد خداوند دست یافته باشد، توان شفاعت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 23 - 2

2- عقیده مشرکان به شفاعت خدایانشان در پیشگاه خدا برای آنان

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لا یملکون مثقال ذره . . . و لاتفع الشفعة عنده

ذکر عدم فایده شفاعت شفاعت کننده ای در پیشگاه خداوند به جز شفاعت کسانی که خود خدا به آنان اذن داده است؛ می رساند که مشرکان اعتقاد داشته اند که خدایان ادعایی آنان نقش شفاعت کننده دارند. خداوند نیز در صدد رد آن گمان و پندار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 23 - 6

6 - مردم انطاکیه ، معتقد به شفاعت کردن معبودهایشان به پیشگاه خداوند

ءالهه . . . لاتغن عنى شفعتهم شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 43 - 2، 1

1 - اعتقاد مشركان ، به شفاعت و وساطت کردن معبود ها در پيشگاه خداوند

أم اتّخذوا من دون الله شفعاء

2 - شفاعت و واسطه شدن معبود ها ، هدف و انگيزه مشركان از عبادت کردن آنها

أم اتّخذوا من دون الله شفعاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 219

3- مشرکان، ناتوان از اثبات توانایی معبود های ادعایی خویش، بر شفاعت و تضمین سعادت اخروی برای آنان

أم لهم شركاء فليأتوا بشركائهم إن كانوا صدقین

امر در «فلیأتوا» برای تعجیز است؛ یعنی، مشرکان ناتوان از این کاراند.

253- شکایت از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 86 - 2

2- مشرکان، در قیامت با خداوند سخن می گویند و از معبودهایشان شکایت می کنند .

قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا

جمله «فألقوا إليهم القول . . .» می تواند قرینه باشد بر اینکه سخن مشرکان (قالوا . . .) به عنوان شکایت ادا می شود.

254- شگفتی عقیده به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 8

8- برگزیدن معبود های گوناگون و فاقد هر گونه توانایی، به جای خداوندِ توانای بی همتا و آفریننده عالم هستی، عملی غیر منطقی و شگفت آور

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یّخذ ولداً و لم یکن له شریک . . . و اتّخذوا من

255- ضعف معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 117 - 1

1- هر معبودی - جز خداوند - موجودی ضعیف و مقهور حوادث

ان یدعون من دونه الا اثناً

«انات» جمع «انثی»، به معنای موجود ضعیف و تأثیرپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 13

13 - پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی خردی است.

ص: 220

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

استفهام انکاری همراه با توییخ و تعجب در «قل أغیر الله» حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و کاری ست دور از منطق و خرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 9

9 - توانایی بتها و معبودهای خیالی در دفع شر و رساندن خیر، پندار ناروای مشرکان و این یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و این یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 7

7 - قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشركوا این شركاؤکم الذین كنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 23 - 2

2 - بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

این شركاؤکم . . . ثم لم تکن فنتهم إلا أن قالوا و الله ربنا ما كنا مشرکین

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: «این شركاؤکم»؟ و در این آیه درماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

256- ظلمت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 17

17- خداوند، حقیقتی بصیر و پرفروغ است و معبودهای اهل شرک کور و تاریکند.

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمت والنور

برداشت فوق بر این میناست که «أعمى» و «ظلمات» اوصاف معبودهای اهل شرک و «بصیر» و «نور» وصف خداوند باشد.

257- عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 1

ص: 221

1 - پرستش معبودهای واهی، سود واقعی برای آدمیان ندارند.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 71 - 9

9 - مشرکان، پرستشگر معبودانی اعتباری و متکی به خدایانی پوچ و واهی

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أتم وءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 5

5 - پرستش چیزی ناتوانتر از پرستنده آن، نابخری و مایه شگفتی است.

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم اذان یسمعون بها

استفهام در جمله «ألهم ..» به انگیزه تعجب ایراد شده و منشأ تعجب به مناسبت مورد، نابخردی پرستشگران بتهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 6

6 - پرستش عناصر بی تأثیر و ناتوان، نشان کوتاه نظری و ناآگاهی مشرکان است.

و یعبدون من دون الله ما لایملک لهم رزقاً .. و لایستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 45 - 6

6 - مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به همراه یاد دیگر معبودها و نیز عبادت مشترک خدا و معبودها، حساس نبوده و مخالفت نمیورزیدند.

و إذا ذکر الله وحده اشمأزت .. و إذا ذکر الذین من دونه إذا هم یتبشرون

از آیه شریفه به روشنی استفاده می شود که مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به تنهایی حساس بوده و از یاد شدن معبودهای خود بدون یاد

شدن خدا خوشحال می شدند؛ ولی در این آیه از واکنش و حساسیت مشرکان در صورتی که نام خدا و معبودها با هم و مشترکاً یاد شوند، سخنی به میان نیامده است. بنابراین یاد نشدن آن، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

258- عبودیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 8

8- در صورت وجود معبودهایی جز خدای صاحب عرش در عالم ، همه آنها در جست و جوی راهی برای قرب به خداوند و بندگی در برابر او خواهند بود .

ص: 222

لو كان معه . . إذا لابتغوا إلى ذی العرش سبیلاً

برداشت فوق، بر این اساس است که مقصود از راه یابی به خداوند، درگیری و نزاع نباشد؛ بلکه مقصود، راه تقرب به او باشد. آیه 44 که می فرماید: «همه موجودات و پدیده های جهان هستی، تسبیح گوی خداوندند، ولی شما درک نمی کنید» نیز قرینه بر این نکته است.

259- عجز اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 92 - 3

3- ناتوانی معبود های مشرکان از نجات گمراهان ، از دوزخ و دفاع از آنان در برابر عذاب

و برزت الجحیم للغاوین . و قیل لهم این ما کنتم تعبدون

پرسش از مکان معبودها - به قرینه آیه قبل که سخن از رخ نمودن دوزخ برای گمراهان است - پرسش از موقعیت آنها برای نجات گمراهان از دوزخ و هرگونه دفاع از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 93 - 3

3- عناصر مورد اتکای مشرکان ، خود گرفتار در قیامت و ناتوان از یاری رساندن به دیگران و دفاع از خویش

هل ینصرونکم أو ینتصرون

«نصر» (مصدر «ینصرون») برای دفاع از دیگران و «انتصار» (مصدر «ینتصرون») به معنای دفاع از خود به کار می رود. ضمیرهای فاعل در دو فعل یاد شده، به معبودها بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 42 - 1

1- در روز قیامت معبود های مشرکان ، نمی توانند هیچ سود و زبانی را برای کسی عهده دار شوند .

فالیوم لایملک بعضکم لبعض نفعاً و لا ضرراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 75 - 3

3 - معبود های ادعایی به روز رستاخیز ، در حالی که همچون سپاه آماده به خدمت برای مشرکان اند ، از هرگونه یاری رسانی به آنان ناتوان خواهند بود .

لایستطیعون نصرهم و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر «هم» به معبودها و ضمیر «لهم» به مشرکان بازگردد و این جمله حال برای ضمیر غایبی در «لایستطیعون» باشد. بر این اساس، این ترکیب از باب مبالغه آمده است؛ زیرا متمرکز کردن تمامی نیروها در قالب یک سپاه آماده به خدمت و در عین حال ناتوان بودن از یاری رسانی، نشان دهنده اوج ناتوانی معبودها می باشد. گفتنی است

ص: 223

بر اساس این نظر، آیه شریفه ناظر به روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 48 - 3، 1

1 - معبود های مشرکان ، محو و ناپیدا و فاقد کارایی در صحنه قیامت

و ضلّ عنهم ما كانوا يدعون من قبل

«ضلّ» هرگاه با «عن» متعدی شود، به معنای گم شدن خواهد بود. گفتنی است که در آیه کنایه از سودمند نبودن و کارایی نداشتن می باشد.

3 - ناکارآمدی معبود های مشرکان در قیامت ، گواه نادرستی کرنش و عبادت در برابر آنها در دنیا

و ضلّ عنهم ما كانوا يدعون من قبل

260- عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 46 - 13، 5

5 - اگر خداوند نعمت بینایی، شنوایی و ادراکی انسان را سلب کند، معبودهای باطل قدرت بازگرداندن آنها را ندارند.

إن أخذ الله سمعكم . . . من إله غير الله يأتيكم به

13 - عن أبي جعفر(ع) في قوله: «قل أرايتم إن أخذ الله سمعكم و أبصاركم و ختم على قلوبكم» يقول: إن أخذ الله منكم الهدى من إله غير الله يأتيكم به . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 191 - 1

1 - مشرکان ، موجوداتی را شریک خدا می پنداشتند که از آفرینش کمترین چیزی ناتوان بودند .

ایشرکون ما لایخلق شیئا

کلمه «کمترین» در برداشت فوق از نکرده بودن «شیئا» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 192 - 4، 2، 1

1 - مشرکان موجوداتی را می پرستیدند و شریک خدا می پنداشتند که بر یاری رسانی به ایشان ناتوان بودند .

ایشرکون ما .. لا یستطیعون لهم نصرا

ضمیر فاعلی در «لا یستطیعون» به «ما»ی موصوله در «ما لایخلق» بر می گردد و «هم» در «لهم» به مشرکان ارجاع می شود. یعنی معبودان اهل شرک توانایی یاری رسانی به پرستش کنندگان خود را ندارند.

2 - معبودان مشرکان حتی قادر به دفاع از خویش نبودند .

ایشرکون ما .. لا أنفهم ینصرون

ص: 224

ضمیرهای «أنفسهم» و «ینصرون» به «ما لایخلق»، که همان معبودان اهل شرک است، برمی گردد. یعنی معبودان، خود را یاری نمی کنند. یاری از خود به معنای دفاع از خویش است.

4- عاجز بودن معبودان اهل شرک بر دفاع از خود و پرستشگران خویش، دلیل عدم لیاقت آنها برای ربوبیت و پرستش

ایشرون ما... لایستطیعون لهم نصرا و لا أنفسهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 1,2,4,5,6

1 - مشرکان هر چند خواستار رهنمودی از معبودانشان شوند، پاسخی از آنان دریافت نمی کنند.

و إن تدعوهم إلی الهدی لایتبعوكم

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در «تدعوهم» متوجه مشرکان باشد. بر این مبنا ضمیر «هم» به معبودان برمی گردد و «إلی الهدی» به این معنا خواهد بود: «الی ان یهدیهم اصنامهم». بنابراین آیه چنین معنا می شود: اگر شما مشرکان از بتهای خویش بخواهید که شما را راهنمایی کنند، آنها از شما حرف شنوایی ندارند. جمله بعد، خصوصا کلمه «علیکم»، نه «علیهم»، مؤید این معنا می باشد.

2 - معبودان اهل شرک، موجوداتی ناتوان از هدایتگری پرستش کنندگان خویش

و إن تدعوهم إلی الهدی لایتبعوكم

4 - ناتوانی معبودان اهل شرک از هدایت آنان و اجابت خواسته هایشان، دلیل بطلان شرک و شایسته نبودن آنها برای پرستش

و إن تدعوهم إلی الهدی لایتبعوكم

5 - درخواست کردن از معبودان دروغین برای درخواست کننده بی ثمر و با لب فرو بستن از درخواست مساوی است.

سواء علیکم أذعوتموهم أم أنتم صمتون

6 - معبودان اهل شرک از بر آوردن خواسته های پرستندگان خویش عاجزند.

سواء علیکم أذعوتموهم أم أنتم صمتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 5,6,8

5 - توجه دادن اهل شرک به همسانی آنان با معبودانشان در ناتوانی و نیازمندی، زمینه ساز باور آنان به بطلان شرک و شایسته نبودن

معبودان برای پرستش

إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم

6- خداوند از مشرکان خواست تا برای آزمون توانایی معبودانشان، نیازهای خود را از آنان درخواست کنند.

فادعوهم فليستجيبوا لكم

8- ناتوانی معبودان از اجابت خواسته های پرستشگران خویش، افشاگر پندار باطل و دروغین مشرکان (پندار شریک برای خداوند)

فادعوهم فليستجيبوا لكم إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 3,7,8

ص: 225

3 - فقدان اثر مطلوب در اعضای تعبیه شده در بت ها ، دلیل ناتوانی بیشتر آنها از عبادتگرا نشان

أَلْهَم أَرْجُلَ يَمْشُونَ بِهَا .. أَمْ لَهُمْ أِذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا

جمله «عباد أمثالكم» به همسانی بتها با پرستشگرا نشان در نیازمندی و ناتوانی اشاره کرد و آیه مورد بحث با توجه دادن مشرکان به اینکه بتها از اعضای تعبیه شده در آنها هیچ بهره ای نمی برند این نکته را به آنان یادآور می شود که بتها و معبودان دروغین حتی از پرستشگرا نشان عاجز تر و ناتوانترند.

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جانب خدا مأمور شد تا برای اثبات ناتوانی بت ها ، مشرکان را به تحدی و مبارزه علیه خویش دعوت کند .

قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تَنْظُرُونَ

8 - خداوند از مشرکان خواست اگر خدایانشان بر امری توانا هستند با کمک آنها علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) توطئه کنند و برای از میان بردن وی هیچ درنگی رواندارند .

قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تَنْظُرُونَ

«کیدون» مرکب از فعل امر «کیدوا» (از «کید»، به معنی فکر کردن و توطئه چیدن) و نون وقایه است. کسره نون دلالت بر حذف «یاء» متکلم دارد. بنابراین «کیدون» (کیدونی) یعنی علیه من توطئه کنید. «انظار» مصدر «لاتنظروا» به معنای مهلت دادن است. «لاتنظرون» نیز مرکب از فعل نهی و نون وقایه است ؛ یعنی: فلا تنظرونی، مرا مهلت ندهید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 6, 3, 2

2 - معبودان اهل شرک ، هرگز توان یاری ایشان را ندارند .

و الذین تدعون من دونه لا یستطیعون نصرکم

3 - معبودان مشرکان در برابر حوادث قادر به دفاع از خویشان نیستند .

و لا أنفسمهم ینصرون

6 - ناتوانی معبودان اهل شرک در دفاع از خود و دیگران ، دلیلی بر بطلان شرک است .

و لا یستطیعون نصرکم و لا أنفسمهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - معبودان اهل شرک ناتوان از ارائه رهنمون به پرستشگران خود

وإن تدعوهم إلى الهدى لا يسمعوا

«تدعوا» جمع مخاطب از «یدعو» و خطاب در آن متوجه اهل شرک است. «هدی» مصدر و فاعل آن ضمیری است که به «الذین تدعون» در آیه قبل برمی گردد و مفعولش مشرکان می باشد. بنابراین «إلى الهدى» یعنی «إلى أن يهدوكم».

2 - معبودان اهل شرک عاجز از شنیدن سخنان عبادت کنندگان خویش

وإن تدعوهم... لا يسمعوا

4 - چشم های تعبیه شده در بت ها هرگز بر دیدن اشیا توانا نبودند .

وهم لا يبصرون

ضمیرها در جمله «هم لا يبصرون» به «الذین تدعون» برمی گردد.

8 - ناتوانی معبودان اهل شرک از اجابت درخواست ها ، شنیدن سخنان و دیدن اشیا ، دلیل بطلان شرک و ناروایی پرستش غیر

خدا

وإن تدعوهم إلى الهدى لا يسمعوا .. و هم لا يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 14 - 1

1- انسان ها و معبود های دروغینشان ، ناتوان از آوردن ده سوره هم طراز قرآن

قل فأتوا بعشر سور مثله .. فإلم يستجيبوا لكم

ظاهر این است که خطاب در «لکم» و «اعملوا» - به قرینه «فهل أنتم مسلمون» - متوجه مشرکان باشد. براین اساس، ضمیر فاعلی در «یستجیبوا» به «من استطعتم» باز می گردد؛ یعنی، [ای پیامبر! به مشرکان بگو: اگر کسی و از جمله معبودهایتان، برای آوردن همانند قرآن - به خاطر عجزشان - دعوت شما را اجابت نکردند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 7

7- هیچ کس (معبودان اهل شرک) توان یاری کردن گرفتاران به عذاب الهی را نخواهد داشت .

و ما كان لهم من دون الله من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 8

8- بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

فما أغنت عنهم آلهتهم التي يدعون من دون الله من شيء لما جاء أمر ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 109 - 3

3- خدایان ساختگی اهل شرک ، فاقد هر گونه توان و نیرو برای دفاع از پرستشگران خویش

فلاتك في مريم مما يعبد هؤلاء

تفریع جمله «لاتک . .» بر داستانهای اقوام گذشته، گویای این نکته است که: حال که داستان مشرکان گذشته را شنیدی، این حقیقت برای تو روشن شد که خدایان اهل شرک نتوانستند پرستشگران خویش را از مهلکه ها نجات دهند؛ پس در این نکته شک و تردیدی به دل راه نده که خدایان اهل شرک در زمان تو نیز نمی توانند کاری برای پرستشگران خویش انجام دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 7

7- معبود های اهل شرک ، فاقد هرگونه اقتدار و سیطره اند .

ما أنزل الله بها من سلطان

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از «سلطان» سیطره و اقتدار باشد. بر این مبنا ، ضمیر در «بها» به «أسماء» - که مراد از

ص: 227

آن معبودهاست - برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 14 - 4

4- خدایان دروغین ، از اجابت کردن درخواست ها ناتوانند .

والذین یدعون من دونه لایستجیبون لهم بشیء

مراد از ضمیر «یدعون» و «لهم» مشرکان است و ضمیری که باید به موصول (الذین) باز گردد محذوف می باشد. بنابراین «والذین یدعون...» ؛ یعنی ، آن چیزه او کسانی که مشرکان آنان را می خوانند، ایشان را اجابت نمی کنند به کمترین اجابتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 10

10- معبود های اهل شرک حتی از نفع رسانی به خویشان و از دفع ضرر از خود ناتوانند .

لایملکون لأنفسهم نفعاً و لا ضرراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 5، 6، 9، 1

1- خدایان ادعایی مشرکان ، قدرت آفرینش هیچ چیزی را ندارند .

والذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً

«یدعون» صله «الذین» است و ضمیر صله، ضمیر مفعولی است که حذف گردیده و مرجع آن الذین است. مراد از «الذین» به قرینه آیات قبل - که درباره خدایان ادعایی ناتوان بود - خدایان مشرکان است.

5- مشرکان ، موجودات فاقد قدرت و دست ساز را خدای خویش قرار می دادند .

والذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از «یدعون» خواندن آن موجودات به عنوان خدا باشد.

6- موجودات دست ساز و فاقد هرگونه قدرت آفرینشگری ، لیاقت الوهیت ندارند و هرگونه عقیده ای به خدایی آنان ، باطل است .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

9- مشركان ، معبودهایی را می پرستیدند که فاقد هرگونه قدرت بودند .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 73 - 7

7- خدایان مشرکان ، فاقد هرگونه توانایی و قدرت در جهانند .

و يعبدون من دون الله ما لا يملك .. و لا يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 9، 2، 1

ص: 228

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به اعلام خیالی بودن خدایان برگزیده مشرکان و ناتوانی کامل آنها در رفع هرگونه بیچارگی و درماندگی از مشرکان

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم

2- هر معبودی جز خدا، نیرویی خیالی و برای رفع بیچارگی و بدبختی مردم، فاقد قدرت است .

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم و لا تحویلاً

«الضر» به معنای بدحالی درونی و یا جسمانی است (مفردات راغب).

9- خدایان و معبود های مشرکان ، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر ، ناتوانند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم و لا تحویلاً

مراد از «تحویلاً» می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 3,9

3- معبودان و شرکای پنداری مشرکان ، در قیامت ، هیچ پاسخی به کمک خواهی آنان نخواهند داد .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

9- در قیامت ، کارآمد نبودن معبودان مشرکان و بطلان شرک ، آشکار خواهد شد .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 12

12- اولیای پنداری کافران (معبودان باطل) از دفع عذاب الهی از آنان ناتوانند .

أَنْ یَتَّخِذُوا عِبَادَی مِنْ دُونِی أَوْلیَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْکَافِرِینَ نَزْلًا

همزه استفهام در «أفحسب» گویای آن است که گمان ولایت برای معبودان، گمانی خطا است؛ زیرا، عذاب جهنم مهیا است (إِنَّا أَعْتَدْنَا..) و از معبودان برای دفع آن کاری ساخته نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 7

7- قیامت ، روز ظهور حقایق و بطلان شرکورزی و بروز ناتوانی معبود های ساختگی مشرکان از عزت بخشیدن به آنها

لیکونوا لهم عزاً .. سیکفرون بعبادتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 4

4- عجز و ناتوانی خدایان مشرکان از احیای مردگان

أم اتّخذوا ءالهه من الأرض هم ینشرون

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که جمله «هم ینشرون» جمله استثنافیه است و یا در محل نصب و صفت برای

ص: 229

«آلهه» می باشد. در هر دو صورت همزه استفهامیه انکاری، پیش از آن در تقدیر است و انکار هم از نوع انکار وقوعی است؛ یعنی، احیای مردگان توسط معبودهای مشرکان محال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 43 - 3, 2, 1

1- معبود ها و خدایان دروغین ، از ایمن ساختن مشرکان در برابر عذاب الهی ناتوان اند .

أم لهم ءالیه تمنعهم من دوننا

«أم» در آیه شریفه، از نوع منقطعه و مانند «بل» متضمن معنای استفهام انکاری است. «آلهه» (جمع «إله») نیز به معنای معبودها است.

2- معبود ها و خدایان دروغین مشرکان و هر نیرویی جز خداوند ، در حمایت از خود و حفظ و نگه داری خویش ناتوان اند .

لا یستطیعون نصر أنفسهم

جمله «لا یستطیعون..» حال برای فاعل «تمنعهم» است که خدایان و معبودها می باشند.

3- معبود های مشرکان از یاری رساندن به خود ناتوان و از یاری خدا محروم اند .

لا یستطیعون نصر أنفسهم و لا هم متا یصحبون

«یصحبون» (از ریشه «صَحِبَ») به معنای «عاشَر» است و لازمه این معنا، نصرت و تأیید است؛ زیرا همنشین از دیگر همنشینان حمایت خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 15

15- ضعف و زبونی کافران و خدایان آنان در برابر اراده خداوند

أفهم الغلبون

همزه در «أفهم» برای استفهام انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 3

3 - مشرکان عصر بعثت ، چیزهایی را می پرستیدند که برای آنان نه نفعی داشت و نه ضرری .

یدعوا من دون الله ما لا یضرّه و ما لا ینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 10، 7

7 - عجز و ناتوانی خدایان اهل شرک - هر چند همگی گرد هم آیند - از آفریدن حتی یک مگس ، دلیلی است روشن و غیر قابل انکار بر پوچی اندیشه شرک .

إِنَّ الذّین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذباباً

10 - عجز و ناتوانی خدایان از بازپس گرفتن چیز ر بوده شده از آنان به وسیله موجود ناتوانی چون مگس ، یکی دیگر از دلایل بدیهی و غیر قابل انکار بر بی اساس بودن اندیشه و مرام مشرکان

ص: 230

وإن يسلبهم الذباب شيئاً لا يستنقذوه منه

«سَلَبَ» (مصدر «يسلب») به معنای ربودن و «إِستنقاذ» (مصدر «يستنقذون») به معنای رهانیدن و بازپس گرفتن است؛ یعنی، اگر همان مگس چیزی را از آنها برباید، نمی تواند آن را از او بازپس گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 3,4,5

3 - معبود های برگزیده مشرکان ، نه تنها توانا بر آفرینش هیچ چیزی نبودند ؛ بلکه خود نیز دست ساز دیگران بودند .

ءالهه لا یخلقون شیئاً و هم یخلقون

4 - معبود های مشرکان ، ناتوان از جلب هرگونه سود و نفعی برای خویش و دفع ضرر و زیان از خود

ءالهه.. لا یملکون لأنفسهم ضرراً ولا نفعاً

5 - معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه... و لا یملکون موتاً و لا حیوة و لا نشوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 1,4

1 - مشرکان ، در عصر بعثت ، موجوداتی را می پرستیدند که از رساندن نفع و یا دفع ضرر ، ناتوان بودند .

و یعبدون من دون الله ما لا ینفعهم و لا یضرهم

4 - معبود های مشرکان ، ناتوان از سودرساندن و یا دور کردن زیان از عبادت کنندگان خویش

و یعبدون من دون الله ما لا ینفعهم و لا یضرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 59 - 9

9 - ناتوانی معبود های باطل از حمایت مشرکان در قبال عذاب الهی ، درسی بزرگ برای سایر شرک پیشگان

ءالله خیر ائما یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 13 - 8، 1

1 - معبودان مشرکان، در روز قیامت توان شفاعت مشرکان را ندارند.

و لم یکن لهم من شرکائهم شفعا و كانوا بشرکائهم کفرین

8 - ناتوانی معبودان مشرکان از شفاعت آنها در پیشگاه خداوند، از عوامل یأس و اندوه آنان در قیامت است.

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون . و لم یکن لهم من شرکائهم شفعا

ذکر «و لم یکن لهم .. شفعا» پس از بیان ناامیدی مشرکان در قیامت، ممکن است برای اشاره به این نکته باشد که یأس آنان، ناشی از شفیع نداشتن شان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 231

5 - معبودان مشرکان ، هیچ آفریده ای ندارند .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور فراخوان مشرکان به آزمودن ناتوانی خدایانشان از طریق دعای خود

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذره

3 - خدایان مشرکان ، قادر به پاسخ گویی به خواسته های آنان نیستند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذره

«لا يملكون» در مقام جواب واقع شده است. گویا عبارت این معنا را القا می کند که آنان پس از درخواست چه جوابی می دهند؟ پاسخ این است که جوابی نمی دهند، به دلیل عدم مالکیتشان.

4 - خدایان مشرکان ، مالک هیچ چیزی - حتی به اندازه یک ذره - در عالم نیستند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذره في السموت ولا في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از شنیدن دعا و درخواست انسان ها و استجاب آن

إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم ولو سمعوا ما استجابوا لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - معبود ها ، ناتوان از شفاعت کردن به درگاه خداوند برای پرستندگان خویش

ءالـهـهـ إنـ يـردنـ الرـحـمـنـ بـضـرّـ لاـنـغـنـ عـنـي شـفـعـتـهـم شـيئـاً

4 - معبود ها ، ناتوان از نجات پرستندگان شان از گرفتاری و رنج

ءالهه إن یردن الرحمن بضراً .. لاینقذون

11 - ناتوانی معبود ها از شفاعت کردن به پیشگاه خداوند و نجات دادن پرستندگان خویش به هنگام گرفتاری ، دلیل ناشایستگی آنها برای پرستش

ءالهه إن یردن الرحمن بضراً لانغن عتی شفعتهم شیئاً و لاینقذون

برداشت یاد شده به جهت این نکته است که جمله «إن یردن الرحمان ..» در مقام تعلیل برای جمله «ءأتخذ من دونه» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 75 - 1

1 - معبود های ادعایی مشرکان ، از هرگونه نصرت و یاری به آنان ناتوان اند .

لا یستطیعون نصرهم

ص: 232

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 25 - 1

1 - ناتوانی مشرکان و هم فکران و معبود های آنان از یاری یکدیگر

احشروا الذین ظلموا و أزوجهم . . . ما لکم لاتناصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 6, 4, 5

4 - معبود های مورد پرستش مشرکان ، ناتوان از برطرف کردن هر گونه گزندى از انسان

قل أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادنى الله بضرّ هل هنّ كشفّت ضرّه أو أراد

5 - معبود های مورد پرستش مشرکان ، خود مقهور اراده خدا و ناتوان در برابر قدرت او هستند .

قل أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادنى الله . . . برحمه هل هنّ ممسكت رحمته

6 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادنى الله . . . برحمه هل هنّ ممسكت رحمته

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 43 - 5, 3

3 - معبود ها و شفیعان مشرکان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فاقد هرگونه توانایی و تعقل

قل أولو كانوا لا یملکون شیئاً و لا یعقلون

5 - مأموریت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برای احتجاج با مشرکان و اثبات ناتوانی مطلق معبود ها و پوچی آیین شرک

قل أولو كانوا لا یملکون شیئاً و لا یعقلون

برداشت یاد شده از تصریح به ابلاغ حقیقت یاد شده (قل) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 2

2- ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان از هرگونه قضاوت

والذین یدعون من دونه لایقضون بشیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 3

3- معبود های ادعایی مشرکان ، در دنیاو آخرت از استجابت دعا و درخواست انسان ها ناتوان اند .

لاجرم أنما تدعوننی إلیه لیس له دعوه فی الدنیا و لا فی الآخره

ص: 233

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 86 - 2

2- معبود های دروغین مشرکان ، ناتوان از شفاعت و یاری رساندن به آنان در آخرت

و لا یملک الذین یدعون من دونه الشفعه

«دعا» (مصدر «یدعون») در این آیه به معنای پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 4، 2

2- قرآن ، درصدد تحریک مشرکان ، برای اندیشیدن به پوچی و ناتوانی معبود های دروغینشان

قل أریتم ما تدعون من دون اللّٰه أرونی ماذا خلقوا

تعبیر «أرأیتم» چه به معنای «أخبرونی» باشد و چه به معنای سؤال از نگریستن؛ دعوت برای اندیشیدن در ماهیت پوچ بت ها است.

4- ناتوانی بت ها و معبود های مشرکان ، از آفرینش موجودات زمینی و مشارکت در خلقت و تدبیر امور آسمان ها

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك فی السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 2

2- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان ، از اجابت خواسته ها و بر آوردن نیاز های ایشان

من دون اللّٰه من لا یتستجیب له إلی یوم القیمه و هم عن دعائهم غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 28 - 1، 2

1- ناتوانی معبود های مشرکان ، از یاری آنان به هنگام نزول عذاب

فلولا نصرهم الذین اتّخذوا من دون اللّٰه قراباً ءالهه

ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در زمینه نزول عذاب می باشد - گویای برداشت یاد شده است.

2- توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر پرستش موجوداتی ناتوان و بی تأثیر در سرنوشتشان

فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قرباناً لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 41 - 2

2- معبود های ادعایی مشرکان ، ناتوان از شفاعت برای مجرمان و یکسان کردن سرنوشت آنان با مسلمانان

أم لهم شركاء فليأتوا بشركائهم إن كانوا صدقین

ص: 234

261- عجز معبودان باطل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 7

7- خدایان مشرکان ، فاقد هرگونه توانایی و قدرت در جهانند .

و يعبدون من دون الله ما لا يملك . . . ولا يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 10 - 5

5 - معبود های دروغین مشرکان ، فاقد کارایی و تأثیر در نجات آنان از دوزخ

من ورائهم جهنم ولا یغنی . . . و لا ما اتّخذوا من دون الله اولیاء

262- عذاب اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 100 - 2

2- عذاب و شکنجه مشرکان و معبودهایشان در جهنم شدید خواهد بود .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابر این نکته است که ضمیر «لهم»

263- عظمت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 23 - 7

7 - معبود ها ، دارای منزلت و مقام در پیشگاه خداوند ، در نظر مردم انطاکیه

ءالهه . . . لاتغن عتی شفعتهم شیئاً

264- عقیده به امداد معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- قوم بت پرست نوح ، معتقد به شفاعت و یاری رسانی معبودهایشان در برابر گرفتاری ها و عذاب ها

فلم يجدوا لهم من دون الله أنصارًا

ص: 235

265- عقیده به تدبیر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 19

19- مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند.

أفأخذتم من دونه أولياء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق عليهم

جمله «خلقوا كخلقه» صفت برای «شركاء» است. «خلق» در هر دو مورد («كخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. «أم» در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

266- عقیده به شعور معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 36 - 10

10 - مشرکان، معتقد به شعورمندی معبودها و تأثیرگذاری آنها در سرنوشت انسانها

و يخوفونك بالذین من دونه

اعتقاد به گزند رساندن معبودهایی چون بت، بیانگر مطلب یاد شده است.

267- عقیده به شفاعت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 41 - 5

1 - اعتقاد مشرکان به شفاعت کردن معبودها و تضمین نمودن سعادت اخروی برای ایشان

أم لهم شركاء فليأتوا بشركائهم

در این که مقصود از «شركاء» چیست، دو احتمال وجود دارد: 1- معبودهای ادعایی مشرکان که آن را شریک خدا می پنداشتند؛ 2- کسانی از عقلای جهان که در عقاید و افکار دینی با مشرکان شریک و همفکراند، مثلاً در این مسأله که سرنوشت مجرمان با مسلمانان یکسان است و... برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

5 - عقیده به شفاعت معبود ها و یکسان بودن سرنوشت مجرمان (مشرکان) با مسلمانان ، عقیده ای منحصر به مشرکان عصر بعثت و فاقد شاهد و تصدیق کننده ای از میان عقلای عالم

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فليأتوا بشركتائهم إن كانوا صدقین

ص: 236

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 25 - 7

7- قوم بت پرست نوح ، معتقد به شفاعت و یاری رسانی معبودهایشان در برابر گرفتاری ها و عذاب ها

فلم یجدوا لهم من دون الله أنصارًا

268- عقیده به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 20

20 - شرک ورزی، علی رغم دلایل روشن توحید، امری شگفت انگیز است.

أتحجونى فى الله وقد هدىن . . أفلا تتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 3

3- اعتقاد مشرکان به بتها و معبودهای پنداری، عامل زیبا جلوه نمودن فرزندکشی در نظر ایشان

و كذلك زين . . قتل أولدهم شركاؤهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 54 - 4

4- قوم عاد ، براین باور بودند که هر بت و معبودی ، در بخشی از امور کارایی دارد . *

إن نقول إلاّ اعتريك بعض ءالھتنا بسوء

از اینکه قوم عاد ، ایجاد سوء را به برخی از خدایان نسبت داده اند (بعض ءالھتنا) و نه به همه آنها ، می توان دریافت که آنان ، هر بت و معبودی را عهده دار انجام کاری خاص می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 1

1- عمر طولانی همراه با بهره مندی جوامع شرک پیشه از نعمت های الهی ، موجب دل بستگی آنان به معبود ها و توهم کارساز بودن آنها

بل هم عن ذکر ربهم معرضون . . . بل متّعنا هؤلاء وءاباءهم حتی طال علیهم العمر

«بل» در جمله «بل متّعنا. . .» برای اضراب از موضوع پیش (أم لهم آلهم تمنعهم من دوننا) است؛ یعنی، توهم این که معبودها از آنان حمایت می کنند، بر اثر زندگی پر نعمت، همراه با مهلت و عمر طولانی است.

ص: 237

269- عقیده به ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 19

19- مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفأخذتم من دونه أولياء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق عليهم

جمله «خلقوا كخلقه» صفت برای «شركاء» است. «خلق» در هر دو مورد («كخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. «أم» در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

270- علاقه به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 4,5,6

4 - مشرکان به خدایان دروغین محبت داشته و به آنها علاقه مند هستند .

يحبونهم

5 - مشرکان ، علاوه بر محبت به معبودان پنداری ، به خداوند نیز علاقه مند هستند .

يحبونهم كحب الله

برداشت فوق بر این اساس است که «حب» به مفعول اضافه شود و فاعلش ضمیر محذوفی باشد که به «من الناس» برگردد؛ یعنی: كحبهم الله.

6 - محبت مشرکان به معبودان پنداری ، همطراز محبتشان به خداوند است .

يحبونهم كحب الله

271- عنصر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- اعتقاد مشرکان به خدایانی برگرفته شده از مواد و عناصر زمینی

أَمْ اتَّخَذُوا ٱللَّهَ مِنَ ٱلْأَرْضِ

«أم» در «أَمْ اتَّخَذُوا» منقطع و متضمن معنای «بل» است، که برای اضراب است می باشد.

ص: 238

272- عوامل علاقه به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 19

19 - پنداشتن قدرت در معبودان دروغین ، عالم محبت مشرکان به آنهاست .

يحبونهم كحب الله... ولو يري الذين ظلموا... أن القوه لله جميعاً

273- غفلت از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 48 - 2

2 - غفلت و فراموشی مشرکان از معبود های خویش ، در مواجهه با واقعیت های سهمگین قیامت

و ضلّ عنهم ما كانوا

بنابر این که «ضلّ عنهم» اشاره به این باشد که صحنه قیامت آن چنان برای مشرکان وحشتناک و دهشت آور است که خاطره بت ها از نظرشان محو و نابود خواهد شد.

274- فراموشی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 41 - 12

12 - فراموش شدن عقاید شرک آمیز و معبودهای دروغین به هنگام رویارویی با عذاب و مرگ

قل أريتكم إن أتیکم عذاب الله أو أتتکم الساعه... و تنسون ما تشرکون

275- فرجام معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 94 - 2

2 - دوزخ ، فرجام مشترک گمراهان و معبودهایشان

فككبوا فيها هم و الغاون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 161 - 1

1 - مشركان با معبودهايشان ، داراي سرنوشتي يكسان و مشترك اند .

ص: 239

جمله «فَاتِكُمْ..» از نظر ترکیبی، دو احتمال دارد: 1- جمله ای مستقل باشد؛ مانند «كُلَّ رَجُلٍ وَضِيعَتَهُ»، (مرد است و کسب و کارش). در این صورت، پیام آیه چنین می شود: شما هستید و معبودهایتان، که به حال خود وا گذاشته شدید و از شما کاری ساخته نیست و سرنوشتی مشترک دارید. 2- «كُم» اسم «إِنَّ» و «ما تعبدون» عطف بر این اسم و جمله «ما أُنْتُمْ عَلَيْهِ...» خبر آن باشد بر این اساس، برداشت هایی می شود که در آیات بعد خواهد آمد.

276- فلسفه عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 6

6 - تقرب به خداوند ، هدف مشرکان از عبادت معبودهایشان

ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله زلفى

277- قدرت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 18

18 - مشرکان ، خدایان دروغین را دارای قدرت می پندارند .

و لو يرى الذين ظلموا إذ يرون العذاب أن القوه لله جميعاً

طرح مسأله قدرت خداوند و انحصار آن به او برای کسانی که غیر خدا را همتای خدا می پندارند، بیانگر این است که: مشرکان به توهم برخوردارى معبودانشان از قدرت، آنها را همانند خداوند پنداشته و بر اساس آن به ایشان محبت میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 23 - 8

8 - معبود ها ، برخوردار از توانایی برای نجات دادن از گرفتاری و رنج در نظر مردم انطاکیه

ءالهه إن یردن الرحمن بضرّ لا تغن عنى . . . و لا ینقذون

278- کافران و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 2

2- كافران ، اولیای برگزیده خود (معبود های باطل) را به حال خویش سودمند می پندارند .

ص: 240

أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا عبادي من دوني أولياء

درباره معنای این آیه، توجیحات ادبی مختلفی ابراز شده است. از جمله این که «أن يتّخذوا» مفعول یکم برای «حسب» و مفعول دوم آن «نافعاً» محذوف باشد. برداشت بالا بر این وجه ادبی مبتنی است.

279- کرى معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 1

1 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از شنیدن دعا و درخواست انسان ها و استجابت آن

إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم و لو سمعوا ما استجابوا لكم

280- كفر به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 9

9 - مستضعفان مؤمن قوم ثمود ، در پاسخ مستکبران ، کفر خویش به معبودان دروغین را اعلان کردند .

قالوا إنا بما أرسلنا به مؤمنون

حصر اضافی که از تقدیم «بما ارسل» بر «مؤمنون» به دست می آید، بیانگر این است که مستضعفان، علاوه بر اعلان ایمان به صالح و رسالت های وی، بیزاری خویش را از معبودان دروغین نیز بیان داشتند.

281- كوردلى معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 17

17- خداوند ، حقیقتی بصیر و پرفروغ است و معبود های اهل شرک کور و تاریکند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمت والنور

برداشت فوق بر این مبناست که «أعمى» و «ظلمات» اوصاف معبود های اهل شرک و «بصیر» و «نور» وصف خداوند باشد.

282- كرايش به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 18

ص: 241

18 - ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا ببنی اسرائیل البحر . . . قال إنکم قوم تجهلون

283- گفتگوی مشرکان با معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 96 - 2

2- امکان سخن گفتن دوزخیان با معبودهایشان در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

مخاطب «قالوا» به قرینه آیه «إذ نسویکم ربّ العالمین»، معبودهای مشرکان است و ضمیر «فیها» به «جحیم» باز می گردد.

284- گمراهگری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 162 - 1

1 - مشرکان و معبودهایشان ، از فریب دادن و گمراه کردن مردم و جلوگیری از پیشرفت دین خدا (توحید و یگانه پرستی) ناتوان اند .

ما أنتم علیه بفتنن

«فاتن» (اسم فاعل و مفرد «فاتنین») به معنای کسی است که می فریبد و به گمراهی فرا می خواند. گفتنی است طبق نظر بیشتر مفسران ضمیر «علیه» به «الله» بر می گردد و مقصود از آن راه خدا و دین او (اسلام) می باشد.

285- مبارزه با معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 4

4- مبارزه با شرک و معبود های پنداری و باطل مشرکان ، در رأس برنامه های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أهدا الذی یدکرء الهتکم

ذکر و یادکردن، هم به خیر است و هم به شر؛ ولی در این آیه - به قرینه مقام - ذکر به شرّ است.

286- مجادلہ با معبودان باطل

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 242

1- مشرکان ، هنگام مواجهه با معبود های دروغین خویش در قیامت ، به مشاجره با آنان برمی خیزند .

و إذا رءا الذین أشركوا شركاءهم قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا

287- مجسمه معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 1

1 - مشرکان بت ها و معبودانشان را به صورت مجسمه هایی دارای پا ، دست ، چشم و گوش می ساختند .

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم أذان یسمعون بها

جمله «یمشون بها» و مانند آن، هم می تواند قید توضیحی باشد و هم می تواند قید احترازی گرفته شود. بنابر اول معنای جمله «ألهم أرجل ...» چنین است: آیا بتها پا دارند تا با آن راه روند ؛ یعنی پا ندارند. و بنابر فرض دوم معنا چنین خواهد بود: آیا بتها پایی که با آن راه روند دارند ؛ یعنی پاهایی دارند، ولی با آن نمی توانند راه بروند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 3,4,5

3 - مشرکان برای معبودانشان چشمهایی خیره گر تعبیه می کردند .

و تریهم ینظرون إلیک

ضمیرهای غایب در «تریهم» و «ینظرون» به «الذین تدعون» - که همان معبودان باشد - برمی گردد.

4 - چشم های تعبیه شده در بت ها هرگز بر دیدن اشیا توانا نبودند .

و هم لایبصرون

ضمیرها در جمله «هم لایبصرون» به «الذین تدعون» برمی گردد.

5 - چشم های تعبیه شده در بت ها به گونه ای بود که گویا به شخص مقابل خویش نظاره گر است .

و تریهم ینظرون إلیک

خطاب در «تریهم» و «إلیک» به هر انسانی است که مواجه با بتها قرار می‌گیرد، یعنی «تریهم ایها الانسان . . .» جمله «وهم لایبصرون» (آنها نمی‌بینند) دلالت می‌کند که «تریهم ینظرون»، یعنی «تریهم کانهم ینظرون إلیک». (چنین گمان می‌کنی که بتها تو را می‌نگرند.)

288- مجعول بودن معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 28 - 7، 3

3 - هر معبودی به عنوان شریک برای خداوند گرفته شود، مخلوق است و شایسته معبود شدن نیست .

ص: 243

ضرب لكم مثلاً من أنفسكم هل لكم من ما ملكت أيمانكم من شركاء

مثالی که در آیه آمده است، هرگونه شرکت برده در اموال مالک برده را نفی می کند. چنین نفی ای به خاطر مملوکیت برده و در نتیجه، شایسته نبودن وی برای برابری و همسان شدن با مالک است. این مثل، در صدد تفهیم این نکته است که هر معبودی که شریک برای خداوند قرار داده شود، خود، مملوک خدا است و در نتیجه، شایستگی شریک شدن با او را ندارد.

7- قرآن کریم از شیوه های گوناگون استفاده می کند تا مشرکان را برای دست کشیدن از معبود های ساخته دست خویش قانع کند .

و من آیته أن خلقکم .. و أن خلق لكم ... خلق السموت ... یریکم البرق ... أن تق

پس از اقامه دلیل های روشن برای اثبات وحدانیت خداوند، روی آوردن به بیان تمثیلی و عامیانه کردن مطلب، جهت تفهیم پوچی معبودهای جعلی، حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 6

6- معبودان مشرکان، جعلی و ساخته دست خود آنان بودند .

هل من شرکائکم

اضافه شدن «شركاء» به ضمیر مخاطب «کم» - که مراد از آن، مشرکان اند - نشان دهنده این است که آنان، خود، چنین شریکانی را برای خداوند می ساختند و یا تصور می کردند.

289- مخلوق بودن معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 191 - 3

3- مشرکان، موجوداتی را شریک خدا می پنداشتند که خود مخلوق بودند .

ایشرکون ما .. هم یخلقون

ضمیر «هم»، هم می تواند به «ما»ی موصوله در «ما یخلق» برگردد و هم می تواند به «مشرکان» ارجاع شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی چیزی را شریک خدا می پندارند که خود آفریده شده است. آیه بعد این احتمال را تأیید می کند.

290- مخلوقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - معبود های برگزیده مشرکان ، نه تنها توانا بر آفرینش هیچ چیزی نبودند ؛ بلکه خود نیز دست ساز دیگران بودند .

ءالهه لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

ص: 244

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 2

2- خدایان ادعایی مشرکان، نه تنها خالق نیستند؛ بلکه خود نیز آفریده شده و مخلوقند.

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

292- مراد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 98 - 6,7

6- « جاء في الحديث إن قوماً أتوا رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقالوا له: ... أخبرنا عن قوله: « إنكم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم أنتم لها واردون » إذا كان معبودهم معهم في النار فقد عبدوا المسيح (ع) أفقول: إنَّه في النار؟ فقال لهم رسول الله (صلى الله عليه وآله): ... قال الله: « إنكم و ماتعبدون » يريد الإصنام التي عبدوها و هي لاتعقل و المسيح (ع) لا يدخل في جملة ها لأنَّه يعقل و لو قال: إنكم و من تعبدون لدخل المسيح (ع) في الجملة فقال القوم: صدقت يا رسول الله (صلى الله عليه وآله)؛

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده و به آن حضرت گفتند: ... ما را از گفتار خدا «إنکم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم...» با خبر ساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند؛ آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود: ... خدا فرموده «إنکم و ماتعبدون» و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست؛ زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود «إنکم و من تعبدون» مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتی ای رسول خدا».

7- « عن أبي جعفر (ع) قال: لما نزلت هذه آية ... قال ابن الزبيري: ... يا محمد أ رأيت آية التي قرأت أنفاً أفينا و في آلهتنا أم في الأمم الماضية و آلهتهم؟ قال (صلى الله عليه وآله): بل فيكم و في آلهتكم و في الأمم الماضية إلا من استثنى الله فقال ابن الزبيري: ... أ لست تتنى على عيسى خيراً و قد عرفت أن النصارى يعبدون عيسى و أمه و أن طائفة من الناس يعبدون الملائكة أفليس هؤلاء مع آلهه في النار؟ فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): « لا ... أما قلت: إلا من استثنى الله و هو قوله » إنَّ الذين سبقت لهم منَّا الحسنی أولئك عن ها مبعدون »؛

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: آن گاه که این آیه نازل شد ... ابن زبیری گفت: ... ای محمد! بگو بدانم آیه ای که به تازگی قرائت کردی در باره ما و معبودها ما است یا در مورد امت های گذشته و معبودهای آنها است فرمود: هم در باره شما و معبودهای شما و هم در باره امت های گذشته است؛ مگر کسی که خدا استثنا فرموده است. ابن زبیری گفت: آیا تو عیسی را به خوبی نمی ستایی و حال آن که می دانی نصارا عیسی و مادرش را عبادت می کنند و گروهی از مردم نیز فرشتگان را عبادت می کنند آیا آنان و معبودهای خود در آتش نیستند؟ پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: نه ... آیا نگفتم مگر آنان که خدا استثنا فرموده است؟ و آن استثنا همان سخن خدا است که:

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ».

ص: 245

293- مردگی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 21 - 1

1- خدایان مشرکان ، موجودات مرده ای اند که سابقه حیات نداشته و شایستگی آن را نیز ندارند .

والذین یدعون من دون الله . . . أموت غیر أحياء

ذکر عبارت «غیر أحياء» پس از «أموات» می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که: آنها علاوه بر مرده بودن، نه سابقه حیات دارند و نه حیات پیدا خواهند کرد.

294- مشرکان صدر اسلام و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 18 - 7، 4، 3

3- جلب سود و دفع زیان ، انگیزه شرک پیشگان عصر بعثت در پرستش خدایان پنداری خود

و یعبدون من دون الله ما لا یضرهم ولا ینفعهم

4- شرک پیشگان عصر بعثت برای معبودان پنداری خود ، تندیسهایی می ساختند و در برابر آنها ، به پرستش می پرداختند .

و یعبدون من دون الله ما لا یضرهم ولا ینفعهم

به کارگیری لفظ «ما» - که بیشتر در مورد چیزهای فاقد عقل و اندیشه کاربرد دارد - بیانگر برداشت فوق می باشد.

7- مشرکان عصر بعثت ، معبودان پنداری خود را واسطه هایی برای شفاعت و پا در میانی ، میان انسان ها و خدا می انگاشتند .

و یعبدون من دون الله . . . ویقولون هؤلاء شفیعونا عند الله

295- مشرکان و ذکر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 45 - 6

6- مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به همراه یاد دیگر معبود ها و نیز عبادت مشترک خدا و معبود ها ، حساس نبوده و مخالفت نمیورزیدند .

و إذا ذكر الله وحده اشمأزت . . . وإذا ذكر الذين من دونه إذا هم يستبشرون

از آیه شریفه به روشنی استفاده می شود که مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به تنهایی حساس بوده و از یاد شدن معبودهای خود بدون یاد شدن خدا خوشحال می شدند؛ ولی در این آیه از واکنش و حساسیت مشرکان در صورتی که نام خدا و معبودها با هم و مشترکاً یاد شوند، سخنی به میان نیامده است. بنابراین یاد نشدن آن، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

ص: 246

296- مشرکان و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 18، 19

18 - مشرکان ، خدایان دروغین را دارای قدرت می پندارند .

و لو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوه لله جميعاً

طرح مسأله قدرت خداوند و انحصار آن به او برای کسانی که غیر خدا را همتای خدا می پندارند، بیانگر این است که: مشرکان به توهم برخوردار میبودند از قدرت، آنها را همانند خداوند پنداشته و بر اساس آن به ایشان محبت میورزند.

19 - پنداشتن قدرت در معبودان دروغین ، عالم محبت مشرکان به آنهاست .

یحبونهم كحب الله .. و لو یری الذین ظلموا ... أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 9

9 - توانایی بتها و معبودهای خیالی در دفع شر و رساندن خیر، پندار ناروای مشرکان

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 46 - 9

9 - مشرکان می پنداشتند که معبودهایشان توان نفع رسانی به آنان را دارد.

من إله غیر الله یأتیکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 4

4 - مشرکان می پنداشتند پس از مرگ مورد شفاعت معبودهای خویش قرار خواهند گرفت.

و ما نری معکم شفاعکم الذین زعمتم أنهم فیکم شرکوا

6 - مشرکان مکه بر این باور بودند که معبودانشان بر یاری آنها علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) توانا هستند .

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلاتنظرون

8 - خداوند از مشرکان خواست اگر خدایانشان بر امری توانا هستند با کمک آنها علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) توطئه کنند و برای از میان بردن وی هیچ درنگی روا ندارند .

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلاتنظرون

«کیدون» مرکب از فعل امر «کیدوا» (از «کید»، به معنی فکر کردن و توطئه چیدن) و نون وقایه است. کسره نون دلالت بر حذف «یاء» متکلم دارد. بنابراین «کیدون» (کیدونی) یعنی علیه من توطئه کنید. «انظار» مصدر «لاتنظروا» به معنای مهلت دادن است. «لاتنظرون» نیز مرکب از فعل نهی و نون وقایه است؛ یعنی: فلاتنظرونی، مرا مهلت ندهید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 5

5 - حشر مشرکان در قیامت ، به همراه معبود های مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذين أشركوا مكانكم أنتم و شركاءكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 15

15 - مشرکان به پندار فرمان خدا بر پرستش معبود های خویش ، آنها را عبادت می کنند . *

أمر ألا تعبدوا إلا إياه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 27 - 5

5 - مشرکان ، از معبود های ادعایی خویش به سختی دفاع کرده و با یکتاپرستان درباره آنها به منازعه می پرداختند .

أین شركاءى الذین كنتم تشقون فیهم

«تشافون» (از مصدر شقاق) به معنای مخالفت است به گونه ای که شخصی در یک طرف و شخص دیگری در طرف دیگر باشد. فعل «تشافون» از باب مفاعله است که برای فعلهای دو جانبه استفاده می شود و به قرینه مقام طرف درگیر با مشرکان، کسانی اند که معتقد به خدای واحد بودند و از آنها به موحدان تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 3

3 - مشرکان ، بخشی از درآمد خود را برای معبود های خود اختصاص می دادند .

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم

برداشت فوق، مبتنی بر این اساس است که فاعل «لا يعلمون» «ما» بوده و مراد از آن بتها باشد که مفعول آن حذف شده است. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: مشرکان قرار می دهند سهمی را بر موجوداتی که چیزی نمی دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- مشرکان ، هنگام مواجهه با معبود های دروغین خویش در قیامت ، به مشاجره با آنان برمی خیزند .

وإذا رءا الذین أشركوا شركاءهم قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 6،7،12

6- در قیامت ، مشرکان ، از معبودان پنداری خویش جدا و دوراند .

و یوم یقول نادوا شركاءى

ص: 248

«نداء» به معنای «بلند کردن آواز و آشکار ساختن آن» است (مفردات راغب) و فعل «نادوا» نشانه زیاد بودن فاصله مشرکان و معبودان است.

7- مشرکان ، حتی در قیامت هم دل بسته یاری معبودان شان اند .

فدعوهم

12- خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

و جعلنا بینهم موبقاً

«وبوق» به معنای «هلاک شدن» است و «موبق» اسم مکان به معنای «مکان هلاکت» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 53 - 2

2- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بینهم موبقاً . وراء المجرمون النار

297- معبودان باطل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 6

6 - معبود دست ساز بنی اسرائیل (مجسمه گوساله) نه با آنان سخن می گفت و نه ایشان را به راهی رهنمون می ساخت .

ألم یروا أنه لا یکلمهم ولا یهدیهم سبیلاً

استفهام در «ألم یروا» برای انکار و تعجب است ; یعنی گوساله پرستان با اینکه می دیدند معبود دست سازشان با آنان سخن نمی گوید و راهی را به آنان نشان نمی دهد، آن را «إله» می پنداشتند و این امری است که به خاطر نابخردانه بودنش هر خردمندی را شگفت زده می کند.

298- معبودان باطل در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- کافران و معبود های دروغینشان، آتش گیره جهنم اند .

إنکم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنم

«حصب»؛ یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

6- « جاء في الحديث إن قوماً أتوا رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقالوا له: . . . أخبرنا عن قوله: « إنكم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنم أنتم لها واردون » إذا كان معبودهم معهم في النار فقد عبدوا المسيح (ع) أفقول: إنه في النار؟ فقال لهم رسول الله (صلى الله عليه وآله): . . . »

ص: 249

قال الله: « إنكم وما تعبدون » يريد الأصنام التي عبدوها و هي لاتعقل و المسيح (ع) لايدخل في جملتها لأنه يعقل و لو قال: إنكم و من تعبدون لدخل المسيح (ع) في الجملة فقال القوم: صدقت يا رسول الله (صلى الله عليه و آله) ;

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده و به آن حضرت گفتند: ... ما را از گفتار خدا «إنکم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنم...» با خبر ساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند؛ آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود: ... خدا فرموده «إنکم و ماتعبدون» و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست؛ زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود «إنکم و من تعبدون» مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتی ای رسول خدا».

7- « عن أبي جعفر (ع) قال: لما نزلت هذه آية... قال ابن الزبيرى: ... يا محمد أرايت آية التي قرأت أنفاً أفينا وفي آلهتنا أم في الأمم الماضية و آلهتهم؟ قال (صلى الله عليه و آله): بل فيكم و في آلهتكم و في الأمم الماضية إلا من استثنى الله فقال ابن الزبيرى: ... ألسنت تثنى على عيسى خيراً و قد عرفت أن النصارى يعبدون عيسى و أمه و أن طائفه من الناس يعبدون الملائكة أفليس هؤلاء مع آله في النار؟ فقال رسول الله (صلى الله عليه و آله): « لا... أما قلت: إلا من استثنى الله و هو قوله « إن الذين سبقت لهم منّا الحسنى أولئك عنها مبعدون » ;

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: آن گاه که این آیه نازل شد... ابن زبیری گفت: ... ای محمد! بگو بدانم آیه ای که به تازگی قرائت کردی در باره ما و معبودها ما است یا در مورد امت های گذشته و معبودهای آنها است فرمود: هم در باره شما و معبودهای شما و هم در باره امت های گذشته است؛ مگر کسی که خدا استثنا فرموده است. ابن زبیری گفت: آیا تو عیسی را به خوبی نمی ستایی و حال آن که می دانی نصارا عیسی و مادرش را عبادت می کنند و گروهی از مردم نیز فرشتگان را عبادت می کنند آیا آنان و معبودهای خود در آتش نیستند؟ پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: نه... آیا نگفتم مگر آنان که خدا استثنا فرموده است؟ و آن استثنا همان سخن خدا است که: «إنّ الذين سبقت لهم منّا الحسنى أولئك عنها مبعدون».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 99 - 1,4

1- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان در گریز از جهنم ، دلیل عدم الوهیت آنان است .

ماتعبدون من دون الله حصب جهنم... لو كان هؤلاء آلهه ما وردوها

4- خلود مشرکان و معبودهایشان در آتش دوزخ

و كلُّ فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 100 - 2

2- عذاب و شکنجه مشرکان و معبودهایشان در جهنم شدید خواهد بود .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابر این نکته است که ضمیر «لهم»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 94 - 3، 1

1 - نگون سار گشتن شرک پیشگان و معبودهایشان در دوزخ ، در پی اثبات پوچی هر معبودی جز خدا

هل ینصرونکم أو ینتصرون . فکبکبوا فیها هم و الغاون

ص: 250

«کبکبه» (مصدر مجهول «کبکبوا») به معنای نگون سار گشتن و نیز افکنده شدن است. ضمیر «هم» نیز به معبودها بازمی گردد. بنابراین «فکبکبوا فیها هم...»; یعنی، گمراهان و معبودهایشان به صورت سرنگون در دوزخ افکنده خواهند شد.

3 - معبود های دروغین ، جلودار مشرکان در سقوط به ورطه دوزخ

فکبکبوا فیها هم و الغاون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر «هم» - که به معبودهای باطل بازمی گردد - مقدم بر «الغاون» آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 95 - 1

1 - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فکبکبوا فیها .. و جنود ابلیس أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 96 - 2

2 - امکان سخن گفتن دوزخیان با معبودهایشان در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

مخاطب «قالوا» به قرینه آیه «إِذْ نَسُوْا كِم بَرَبِّ الْعَالَمِیْنَ»، معبودهای مشرکان است و ضمیر «فیها» به «جحیم» بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 163 - 4

4 - مشرکان و معبودهایشان و پیروان گمراه آنان ، دوزخی اند .

إِلَّا مِنْ هُوَ صَالِ الْجَحِیْمِ

299- معبودان باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 7

7- قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشركوا این شركاؤکم الذین كنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 23 - 2

2- بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

این شركاؤکم .. ثم لم تکن فتنتهم إلا أن قالوا و اللّٰه ربنا ما كنا مشرکین

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: «این شركاؤکم»؟ و در

ص: 251

این آیه درماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 24 - 3

3 - ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

از کاربردهای فعل «ضل» جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: «ضل الشیء إذا ضاع»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 53 - 13

13 - کافران در قیامت هیچ اثری از معبودان دروغین خویش نخواهند یافت .

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

با توجه به زمان نزول قرآن که مخالفان اسلام مشرکان و بت پرستان بودند و آنان معبودان دروغین خویش را منشأ اثر در سرنوشت انسانها می پنداشتند، می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای «ما کانوا یفترون» معبودان ساختگی و دروغین کفرپیشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 5

5 - حشر مشرکان در قیامت ، به همراه معبود های مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذین أشركوا مکانکم انتم و شرکاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 52 - 13، 9، 6

6- در قیامت ، مشرکان ، از معبودان پنداری خویش جدا و دوراند .

و یوم یقول نادوا شرکاءى

«نداء» به معنای «بلند کردن آواز و آشکار ساختن آن» است (مفردات راغب) و فعل «نادوا» نشانه زیاد بودن فاصله مشرکان و معبودان

است.

9- در قیامت، کارآمد نبودن معبودان مشرکان و بطلان شرک، آشکار خواهد شد.

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم

12- خداوند، در قیامت، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت.

و جعلنا بينهم موبقاً

«وبوق» به معنای «هلاک شدن» است و «موبق» اسم مکان به معنای «مکان هلاکت» است.

13- شیاطین و دیگر معبودان دروغین مشرکان، در صحنه قیامت حضور خواهند داشت.

نادوا شركاءى . . . و جعلنا بينهم موبقاً

به قرینه آیات قبل، مراد از «شركاء» همان ابلیس و ذریه او است.

ص: 252

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 53 - 2

2- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بينهم موبقاً . و رءا المجرمون النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 3

3- معبود های مشرکان در قیامت ، به ستیز و دشمنی با پرستشگران خود خواهند پرداخت .

و یكونون علیهم ضدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 87 - 2

2- معبود های پنداری مشرکان ، از شفاعت در قیامت ناتوانند .

واتخذوا من دون الله ءالهةً . . لا یملكون الشفعة

چنان که برخی از مفسران گفته اند، مرجع ضمیر در «لا یملکون» می تواند «الهه» در آیات پیشین باشد. در این صورت رد پندار شفاعتی است که مشرکان آن را از معبودهای خود توقع داشتند. در این وجه استثنا منقطع و مفاد آن چنین خواهد بود: هر کس به عهدی نزد خداوند دست یافته باشد، توان شفاعت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 1,3,4,5

1 - اعتراف معبود های مشرکان به روز رستاخیز و در پیشگاه خداوند ، به منزله بودن او از داشتن هر گونه شریک

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله . . قالوا سبحنک

3- معبود های مشرکان در روز رستاخیز ، اظهار می دارند که حق برگفتن سرپرستانی جز خدا را نداشته و سزاوار این کار نبوده اند .

قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

«أولياء» می تواند از «وَلَايَت» (به فتح «واو») به معنای سرپرست باشد و هم می تواند از وِلَايَت (به کسر «واو») به معنای «نصرت» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای اول است.

4 - معبود های مشرکان در قیامت ، خود را از داشتن هر گونه نقشی در گمراهی مشرکان ، تبرئه کرده و آن را تکذیب خواهند کرد .

ءأنتم أضللتم عبادى .. قالوا سبحنك ما كان ينبغي لنا أن نتخذ من دونك من أولياء

5 - اظهار شگفتی و اعلام انزجار معبود های مشرکان در قیامت ، از معبود قرار گرفتن خودشان از سوی مشرکان و یا نقش داشتن آنان در گمراهی دیگران

فيقول ءأنتم أضللتم عبادى هؤلاء .. قالوا سبحنك

جمله «سبحانك» و یا «سبحان الله» در دو مورد به کار می رود: 1- آن گاه که سخن شگفت آوری شنیده شود و شنونده بخواهد

ص: 253

اظهار شگفتی کند. 2- آن گاه که سخنی بسیار زشت و ناروایی شنیده شود و شنونده بخواهد از آن اعلان برائت و اظهار انزجار کند و واکنش منفی از خود نشان دهد (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 19 - 2, 1

1 - ادعای مشرکان در باره وجود معبودهایی جز خداوند ، مورد تکذیب شدید خود معبود های آنها در قیامت

فقد کذبوکم بما تقولون

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: 1- فاعل «کذبوا» معبودها و مخاطب «کم» مشرکان اند. 2- آنچه مشرکان ادعای آن را دارند - که مورد تکذیب معبودهایشان قرار خواهد گرفت - ممکن است دو چیز باشد: 1- وجود معبودهای متعدد، به جز خداوند. 2- گمراه شدن آنان به دست معبودهایشان که از سؤال و پاسخ خدا و معبودها - که در آیات قبل آمد - به دست می آید.

2 - ادعای مشرکان در باره نقش داشتن معبودهایشان در گمراهی آنان ، مورد تکذیب همان معبود ها در قیامت

فقد کذبوکم بما تقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 92 - 2

2 - دست مشرکان در قیامت ، کوتاه از معبود های خیالی خود

وقیل لهم این ما کنتم تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 93 - 3

3 - عناصر مورد اتکای مشرکان ، خود گرفتار در قیامت و ناتوان از یاری رساندن به دیگران و دفاع از خویش

هل ینصرونکم أو ینتصرون

«نصر» (مصدر «ینصرون») برای دفاع از دیگران و «انتصار» (مصدر «ینتصرون») به معنای دفاع از خود به کار می رود. ضمیرهای فاعل در دو فعل یاد شده، به معبودها بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 4

4 - حضور معبود ها در قیامت و انکار و تبری آنان از شرکورزی مشرکان

و یوم القیمه یکفرون بشرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 73 - 4

4 - در قیامت ، اثری از معبود های ادعایی مشرکان نخواهد بود .

ثمّ قیل لهم این ما کنتم تشرکون

ص: 254

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 47 - 14

14 - مشرکان ، از حمایت معبود های خویش در قیامت محروم خواهند بود .

و یوم ینادیهم این شرکاءى قالوا اذنّ-ک ما متّا من شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 4

4- بیزاری معبود های باطل در قیامت ، از پرستش عبادت گران خود

و کانوا بعبادتهم کفرین

ضمیر «کانوا» به معبودها و ضمیر «بعبادتهم» به عبادت گران مشرک بازمی گردد.

300- معبودان باطل قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 8

8- قوم ثمود ، مردمی مشرک و معتقد به معبودهایی متعدد

يقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غيره

301- معبودان باطل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 50 - 8

8- قوم عاد ، مردمی مشرک و پرستشگر معبود های خود ساخته

ما لکم من إله غيره إن أنتم إلا مفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 54 - 3,4 - 1

1- قوم عاد ، پرستشگر معبودهایی متعدد و معتقد به تأثیرگذاری آنها در امور جهان

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالھتنا بسوء

تعدد معبودها از کلمه «آلهه» که جمع «إلاه» (معبود) است ، استفاده می شود.

3- قوم عاد ، برخی از آلهه خویش را عامل جنون و اغتشاش روانی هود (ع) می پنداشتند .

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالھتنا بسوء

«إعتراء» به معنای شامل شدن و اصابت کردن است (لسان العرب). و از آن جا که «إعتراء» در آیه شریفه، به وسیله حرف «باء»

ص: 255

به مفعول دوم (بسوء) متعدی شده، به معنای رسانیدن و شامل کردن می باشد. بنابراین جمله «إن نقول... یعنی، ما سخنی جز این نمی گوئیم که یکی از خدایان ما، مرض و آفتی بر تو افکنده است».

4- قوم عاد، براین باور بودند که هر بت و معبودی، در بخشی از امور کارایی دارد. *

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالھتنا بسوء

از اینکه قوم عاد، ایجاد سوء را به برخی از خدایان نسبت داده اند (بعض ءالھتنا) و نه به همه آنها، می توان دریافت که آنان، هر بت و معبودی را عهده دار انجام کاری خاص می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 55 - 11 - 5

5- عجز و ناتوانی قوم عاد و خدایانشان، برای از میان بردن هود (ع)، دلیل و آیتی بر حقانیت رسالت او

فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

«فاء» در «فکیدونی» فصیحه و حاکی از جمله ای مقدر است. آن جمله به قرینه «إن نقول إلاّ اعتریک...» چنین است: «إن کان کما تقولون فکیدونی...؛ اگر تنها چنین نیرویی دارند پس شما و آنها با من به مبارزه برخیزید و کار را یکسره کنید».

302- معبودان باطل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 2

2- معبود های مشرکان در قیامت، بطلان و بیهودگی عبادت های مشرکان را برملا کرده و از آن براءت خواهند جست .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدّاً

در مورد ضمیرهای موجود در آیه، احتمالاتی ذکر شده است؛ از جمله آن که ضمیر «یکفرون» و «یکنونون» به «ءالھه» بازمی گردد و ضمیر «بعبادتهم» و «علیهم» به مشرکان. برداشت یاد شده مبتنی براین وجه است. گفتنی است که «کفر» در معانی مختلفی از جمله انکار و براءت استعمال شده است (لسان العرب). در این آیه نیز به قرینه «و یکنونون علیهم ضدّاً» به معنای براءت جستن و سلب مسؤولیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 1

1- اعتقاد مشرکان به خدایانی برگرفته شده از مواد و عناصر زمینی

أَمْ اتَّخَذُوا ٱلْأَهِلَّةَ مِنَ ٱلْأَرْضِ

«أم» در «أَمْ اتَّخَذُوا» منقطع و متضمن معنای «بل» است، که برای اضراب است می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 2

2- مشرکان، جهان را تحت تدبیر و ربوبیت خدایان (ارباب ها) و خدا را خدای خدایان (رب الأرباب) می پنداشتند .

ص: 256

و يعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطاناً

ضمير فاعلی در «لم ينزل» به «الله» و ضمير «به» به «ما» بازمی گردد. و «سلطان» به معنای تسلط و اقتدار می باشد. جمله یاد شده، بیانگر جهان بینی غلط مشرکان است؛ آنان جهان را تحت تدبیر و ربوبیت خدایان (ارباب ها) و خدا را ربّ الأرباب و خدای خدایان می پنداشتند. بنابراین به جای پرستش خدا، به عبادت آن خدایان خیالی می پرداختند. در آیه فوق، این پندار مردود شمرده شده و اعلام شده است که خداوند به هیچ موجودی، هیچ گونه سلطه و اقتداری که بتواند با آن به رتق و فتق امور جهان پردازد، عطا نکرده است؛ بلکه همه هستی در قبضیه قدرت و اقتدار او و تحت ربوبیت و تدبیر مستقیم او قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 1

1 - مشرکان ، به جای خدا ، معبود های دیگری برگرفته بودند .

و اتّخذوا من دونه ءالهه

«إله» (مفرد «آلهه») به معنای «معبود» است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 84 - 4

4 - اعتقاد مشرکان به تقسیم کار های آسمان و زمین ، میان خدا و فرزندی که برای او تصویر کرده اند . *

قل إن كان للرحمن ولد . . . و هو الذی فی السماء إله و فی الأرض إله

برداشت بالا بدان احتمال است که میان این آیه و آیه «إن كان للرحمن ولد» (آیه 81) بدین گونه ارتباط باشد که مشرکان علاوه بر اعتقاد به فرزندی خدا، بر این باور بوده اند که الوهیت آسمان و زمین میان او و فرزندش تقسیم شده است. گفتنی است که این آیات ردی بر هر دو دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 10 - 3

3 - توانمندی ها و امکانات مادی ، بت ها و خدایان ساختگی ، تکیه گاه مشرکان در دنیا

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیءاً و لا ما اتّخذوا

تعبیر «ما کسبوا» - که اشاره به امکانات مادی دارد - و نیز «ما اتّخذوا...» - که ناظر به عقاید شرک آلود آنان است - نشان می دهد که آنان

تمامی اتکا و امید خویش را به آن دو معطوف داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 20 - 3

3 - مشرکان ، معتقد به بهره مند بودن از سپاهی قدرت مند و نیرویی شکست ناپذیر معنوی همچون معبودان ادعایی در برابر دیگر قدرت ها

أمن هذا الذی هو جند لكم ینصرکم من دون الرحمن

ص: 257

303- معبودان باطل و آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 8

8 - خدایان ادعایی مشرکان، هیچ گونه سهم و شرکتی در آسمان ها و زمین ندارند .

و ما لهم فیهما من شرک

304- معبودان باطل و اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 14 - 4

4- خدایان دروغین، از اجابت کردن درخواست ها ناتوانند .

والذین یدعون من دونه لایستجیبون لهم بشیء

مراد از ضمیر «یدعون» و «لهم» مشرکان است و ضمیری که باید به موصول (الذین) باز گردد محذوف می باشد. بنابراین «والذین یدعون...»؛ یعنی، آن چیزه او کسانی که مشرکان آنان را می خوانند، ایشان را اجابت نمی کنند به کمترین اجابتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 3، 1

1 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان، از شنیدن دعا و درخواست انسان ها و استجابت آن

إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم و لو سمعوا ما استجابوا لکم

3 - استجابت دعا و بر آوردن حاجت، تنها در توان ربّ و مالک حقیقی جهان (الله) است .

ذلکم الله ربکم له الملک و الذین تدعون من دونه .. إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم و

305- معبودان باطل و امدادهای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 9

9- خدایان ادعایی مشرکان ، هیچ گونه نقشی در پشتیبانی و امداد به خدا را ندارند .

و ما له منهم من ظهیر

306- معبودان باطل و تأمین نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 258

9- مشرکان ، معتقد به حاجت دادن معبودهایشان و رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از آنان

أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادني الله بضراً .. برحمة هل هنّ ممسكت رحمت

مقصود از «دعاء» در «ماتدعون»، حاجت بردن و استعانت جستن است.

307- معبودان باطل و تبدیل زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 9

9- خدایان و معبود های مشرکان ، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر ، ناتوانند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلاً

مراد از «تحويلاً» می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

308- معبودان باطل و جلب منفعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 4

4- معبود های مشرکان ، ناتوان از جلب هرگونه سود و نفعی برای خویش و دفع ضرر و زیان از خود

ءاللهه. .. لا يملكون لأنفسهم ضراً ولا نفعاً

309- معبودان باطل و خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 1

1- خدایان ادعایی مشرکان ، قدرت آفرینش هیچ چیزی را ندارند .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً

«یدعون» صله «الذین» است و ضمیر صله، ضمیر مفعولی است که حذف گردیده و مرجع آن الذین است. مراد از «الذین» به قرینه آیات قبل - که درباره خدایان ادعایی ناتوان بود - خدایان مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 7

ص: 259

7- عجز و ناتوانی خدایان اهل شرک - هر چند همگی گرد هم آیند - از آفریدن حتی یک مگس ، دلیلی است روشن و غیر قابل انکار بر پوچی اندیشه شرک .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذَبَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 7، 5، 4

4- خداوند ، مشرکان را به ارائه مخلوقات معبودان شان ، فرا می خواند .

فأروني ماذا خلق الذين من دونه

5- معبودان مشرکان ، هیچ آفریده ای ندارند .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

7- مشرکان ، از ارائه مخلوقی برای معبودان خویش ، ناتوان اند .

فأروني ماذا خلق الذين من دونه بل الظلمون في ضلال مبين

امر «أروني» برای تعجیز است و «بل» اضراب، برای انتقال از غرضی به غرض دیگری است. جمله بعد از «بل» اشعار دارد به این که آنان، نه تنها از درخواست ارائه مخلوق برای معبودی، ناتوانند بلکه آن چنان در بیراهه اند که هیچ گاه چنین کاری از آنان ساخته نیست.

310- معبودان باطل و خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 16 - 19

19- مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفأخذتم من دونه أولياء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق عليهم

جمله «خلقوا كخلقه» صفت برای «شركاء» است. «خلق» در هر دو مورد («كخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابَهت است. «أم» در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

311- معبودان باطل و خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 5

5 - معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه . . . و لایملکون موتاً و لاحیوه و لانشوراً

ص: 260

312- معبودان باطل و دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 9

9- خدایان و معبود های مشرکان ، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر ، ناتوانند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم و لا تحویلاً

مراد از «تحویلاً» می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 4

4- معبود های مشرکان ، ناتوان از جلب هرگونه سود و نفعی برای خویش و دفع ضرر و زیان از خود

ءالهه.. لا یملکون لأنفسهم ضرراً و لا نفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 9, 6, 4

4- معبود های مورد پرستش مشرکان ، ناتوان از برطرف کردن هرگونه گزند از انسان

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضر هل هنّ کشفنّ ضرّه أو أراد

6- ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

9- مشرکان ، معتقد به حاجت دادن معبودهایشان و رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از آنان

أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضر .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمت

مقصود از «دعاء» در «ماتدعون»، حاجت بردن و استعانت جستن است.

313- معبودان باطل و رازقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 56 - 1

1- مشرکان ، برای معبود های خویش سهمی در روزی دهی قائل بودند .

یشركون . . . و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم

ص: 261

آیه، ادامه بیان کارهای خلاف مشرکان است و برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مراد از «ما» ی موصول، معبودهاست و مفعول به فعل «لا یعلمون» محذوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 1

1- خدایان مشرکان ، هیچ گونه نقشی در روزی رسانی به انسان ها ندارند .

و یعبدون من دون الله ما لایملک لهم رزقاً

314- معبودان باطل و عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف شد تا به مشرکان اعلام کند : اگر با خدای واحد ، خدایان دیگری وجود دارد ، باید آنان برای گرفتن عرش چاره اندیشی نموده و وسیله ای فراهم آورند .

قل لو کان معه ءالهه کما یقولون إذًا لآبتغوا إلی ذی العرش سبیلاً

315- معبودان باطل و قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 2

2- ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان از هرگونه قضاوت

والذین یدعون من دونه لایقضون بشیء

316- معبودان باطل و مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 4

4- خدایان مشرکان ، مالک هیچ چیزی - حتی به اندازه یک ذره - در عالم نیستند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذره فی السموت و لافى الأرض

317- معبودان باطل و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 5

5- معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه . . . و لایملکون موتاً و لاحیوه و لانشوراً

318- معبودان باطل و منفعت رسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 9، 6

6- ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله . . برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

9- مشرکان ، معتقد به حاجت دادن معبودهایشان و رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از آنان

أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضراً . . برحمه هل هنّ ممسکت رحمت

مقصود از «دعاء» در «ماتدعون»، حاجت بردن و استعانت جستن است.

319- معبودان باطل و نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 101 - 8

8- بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

فما أغنت عنهم ءالهتهم التي يدعون من دون الله من شیء لما جاء أمر ربک

320- مکذبان اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 8

8- مشرکان در قیامت ، پرستش و بندگی معبود های ساختگی را انکار کرده و با آنها به ستیز و دشمنی خواهند پرداخت .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

ص: 263

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر «یکفرون» و «یکونون» مشرکان و مرجع ضمیر «بعبادتهم» و «علیهم» الهه دانسته شده و کفر نیز به معنای انکار گرفته شده است.

321- مکر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 162 - 1

1 - مشرکان و معبودهایشان، از فریب دادن و گمراه کردن مردم و جلوگیری از پیشرفت دین خدا (توحید و یگانه پرستی) ناتوان اند.

ما أنتم علیه بفتنین

«فاتن» (اسم فاعل و مفرد «فاتنین») به معنای کسی است که می فریبد و به گمراهی فرا می خواند. گفتنی است طبق نظر بیشتر مفسران ضمیر «علیه» به «الله» برمی گردد و مقصود از آن راه خدا و دین او (اسلام) می باشد.

322- مملوکیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 7

7 - بت پرستان موجود در مسیر قوم موسی معبودهایی را می پرستیدند که خود مالک آنها بودند.

أصنام لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 3

3 - همگان، چه معبودان و چه پرستش کنندگان، بنده خدا و مملوک او هستند.

إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم

«عباد»، جمع «عبد»، و به معنای بندگان و مملوکان است.

323- منفعت رسانی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 42 - 1

1 - در روز قیامت معبود های مشرکان ، نمی توانند هیچ سود و زیانی را برای کسی عهده دار شوند .

فالیوم لایملک بعضکم لبعض نفعاً و لا ضرراً

ص: 264

324- نشانه های پوچی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 83 - 9

9- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان ، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبود ها و ضدیتشان با پرستشگران خویش

و یکنونون علیهم ضنًا . ألم تر آنا أرسلنا الشیطن

استفهام در «آلم تر» برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

325- نفع رسانی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 1،4

1 - مشرکان ، در عصر بعثت ، موجوداتی را می پرستیدند که از رساندن نفع و یا دفع ضرر ، ناتوان بودند .

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

4 - معبود های مشرکان ، ناتوان از سودرساندن و یا دور کردن زیان از عبادت کنندگان خویش

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

326- نقش معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 11،12،13

11 - شریکان موهوم خداوند با تزیین اعمال ناروا موجبات هلاکت و سردرگمی و اشتباه در دین را برای مشرکان فراهم می سازند.

و کذلک زین . . . لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم

«ردی» به معنای هلاکت و «لبس» به معنای اشتباه است.

12 - شریکان پنداری به اذن خداوند مشرکان را به هلاکت و سردرگمی می اندازند.

ولو شاء الله ما فعلوه فذرهم

13 - گمراه شدن مشرکان و به هلاکت افکندن آنان از سوی شریکان موهوم خداوند (جنیان و بتها) در قلمرو مشیّت الهی است.

ولو شاء الله ما فعلوه

ص: 265

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 86 - 5

5- تلاش مشرکان در قیامت برای دخیل شمردن معبود های دروغینشان در گمراهی خویش *

و إذا رءا الذین أشركوا شركاءهم قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا الذین كننا ندعوا من دو

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که غرض مشرکان از نمایاندن معبودهای دروغین خویش، کاستن از بار گناه خویش و نهاندن آن بر دوش معبودها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 4

4- معبود های مشرکان ، در قیامت مایه ذلت و خواری مشرکان خواهند شد .

عزًّا . . . و یكونون علیهم ضدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 3

3- دخالت معبود ها و خدایان ، در مقدار عمر و بهرهوری مادی انسان ، پندار باطل مشرکان

أم لهم ءالهه تمنعهم . . . بل متّعنا هؤلاء و ءاباءهم حتی طال علیهم العمر

برداشت یاد شده بر این اساس است که «بل . . .»، اضراب از «أم لهم آلهه...» باشد. از این استفاده می شود که مشرکان به چنین قدرتی برای خدایان خویش اعتقاد داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 5

5 - معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه . . . و لایملکون موتًا و لاحیوه و لانشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - خداوند به روز رستاخیز ، خواستار پاسخ گویی معبود های مشرکان در باره علت گمراهی مشرکان و نقش آنان در این گمراهی

ویوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله فیقول ءانتُم أضللتُم عبادى هولاء

3 - خداوند ، به روز رستاخیز ، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فیقول ءانتُم أضللتُم عبادى هولاء أم هم ضلّوا السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 93 - 5

5 - باور مشرکان ، به یاری رسانی معبودهایشان در سختی ها و هلاکت ها

این ما کنتم تعبدون . من دون الله هل ینصرونکم أو ینتصرون

ص: 266

زیر سؤال رفتن توانایی معبودها بر یاری رسانی، حاکی از این است که مشرکان بر این باور بودند که معبودهایشان به آنان یاری خواهند رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 7

7 - مشرکان، معبود های خود را وسیله تقرب به خدا می دانستند .

ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله زلفى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 2، 1

1 - معبود های ادعایی مشرکان - نه در دنیا و نه در آخرت - هرگز برای انسان ها پیامی نداشته ، آنان را به عبادت خویش فرا نخوانده اند .

لاجرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

مقصود از «دعوت» معبودهای ادعایی در آیه شریفه، دو چیز می تواند باشد: 1- داشتن پیام برای انسان ها و فراخواندن به عبادت خود؛ 2- استجابت دعوت و یا دعای مستجاب شده؛ یعنی، به تقدیر کلمه ای باشد مانند: «استجاب دعوه او دعوه مستجاب». برداشت یادشده مبتنی بر معنای نخست است.

2 - مؤمن آل فرعون قومش را از نقش نداشتن معبود های ادعایی در سعادت دنیوی و اخروی و نیز بی ثمر بودن عبادت آنها آگاه ساخت .

لاجرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 28 - 4

4- اعتقاد مشرکان به نقش معبود های خویش ، در تقرب آنان به خداوند

اتخذوا من دون الله قرباناً ءالـهه

327- نوح(ع) و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 71 - 10

10 - حضرت نوح (ع) همراه با اعلان تحدی ، خدا را تنها کانون قدرت و معبود های قومش را شرکایی ساختگی و فاقد هر گونه توانایی اعلام کرد .

يقوم إن كان كبير . . . فعلى الله توكلت فأجمعوا أمركم و شركاءكم . . . و لا تنظرون

ص: 267

328- ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 13

13 - پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی خردی است.

قل أغیر الله اتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

استفهام انکاری همراه با توییح و تعجب در «قل أغیر الله» حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و کاری ست دور از منطق و خرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 41 - 3

3 - مشرکان ، معبودان خود را ، به عنوان کارساز و ولیّ برای خود ، انتخاب می کنند .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً

با توجه به آیه بعد - که در آن، از معبودان مشرکان سخن گفته شده است - احتمال دارد مراد از «أولیاء» همان معبودان مشرکان باشد.

329- ویژگیهای حشر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 95 - 3

3- معبود های باطل (فرزند پنداشته شدگان خداوند) و پرستندگان آنها ، همه یکه و تنها در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

دعوا للرحمن ولدًا .. و کلّهم آتیه یوم القیمه فردًا

«کلّهم» شامل تمامی موجودات ذی شعور آفرینش (من فی السموات والأرض) می گردد و از جمله آنها کسانی اند که برخی از مردم؛ آنان را فرزند خدا می پنداشتند (مانند: ملائکه، حضرت عیسی و عزیر(ع)).

330- یوسف(ع) و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 3

3- یوسف (ع) ، برای هم بندگان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلا أسماء .. ذلك الدين القيم

ص: 268

331- {معبودان دروغین}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 86 - 2

2- تأکید ابراهیم (ع)، بر دروغین بودن معبود های مورد پرستش پدر و قوم خود

أَنْفَكَا ۖ إِلَٰهَهُ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ

«إفک» به معنای دروغ است و تقدم آن بر عامل خود (تریدون) مفید تأکید و بیانگر اهتمام است.

332- معبودان دروغین بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 16

16 - بدعتگزاران و تکذیب کنندگان، در بند معبودهایی دروغین هستند.

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ... أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

333- معبودان دروغین فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 127 - 7

7- اشرافیان دربار، سرکوب نشدن موسی (ع) را مایه انزوای فرعون و ترک پرستش خدایان وی دانسته و آن را به فرعون گوشزد کردند.

أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ... وَيَذُرُكَ ۖ وَاللَّهُتَكُ

334- معبودان دروغین قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 4

4- معبودان قوم ابراهیم، موجوداتی ساخته شده بودند و به افترا، نام «معبود» گرفته بودند.

تعبدون .. أوثناً و تخلقون إفاً

ص: 269

بطلان معبودیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 51 - 5

5- یگانگی خداوند و باطل بودن هر معبودی غیر از او، دلیل لزوم اجتناب از شرک

و قال الله لا تتخذوا إلهين اثنين إنما هو إله واحد

جمله «إنما هو إله واحد» تعلیل برای نهی «لا تتخذوا» است و دلالت دارد بر وحدانیت خداوند و بطلان هر چه که غیر خداست و به خدایی خوانده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 9

9 - معبودیت خداوند، حق، و معبودیت غیر او، باطل است.

ذلك بأنّ الله هو الحقّ وأنّ ما يدعون من دونه البطل

به قرینه «ما يدعون..» مراد از «حق»، حق بودن در معبودیت است. بنابراین که «ما» در «ما يدعون» موصول باشد، عبارت چنین خواهد بود «الذی يدعون من دونه الباطل».

336- حقانیت معبودیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 9

9 - معبودیت خداوند، حق، و معبودیت غیر او، باطل است.

ذلك بأنّ الله هو الحقّ وأنّ ما يدعون من دونه البطل

به قرینه «ما يدعون..» مراد از «حق»، حق بودن در معبودیت است. بنابراین که «ما» در «ما يدعون» موصول باشد، عبارت چنین خواهد بود «الذی يدعون من دونه الباطل».

337- زمینه معبودیت خدا

10 - توجه به منبع یگانه تشریح ، مقتضی پذیرش معبودیت خدا و نفی پرستش‌گری غیر او

و لکلُّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا . . . فَالْهَكْمُ إِلَهٍ وَحْدٍ

«فاء» در «فَالْهَكْمُ» تفریحه بوده و بیانگر این نکته است که هر کس پیرامون مراسم قربانی، اندیشه کند و ببیند که همه امت‌های پیشین دارای یک رویه مشترک در آن بودند (همه موظف بودند که قربانی را با نام خدا و به منظور تقرب به او ذبح کنند) پی

خواهد برد که سرچشمه تشریح قربانی، تنها خداوند است و اگرخدایان دیگری وجود می داشتند، قهراً این مراسم به صورت های دیگری نیز تشریح می شد.

338- شرایط معبودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 10

10 - خالقیت ، شرط شایستگی برای معبودیت

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

339- معبودیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 22

22 - الله ، معبود حقیقی است .

الله ربکم له الملك لا إله إلا هو

340- معبودیت خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 11

11 - عبادت و پرستش ، تنها شایسته آفریدگار جهان است ؛ و نه در شأن مخلوقات او .

و اسجدوا لله الذی خلقهنّ إن كنتم إیاه تعبدون

تقدیم «ایّاه» بر «تعبدون» علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

341- معبودیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 13

13 - شایسته بودن خداوند برای عبادت ، به خاطر مالک و منشأ روزی بودن اش است .

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوا

ص: 271

342- معبودیت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 3

3 - مسیح (ع) و مادرش مریم ، معبود برخی مسیحیان

قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ .. قُلْ اتَّعْبُدُونَ مَنْ دُونَ اللَّهِ

مصدق مورد نظر از «من دون الله» - به قرینه آیات گذشته - مسیح(ع) و مادرش مریم است.

343- معبودیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 19 - 1

1 - ادعای مشرکان در باره وجود معبودهایی جز خداوند ، مورد تکذیب شدید خود معبود های آنها در قیامت

فقد كذبوكم بما تقولون

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: 1- فاعل «كذبوا» معبودها و مخاطب «کم» مشرکان اند. 2- آنچه مشرکان ادعای آن را دارند - که مورد تکذیب معبودهایشان قرار خواهد گرفت - ممکن است دو چیز باشد: 1- وجود معبودهای متعدد، به جز خداوند. 2- گمراه شدن آنان به دست معبودهایشان که از سؤال و پاسخ خدا و معبودها - که در آیات قبل آمد - به دست می آید.

344- معبودیت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 4

4 - فرعون ، مورد پرستش مردم مصر

وقال فرعون .. ما علمت لكم من إله غيري

345- معبودیت مخلوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 13

13 - مخلوق بودن ، ناسازگار با مقام والای معبود بودن و مورد پرستش قرار گرفتن

لاتسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا لله الذي خلقهم ان كنتم اياه تعبدون

ص: 272

346- معبودیت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 3

3- مسیح (ع) و مادرش مریم ، معبود برخی مسیحیان

قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ .. قُلْ اتَّعْبُدُونَ مَنْ دُونَ اللَّهِ

مصدق مورد نظر از «من دون الله» - به قرینه آیات گذشته - مسیح(ع) و مادرش مریم است.

347- ملاک معبودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 13

13- خالق و آفریننده ، تنها حقیقتِ شایسته پرستش

اعبدوا الله .. هو أنشأكم من الأرض

جمله «هو أنشأكم ..» استدلالی است برای توحید و لزوم یکتاپرستی که از جمله «اعبدواالله ...» به دست می آید؛ یعنی، چون خداوند خالق است، شایسته پرستش است و چون در آفریدن شریکی ندارد، پس نباید در پرستش نیز برای او شریکی بپندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 4

4- قوام بخشی به بندگان و تدبیر امور ایشان ، از ویژگی های معبود شایسته پرستش

أفمن هو قائم على كل نفس بما كسبت و جعلوا لله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 10، 3

3- توانمندی بر آفریدن و نیز مخلوق نبودن ، از نشانه های خدا و معبود حقیقی است .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً و هم يخلقون

از اینکه خداوند در مقام بیان رد الوهیت معبودهای مشرکان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده می شود که «الله» باید خالق بوده و مخلوق نباشد.

10- تنها خداوند خالق، شأن مورد پرستش قرار گرفتن و کمک طلبیدن را دارد.

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً

آیه درصدد سرزنش عمل مشرکان در اتخاذ معبودهای متعدد است و استفاده می شود که چنان کاری مذموم و قبیح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 273

3- روزی رسانی، از معیار های شناخت معبود حقیقی از غیر اوست .

و یعبدون من دون الله ما لایملک لهم رزقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 11

11- حد و مرز نداشتن دامنه حکومت و حاکمیت، لازمه خدایی کردن و الوهیت است .

قل لو کان معه .. إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 5

5- موجود فاقد قدرت مستقل و مطلق، شایسته پرستش نیست .

الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم و لاتحویلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 57 - 2

2- آنان که خود ستایشگر خدا بوده و در صدد کسب وسیله و راهی برای تقرب به اویند، سزاوار پرستش نیستند .

أولئک الذین یدعون یتغون إلى ربهم الوسیله

اینکه، پس از ذکر ناتوانی معبودهای مشرکان در آیه پیش، می فرماید: «آنان خود در پی وسیله برای تقرب هستند»؛ بیان تلویحی است به این نکته که، چنین موجوداتی لایق معبود شدن نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 3

3- معبود هستی، واجد همه ارزش ها و کمالات و فاقد هر نقص و نیاز

وقل الحمد لله

اختصاص داشتن همه ستایشها به خدا، مستلزم این است که همه ارزشهای ستایش برانگیز در او جمع بوده و در نهایت نقص و نیاز در او راه نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 14 - 9

9- تنها، پروردگار انسان ها و جهان هستی، صلاحیت پرستش را دارد.

رَبِّنا رَبِّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 34 - 10

ص: 274

10 - توجه به منبع یگانه تشریح ، مقتضی پذیرش معبودیت خدا و نفی پرستش گری غیر او

و لکلُّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا . . . فَالْهَكْمَ إِلَهٍ وَحْدٍ

«فاء» در «فالهکم» تقریبه بوده و بیانگر این نکته است که هر کس پیرامون مراسم قربانی، اندیشه کند و ببیند که همه امت های پیشین دارای یک رویه مشترک در آن بودند (همه موظف بودند که قربانی را با نام خدا و به منظور تقرب به او ذبح کنند) پی خواهد برد که سرچشمه تشریح قربانی، تنها خداوند است و اگر خدایان دیگری وجود می داشتند، قهراً این مراسم به صورت های دیگری نیز تشریح می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 22 - 4

4 - عبادت ، تنها شایسته خدای خالق است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 87 - 3

3 - تنها پروردگار جهان ، سزاوار عبودیت و پرستش است .

أَنْفَكَآءَ إِلَهَةٍ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ . فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 95 - 4

4 - مصنوع انسان ، سزاوار پرستش نیست .

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 2

2 - تنها ، خالق جهان هستی مستحق پرستش است .

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ . وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ

تذکر به خالقیت خدا نسبت به انسان و مصنوعات وی، پس از محکوم کردن پرستش مصنوعات بشری، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 9

9- پرستش ، تنها شایسته نیکوترین آفریننده ها (خدا) است .

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 275

3 - عبودیت و پرستش ، تنها شایسته پروردگار انسان ها است .

أَتَدْعُونَ بَعْلًا .. اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ

یادآوری ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها، پس از محکوم کردن پرستش بت ها، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 24

24 - عبادت ، تنها شایسته خدای مالک جهان است .

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ .. خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ ... لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله «لا إله إلا هو» بیان قصر در جمله «له الملك» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 11

11 - موجود ناتوان از رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از وی ، شایسته پرستش نیست .

قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ .. هَلْ هُنَّ كُشْفَتُ ضَرْبَهُ ... بِرَحْمَةِ هَلْ هُنَّ مَمْسُكُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 4

4 - داشتن پیام هدایت آفرین و نجات بخش برای زندگی دنیایی و اخروی انسان ها ، از ویژگی های خدای بر حق و شایسته پرستش

لَا جُرْمَ أَنْتُمْ تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ

از این که مؤمن آل فرعون در رد عقیده مشرکان، به این مطلب استدلال کرد که معبودهای ادعایی شما، پیامی برای بشر ندارد؛ می توان استفاده کرد که داشتن پیام، از خصوصیات معبود حقیقی و شایسته پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 8

8 - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

وقال ربکم ادعونی أستجب لکم .. اللّٰه الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل - که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 11،13

11 - عبادت و پرستش ، تنها شایسته آفریدگار جهان است ؛ و نه در شأن مخلوقات او .

ص: 276

و اسجدوا لله الذي خلقهن إن كنتم إياه تعبدون

تقدیم «ایاه» بر «تعبدون» علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

13 - مخلوق بودن، ناسازگار با مقام والای معبود بودن و مورد پرستش قرار گرفتن

لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا لله الذي خلقهن إن كنتم إياه تعبدون

348- ملاکهای معبودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 21 - 4,5

4 - آفریننده انسان ها، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است.

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

توصیف خداوند به «خالقیت» - پس از بیان لزوم پرستش او - بیانگر علت لزوم پرستش است.

5 - ربوبیت خداوند بر انسان ها، دلیل شایستگی او برای پرستش است.

اعبدوا ربکم

انتخاب «رب» به جای «الله» در «اعبدوا ربکم» به علت لزوم پرستش اشاره دارد؛ یعنی، چون خداوند رب است، شایسته پرستش است و باید عبادت شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 12

12 - شایستگی اله بودن و معبود شدن، تنها در خور خالق و آفریدگار انسان است.

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا إلی بارئکم

«بارء» از اسما و صفتهای الهی و به معنای آفریننده است. موسی(ع) با انتخاب این اسم و صفت در جمله «توبوا إلی بارئکم» - با توجه به اینکه مخاطبانش کسانی هستند که به پرستش غیر خدا روی آورده بودند - اشاره به این دارد که: خالق آدمی سزاوار معبود شدن است؛ چرا به غیر او گرایش پیدا کردید؟ باید توبه کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 34 - 4

4- دو چیز ، معیار استحقاق معبودیت و سزاوار پرستش بودن است : « توانایی بر پدید آوردن جهان » و « قدرت بر برپا کردن دوباره آن » .

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 35 - 3

3- قدرت بر هدایت و راهبری به سوی حق ، معیار استحقاق معبودیت و سزاوار پرستش بودن است .

ص: 277

قل هل من شركائكم من يهدى إلى الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 106 - 5

5 - عبادت ، مخصوص معبودی است که سود و زیان آدمیان ، تنها به دست اوست .

و لاتدع من دون الله ما لا ینفعک و لا یضرک

ص: 278

8- معجزه

1- معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 37 - 24

24 - کرامت مریم (س)، و ظهور امور خارق العاده برای وی

وجد عندها رزقاً .. قالت هو من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 47 - 3

3- آفریش عیسی (ع)، امری خارق العاده

ربّ ائنی یكون لی ولد ولم یمسسنی بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 49 - 3

3- ارسال رسول همراه با آیات روشنگر (معجزه)، جلوه ای از ربوبیت خداست .

ورسولاً .. ائنی قد جئتکم بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 50 - 9

9- ربوبیت حق، مقتضی فرستادن انبیا، همراه با معجزات

و جئتکم بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کفر و انکار بنی اسرائیل به رسالت عیسی (ع)، علی رغم مشاهده معجزات او

اَنتی قد جئتکم بایه من ربکم .. فلما احس عیسی منهم الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 8,9,12,13,22

8 - بعثت رسولان متعدّد برای بنی اسرائیل، همراه دلایل روشن (معجزات و براهین)

قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات

9 - سوخته شدن قربانی به آتشی از غیب، معجزه برخی انبیا و رسولان بنی اسرائیل

قال انّ الله عهد الینا .. قد جاءکم رسل ... وبالذی قلت

12 - شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقیقت آنان

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات وبالذی قلت فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، «بینه» گفته می شود که حق را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقیقت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

13 - یهود، حتی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند، بلکه آنان را کشتند.

قل قد جاءکم رسل من قبلی .. وبالذی قلت فلم قتلتموهم

22 - دروغ بودن ادعای یهود در مورد ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در صورت مشاهده معجزه درخواستی خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب)

قل قد جاءکم .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

2- آثار تکذیب معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- تکذیب ها و برخورد های ناروای پیشینیان با معجزات الهی ، سبب محرومیت نسل های بعد از دریافت آن

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 11

11- انکار آیات و معجزات الهی ، پس از علم به حقانیت آنها ، زمینه ساز هلاکت انسان

لقد علمت . . . و إني لأظنک یفرعون مشورًا

جمله «و إني لأظنک . . .»، پس از بیان اینکه فرعون آگاهانه معجزات الهی را رد کرد و افسون خواند، می تواند در مقام بیان عاقبت شوم مخالفت وی با آیات و معجزات روشنگر الهی باشد.

ص: 280

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 6 - 3

3- هلاکت ، سرنوشت امت های غیر مؤمن به معجزات درخواستی خویش

ماءمنت قبلهم من قریه أهلکنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 1

1 - انکار معجزات و دلایل روشن پیامبران و روی گردانی از تعالیم آنان ، عامل گرفتاری کافران پیشین به سرنوشت شوم و عذاب دردناک الهی

الذین کفروا .. لهم عذاب أليم . ذلک بأنّه کانت تأتیهم رسلهم بالبیّت ... فکفرو

«بیّنه» (مفرد «بیّات») به معنای دلیل و حجت است؛ ولی در قرآن بر معجزه پیامبران الهی نیز اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 25 - 7

7 - تکذیب پیامبران و معجزات آنان ، سرپیچی از رهنمود های ایشان و بازداشتن مردم از گرایش به آنان ، مایه گرفتاری به عذاب در دنیا و آخرت

فأخذہ اللّٰه نکال الآخره و الأولى

3- آثار معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 6

6 - حواریون عیسی (ع) تا قبل از نزول مائده ، در مراحل پایین ایمان و فاقد روحیه تسلیم در برابر خدا بودند .

اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم .. قال اتقوا اللّٰه ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 9

9 - معجزات پیامبران ، مایه اطمینان و یقین بر حقانیت رسالت آنان

ان ینزل علینا مائده . . و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 106 - 3

3 - معجزه ، نشان صداقت انبیا در ادعای رسالتشان

ص: 281

إن كنت جئت بئایه فأت بها إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 118 - 1

1 - عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوق الحق و بطل ما كانوا یعملون

دربرداشت فوق ضمیر «كانوا» و «یعملون» به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از «ما» در «ما كانوا ...» همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 15 - 6

6 - آیات الهی (معجزات) توشه راه و حربه پیروزی موسی و هارون (ع)

قال کلاً فاذهباً بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 155 - 2

2 - معجزه ، دلیل صدق پیامبران و رسالت آنان

فأت بایه إن كنت من الصدقین . قال هذه ناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 4

4 - اعطای نه معجزه و نشانه از سوی خدا به موسی (ع) برای هدایت فرعون و فرعونیان

فی تسع ءایت إلى فرعون و قومہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 82 - 9

9- ارائه معجزه ای سترگ ، اعطای فرصتی از سوی خداوند به کافران برای گرایش به ایمان

و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم

ارائه معجزه به یک معنا اعطای فرصت به کافران است تا آن دسته ای که زمینه ایمان آوردن دارند، از این فرصت استفاده کرده و ایمان آورند.

4- آثار معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 282

1 - ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامنا رب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص «موسی و هارون»، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - در پس تحقق معجزه موسی (ع) و شکست ساحران ، تنها گروه اندکی از بنی اسرائیل به وی گرویده و ایمان آوردند .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق بر اساس ارجاع ضمیر «من قومه» به «موسی» است ؛ ضمناً تکبیر «ذریه» دلالت بر تقلیل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اظهار معجزه در کوه طور ، به منظور تسکین قلب موسی (ع) انجام یافته بود .

لنریک

ارائه معجزه به موسی (ع)، علاوه بر آن که موسی (ع) را در برابر فرعون مجهز می ساخت، به دلیل «لنریک» آگاهی و اطمینان شخص آن حضرت را نیز بالا می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فألقى موسى عصاه .. قالوا آمنا بربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 48 - 1

1 - ساحران پس از مشاهده معجزه موسی ، بیزاری خود را از فرعون و ادعای ربوبیت او ، به صراحت و در حضور وی ، اعلام داشتند .

قالوا آمنا بربّ العلمین . ربّ موسی و هرون

جمله «ربّ موسی و هارون» - که عطف بیان برای «ربّ العالمین» می باشد - تعریضی است به فرعون و نیز کنایه از این نکته است که دیگر ربّ بودن تو، پذیرفتنی نیست.

ص: 283

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 35 - 6

6- قرار داشتن موسی و هارون (ع) در موضع اقتدار و تسلط، در پرتو آیات و معجزات الهی

و نجعل لکما سلطناً .. بنایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 47 - 4

4- «معجزه» نشانه ای الهی بر حقانیت رسالت و پیام توحیدی موسی (ع)

فلما جاءهم بآیتنا

در قرآن به جای واژه «معجزه»، «آیت و نشانه» به کار رفته است که بیانگر مطلب یاد شده است.

5- آثار معجزه هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 35 - 6

6- قرار داشتن موسی و هارون (ع) در موضع اقتدار و تسلط، در پرتو آیات و معجزات الهی

و نجعل لکما سلطناً .. بنایتنا

6- ابلاغ معجزه بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 13

13 - خداوند، به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا داشتن معجزه برای اثبات رسالت خویش را به فرعون ابلاغ کنند.

قد جئناک بـآیه

«آیه» اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است. بنابراین می توان بر معجزات متعدد نیز «آیه» اطلاق کرد.

7- اتمام حجت با معجزه

1 - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

ص: 284

و لو أنّا أهلكنهم بعداب من قبله لقالوا ربّنا لولا أرسلت

مراد از ضمیر در «من قبله» - به قرینه «لولا- أرسلت» - رسول است و ممکن است مربوط به کلمه «بیّنه» (در آیه قبل) باشد گرچه کلمه «بیّنه» مؤنث است؛ ولی به اعتبار این که به معنای برهان است، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 42 - 3

3 - تمام شدن حجت الهی بر فرعونیان ، نیازمند ارائه معجزات متعدد به ایشان *

کذبوا بایتنا کلّها

در آیات پیشین نسبت به اقوام گذشته سخن از ارائه معجزات و آیات متعدد نبود؛ اما در مورد فرعونیان سخن از معجزات متعدد به میان آمده است.

8- ارائه معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 1

1- هیچ مانعی از جانب خداوند ، برای فرستادن معجزات نیست .

و ما منعنا أن نرسل بالآیت

مقصود از «الآیات» به قرینه «و آتینا ثمود الناقه» - که درباره معجزه ناقه است - معجزات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 41 - 2

2 - ارائه آیات و معجزات متعدد به آل فرعون

و لقد جاءء آل فرعون النذر

مراد از اندازها به قرینه آیه بعد، می تواند معجزات هشداردهنده باشد؛ نه صرف اندازهای قولی.

9- ارائه معجزه به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - نمایانند معجزه به مؤمنان، از جمله اهداف الهی در پیشگویی و اخبار از حقایق آینده

وعدکم الله... و لتکون اءایه للمؤمنین

اسم «لتکون...» وعده های الهی و پیشگویی او است که از «وعدکم الله» استفاده می شود؛ یعنی، خداوند از گفتن این اخبار غیبی و این وعده ها، اهداف گوناگونی را دنبال می کند که یکی از آنها معجزه نمایی است.

ص: 285

10- ارائه معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 30 - 5

5- اقدام موسی (ع) به ارائه معجزه، پس از اقامه برهان و دلیل عقلی بر مدعای خویش و کارساز نیفتادن آن

قال رب السموت.. قال... لأجعلنك من المسجونين. قال أولوجئتک بشیء مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 32 - 1

1 - اقدام موسی (ع) به افکندن عصای خویش به منظور نشان دادن معجزه ای آشکار به فرعونیان

أولوجئتک بشیء مبین... فألقى عصاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 33 - 4

4- ارائه معجزات توسط موسی (ع) در حضور جمع (فرعون و اطرافیان)

و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

11- استهزای معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 14 - 1

1 - مشرکان صدر اسلام، هر معجزه ملموس و روشنی را به شدت مورد استهزا قرار داده و ایمان نمی آوردند.

و إذا رأوا آیه یتستخرون

مقصود از «آیه» معجزه است و متهم کردن آن به سحر از سوی مشرکان (در آیه بعد) مؤید همین مطلب است. گفتنی است «یتستخرون» به معنای «یستخرون» است و آمدن آن با «سین» و «تا» برای مبالغه می باشد.

12- استهزای معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 132 - 2

2 - فرعونیان در عین اعتراف به خارق العاده بودن معجزات موسی ، با لحنی تمسخرآمیز آیت بودن آنها را تکذیب می کردند .

ص: 286

مهما تأتتا به من آيه لتسحرنا بها

«لتسحرنا بها» (یعنی تا ما را به وسیله آن آیه سحر کنی)، می رساند که مراد از کلمه «آیه» در سخن فرعونیان «سحر» است و هدف آنان از اینکه آن را «آیه» نامیدند، استهزای موسی بوده است.

13- اعراض از معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 4 - 3، 4

3 - رویگردانی و تأثیرناپذیری کافران از هر گونه معجزه الهی

و ما تأتیهم من آیه من آیت ربهم إلا كانوا عنها معرضین

4 - برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من آیه . . . إلا كانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

14- اعراض از معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 22 - 5

5 - فرعون با مشاهده معجزه موسی (ع)، وحشت زده از آن روی برتافت و شتابزده گریزان شد . *

ثم أدبر یسعی

«إدبار» فرعون، - در یک احتمال - به معنای فرار او از ترس معجزه موسی (ع) است که در شکل مار عظیم ظاهر شده بود.

15- اقتراحی معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 9، 10

9 - منکران رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اصرار داشتند که آن حضرت معجزه دلخواه آنان را سریعاً ارائه کند.

ما عندی ما تستعجلون به

همان گونه که در آیات همین سوره، مانند آیه 8، 37 مطرح شده، از خواسته های منکران، نزول معجزاتی ویژه بوده است. لذا ممکن است مراد از «ما تستعجلون» همین گونه درخواستها باشد.

10 - ارائه معجزه، بدان گونه که مردم برگزینند و بخواهند، خارج از قلمرو اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

ما عندی ما تستعجلون به

ص: 287

16- امتحان با معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 33 - 1

1- ارائه آیات و معجزات از سوی خداوند به بنی اسرائیل ، دربردارنده آزمونی آشکار و انکارناپذیر برای ایشان

و ءاتینهم من الآيت ما فيه بلوا مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 4

4 - معجزات و دلایل روشن الهی بر خلق ، مایه آزمایش ایشان

إنا مرسلوا الناقه فتنه لهم

17- انبیا و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 9

9- پیامبران ، بدون اذن و رخصت خداوند نمی توانند آیت و معجزه ای به مردم ارائه کنند .

و ما كان لرسول أن يأتي بأية إلا بإذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 5

5 - پیامبران ، بدون اذن پروردگار ، توانایی آوردن هیچ معجزه ای را ندارند .

و ما كان لرسول أن يأتي بأية إلا بإذن الله

مقصود از «آیه» در این جا معجزه است.

18- انبیا و معجزه اقتراحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- انبیا در مقابل درخواست معجزه از سوی اقوام کفرپیشه ، خود را جز به اذن خداوند ، فاقد توانایی لازم برای آن می دانستند .

و ما کان لنا أن نأتیکم بسلطن إلاّ بإذن الله

ص: 288

19- انذار با معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 42 - 2

2 - معجزات الهی برای انذار و بیداری فرعونیان ، متعدد و گوناگون بود .

كذّبا بآيتنا كلّها

20- انكار معجزه موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 132 - 1

1 - فرعونیان با سحر خواندن تمامی معجزات موسی ، به وی گفتند که هرگز رسالتش را تصدیق نخواهند کرد .

مهما تأتانا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين

«مهما» از أسماء شرط و به معنای «ای شیء» است. و «من» در «من آیه» بیان «مهما» است. بنابراین جمله «مهما تأتانا ...» یعنی «هر چیزی را که به عنوان معجزه بیاوری ...»

21- اهمیت معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 41 - 10

10 - کاربرد اعجاز در اثبات حقایق ، حتی برای انبیای الهی

قال ایتك الا تكلم الناس ثلثه ایام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 11

11 - معجزه ، از راه های اثبات نبوت

قد جاءكم رسل من قبلی بالبیّنات و بالذی قلتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 16

16 - ضرورت پرهیز پیروان ادیان الهی از درخواست معجزه مجدد پس از اثبات رسالت انبیا با معجزات و دلایل روشن

ص: 289

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

22- اهمیت معجزه صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 17

17 - ناقه صالح آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه الله لكم آیه

اضافه «ناقه» به «الله» بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 2

2- ناقه صالح ، آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه الله لكم آیه

اضافه «ناقه» به «الله» علاوه بر اینکه اشاره به پیدایش ناقه صالح بدون جریان علل عادی دارد ، گویای عظمت و بزرگی ناقه نیز می باشد.

23- اهمیت معجزه عصای موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 23 - 1,4

1 - ارائه معجزه عصا و یدبضا به موسی (ع) در وادی طوی ، به جهت نمایاندن برخی معجزات بزرگ الهی به آن حضرت بود .

لنریک من آیتنا الکبری

«لنریک» متعلق به فعلی است که از «آیه آخری» انتزاع می شود؛ یعنی آیه آوردیم تا . . . «من» برای تبعیض است و دلالت می کند که مراد، نشان دادن بعضی از آیات بزرگ خداوند است.

4 - معجزه عصای موسی (ع) و یدبضای او ، دو نمونه از بزرگ ترین نشانه ها و معجزات الهی اند .

من آیتنا الکبری

24- اهمیت معجزه ید بیضا موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 23 - 4, 1

ص: 290

1 - ارائه معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع) در وادی طوی، به جهت نمایاندن برخی معجزات بزرگ الهی به آن حضرت بود.

لنریک من ایتنا الکبری

«لنریک» متعلق به فعلی است که از «آیه اُخری» انتزاع می شود؛ یعنی آیه آوردیم تا... «من» برای تبعیض است و دلالت می کند که مراد، نشان دادن بعضی از آیات بزرگ خداوند است.

4 - معجزه عصای موسی (ع) و یدبیضای او، دو نمونه از بزرگ ترین نشانه ها و معجزات الهی اند.

من ایتنا الکبری

25- ایمان به معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 70 - 5

5 - ساحران به جهت تخصص در سحر، حقانیت گفته های موسی (ع) و سحر نبودن کار او را به روشنی درک کردند.

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدًا قَالُوا آمَنَّا

از ظاهر آیه برمی آید، که در میدان مبارزه، تنها ساحران بودند که ایمان خود را اعلام کردند و یا لااقل اولین افراد بودند. این سبقت در ایمان از سوی ساحران، به جهت شناخت آنان از کار خود و تفاوت آن با معجزه بود.

26- بنی اسرائیل و معجزه عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 39,40

39 - کافران بنی اسرائیل معجزات حضرت مسیح (ع) را سحر و جادویی روشن قلمداد کردند.

فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ اِنْ هَذَا اِلَّا سِحْرٌ مِّبِينٌ

40 - کافران بنی اسرائیل پس از مشاهده معجزات عیسی (ع)، وی را ساحری زبردست معرفی کردند.

فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ اِنْ هَذَا اِلَّا سِحْرٌ مِّبِينٌ

در برداشت فوق «هذا» اشاره به مسیح (ع) گرفته شده است، بر این مبنا اطلاق سحر به آن حضرت از باب مبالغه و حاکی از این است که کافران وی را ساحری زبردست می پنداشتند به گونه ای که گویا خود آن حضرت، سحر است.

27- بی تأثیری معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 101 - 11

11 - بی تأثیری معجزات و دلایل روشن در قلب ها ، نشان مهرزدگی آن قلبهاست .

ص: 291

فما كانوا ليؤمنوا .. كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين

28- بی تأثیری معجزه بر رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 3

3 - عدم تأثیر آیات (معجزات) الهی در سردمداران مجرم

و إذا جاءتهم آية قالوا لن نؤمن حتى نؤتى مثل ما أوتى رسل الله

29- بی تأثیری معجزه بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 101 - 4

4- معجزات متعدد موسی (ع)، در فرعون هیچ گونه اثری نبخشید.

و لقد آتينا موسى تسع آيات بيّنت ... فقال له فرعون إني لأظنك ي موسى مسحورًا

30- بی تأثیری معجزه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 101 - 8

8 - معجزات انبیا بی تأثیر در کفرپیشگان و تکذیب کنندگان معارف الهی برای ایمان به آن معارف

و لقد جاءتهم رسلهم بالبينت فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 3,5,6,13

3 - اگر امور غیبی برای بهانه جویان و منکران آیات الهی محسوس شود، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزلنا إليهم الملائكة و كلمهم الموتى و حشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا

ملائكة، سخن گفتن مردگان، شهادت موجودات جملگی از امور غیبی هستند که حتی در فرض محسوس شدن آنها، گروهی ایمان

نخواهند آورد.

5 - اگر تمامی موجودات دسته دسته برانگیخته شوند و بر حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شهادت دهند، برخی کافران ایمان نمی آورند.

و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما كانوا لیؤمنوا

«قبلا» در این برداشت جمع «قبیل»، به معنی دسته و صنف گرفته شده است. «و القبیل الجماعه ... من اقوام شتی». (قاموس

ص: 292

6 - مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفندتهم و أبصرهم . . . و لو أننا نزلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

13 - اغلب درخواست کنندگان نزول معجزات از تأثیر نداشتن آن بر کافران آگاهی نداشتند.

ما كانوا ليؤمنوا إلا أن يشاء الله و لكن أكثرهم يجهلون

مرجع ضمیر در «أكثرهم» می تواند مؤمنانی باشد که خواهان نزول آیات و اجابت درخواست مشرکان بودند، چنانچه در آیات قبل نیز این احتمال یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 9 - 4

4- علم خداوند به بی تأثیری معجزات درخواستی کفرپیشگان، دلیل اعطا نکردن آنها به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و يقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية .. الله يعلم ما تحمل ... علم الغيب و

و نهنها، پس از اشاره به این که تقاضای کافران مبنی بر ارائه معجزه را پاسخ نمی دهد، حاوی این نکته است که: خداوند می داند ارائه معجزات پیشنهادی کافران اثری در هدایت ایشان ندارد. از این روست که به درخواست آنان پاسخ نمی دهد.

تفسیر عیاشی، ج 2، ص 205، ح 13؛ نورالتقلین، ج 2، ص 485، ح 34.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 27 - 9

9- بی تأثیری معجزات خاص و پیشنهادی کفرپیشگان در هدایت آنان، دلیل اهدا نشدن آنها به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لولا أنزل عليه آية من ربه قل إن الله يضل من يشاء و يهدى إليه من أناب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 3، 2، 1

1- نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد، زمین را قطعه قطعه کند، مردگان را زنده سازد، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد.

و لو أن قرءاناً سیّرت به الجبال أو قَطّعت به الأرض أو کَلّم به الموتی

«تسییر» (مصدر سیّرت) به معنای حرکت دادن است و «تقطیع» (مصدر قَطّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت «بل لله الأمر» و نیز «أن لو یشاء الله لهدی الناس» گویای این است که جواب شرط «لو أن»

«...» جمله ای نظیر «لم یهدوا إن لم یشأ الله» است.

2- آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت را برای آنان بیان کنند، هدایت نخواهند یافت.

و لو أن قرءاناً .. کَلّم به الموتی

هر یک از جمله های «سیّرت به الجبال» و «قَطّعت به الأرض» و «کَلّم به الموتی» حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله «کَلّم به الموتی» حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواستند تا

مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

3- آنان که با مشاهده و تلاوت قرآن نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هدایت نشوند، با مشاهده هیچ آیت و معجزه ای هدایت نخواهند شد.

و لو أن قرءاناً سیرت به الجبال . . . بل لله الأمر جميعاً

31- بی تأثیری معجزه بر لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 111 - 4

4- لجاجت پیشگان، حتی در صورت سخن گفتن مردگان با ایشان و شهادت بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایمان نمی آورند.

و لو أننا . . . و كلمهم الموتی . . . ما كانوا لیؤمنوا

32- بی تأثیری معجزه بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 111 - 14، 7، 2

2- مشرکان لجوج، حتی در صورت نزول ملائکه بر ایشان، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزلنا إلیهم الملائکه . . . ما كانوا لیؤمنوا

7- تأثیر نداشتن هر نوع معجزه در مشرکان، دلیل ارائه نشدن معجزات مورد درخواست آنان است.

و ما یشعركم أنها إذا جاءت لا یؤمنون . . . و لو أننا نزلنا . . . ما كانوا لیؤمنوا

14 - بسیاری از منکران معاند به تأثیر نداشتن هیچ آیه و معجزه ای در قلب خویش ناآگاه هستند.

ولکن اکثرهم یجهلون

متعلق «یجهلون» در کلام مذکور نیست. ، ولی به قرینه موضوعات مطرح شده در آیه متعلق آن می تواند چنین باشد: «یجهلون عدم ایمانهم». مرجع ضمیر «اکثرهم» در این برداشت همان مشرکانی هستند که قسم یاد می کردند که در صورت نزول آیتی ایمان خواهند آورد.

33- بی تأثیری معجزه بر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 101 - 8

8 - معجزات انبیا بی تأثیر در کفرپیشگان و تکذیب کنندگان معارف الهی برای ایمان به آن معارف

و لقد جاءتهم رسلهم بالبينت فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل

ص: 294

34- بی تأثیری معجزه در مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 3

3 - یکسانی عنادورزی و حق ناباوری مشرکان، قبل و بعد از دیدن معجزه مورد درخواست خویش

و نقلب .. . کما لم يؤمنوا به أول مره

35- پذیرش معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 248 - 15

15 - ایمان (باور) ، زمینه ساز پذیرش معجزات الهی و بهره مندی از آن

انّ فی ذلک لآیه لکم ان کنتم مؤمنین

36- تبیین محدوده معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 50 - 10

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف بود که حیطة کاری نبوت اش را ، برای مشرکان ، تبیین کند .

وقالوا لولا أنزل علیه آیت .. . قل إنّما الآیت عند الله و إنّما أنا نذیر

37- تبیین منشأ معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 50 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف بود که منشأ تحقق معجزات را ، برای مشرکان ، تبیین کند .

لولا أنزل علیه آیت .. . قل إنّما الآیت عند الله

38- تداوم معجزه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 2 - 4

4 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، دارای معجزاتی متعدد و مستمر

وإن یروا آیه یعرضوا یقولوا سحر مستمرّ

از این که کافران، بر استمرار کارهای خارق العاده پیامبر (صلی الله علیه و آله) انگشت می نهادند، استفاده می شود که جلوه های اعجازی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مقطعی نبود؛ بلکه پایا و مستمر بوده است؛ گاه با «شق القمر» و زمانی با آیات جدید قرآن.

39- ترس از معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 22 - 5

5 - فرعون با مشاهده معجزه موسی (ع)، وحشت زده از آن روی برتافت و شتابزده گریزان شد . *

ثمّ أدبر یسعی

«إدبار» فرعون، - در یک احتمال - به معنای فرار او از ترس معجزه موسی (ع) است که در شکل مار عظیم ظاهر شده بود.

40- ترسناکی معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 3

3 - تجهیز موسی (ع) از سوی خدا به معجزه ای بیم آفرین و معجزه ای زیبا و پرجاذبه

وَأَلْقَ عَصَاكَ ... وُلّی مدبرًا ... و أدخل یدک... بیضاء من غیر سوء

41- تعجب از معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 32 - 3

3 - تبدیل عصای موسی (ع) به اژدها، پدیده ای شگفت و دور از انتظار فرعونیان

فألقى عصاه فإذا هي ثعبان مبين

برداشت یاد شده از «إذا» فجائیه استفاده می شود؛ زیرا این کلمه می رساند که مفاد جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره انجام شده است.

ص: 296

42- تعداد معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 101 - 1

1- اعطای نُه معجزه روشن و گویا به موسی (ع) از جانب خداوند

و لقد آتینا موسی تسع آیت بیّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 4

4- اعطای نه معجزه و نشانه از سوی خدا به موسی (ع) برای هدایت فرعون و فرعونیان

فی تسع آیت إلی فرعون و قومه

43- تعداد معجزه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 2 - 4

4- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، دارای معجزاتی متعدد و مستمر

و إن یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمرّ

از این که کافران، بر استمرار کارهای خارق العاده پیامبر (صلی الله علیه و آله) انگشت می نهادند، استفاده می شود که جلوه های اعجازی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مقطعی نبود؛ بلکه پایا و مستمر بوده است؛ گاه با «شق القمر» و زمانی با آیات جدید قرآن.

44- تعداد معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 26

26 - ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانجست ... ظللنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 3

3 - موسی و هارون (ع) برای اثبات نبوت خود، دارای معجزات متعددی بودند.

ثم بعثنا... موسی و هرون... بأیتنا

ص: 297

با توجه به جمله «قالوا إن هذا لسحر مبين» در آیه بعد، استفاده می شود که مراد از «آیات» در این جا عبارت از کارهایی است که بشر بر انجام آن توانایی ندارد؛ بلکه به طور یقین فعل خداست که به دست انسانی انجام گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 96 - 2

2- موسی (ع) برخوردار از معجزاتی فراوان و با عظمت بر رسالت الهی خویش

و لقد أرسلنا موسی بآیتنا

مراد از آیات (نشانه ها) در آیه فوق، معجزات است و جمع آوردن آن حاکی از کثرت آنهاست. اضافه آن به ضمیر متکلم (نا) دلالت بر عظمت و بزرگی آن معجزات دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 5 - 1

1- حضرت موسی (ع)، همراه با آیات و معجزات متعدد از سوی خداوند برای مردم عصر خویش مبعوث شد.

و لقد أرسلنا موسی بآیتنا أن أخرج قومک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 42 - 5

5- موسی و هارون (ع)، از معجزات متعددی برای انجام دعوت خویش برخوردار بودند.

اذهب... ب-آیتی

ذکر «آیات» به صورت جمع، نشانگر تعدد آیات و معجزات اعطایی به موسی و هارون است. در توجیه این تعدد دو احتمال وجود دارد:

1- معجزه عصا و یدییضا - گرچه به صورت کلی دو معجزه بود - اما حاوی معجزاتی متعدد بود؛ زیرا مار شدن عصا و حرکت آن و عصا شدن مار، هر یک می تواند معجزه ای خاص باشد. 2- خداوند با این تعبیر به موسی (ع) وعده داده است که پس از این نیز معجزاتی به موسی (ع) عطا خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 72 - 5

5 - تبدیل عصا به موجودی که ابزار سحر ساحران را بلعید و به حالت اولیه برگشت، حاوی نشانه های متعددی بر رسالت موسی (ع)

ما جاءنا من البَيِّنَات

از این که ساحران، از مشاهدات خود با تعبیر «بَيِّنَات» (جمع «بَيِّنَة») یاد کردند، به دست می آید که آنچه دیدند، معجزات متعددی در ضمن یک معجزه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 45 - 7

7 - موسی (ع) ، دارای معجزاتی متعدد

ص: 298

ثم أرسلنا موسى . . . بآيتنا

«آیه» به معنای نشانه است و مقصود از آن در مورد بعثت پیامبران، معجزه است به این اعتبار که معجزه، نشانه صدق ادعای پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 15 - 5

5 - تجهیز موسی و هارون (ع) به وسیله آیات و معجزات گوناگون الهی برای ایفای نقش رسالت

فازدها بآیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 35 - 5

5 - تجهیز موسی و هارون (ع) از سوی خداوند، به آیات و معجزات متعدد برای ایفای رسالت

بآیتنا

یکی از معانی «آیه» معجزه است. بنابراین «بآیاتنا» در این جا معادل با «بمعجزاتنا» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 36 - 2

2 - موسی (ع) معجزات متعددی را به فرعونیان ارائه کرد .

فلما جاءهم موسی بآیتنا ینبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 23 - 3

3 - آیات و دلایل ارائه شده از سوی موسی (ع)، متعدد و گوناگون بود .

بآیتنا و سلطن مبین

برداشت یاد شده از جمع آمدن «آیات» به دست می آید.

45- تعداد معجزه هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 3

3 - موسی و هارون (ع) برای اثبات نبوت خود، دارای معجزات متعددی بودند.

ثم بعثنا .. موسی و هرون ... بأیتنا

با توجه به جمله «قالوا این هذا لسحر مبین» در آیه بعد، استفاده می شود که مراد از «آیات» در این جا عبارت از کارهایی است که بشر بر انجام آن توانایی ندارد؛ بلکه به طور یقین فعل خداست که به دست انسانی انجام گرفته است.

ص: 299

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 42 - 5

5- موسی و هارون (ع)، از معجزات متعددی برای انجام دعوت خویش برخوردار بودند.

اذهب .. ب- ایتی

ذکر «آیات» به صورت جمع، نشانگر تعدد آیات و معجزات اعطایی به موسی و هارون است. در توجیه این تعدد دو احتمال وجود دارد:

1- معجزه عصا و یدبضا - گرچه به صورت کلی دو معجزه بود - اما حاوی معجزاتی متعدد بود؛ زیرا مار شدن عصا و حرکت آن و عصا شدن مار، هر یک می تواند معجزه ای خاص باشد. 2- خداوند با این تعبیر به موسی (ع) وعده داده است که پس از این نیز معجزاتی به موسی (ع) عطا خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 15 - 5

5- تجهیز موسی و هارون (ع) به وسیله آیات و معجزات گوناگون الهی برای ایفای نقش رسالت

فاذها بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 35 - 5

5- تجهیز موسی و هارون (ع) از سوی خداوند، به آیات و معجزات متعدد برای ایفای رسالت

بنایتنا

یکی از معانی «آیه» معجزه است. بنابراین «بآیاتنا» در این جا معادل با «بمعجزاتنا» می باشد.

46- تعدد معجزه هود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 3

3- هود (ع)، معجزات متعددی را برای اثبات ربوبیت خداوند در اختیار قوم عاد قرار داد. *

و تلک عاد جحدوا بآیت ربهم

47- تعقل در معجزه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 20

20 - تفکر درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معجزات وی، مورد ترغیب و توصیه خداوند

ص: 300

قل لا أقول لكم .. أفلا تتفكرون

از مصادیق مهم و بارز مذکور در آیه، محدوده قدرت و وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که جمله «أفلا تتفكرون» همه مردم را به تفکر درباره آن فرا می خواند.

48- تفاوت معجزه با جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 5 - 8

8- آگاهی مشرکان در عصر بعثت، از ماهیت معجزه و فرق آن با سحر و خواب های پریشان و شعر

بل قالوا أضغث أحلم بل افتريه بل هو شاعر

مشرکان در مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ابتدا سخن او را سحر، یا شعر و یا خواب های آشفته می دانستند. سپس برای اثبات رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ایشان خواستار معجزه شدند. این می رساند که آنان از معجزه و فرق آن با سحر و شعر و... آگاه بودند و به آن اعتراف داشتند.

49- تفاوت معجزه و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 7

7- بصیرت بخشی و بینش دهی معجزه، ملاک تمایز آن از سحر و جادوگری

إني لأظنك يموسى مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا... بصائر

تأکید موسی (ع) بر «بصائر» بودن معجزاتش در قبال اتهام سحر به معجزات او از سوی فرعون، می تواند خود ردی باشد بر اتهام فرعون با ارائه ملاک؛ یعنی، سحر هرگز بصیرت آفرین نیست در حالی که معجزه، بصیرت آفرین است.

50- تکذیب معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 3

3- آیات الهی (معجزات پیامبران و...) مورد انکار یهودیان

و كفرهم بايت الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 5 - 1

ص: 301

1 - کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ

جمله ظرفیه «لَمَّا جَاءَهُمْ» به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 14، 8

8- تکذیب معجزات درخواستی از سوی امت های پیشین ، دلیل بهانه جویی و بی صداقتی تقاضا کنندگان معجزات متعدد است .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

از اینکه تکذیب معجزات درخواستی (اقتراحی) از سوی پیشینیان، دلیل امتناع خداوند از ارائه معجزات برای امت های بعدی مطرح شده است می تواند نشان از بی صداقتی و بهانه جویی این امتها باشد و خداوند به همین دلیل به معجزات درخواستی اینها، پاسخ منفی داده است.

14- تکذیب معجزات و آیات الهی ، ظلم به آنهاست .

كذب بها الأولون . . . فظلموا بها

51- تکذیب معجزه محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 4

4 - انکار معجزه بودن معجزات ارائه شده از جانب پیامبر(صلی الله علیه و آله)، از بهانه های منکران رسالت

لئن جاءتهم آية ليؤمننَّ بها

تردید نیست که پیامبر(صلی الله علیه و آله) معجزاتی را به مردم ارائه می کرد، ولی مشرکان با درخواست نزول آیات گویا در صدد انکار آن معجزات بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 133 - 2، 4

2- منکران رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با نادیده گرفتن معجزه قرآن ، آن حضرت را فاقد هرگونه معجزه معرفی می کردند .

وقالوا لولا يأتينا بـ-آيه من ربّه أولم تأتتهم بيّنه

4- انكار معجزات پيامبر (صلی الله عليه و آله) و دلايل روشن رسالت او، موجب آزردهنگی و رنج آن حضرت بود.

فاصبر على ما يقولون . . . وقالوا لولا يأتينا بـ-آيه

52- تكذيب معجزه موسى (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 302

8 - فرعون و بزرگان دربار او، آیات و معجزات ارائه شده از سوی موسی را تکذیب کردند.

بئایتنا إلی فرعون و مایه فظلموا بها

ضمیر در «بها» به «آیاتنا» برمی گردد و چون «ظلم» به حرف باء متعدی شده (ظلموا بها) متضمن معنای تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - فرعونیان در عین اعتراف به خارق العاده بودن معجزات موسی، با لحنی تمسخرآمیز آیت بودن آنها را تکذیب می کردند.

مهما تأتتا به من ءایه لتسحرنا بها

«لتسحرنا بها» (یعنی تا ما را به وسیله آن آیه سحر کنی)، می رساند که مراد از کلمه «آیه» در سخن فرعونیان «سحر» است و هدف آنان از اینکه آن را «آیه» نامیدند، استهزای موسی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - انکار معجزات الهی، از سوی فرعونیان با وجود یقین درونی به حقانیت آن

و جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم

«جَحد» (مصدر «جحدوا») به معنای نفی و انکار کردن است. «استیقان» (مصدر «استیقنت») معادل «ایقان» و جمله «استیقنتها أنفسهم» حال برای ضمیر فاعل در «جحدوا» است؛ یعنی، در حالی که جان های آنان به الهی بودن آیات یقین داشت باز آنها را انکار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - انکار معجزات موسی از سوی فرعونیان، به اتهام سحر و ساختگی بودن آنها

فلما جاءهم موسی بئایتنا بینت قالوا ما هذا إلا سحر مفتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - فرعون، نشانه رسالت موسی (ع) و معجزه بودن آن را نپذیرفت و بی درنگ آن را تکذیب کرد.

فکذب

حرف «فاء» برای تعقیب بدون فاصله است و می رساند که فرعون، پیش از هر گونه تأمل و درنگ، به تکذیب و عصیان پرداخت. متعلق تکذیب - به قرینه «الآیه الکبری» در آیه قبل - معجزه موسی (ع) است. از اقدام فرعون به آوردن مثل معجزه موسی (ع)، - که آیات بعد بر آن دلالت دارد - دانسته می شود که فرعون، معجزه بودن آن و دلالتش بر صداقت موسی (ع) را تکذیب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - خداوند ، فرعون را به دلیل تکذیب رسالت و معجزه موسی (ع) و عصیانگری و ادعای ربوبیت ، هلاک ساخت .

فكذَّب وعصى . . . فقال أنا ربكم الأعلى . فأخذ الله نكال الأخره و الأولى

می توان گفت: فاء در «فأخذ الله»، کیفر را بر تمام کارهای فرعون که در آیات قبل آمده بود، تفریع کرده است.

53- تکذیب معجزه هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 53 - 2

2- قوم عاد ، هود (ع) را به نداشتن معجزه و دلیلی روشن بر حقانیت نبوتش ، متهم می کردند .

قالوا يهود ما جئنا بيينه

54- تهمت جادو به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 15 - 1

1 - مشرکان صدر اسلام ، معجزات الهی را سحری آشکار و بی تردید می دانستند .

وقالوا إن هذا إلا سحر مبين

مشارالیه «هذا» هم می تواند معجزه باشد - که در آیه قبل از آن به «آیه» یاد شده است - و هم می تواند قرآن کریم باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

55- جادوگران فرعون و معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 120 - 2, 1

1 - ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

وألقي السحرة سجدين

2 - ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

6 - اعراف - 7 - 121 - 1

1 - ساحران با مشاہدہ معجزہ موسیٰ (ع) ربوبیت خداوند را بر تما ہستی باور کردند و بہ آن ایمان آوردند .

ص: 304

قالوا ءامنا برب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 122 - 1

1 - ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسى (ع)، به ربوبيت خدای موسى (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمين. رب موسى و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 70 - 3، 2

2 - ساحران با مشاهده معجزه موسى و بلعیده شدن سحرشان با اعجاز او، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا

3 - ساحران، با مشاهده معجزه موسى، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا ءامنا برب هرون و موسى

56- جاودانگی معجزه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 38 - 4

4 - قرآن، معجزه جاودان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم يقولون افتريه قل فأتوا بسوره مثله

57- حقانیت معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 45 - 3

3 - معجزه، امری واقعی، و سحر عملی خیالی و فاقد حقیقت و واقعیت است .

فَأَلْقَى مَوْسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

«إفك» در اصل به سخنی گفته می شود که اصل و ریشه نداشته و دروغ است. بنابراین سحر را بدان جهت «إفک» می نامند که فاقد حقیقت و واقعیت است.

ص: 305

58- حقانیت معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 2

2 - حضرت موسی (ع) برای اثبات نبوت خود و هارون (ع)، معجزه ای بزرگ - که در حق و الهی بودن آن شبهه ای نبود - به فرعون و اطرافیانش ارائه کرد .

فلما جاءهم الحق من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 1

1- تذکر موسی (ع) به آگاهی و اعتقاد درونی فرعون به حقانیت معجزات او علی رغم سحر خواندن آنها

إني لأظنك يموسى مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا رب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 46 - 5

5- وجود نشانه هایی تردیدناپذیر در تفاوت معجزه موسی با هرگونه افسون ، در نظر سحرشناسان

فألقي السحرة سجدين

برداشت یاد شده از سجده بی درنگ ساحران، در پی مشاهده معجزه موسی استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 14 - 1

1 - انکار معجزات الهی ، از سوی فرعونیان با وجود یقین درونی به حقانیت آن

و جحدوا بها و استيقنتها أنفسهم

«جَحَدُوا» (مصدر «جحدوا») به معنای نفی و انکار کردن است. «استيقان» (مصدر «استيقنت») معادل «ایقان» و جمله «استيقنتها أنفسهم» حال برای ضمیر فاعل در «جحدوا» است؛ یعنی، در حالی که جان های آنان به الهی بودن آیات یقین داشت باز آنها را انکار کردند.

59- حقایق معجزه هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 2

2 - حضرت موسی (ع) برای اثبات نبوت خود و هارون (ع)، معجزه ای بزرگ - که در حق و الهی بودن آن شبهه ای نبود - به فرعون و اطرافیانش ارائه کرد .

فلما جاءهم الحق من عندنا

ص: 306

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 1

1 - معجزه ، وقوع پدیده ای حق و دارای واقعیت است .

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 77 - 3

3 - معجزه ، وقوع پدیده ای حق و دارای واقعیت است .

أتقولون للحق لما جاءكم أسحر هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 82 - 2

2 - معجزات پیامبران ، کلمات خدایند .

ثم بعثنا .. موسى و هرون ... بأيتنا ... و يحق الله الحق بكلمته

با توجه به اینکه یکی از موارد ابطال باطل و احقاق و تثبیت حق، به وسیله معجزه حضرت موسی (ع) بوده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 5 - 2

2- معجزات حضرت موسی (ع) ، فعل خدا بود که توسط آن حضرت تحقق یافت .

و لقد أرسلنا موسى بأيتنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که: مراد از «آیاتنا» معجزاتی باشد که توسط حضرت موسی (ع) انجام می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- آگاهی مشرکان در عصر بعثت ، از ماهیت معجزه و فرق آن با سحر و خواب های پریشان و شعر

بل قالوا أضغث أحلم بل افتريه بل هو شاعر

مشرکان در مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ابتدا سخن او را سحر، یا شعر و یا خواب های آشفته می دانستند. سپس برای اثبات رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ایشان خواستار معجزه شدند. این می رساند که آنان از معجزه و فرق آن با سحر و شعر و... آگاه بودند و به آن اعتراف داشتند.

ص: 307

61- درخواست معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 2,3

2 - مشرکان ، برای پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهان نشانه و معجزه ای بر حقانیت او بودند .

وقال الذين لا يعلمون لولا .. أو تأتينا آية

3 - مشرکان خواهان تحقق معجزه ای بودند که خود آن را پیشنهاد می کردند . *

وقال الذين لا يعلمون لولا .. أو تأتينا آية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 4

4 - درخواست معجزه های بی مورد ، شیوه اهل کتاب در برابر دعوت پیامبران

يسئلك أهل الكتب .. فقد سألوا موسى أكبر من ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 24 - 11

11 - بنی اسرائیل ، با اعلام کناره گیری از نبرد ، خواستار معجزه موسی (ع) و امداد خاص الهی برای فتح سرزمین مقدس

فاذهب انت وربك فقتلا

امدادهای الهی و معجزات موسی (ع) برای نابودی فرعونیان در حضور بنی اسرائیل، می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از «اذهب ..» توقع و درخواست امداد خداوند و معجزه موسی (ع) برای نابودی جباران است، به گونه ای که نیاز به جهاد و مبارزه نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 14,7,4

4 - حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ينزل علينا مائدة

کلمه «علینا» به قرینه «نأکل» و «قلوبنا» و «نعلم» و «نکون» در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

7 - حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه (نزول مائده آسمانی) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائدة من السماء قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

14 - حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

ص: 308

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 8 - 2

2 - گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با درخواست معجزاتی غیر عملی

و لو أنزلنا ملكا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

حرف «لو» غالباً در مواردی به کار گرفته می شود که شرط، امری غیر عملی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 3

3 - گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با درخواست معجزاتی غیر عملی

و لو جعلناه ملكا لجعلناه رجلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 37 - 5, 7, 8, 9, 10, 11

5 - تقاضای معجزات ویژه و دلخواه، برخاسته از نادانی است.

و لكن أكثرهم لا يعلمون

نفی علم از درخواست کنندگان معجزات ویژه بیانگر این است که نادانی زمینه پیدایش این نوع تقاضاهاست.

7 - معدودی از مشرکان می دانستند که خداوند توان آوردن معجزه درخواستی آنان را دارد.

و لكن أكثرهم لا يعلمون

8 - ناآگاهی اغلب مشرکان به فلسفه عدم نزول معجزات درخواستی آنان

وقالوا لولا نزل عليه آية... و لكن أكثرهم لا يعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که «لا يعلمون» جمله ای مانند «حکمه عدم نزول الآيات» باشد.

9 - اقلیتی از مشرکان به فلسفه نازل نشدن معجزات ویژه درخواستی خویش آگاه بودند.

وقالوا لولا نزل عليه آية... و لكن أكثرهم لا يعلمون

10 - تبلیغات مشرکان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، علی رغم آگاهی به قدرت الهی و فلسفه نازل نشدن معجزات درخواستی

وقالوا لولا نزل علیه آیه من ربه قل إن الله قادر . . . و لكن أكثرهم لا یعلمون

اگر مشرکان اعتقاد به قدرت خدا نداشتند، جمله «قل إن الله قادر» ادعایی محض بود. بر این اساس آنان قدرت خداند را بر نزول هرگونه معجزه قبول داشتند. گذشته از اینکه اقلیتی از آنان به تصریح آیه به علت عدم نزول معجزات مورد درخواست خود نیز آگاه بودند.

11 - برخی از مشرکان، علی رغم آگاهی به قدرت خداوند بر نزول هر معجزه و فلسفه نازل نشدن آن، خواهان نزول معجزات ویژه خود بودند.

وقالوا لولا نزل . . . إن الله قادر . . . و لكن أكثرهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 7

7 - پاسخ به درخواست نابجای نزول معجزات، با نظام قانونمند هدایت ناسازگار است.

ص: 309

وقالوا لولا نزل عليه آية... ما فرطنا في الكتاب من شيء

جمله «ما فرطنا» می تواند اشاره به این نکته باشد که اگر نزول آیات مورد درخواست مشرکان بجا بود، باید در کتاب آفرینش ثبت شده باشد و آنگاه به منصفه ظهور درآید. و چون چنین چیزی در آنجا ثبت نگردیده و چیزی نیز در آنجا از قلم نیفتاده است، بنابراین خواست مشرکان هیچگونه توجیه منطقی و معقول و بجا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 10

10 - ارائه معجزه، بدان گونه که مردم برگزینند و بخواهند، خارج از قلمرو اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

ما عندی ما تستعجلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 3

3 - مشرکان خواهان دریافت معجزه ای، جز آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ارائه می نمود، بودند.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن جاءتهم آية

بدیهی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) قطعاً معجزاتی را به آنان نمایانده است و با این وصف آنان از سر بهانه جویی معجزات دیگری را طلب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 6

6 - مشرکان مکه با وجود ایمان نیاوردن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) با معجزات ارائه شده، مجدداً خواهان معجزات دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

و أقسموا... لئن جاءتهم آية... إذا جاءت لایؤمنون... كما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 1

1 - نزول ملائکه بر مشرکان و سخن گفتن مردگان با ایشان، از معجزات درخواستی آنان بوده است.

لئن جاءتهم آية... ولو أننا نزلنا... ما كانوا ليؤمنوا

ذکر نزول ملائکه و سخن گفتن با مردگان در آیه حکایت از آن دارد که این قبیل معجزات مورد درخواست مشرکان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 114 - 13، 4

4 - با نزول قرآن جایی برای نزول معجزات درخواستی مشرکان متصور نیست.

ولو أننا نزلنا إليهم... أفعير الله أبتغي حكما وهو الذي أنزل إليكم الكتب

به نظر می رسد جمله استفهامی توییحی «أفعير الله أبتغي...» به قرینه آیات قبل، تعریض به کسانی باشد که دلیل و معجزه ای غیر از قرآن طلب می کردند و جمله «و هو الذي أنزل...» تتمیمی بر این تعریض است. یعنی با وجود قرآن جایی برای درخواستهای دیگر نمی ماند.

ص: 310

13 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان در اینکه معجزه طلبی مشرکان از سر حقیقی نیست، نباید به خود تردید راه دهند.

فلا تکونن من الممترین

متعلق «مترین» باید چیزی متناسب با مضمون آیه باشد. پیام اصلی آیه آن است که معجزه طلبی کافران و مخالفتهای اهل کتاب با پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سر حقیقی نیست. بنابراین «لا تکونن من الممترین» یعنی تردیدی در این مسأله نداشته باش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 107 - 1

1 - موسی (ع) در پاسخ فرعون (درخواست آیت رسالت) عصای خویش را رها ساخت .

فألقى عصاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 108 - 1

1 - موسی (ع) در پی درخواست فرعون (آوردن معجزه) دومین آیت رسالت خویش را ارائه کرد .

إن كنت جئت بئایه فأت بها .. و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 28

28- اقوام کافر پیشین ، ضمن طرح شبهاتی در مقابل دعوت روشن انبیا ، از آنان خواستار دلیلی قاطع و روشن (معجزه) بودند .

إن أنتم إلا بشر مثلنا .. فأتونا بسلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 5 - 7

7- مشرکان ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهان معجزه ای همانند معجزات پیامبران پیشین بودند .

فلیأتنا بایه كما أرسل الأؤلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- درخواست معجزه از سوی مشرکان ستم پیشه مکه ، در جهت بهانه جویی بود ؛ نه حقیقت طلبی .

فلیأتنا .. أفهم یؤمنون

خداوند، درخواست معجزه از طرف مشرکان را به این دلیل ردّ فرمود که آنان مانند مشرکان اقوام گذشته، قصد ایمان آوردن نداشتند. بنابراین چنین درخواستی بهانه و دست آویزی بیش نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 154 - 5

5 - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

ص: 311

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 52 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف بود که کفایت گواهی خداوند را میان او و معجزه خواهان کافر ابلاغ کند .

قل کفی بالله بینی و بینکم شهیدًا

62- درخواست معجزه از صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 154 - 6

6 - ثمودیان ، ایمان به صالح را منوط به ارائه معجزه ای از سوی او می دانستند .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 2

2 - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إنا مرسلوا الناقه

جمله «إنا مرسلوا الناقه» در مقام وعده و اخبار از آینده است. «الف و لام» در «الناقه» برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

63- درخواست معجزه از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 3

3- مشرکان و کفار ، معجزات متعددی را از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درخواست کردند .

و ما منعنا . . . إلا أن کذب بها الأولون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: «ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال معجزه شد» نشان می دهد که مشرکان صدراسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 50 - 4، 1

1 - مشرکان مکه ، خواستار تحقق معجزاتی چند به دست پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودند .

ص: 312

وقالوا لولا أنزل عليه آيات من ربّه

4- مشرکان مکّه ، با درخواست تحقق معجزه از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صدد تمسخر او بودند .

وقالوا لولا أنزل عليه

تعبیر «وقالوا لولا أنزل عليه آیات من ربّه» به جای «لولا یأتینا» ویا «لولا أنزل علینا»، می تواند برای استهزا و مسخره کردن باشد.

64- درخواست معجزه تکلم مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 111 - 1

1- نزول ملائکه بر مشرکان و سخن گفتن مردگان با ایشان، از معجزات درخواستی آنان بوده است.

لئن جاءتهم آیه .. ولو أننا نزلنا ... ما كانوا لیؤمنوا

ذکر نزول ملائکه و سخن گفتن با مردگان در آیه حکایت از آن دارد که این قبیل معجزات مورد درخواست مشرکان بوده است.

65- درخواست معجزه حسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 7 - 15 - 4

4- کافران مکّه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 4

4- مشرکان مکّه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

ولقد صرفنا .. من کلّ مثل فابی ... وقالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 91 - 3

3- مشرکان مکہ ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من کلّ مثل فأبی .. وقالوا لن نؤمن لک حتی ... تكون لک جنّه من

ص: 313

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 4

4- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من کلّ مثل فابی ... و قالوا لن نؤمن لک حتی ... یكون لک بیت من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 50 - 2

2 - مشرکان مکه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسی شدند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب .. و ما یجحد بأیتنا ... و قالوا لولا أنزل علیه آءی -

66- درخواست معجزه نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 1

1 - نزول ملائکه بر مشرکان و سخن گفتن مردگان با ایشان، از معجزات درخواستی آنان بوده است.

لئن جاءتهم آءیه .. لو أننا نزلنا ... ما كانوا لیؤمنوا

ذکر نزول ملائکه و سخن گفتن با مردگان در آیه حکایت از آن دارد که این قبیل معجزات مورد درخواست مشرکان بوده است.

67- دعوت به استهزای معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 14 - 3

3- دعوت مشرکان از یکدیگر برای به تمسخر گرفتن معجزات الهی

و إذا رأوا آءیه یتستخرون

آمدن فعل «یستسخرون» به قالب باب استفعال، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

68- دلائل حقانیت معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 314

7- بلعیده شدن سحر ساحران به وسیله عصای موسی، نشانه بطلان سحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا إثمًا صنعوا کید سحر

جمله «إثمًا صنعوا..» تعلیل برای «تلقف» است؛ یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

69- دلایل رد معجزه اقتراحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 9 - 4

4- علم خداوند به بی تأثیری معجزات درخواستی کفرپیشگان، دلیل اعطا نکردن آنها به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و يقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه .. الله يعلم ما تحمل ... علم الغیب و

و نهانها، پس از اشاره به این که تقاضای کفران مبنی بر ارائه معجزه را پاسخ نمی دهد، حاوی این نکته است که: خداوند می داند ارائه معجزات پیشنهادی کفران اثری در هدایت ایشان ندارد. از این روست که به درخواست آنان پاسخ نمی دهد.

تفسیر عیاشی، ج 2، ص 205، ح 13؛ نورالثقلین، ج 2، ص 485، ح 34.

70- ذکر معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 63 - 9

9- قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثکم و رفعنا فوقکم الطور

«إذ» مفعول برای فعل «اذکروا» در آیه 47 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 171 - 8

8- قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«إذ» متعلق به فعل مقدر «اذکروا» است.

ص: 315

71- ذکر معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 10

10 - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا ميثقكم ورفعنا فوقكم الطور

«إذ» مفعول برای فعل مقدر «أذكروا» می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

72- رد معجزه اقتراحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 27 - 9

9- بی تأثیری معجزات خاص و پیشنهادی کفرپیشگان در هدایت آنان ، دلیل اهدا نشدن آنها به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لولا أنزل عليه آية من ربه قل إن الله يضل من يشاء و يهدى إليه من أناب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 4

4- خداوند ، به درخواست های متعدد معجزه از سوی مشرکان بهانه جوی عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاسخ منفی داد .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 10

10- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پاسخ گویی به معجزه های درخواستی بیجای مشرکان مکه و تنزیه خداوند از برآوردن چنین

خواسته هایی

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا .. قل سبحان ربّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- عدم اعطای معجزات اقتراحی مشرکان از سوی خداوند ، به دلیل علم خدا به حق ناپذیری آنان

و لقد آتینا موسی . . . فقال له فرعون إني لأظنك يموسى مسحورًا

یادآوری کفر فرعون، علی رغم ارائه معجزات فراوان از سوی موسی(ع) در پی رد درخواستهای مشرکان، می رساند که دلیل عدم اجابت خواسته های مشرکان، تصمیم آنان بر عدم ایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 133 - 1

ص: 316

1- منکران اعجاز قرآن ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به خاطر ارائه نکردن معجزات اقتراحی و پیشنهادی آنان ، مورد انتقاد قرار می دادند .

وقالوا لولا یأتینا بـایه من ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 51 - 6

6 - خداوند ، با وجود اعجاز قرآن ، معجزه های حسی درخواستی مشرکان را برآورده نکرد .

وقالوا لولا أنزل علیه آیت من ربّه قل إنما الآت عند الله .. أولم یکنهم

73- رد معجزه اقتراحی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 7

7 - تأثیر نداشتن هر نوع معجزه در مشرکان، دلیل ارائه نشدن معجزات مورد درخواست آنان است.

وما یشرکهم انما إذا جاءت لایؤمنون .. و لو أننا نزلنا ... ما كانوا لیؤمنوا

74- زمان معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 11

11- ارائه آیت ها و معجزه ها ، هر کدام دارای وقتی مشخص و مختص به دوره و زمان خاص خود است .

ما کان لرسول أن یأتی بأیه .. لکل أجل کتاب

در پی بیان این حقیقت که معجزه در اختیار پیامبر نیست بلکه در اختیار خداوند و به اذن اوست، این پرسش مطرح می شود که چرا خداوند اذن ارائه معجزه های درخواستی را به پیامبرش نمی دهد تا مردمان ایمان بیاورند؟ جمله «لکل أجل کتاب» در پاسخ سؤال مذکور بیان می دارد که انجام هر کاری و از جمله ارائه معجزات، زمانی مشخص دارد؛ این گونه نیست که هر کاری در هر زمان بتواند تحقق یابد.

75- زمینه انکار معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - افکنده شدن حجاب بر اندیشه و قلب آدمی، زمینه انکار هر گونه معجزه و آیت الهی است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن یفقهوه . . . و إن یروا كل ءایه لا یؤمنوا بها

ص: 317

76- زمینه قبول معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 10

10- آمدن معجزه الهی برای مردم، مشروط به وجود زمینه پذیرش در میان آنان است.

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون

خداوند، تکذیب معجزات از سوی پیشینیان را فلسفه عدم ارسال معجزه در میان امتهای بعدی معرفی می کند و این بیانگر حاکمیت روحیه حق ناپذیری پیشینیان در میان مردم بعدی است و نشان می دهد که ارسال معجزه، نیاز به زمینه و آمادگی دارد.

77- زمینه معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 58 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به ترسیم مرز اختیارات خود در زمینه تحقق معجزات برای مردم

قل لو أن عندی ما تستعجلون به لقضی الأمر

حرف شرط «لو» غالباً برای افاده امتناع «جزا» به جهت امتناع «شرط» به کار می رود. در این مورد جمله «لو أن ما عندی» نفی اختیار تعذیب و پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور اعلام آن است.

78- زیبایی معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 3

3 - تجهیز موسی (ع) از سوی خدا به معجزه ای بیم آفرین و معجزه ای زیبا و پرجاذبه

و ألق عصاک .. ولی مدبراً ... و أدخل یدک ... بیضاء من غیر سوء

79- شرایط تحقق معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 28

28 - ارائه معجزات از سوی پیامبران تنها با اذن خداوند امکان پذیر است .

فتکون طيراً باذنی . . . واذ تخرج الموتی باذنی

ص: 318

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 35 - 6

6 - ارائه معجزات تنها به اذن خداوند و در قالب سنتها و قوانین لا یتغیر الهی امکان پذیر است.

فإن استطعت أن تبتغي نفقا في الأرض أو سلما في السماء

مخاطب قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در «استطعت» و خواستن از آن حضرت که اگر قادر هستی سوراخی در زمین و یا نردبانی بر آسمان بگذار، اشاره به این است که نزول معجزات، به شکلی که برخی می طلبند، خارج از قلمرو سنتها و قوانین خداوند در نظام هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 114 - 6

6 - خداوند سزاوارترین حاکم و داور در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت نزول معجزات و دیگر شرایط و زمینه های آن است.

إنما الآيت عند الله و ما يشعركم أنها إذا جاءت لا يؤمنون .. أفغير الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 11

11- ارائه آیت ها و معجزه ها ، هر کدام دارای وقتی مشخص و مختص به دوره و زمان خاص خود است .

ما كان لرسول أن يأتي بآية .. لكل أجل كتاب

در پی بیان این حقیقت که معجزه در اختیار پیامبر نیست بلکه در اختیار خداوند و به اذن اوست، این پرسش مطرح می شود که چرا خداوند اذن ارائه معجزه های درخواستی را به پیامبرش نمی دهد تا مردمان ایمان بیاورند؟ جمله «لكل أجل كتاب» در پاسخ سؤال مذکور بیان می دارد که انجام هر کاری و از جمله ارائه معجزات، زمانی مشخص دارد؛ این گونه نیست که هر کاری در هر زمان بتواند تحقق یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 10

10- آمدن معجزه الهی برای مردم ، مشروط به وجود زمینه پذیرش در میان آنان است .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

خداوند، تکذیب معجزات از سوی پیشینیان را فلسفه عدم ارسال معجزه در میان امتهای بعدی معرفی می کند و این بیانگر حاکمیت روحیه حق ناپذیری پیشینیان در میان مردم بعدی است و نشان می دهد که ارسال معجزه، نیاز به زمینه و آمادگی دارد.

ص: 319

81- شیوع خبر معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 39 - 5

5- راه یافتن خبر معجزات موسی (ع) در میان توده مردم

وقیل للناس هل أنتم مجتمعون

82- عجز از معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 5

5- پیامبران ، بدون اذن پروردگار ، توانایی آوردن هیچ معجزه ای را ندارند .

و ما كان لرسول أن يأتي بأية إلاّ بإذن الله

مقصود از «آیه» در این جا معجزه است.

83- عذاب بعد از معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 83 - 5

5- نزول عذاب الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و نشانه های خداوندی است .

وأتینهم ءآیتنا فكانوا عنها معرضین .. فأخذتهم الصیحه

84- عظمت معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 45 - 6

6- ظهور ناتوانی سحر هر چند بزرگ ، در برابر معجزه

فإذا هی تلقف ما یأفکون

به کارگیری «ما» - که واژه ابهام است - نشانگر عظمت سحر ساحران می باشد.

ص: 320

85- عظمت معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 109 - 4

4- معجزات موسی (ع) در دیدگاه اشراف قوم فرعون ، اموری با عظمت ، خارق العاده و شگفت آور

إن هذا لسحر علیم

توصی---ف موسی به «علیم» (بسیار دانا) و بیان جمله «ان هذا ..» با چندین تأکید (اسمیه آوردن جمله، مقرون ساختن آن به دو حرف تأکید «إن» و «لام») حکایت از آن دارد که همگان به عظمت کار موسی پی برده بودند و بدان اقرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 112 - 4

4- فرعونیان ، مرعوب عظمت و شگفتی معجزات موسی (ع) شدند .

یأتوک بکل سحر علیم

احضار همه ساحران زبردست مصر برای مقابله و مبارزه با موسی (ع)، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 34 - 3

3- اقرار ناخواسته فرعون به عظمت کار موسی (ع) در ارائه معجزات

إن هذا لسحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 37 - 3

3- عظمت معجزه موسی در نظر فرعونیان

یأتوک بکل سحر علیم

جمع آوری تمامی ساحران ماهر، نشان دهنده آن است که فرعونیان مرعوب معجزه موسی شده و معتقد بودند که جز با گردآوری تمام توان

خویش، قادر به مقابله با آن نیستند.

86- عقیده فرعون به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 1

1- تذکر موسی (ع) به آگاهی و اعتقاد درونی فرعون به حقانیت معجزات او علی رغم سحر خواندن آنها

إني لأظنك يموسى مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا رب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 321

12- « فی روایه ابی الجارود [عن ابی جعفر (ع)] فی قوله : « فأراد أن يستفزهم من الأرض » : . . . وقد علم فرعون وقومه ما أنزل تلك الآيات إلا الله ؛

از ابی الجارود [از امام باقر(ع)] درباره سخن خدا « فأراد أن يستفزهم من الأرض » روایت شده است که فرمود: . . . در حالی که فرعون و قومش می دانستند که آن آیات را، کسی جز خداوند نازل نکرده است».

87- عقیده فرعونیان به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- « فی روایه ابی الجارود [عن ابی جعفر (ع)] فی قوله : « فأراد أن يستفزهم من الأرض » : . . . وقد علم فرعون وقومه ما أنزل تلك الآيات إلا الله ؛

از ابی الجارود [از امام باقر(ع)] درباره سخن خدا « فأراد أن يستفزهم من الأرض » روایت شده است که فرمود: . . . در حالی که فرعون و قومش می دانستند که آن آیات را، کسی جز خداوند نازل نکرده است».

88- علم به حقانیت معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- انکار آیات و معجزات الهی ، پس از علم به حقانیت آنها ، زمینه ساز هلاکت انسان

لقد علمت . . . و إنی لأظنک یفرعون مثبورًا

جمله « و إنی لأظنک . . . » ، پس از بیان اینکه فرعون آگاهانه معجزات الهی را رد کرد و افسوس خواند، می تواند در مقام بیان عاقبت شوم مخالفت وی با آیات و معجزات روشنگر الهی باشد.

89- عوامل اعراض از معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- نژادپرستی و خوی برتری جویی فرعون و اشراف دربار او ، عامل نادیده گرفتن معجزات و دلایل روشن حضرت موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا... بأيتنا و سلطن ميين... فقالوا أنؤمن لبشرين... وقومهما لناع-

ص: 322

90- عوامل اعراض از معجزه هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 47 - 7

7- نژادپرستی و خوی برتری جویی فرعون و اشراف دربار او، عامل نادیده گرفتن معجزات و دلایل روشن حضرت موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا... بآيتنا و سلطن مبين... فقالوا انؤمن لبشرين... و قومهما لناع-

91- عوامل تکذیب معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 7 - 6

6- کفرورزی، موجب انکار هر گونه معجزه و آیه (گواه حقانیت پیامبر) هر چند ملموس و قابل حس باشد.

و لو نزلنا عليك... لقال الذين كفروا ان هذا إلا سحر مبين

92- عوامل تکذیب معجزه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 3 - 1

1 - تکذیب آیات الهی و معجزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی کافران، معلول هواپرستی آنان

و کذبوا و اتبعوا أهواءهم

آمدن عبارت «و اتبعوا أهواءهم» - پس از «کذبوا»، این نکته را می رساند که خواهش های نفسانی کافران، بازدارنده ایشان از تصدیق به آیات و معجزات می باشد.

93- عوامل محرومیت از معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 5

5- تکذیب ها و برخورد های ناروای پیشینیان با معجزات الهی، سبب محرومیت نسل های بعد از دریافت آن

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

ص: 323

94- عوامل مؤثر در معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 6

6 - امکان ارتباط و وابستگی تحقق معجزه، به امور عادی و طبیعی

ألقها... فإذا هي حيّة... خذها... صنعها سيرتها الأولى

مار شدن عصا، برافکندن آن تفریح گردید و عصا شدن مار برگرفتن آن از سوی موسی (ع); این مرحله بندی، گویای برداشت فوق است.

95- فرعون و معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 8

8 - فرعون و بزرگان دربار او، آیات و معجزات ارائه شده از سوی موسی را تکذیب کردند .

بئائتنا إلی فرعون و ملائیه فظلموا بها

ضمیر در «بها» به «آیاتنا» برمی گردد و چون «ظلم» به حرف باء متعدی شده (ظلموا بها) متضمن معنای تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 114 - 4

4 - فرعون بر اثر خودباختگی در برابر معجزات موسی (ع) مهیای پرداخت بهای سنگینی برای خنثی سازی آن شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

از اینکه فرعون برای پیروزی بر موسی (ع) حاضر شد هر بهایی را بپردازد، معلوم می شود روحیه خویش را باخته بود و در خود عجز شدیدی احساس می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 79 - 1

1 - فرعون، برای مبارزه با حضرت موسی (ع) و مقابله با معجزه بزرگ او، دستور داد تا تمام جادوگران کاردان و ماهر را به پایتختش احضار کنند .

وقال فرعون ائتوني بكل سحر عليم

96- فرعونيان و معجزه موسى (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 109 - 4,3,2,1

ص: 324

1 - اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از مشاهده معجزات موسی ، برای چاره اندیشی و مبارزه با موسی جلسه مشورتی تشکیل دادند .

قال الملأ من قوم فرعون

در آیات پیشین روی سخن موسی با فرعون بود و در این آیه عکس العمل اشراف دربار او مطرح شده است. این تغییر سیاق با توجه به جمله «فماذا تأمرون» در آیه بعد (چه نظری دارید و چه دستوری پیشنهاد می کنید)، حاکی از تبادل نظر آنان درباره برخورد با موسی است که از آن در برداشت فوق به «جلسه مشورتی» تعبیر شد.

2 - اشراف و بزرگان دربار فرعون بر مبنای ساحر بودن موسی و سحر بودن معجزات وی ، جلسه مشورتی خویش را آغاز کردند .

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

جمله «إن هذا .. » می تواند از نتایج بحث و گفتگوی اشراف باشد. یعنی در ابتدا این مسأله مطرح شد که امور خارق العاده موسی از چه سنخی است. همچنین می تواند بیانگر این باشد که آنان ساحر بودن موسی را مفروض گرفته بودند و درباره روش مبارزه با وی تبادل نظر می کردند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

3 - اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از تبادل نظر در جلسه مشورتی به این نتیجه رسیدند که موسی (ع) بدون هیچ تردید ساحری زبردست و معجزه وی سحر است .

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

برداشت فوق بر اساس اولین احتمالی است که در توضیح فیش قبل درباره جمله «إن هذا .. » بیان شد.

4 - معجزات موسی (ع) در دیدگاه اشراف قوم فرعون ، اموری با عظمت ، خارق العاده و شگفت آور

إن هذا لسحر علیم

توصی ---ف موسی به «علیم» (بسیار دانا) و بیان جمله «ان هذا .. » با چندین تأکید (اسمیه آوردن جمله، مقرون ساختن آن به دو حرف تأکید «إن» و «لام») حکایت از آن دارد که همگان به عظمت کار موسی پی برده بودند و بدان اقرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 132 - 2

2 - فرعونیان در عین اعتراف به خارق العاده بودن معجزات موسی ، با لحنی تمسخرآمیز آیت بودن آنها را تکذیب می کردند .

مهما تأتتا به من ءایه لتسحرنا بها

«لتسحرنا بها» (یعنی تا ما را به وسیله آن آیه سحر کنی)، می رساند که مراد از کلمه «آیه» در سخن فرعونیان «سحر» است و هدف آنان از

اینکه آن را «آیه» نامیدند، استهزای موسی بوده است.

97- فلسفه رد معجزه اقتراحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 6

6- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

ما تسبق من أمه أجلها . .. ما ننزل الملائكة إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرين

ص: 325

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 22

22- « عن أبي جعفر (ع) في قوله : « و ما منعنا أن نرسل بالآيات » و ذلك أن محمداً (صلى الله عليه و آله) سأله قومه أن يأتيهم بآيه فنزل جبرئيل قال : إن الله يقول : « و ما منعنا أن نرسل بالآيات إلى قومك إلا أن كذب بها الأولون » و كنا إذا أرسلنا إلى قريه آيه فلم يؤمنوا بها أهلكتناهم فلذلك أخرنا عن قومك الآيات ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند «و ما نرسل بالآيات» روایت شده است که فرمود: داستان این بود که: قوم محمد از آن حضرت درخواست کردند که معجزه ای برای آنان بیاورد، پس جبرئیل نازل شد و گفت: خدا می فرماید: «و ما منعنا أن نرسل بالآيات . . .» و سنت ما چنین بوده است که هرگاه معجزه ای را به سوی قریه ای فرستادیم و آنان به آن ایمان نیاوردند، آنان را هلاک کردیم. پس به خاطر همین، فرستادن معجزات را برای قومت به تأخیر انداختیم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 6 - 9

9- ایمان نیاوردن و حق ناپذیری مشرکان ستم پیشه ، فلسفه و دلیل ردّ شدن پیشنهاد آنان مبنی بر ارائه معجزه از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فليأتنا بآيه . . أفهم يؤمنون

98- فلسفه معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 27 - 6

6- فرستادن آیات و معجزات برای مردم، به مقتضای ربوبیت الهی و برای تربیت آنان است.

فقالوا يلبتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 19، 17

17- بیم دادن انسان ها از حق ناپذیری ، تنها هدف خداوند از فرستادن معجزات

و ما نرسل بالآيت إلا تخويفًا

19- ظهور برخی آیات و معجزات الهی برای امت ها در هر عصر و زمانی ، تنها به منظور بیم دادن به آنان است .

و ما نرسل بالآیت إلاّ تخویفاً

مضارع بودن «نرسل» و استفاده تبعیض از بای «بالآیات» مفید این معناست که: هر چند به معجزات اقتراحی پاسخ نمی گوییم؛ اما برای هشدار دادن به جوامع، هر از چند گاه، آیاتی بیم دهنده خواهیم فرستاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 134 - 1

ص: 326

1 - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

و لو آتاهلکنهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا أرسلت

مراد از ضمیر در «من قبله» - به قرینه «لولا- أرسلت» - رسول است و ممکن است مربوط به کلمه «بیّنه» (در آیه قبل) باشد گرچه کلمه «بیّنه» مؤنث است؛ ولی به اعتبار این که به معنای برهان است، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 33 - 6

6- آیات و معجزات الهی برای بنی اسرائیل ، دارای اهداف گوناگون از جمله امتحان آنان *

وأتینهم من الأیت ما فیه بلوا مبین

تعبیر «فیه بلاء»، این احتمال را مطرح می سازد که هر آیه ای صرفاً بعد آزمایشی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 5

5 - اعطای معجزه به پیامبران ، در جهت رفع اتهام کذب و یاریاست خواهی از ایشان

بل هو کذاب أشر . سيعلمون غداً من الکذاب الأشر . إنا مرسلوا الناقه فتنه لهم

از آن جا که «إنا مرسلوا الناقه» در قبال اتهام «بل هو کذاب أشر» مطرح شده است؛ می توان نتیجه گرفت که اعطای معجزه، وسیله ای کارآمد برای رفع اتهام کذب از صالح پیامبر(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 11

11 - خداوند ، به مقدار کافی و لازم ، معجزه و دلایل روشن برای هدایت انسان ها ارائه نموده است .

تأتیهم رسلهم بالبیئت . . . و استغنی الله

برداشت یاد شده، براساس احتمال دوّمی است که در ذیل برداشت قبلی آمده است.

99- فلسفه معجزه اقتراحی

9- درخواست معجزه ، همانند معجزات پیامبران پیشین ، از بهانه های مشرکان برای نپذیرفتن رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا .. فليأتنا بآيه كما أرسل الأولون

100- فلسفه معجزه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 118 - 4

4- معجزه پیامبران در راستای اثبات حقانیت آنان و خنثی کردن عملکرد مخالفان دین است .

فوق الحق و بطل ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 4

4- هدف از اعطای معجزه و دلیل های روشن به پیامبران ، تدبیر امر نبوت و پیشبرد هدف های رسالت آنان است . *

إن كنت علی بیته من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 4

4- هدف از اعطای معجزه و دلیل های روشن به پیامبران ، تدبیر امر نبوت و پیشبرد هدف های رسالت آنان است . *

إن كنت علی بیته من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 4

4- هدف از اعطای معجزه و دلایل روشن به پیامبران ، تدبیر امر نبوت و پیشبرد هدف های رسالت آنان است . *

إن كنت علی بیته من ربی

برداشت فوق، احتمالی است که می توان از اضافه «رب» به یای متکلم استفاده کرد.

101- فلسفه معجزه صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 16

16- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

وأتینا ثمود الناقة .. و ما نرسل بالآیت إلاّ تخویفاً

102- فلسفه معجزه موسی (ع) در سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 5

ص: 328

5- نمایاندن معجزه به موسی (ع) در وادی طوی و به دور از چشم مردم، به خاطر تجربه و آمادگی بیشتر او برای ارائه معجزه در حضور مردم بود. *

ألقها... خذها ولا تخف

103- فلسفه نزول معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 5

5- نزول معجزات از جانب پروردگار هستی، در جهت رشد و بصیرت یافتن آدمیان است.

ما أنزل هؤلاء إلا رب السموت والأرض بصائر

104- قانونمندی معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 8 - 7

7 - ارائه معجزات بر اساس مشیت الهی و قانونمند است.

ولو أنزلنا ملكا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 35 - 6

6 - ارائه معجزات تنها به اذن خداوند و در قالب سنتها و قوانین لا یتغیر الهی امکان پذیر است.

فإن استطعت أن تتبغى نفقا فى الأرض أو سلما فى السماء

مخاطب قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در «استطعت» و خواستن از آن حضرت که اگر قادر هستی سوراخی در زمین و یا نردبانی بر آسمان بگذار، اشاره به این است که نزول معجزات، به شکلی که برخی می طلبند، خارج از قلمرو سنتها و قوانین خداوند در نظام هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 11

11 - نزول معجزات و کیفیت آن، امری قانونمند و دارای حدود و مرزهای معین

ما عندی ما تستعجلون به إن الحكم إلا لله یقص الحق

ص: 329

105- قوم ثمود و تکذیب معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 15

15- قوم ثمود، از مصداق های روشن و بارز تکذیب کنندگان معجزات الهی بودند .

كذب بها الأولون و آتينا ثمود الناقة مبصره فظلموا بها

106- کافران صدر اسلام و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 7 - 1

1- کفرپیشگان عصر بعثت، مدعی نبود معجزه و آیتی بر حقایق رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و يقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 27 - 2

2- کافران خواستار معجزه ای - جز قرآن - برای باور به حقایق رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پذیرش توحید

و يقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه

جمله «إن الله يضل من يشاء و يهدى . . .» قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) - که سرلوحه آن توحید است - می خواستند ; یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

107- کافران مکه و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 7 - 2

2 - حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا عليك كتابا .. إن هذا إلا سحر مبين

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

108- کافران و درخواست معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 330

3 - کفرپیشگان عصر بعثت - علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن - خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

و يقولون لولا أنزل عليه آية من ربه

109- کافران و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 4 - 4، 3

3- رویگردانی و تأثیرناپذیری کافران از هر گونه معجزه الهی

و ما تأتيهم من آية من آيات ربهم إلا كانوا عنها معرضين

4- برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتيهم من آية . . . إلا كانوا عنها معرضين

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

110- کافران و معجزه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 58 - 8

8 - در صورت اقامه معجزه ای هر چند عظیم ، از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) کافران ، آن را باطل تلقی می کردند .

ولئن جئتهم بأية ليقولن الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون

از این که در ابتدا فرموده است: «در قرآن از هرگونه مثلی زده ایم» و سپس می فرماید: «اگر آیه ای بیاوری» می تواند قرینه باشد بر این که مراد از آن «آیه» معجزه است و نه آیه قرآن.

111- کفر به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 4

4 - عذاب سهمگین و بی نظیر الهی سزای آنانکه پس از مشاهده مائده آسمانی به قدرت خداوند ، رسالت عیسی (ع) و معجزه بودن آن مائده کافر شوند .

فمن يكفر بعد منكم فاني اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً من العلمين

متعلق «یکفر» می تواند، رسالت عیسی (ع)، قدرت خداوند و معجزه بودن مائده آسمانی باشد. ضمیر در «لا اعذبه» مفعول مطلق نوعی است و مرجع آن کلمه «عذاباً» می باشد یعنی لا اعذب قبل هذا العذاب احداً

ص: 331

112- کيفر تکذيب معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 115 - 8

8 - ارائه معجزات و عذاب منکران آن ، تنها در اختيار خداوند

قال الله اني منزلها عليكم .. فاني اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - حجر - 15 - 83 - 1

1- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذيب رسولان و اعراض از معجزات و آيات الهی ، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناک و غرش سهمگين شدند .

و لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين . و آتينهم آيتنا ... معرضين ... فأخذتهم الصي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 6 - 2

2- عذاب و هلاکت اقوام پيشين ، به خاطر ايمان نياوردن به معجزات الهی بود .

فليأتنا بآيه ... ماء امننت قبلهم من قريه أهلكتها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - شمس - 91 - 14 - 11

11 - تکذيب کنندگان رسولان الهی و معجزات آنان ، در معرض گرفتاری به عذاب استيصال

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم

تعبير «بذنبهم» - ضمن بيان علت هلاکت ثموديان - تهديد تمام کسانی است که ، به گناه آلوده اند.

113- کيفر دشمنی با معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5- مبارزه خصمانه با معجزات الهی ، در پی دارنده کیفری سخت

ولا تمسوها بسوء فیاخذکم عذاب یوم عظیم

ص: 332

114- کیفیت ایجاد معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 15

15 - خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقة الله لكم آية

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

115- مبارزه با معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 111 - 4

4 - خنثی سازی معجزه موسی (ع) با استمداد از ساحران زبردست، از آرای تصویب شده از جلسه سران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل في المدائن حشرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 115 - 4

4 - ساحران دربار فرعون مطمئن به غلبه سحرشان بر معجزه موسی (ع)

إما أن تلقى وإما أن نكون نحن الملقين

از اینکه ساحران اختیار شروع کننده مبارزه را به موسی(ع) واگذاشتند و جمله مربوط به خویش را با تأکید بیان داشتند، معلوم می شود آنان به غلبه خویش اطمینان داشتند.

116- محدوده ارائه معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 11

11 - پیامبر(صلی الله علیه و آله)، تنها در محدوده تعیین شده در وحی الهی مجاز به ارائه معجزات است.

قل لا أقول لكم .. إني ملك إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

جمله «إن أتبع إلا ما يوحى»، به تناسب موضوع مورد بحث، تعیین محدوده ای برای ارائه معجزات می تواند باشد. یعنی من فرشته و مالک خزاین نیستم، فقط تابع وحی الهی هستم و هر جا و به هر صورت که لازم و بجا باشد، معجزه ارائه می نمایم.

ص: 333

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 23 - 4، 2، 1

1- ارائه معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع) در وادی طوی، به جهت نمایاندن برخی معجزات بزرگ الهی به آن حضرت بود.

لنریک من ءایتنا الکبری

«لنریک» متعلق به فعلی است که از «آیه أُخری» انتزاع می شود؛ یعنی آیه آوردیم تا... «من» برای تبعیض است و دلالت می کند که مراد، نشان دادن بعضی از آیات بزرگ خداوند است.

2- خداوند دارای نشانه ها و معجزات بزرگ و فراوانی است که تنها برخی از آن را در وادی طوی به موسی (ع) ارائه کرد.

من ءایتنا الکبری

«الکبری» صفت است برای «آیاتنا» و دلالت می کند که خداوند آیات گوناگونی دارد که «یدبیضا» و «معجزه عصا» نمونه ای از برترین انواع آنها است.

4- معجزه عصای موسی (ع) و یدبیضای او، دو نمونه از بزرگ ترین نشانه ها و معجزات الهی اند.

من ءایتنا الکبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 20 - 3

3- معجزات پیامبران، دارای مراتب گوناگون و متفاوت در برتری و امتیاز

الآیه الکبری

«کبری» اسم تفضیل است؛ یعنی، بزرگ تر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 21 - 2

2- بزرگ ترین معجزات نیز، در هدایت برخی از افراد، کارساز نیست.

- بزرگ ترین معجزات نیز، در هدایت برخی از افراد، کارساز نیست.

118- مشرکان صدر اسلام و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 20 - 8

8- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در پی بهانه جویی های مشرکان و پرسش های مکرر آنان از علت عدم نزول معجزه ، در انتظار پاسخ و رهنمودی از سوی خداوند بود .

و يقولون لولا أنزل عليه آية من ربه .. إني معكم من المنتظرين

ص: 334

119- مشرکان مکه و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 1

1 - مشرکان مکه سوگند اکید یاد کردند که در صورت مشاهده معجزه مورد نظر خود ایمان می آورند.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن جاءتهم آية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 8

8- اتکای مشرکان مکه به ملاک های مادی و حسی ، در شناخت معجزات و آیات الهی

حتى تفجر لنا .. حتى تنزل علينا كتابًا نقرؤه

120- مشرکان و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 37 - 11

11 - برخی از مشرکان، علی رغم آگاهی به قدرت خداوند بر نزول هر معجزه و فلسفه نازل نشدن آن، خواهان نزول معجزات ویژه خود بودند.

وقالوا لولا نزل .. إن الله قادر ... ولكن أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 12 - 7

7- نازل شدن گنج و مال فراوان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از پیشنهاد ها و معجزه های درخواستی مشرکان برای باور کردن حقانیت رسالت آن حضرت

أن يقولوا لولا أنزل عليه كنز

121- مشرکان و معجزه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مشرکان، مدعی نارسایی معجزات پیامبر (قرآن) برای اثبات رسالت آن حضرت.

وقالوا لولا نزل علیه آیه من ربه

ص: 335

درخواست معجزه از سوی مشرکان، علی رغم معجزاتی مانند قرآن، حکایت از آن دارد که آنان معجزات آن حضرت را برای اثبات رسالت کافی نمی دانستند.

122- معجزه احیای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 73 - 11

11 - داستان کشته شدن فردی از قوم موسی و احیای دوباره او، معجزه و رخدادی سزاوار به خاطر سپردن و به یادداشتن

و إذ قتلتم نفساً .. فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى

«إذ» مفعول برای فعل مقدر «اذکروا» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 1

1- نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد، زمین را قطعه قطعه کند، مردگان را زنده سازد، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد.

و لو أن قرءاناً سیّرت به الجبال أو قَطَّعت به الأرض أو کَلَّم به الموتى

«تسییر» (مصدر سیّرت) به معنای حرکت دادن است و «تقطیع» (مصدر قَطَّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت «بل لله الأمر» و نیز «أن لو یشاء الله لهدى الناس» گویای این است که جواب شرط «لو أن»

«...» جمله ای نظیر «لم یهدوا إن لم یشأ الله» است.

123- معجزه از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 50 - 7

7 - معجزات، آیات الهی اند.

لولا أنزل علیه آیت .. قل إنما الأیت عند الله

تعبیر از معجزات به «آیات»، حاکی از حقیقت بالا است.

124- معجزه اقتراحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 3

ص: 336

3 - مشرکان خواهان تحقق معجزه ای بودند که خود آن را پیشنهاد می کردند . *

وقال الذين لا يعلمون لولا .. أو تأتينا آية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 8 - 5, 6, 2, 1

1 - مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

وقالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکا لقضى الأمر

2 - گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با درخواست معجزاتی غیر عملی

و لو أنزلنا ملکا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

حرف «لو» غالباً در مواردی به کار گرفته می شود که شرط، امری غیر عملی باشد.

4 - کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو أنزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال .. وقالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که «قالوا» بر جواب «لو» در آیه قبل عطف شده باشد.

5 - پایان یافتن مهلت کافران در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لو أنزلنا ملکا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

قطع مهلت کافران با نزول محسوس فرشته که مفاد جمله «لقضى الأمر» و «ثم لا ينظرون» است، بر این نکته دلالت دارد که تا قبل از نزول

چنین آیاتی، کفار از مهلت الهی برخوردارند.

6 - ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملکا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 3

3 - گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با درخواست معجزاتی غیر عملی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 37 - 5,7,8,9,10,11

5 - تقاضای معجزات ویژه و دلخواه، برخاسته از نادانی است.

و لکن اکثرهم لایعلمون

نفی علم از درخواست کنندگان معجزات ویژه بیانگر این است که نادانی زمینه پیدایش این نوع تقاضاهاست.

7 - معدودی از مشرکان می دانستند که خداوند توان آوردن معجزه درخواستی آنان را دارد.

و لکن اکثرهم لایعلمون

8 - ناآگاهی اغلب مشرکان به فلسفه عدم نزول معجزات درخواستی آنان

و قالوا لولا نزل علیه آیه . . . و لکن اکثرهم لایعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که «لایعلمون» جمله ای مانند «حکمه عدم نزول الآیات» باشد.

ص: 337

9 - اقلیتی از مشرکان به فلسفه نازل نشدن معجزات ویژه درخواستی خویش آگاه بودند.

وقالوا لولا نزل علیه آیه . . . و لکن اکثرهم لایعلمون

10 - تبلیغات مشرکان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، علی رغم آگاهی به قدرت الهی و فلسفه نازل نشدن معجزات درخواستی

وقالوا لولا نزل علیه آیه من ربه قل إن الله قادر . . . و لکن اکثرهم لایعلمون

اگر مشرکان اعتقاد به قدرت خدا نداشتند، جمله «قل إن الله قادر» ادعایی محض بود. بر این اساس آنان قدرت خداند را بر نزول هرگونه معجزه قبول داشتند. گذشته از اینکه اقلیتی از آنان به تصریح آیه به علت عدم نزول معجزات مورد درخواست خود نیز آگاه بودند.

11 - برخی از مشرکان، علی رغم آگاهی به قدرت خداوند بر نزول هر معجزه و فلسفه نازل نشدن آن، خواهان نزول معجزات ویژه خود بودند.

وقالوا لولا نزل . . . إن الله قادر . . . و لکن اکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 7

7 - پاسخ به درخواست نابجای نزول معجزات، با نظام قانونمند هدایت ناسازگار است.

وقالوا لولا نزل علیه آیه . . . ما فرطنا فی الکتب من شیء

جمله «ما فرطنا» می تواند اشاره به این نکته باشد که اگر نزول آیات مورد درخواست مشرکان بجا بود، باید در کتاب آفرینش ثبت شده باشد و آنگاه به منصفه ظهور درآید. و چون چنین چیزی در آنجا ثبت نگردیده و چیزی نیز در آنجا از قلم نیفتاده است، بنابراین خواست مشرکان هیچگونه توجیه منطقی و معقول و بجا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 58 - 5

5 - تحقق معجزات ویژه، بدان صورت که مشرکان می خواستند، در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبود.

قل لو أن عندی ما تستعجلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 6

6- برخی مشرکان، حتی با مشاهده معجزه مورد درخواست خویش، ایمان نخواهند آورد.

و ما یشعرکم أنها إذا جاءت لا يؤمنون

«ما» در «ما یشعرکم» برای استفهام انکاری است، لذا در عین استفهام معنی انکار نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 110 - 3,6

3- یکسانی عنادورزی و حق ناباوری مشرکان، قبل و بعد از دیدن معجزه مورد درخواست خویش

و تقلب .. . كما لم يؤمنوا به أول مره

6- مشرکان مکه با وجود ایمان نیاوردن به پیامبر(صلی الله علیه و آله) با معجزات ارائه شده، مجدداً خواهان معجزات دیگری از پیامبر(صلی الله علیه و آله) بودند.

ص: 338

و أقسموا .. لئن جاءتهم آية ... إذا جاءت لا يؤمنون ... كما لم يؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 111 - 13، 1

1 - نزول ملائكه بر مشركان و سخن گفتن مردگان با ایشان، از معجزات درخواستی آنان بوده است.

لئن جاءتهم آية .. لو أننا نزلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

ذکر نزول ملائكه و سخن گفتن با مردگان در آیه حکایت از آن دارد که این قبیل معجزات مورد درخواست مشركان بوده است.

13 - اغلب درخواست کنندگان نزول معجزات از تأثیر نداشتن آن بر کافران آگاهی نداشتند.

ما كانوا ليؤمنوا إلا أن يشاء الله و لكن أكثرهم يجهلون

مرجع ضمیر در «أكثرهم» می تواند مؤمنانی باشد که خواهان نزول آیات و اجابت درخواست مشركان بودند، چنانچه در آیات قبل نیز این احتمال یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 12 - 13، 8

8- نزول فرشته ای همراه و همگام با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از پیشنهاد های مشركان برای اطمینان به حقانیت آن حضرت

أن يقولوا لولا .. جاء معه ملك

13- ارائه معجزه و تحقق بخشیدن به پیشنهاد ها و درخواست های مردم، از شئون خداوند و به دست اوست نه در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إنما أنت نذير و الله على كل شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - رعد - 13 - 7 - 7، 2

2- کافران همواره خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

يقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه

به کارگیری فعل مضارع (يقول) به جای فعل ماضی (قال) برای رساندن این معناست که کافران سخن مذکور را نه تنها در گذشته مدعی شده اند که در آینده نیز خواهند گفت و بر آن اصرار خواهند ورزید.

7- ارائه معجزه درخواستی کفرپیشگان خارج از مسؤولیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

لولا أنزل علیه آیه من ربه إنما أنت منذر

جمله «إنما أنت منذر» حاکی از حصر است و حصر در آن اضافی و در قیاس با ارائه معجزه است. بنابراین آن جمله حاوی دو معناست:
1- تو انذار دهنده ای ؛ 2- ارائه معجزه کار تو نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 27 - 2

2- کافران خواستار معجزه ای - جز قرآن - برای باور به حقایق رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پذیرش توحید

و يقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

ص: 339

جمله «إن الله يضل من يشاء و يهدى . . .» قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) - که سرلوحه آن توحید است - می خواستند ; یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 8 - 13 - 31 - 8

8- مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرایش پیدا کردن کافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم يأئس الذين ءامنوا أن لو يشاء الله لهدى الناس جميعاً

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله «أفلم يأئس الذين ءامنوا» و بیان این حقیقت که امر هدایت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به ارائه معجزه، می رساند که مؤمنان خواهان آن بودند که معجزات درخواستی کافران تحقق یابد، شاید که آنان هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - 9 - 15 - 7 - 3

3- کافران مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتينا بالملائكة إن كنت من الصدقين

آوردن ملائکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) - که مورد درخواست کفار بود - احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - 9 - 16 - 33 - 2,6

2- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . . . هل ينظرون إلا أن تأتيهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت «تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك» (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) - به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود - بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

6- کافران عصر های پیش از اسلام ، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

وإذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . . . قد مكر الذين من قبلهم ...

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - اسراء - 17 - 59 - 8، 7، 3، 2

2- برخی از معجزات درخواستی امت های پیشین ، از سوی خداوند به آنان اعطا گردید .

و ما منعنا أن نرسل . . . إلا أن كذب بها الأولون

معجزه از کلمه «الآيات» - به قرینه ذکر «ناقه» پس از آن - استفاده می شود و از اینکه خداوند فرمود: «تکذیب پیشینیان مانع

ص: 340

ارسال معجزه از سوی ما شد» حکایت از این دارد که خداوند، به خواست آنان برای معجزه جواب مثبت داده است.

3- مشرکان و کفار ، معجزات متعددی را از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درخواست کردند .

و ما منعنا .. إلا أن كذب بها الأولون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: «ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال معجزه شد» نشان می دهد که مشرکان صدراسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

7- امت های مشرک و کافر پیشین ، پس از مشاهده معجزات درخواستیشان ، آنها را مورد انکار و تکذیب قرار دادند .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

8- تکذیب معجزات درخواستی از سوی امت های پیشین ، دلیل بهانه جویی و بی صداقتی تقاضا کنندگان معجزات متعدد است .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

از اینکه تکذیب معجزات درخواستی (اقتراحی) از سوی پیشینیان، دلیل امتناع خداوند از ارائه معجزات برای امتهای بعدی مطرح شده است می تواند نشان از بی صداقتی و بهانه جویی این امتها باشد و خداوند به همین دلیل به معجزات درخواستی اینها، پاسخ منفی داده است.

11- تقاضای قوم ثمود در اعطای معجزه مورد نظرشان (ناقه = شتر ماده) از سوی خداوند اجابت شد .

وأتينا ثمود الناقة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 4، 2، 1

1- ایجاد چشمه ای پر آب و جوشان در مکه توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مشرکان ، پیش شرط آنان در ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

2- ایجاد چشمه ای جوشان برای مشرکان مکه ، معجزه درخواستی (اقتراحی) آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعاً

4- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبى ... وقالوا لن نؤمن لك حتى تقجر لنا من الأرضى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 91 - 1,3,4

1- برخوردارى پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از باغستانی بزرگ با درخت های خرما و انگور و جاری ساختن نهر های آب فراوان در لابه لای آنها ، پیش شرط مشرکان مکه برای ایمان آوردن به آن حضرت

و قالوا لن نؤمن لك حتى .. أو تكون لك جنة من نخيل و عنب

3- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسى کردند .

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبى ... وقالوا لن نؤمن لك حتى ... تكون لك جنة من

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

4- ایجاد باغ بزرگ خرما و انگور با نهر های آب جاری ، معجزه درخواستی (اقتراحى) مشرکان مکه از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لن نؤمن لك حتى .. تكون لك جنة من نخيل و عنب

ص: 341

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 1,6,8

1- فرود آوردن قطعاتی از آسمان ، از معجزات اقتراحی و مورد درخواست مشرکان مکه از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو تسقط السماء .. علينا كسفاً

«كِسْفٌ» جمع «كَسَفٌ» به معنای قطعه است (لسان العرب).

6- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو تأتي باللة و الملائكة قبيلاً

«قبيلاً» به معنای «مقابله» (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

8- آوردن خداوند و ملائکه به صورت دسته دسته در نزد مشرکان مکه ، معجزه درخواستی (اقتراحی) آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لن تؤمن لك حتى .. أو تأتي باللة و الملائكة قبيلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «قبیلًا» جمع «قبیله» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 1,4,5,15

1- ایجاد خانه ای از طلا برای خود ، معجزه مورد درخواست (معجزه اقتراحی) مشرکان مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو يكون لك بيت من زخرف

به قرینه سیاق آیات که در آنها معجزه های درخواستی مشرکان مطرح شده است مراد از «أو يكون لك بيت من زخرف» ایجاد خانه ای طلایی از طریق معجزه است.

4- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرفنا .. من كلّ مثل فأبى ... وقالوا لن تؤمن لك حتى ... يكون لك بيت من

5- صعود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آسمان و آوردن دستخطی قابل خواندن و گواه بر صعود واقعی خویش ، معجزه درخواستی مشرکان مکه از آن حضرت

أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرَقِيكَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ

15- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به اعلام محدوده مسؤولیت خویش و بیان ناتوانی خود از ارائه معجزات درخواستی مشرکان

قالوا... قل... هل كنت إلا بشراً رسولاً

پاسخ «هل كنت...» در قبال درخواستهای مشرکان، می تواند گویای این معنا باشد که: درخواستهای آنان، ربطی به رسالت و مسؤولیتهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نداشته و یا در توان او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 5 - 7

7- مشرکان، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهان معجزه ای همانند معجزات پیامبران پیشین بودند .

فليأتنا بآية كما أرسل الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 342

8- درخواست معجزه از سوی مشرکان ستم پیشه مکه ، در جهت بهانه جویی بود ؛ نه حقیقت طلبی .

فلیأتنا .. أفهم یؤمنون

خداوند، درخواست معجزه از طرف مشرکان را به این دلیل ردّ فرمود که آنان مانند مشرکان اقوام گذشته، قصد ایمان آوردن نداشتند. بنابراین چنین درخواستی بهانه و دست آویزی بیش نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 3

3 - ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أویلقى إلیه کنز أو تکون له جنّه یا کل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا داشتن باغ های پرثمر - که امری محسوس و ملموس است - می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 154 - 6، 5

5 - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بنایه إن كنت من الصدقین

6 - ثمودیان ، ایمان به صالح را منوط به ارائه معجزه ای از سوی او می دانستند .

فأت بنایه إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 155 - 1

1 - پاسخ مثبت صالح (ع) ، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه .. قال هذه ناقة ... شرب یوم معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 157 - 4

4 - معجزه خواهی ثمودیان ، پیشنهادی بهانه جویانه بود ؛ نه درخواستی صادقانه .

فَأْتِ بِنَايِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ . . . فَعَقَرُوهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 187 - 1

1 - مردم آیکه ، خواهان فروریختن قطعات آسمانی بر سرشان توسط شعیب (ع)

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

«كِسْفُهُ» (مفرد «كِسْفٌ») مرادف «قطعه» است.

ص: 343

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 50 - 1

1 - مشرکان مکه ، خواستار تحقق معجزاتی چند به دست پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودند .

وقالوا لولا أنزل عليه آيات من ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 4 - 7

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 1 - 10

10 - « یونس عن ابی عبداللّٰه (ع) إجتمعوا أربعة عشره رجلاً أصحاب العقبه ليله أربعة عشر من ذی الحجه . . . فقالوا إن یکن لك عند ربك قدر فأمر القمر أن ینقطع قطعین فأمر القمر . . . فانقطع قطعین . . . فأنزل اللّٰه « اقتربت الساعه » إلى آخر السوره ;

یونس می گوید: امام صادق (ع) فرمود: چهارده نفر از اصحاب «عقبه» (کفار قریش) در شب چهارده ماه ذی الحجه جمع شدند . . . پس به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفتند: اگر تو نزد پروردگارت قدر و منزلتی داری، به این ماه آسمان دستور بده دو نیم شود . . . رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ماه فرمان داد . . . و ماه دو قطعه شد . . . پس خداوند آیه «اقتربت الساعه...» را نازل فرمود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 2

2 - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إِنَّا مرسلوا الناقه

جمله «إِنَّا مرسلوا الناقه» در مقام وعده و اخبار از آینده است. «الف و لام» در «الناقه» برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 52 - 1

1 - کافران پندناپذیر ، ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به آمدن نامه های سرگشاده برای یکایکشان ، مشروط دانستند .

بل یرید کلّ امریء منہم ان یوتی صحفًا منشّره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 54 - 1

1 - درخواست نزول نامہ سرگشادہ از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بہانہ جویی کافران

بل یرید کلّ امریء منہم ان یوتی صحفًا منشّره . . . کلاّ إنّہ تذکرہ

کلمہ «کلاّ»، تأکید مطلبی است کہ در آیه پیش (کلاّ بل لایخافون. .) بیان شدہ است؛ یعنی، قرآن کریم تذکرہ است و اگر بنا بود

ص: 344

که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانب خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

125- معجزه اقتراحی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 11 - 11

11- انبیا در مقابل درخواست معجزه از سوی اقوام کفرپیشه، خود را جز به اذن خداوند، فاقد توانایی لازم برای آن می دانستند.

و ما كان لنا أن نأتیکم بسلطن إلا بإذن الله

126- معجزه اقتراحی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 37 - 2

2 - نازل نشدن معجزه ویژه و دلخواه مشرکان، بهانه کفرورزی آنان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و قالوا لولا نزل علیه آیه من ربه

درخواست معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، علی رغم ارائه معجزات از سوی آن حضرت، حاکی است که آنان خواهان معجزه ویژه و دلخواه خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 12 - 7,9

7- نازل شدن گنج و مال فراوان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از پیشنهادها و معجزه های درخواستی مشرکان برای باور کردن حقانیت رسالت آن حضرت

أن یقولوا لولا أنزل علیه کنز

9- پیشنهاد های نابه جای مشرکان و معجزه های درخواستی آنان، موجب دلتنگی و ناراحتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شد.

و ضائق به صدرک أن یقولوا لولا أنزل علیه کنز أو جاء معه ملک

برداشت فوق، بر این اساس است که: ضمیر در «به» به «أن یقولوا...» برگردد و به تعبیری دیگر «أن یقولوا...» بدل برای ضمیر در «به»

باشد؛ یعنی: و ضائق صدرک بأن یقولوا

127- معجزه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 345

8 - بعثت رسولان متعدّد برای بنی اسرائیل ، همراه دلایل روشن (معجزات و براهین)

قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات

9 - سوخته شدن قربانی به آتشی از غیب ، معجزه برخی انبیا و رسولان بنی اسرائیل

قال انّ الله عهد الينا ... قد جاءكم رسل ... وبالذی قلمتم

12 - شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقیقت آنان

قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات وبالذی قلمتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

هنگامی به یک دلیل ، «بینه» گفته می شود که حق را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقیقت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

13 - یهود ، حتی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جاءكم رسل من قبلي ... وبالذی قلمتم فلم قتلتموهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - تکذیب رسالت بسیاری از انبیا ، علی رغم برخورداری آنان از دلایل روشن (برهان و معجزه)

فان كذبوك فقد كذب رسل من قبلك جاءو بالبينات والزبر والكتب المنير

9 - رسولان الهی برخوردار از دلایل روشن (برهان و معجزه) و دارای « زُبر » (کتاب های مشتمل بر حکمت و موعظه) و نیز آورنده کتاب روشن و روشنگر

رسل من قبلك جاءو بالبينات والزبر والكتب المنير

«منیر»، به معنای روشنگر و نیز به معنای روشن آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

28 - ارائه معجزات از سوی پیامبران تنها با اذن خداوند امکان پذیر است .

فتکون طيراً باذنی . . . و اذ تخرج الموتی باذنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 9

9 - معجزات پیامبران ، مایه اطمینان و یقین بر حقانیت رسالت آنان

ان ینزل علینا مائده . . . و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 101 - 6,7,8

6 - پیامبران اقوام گذشته برخوردار از دلایل و معجزاتی روشن برای هدایت آنان

ص: 346

و لقد جاءتهم رسلهم بالبينت

7- پیامبران در پی مشاهده تکذیب معارف دین از سوی امت ها ، معجزاتی را برای هدایتشان پیشروی آنان قرار دادند .

و لقد جاءتهم رسلهم بالبينت فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این است که «ما» در «بما کذبوا» موصول اسمی باشد و مضاف إليه کلمه «قبل» مجیء البینات باشد. البته در این صورت ضمیری پس از «کذبوا» مقدر خواهد بود. بنابراین تقدیر جمله چنین است: فما كانوا ليؤمنوا بالذی كذبوا به من قبل مجیء البینات.

8- معجزات انبیا بی تأثیر در کفرپیشگان و تکذیب کنندگان معارف الهی برای ایمان به آن معارف

و لقد جاءتهم رسلهم بالبينت فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 106 - 3

3- معجزه ، نشان صداقت انبیا در ادعای رسالتشان

إن كنت جئت بآية فأت بها إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 74 - 3

3- پیامبران بعد از حضرت نوح (ع) پس از رو به رو شدن با ایستادگی و تکذیب قومشان ، معجزات و براهین روشنی - که شاهد صدق ادعایشان بود - به مردم ارائه کردند .

ثم بعثنا من بعده رسلا إلى قومهم فجاءوهم بالبينت

«بینات» در این آیه می تواند شامل معجزات نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 76 - 4

4- معجزات پیامبران ، دارای منشأ الهی است .

فلما جاءهم الحق من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 44 - 1

1- خداوند ، تمامی انبیا و رسولان خود را با دلایل روشن (معجزات) و کتاب به سوی مردم گسیل داشته است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً .. بالبینت و الزبر

«زبر» جمع «زبور» و به معنای کتابهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 70 - 12

12 - اعطای معجزه به پیامبران ، پرتوی از ربوبیت خداوند

ص: 347

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 25 - 6

6 - رسالت پیامبران ، متکی بر معجزات و دلایل روشن بود .

جاءتهم رسلهم بالبينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 47 - 7

7 - پیام و دعوت انبیای الهی ، همراه با معجزه و برهان

و لقد أرسلنا موسى بآيتنا .. فلما جاءهم بآيتنا

با الغای خصوصیت از مورد، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 4

4 - همه پیامبران ، دارای معجزه بودند .

لقد أرسلنا رسلنا بالبينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 3

3 - پیامبران ، دارای معجزات و دلایل روشن بر حقانیت رسالت خویش

تأتیهم رسلهم بالبينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 20 - 3

3 - معجزات پیامبران ، دارای مراتب گوناگون و متفاوت در برتری و امتیاز

«کبری» اسم تفضیل است؛ یعنی، بزرگ تر.

128- معجزه انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 32 - 21

21- تمامی پیامبران مبعوث شده به سوی بنی اسرائیل ، دارای دلایل روشن (معجزه - برهان) بر حقانیت رسالت خویش

ص: 348

و لقد جاءتهم رسلنا بالبينت

129- معجزه ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 42 - 5

5- شفا یافتن ایوب (ع) از آب سرد جوشیده از زمین ، از معجزات خداوند و الطاف او به آن حضرت

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، که خداوند درصدد بیان معجزه و لطف خود به ایوب (ع) است.

130- معجزه بالا بردن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 171 - 8

8- قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«إذ» متعلق به فعل مقدر «اذکروا» است.

131- معجزه برای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 18

18- اعطای معجزه به امت های حق ناپذیر و تکذیب کننده آیات الهی ، کاری بیهوده و دور از ساحت خداست .

و ما منعنا أن نرسل . . . و ما نرسل بالأیت إلاّ تخویفاً

عبارت «و ما نرسل بالأیات إلاّ تخویفاً» (ما معجزات را جز برای بیم دادن نفرستادیم) می تواند توضیحی باشد برای امتناع خداوند از ارائه معجزه به امتهای بعدی به خاطر تکذیب شدن معجزات توسط پیشینیان. با این بیان که هدف از ارائه معجزه بیم دادن است. وقتی امتها آن را تکذیب کنند، ارائه آن لغو و بیهوده خواهد بود و چنین امری از ساحت خداوند به دور است.

132- معجزه برای مکذبان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 18

ص: 349

18- اعطای معجزه به امت های حق ناپذیر و تکذیب کننده آیات الهی ، کاری بیهوده و دور از ساحت خداست .

و ما منعنا أن نرسل . . . و ما نرسل بالأیت إلاّ تخویفاً

عبارت «و ما نرسل بالأیات إلاّ تخویفاً» (ما معجزات را جز برای بیم دادن نفرستادیم) می تواند توضیحی باشد برای امتناع خداوند از ارائه معجزه به امتهای بعدی به خاطر تکذیب شدن معجزات توسط پیشینیان. با این بیان که هدف از ارائه معجزه بیم دادن است. وقتی امتها آن را تکذیب کنند، ارائه آن لغو و بیهوده خواهد بود و چنین امری از ساحت خداوند به دور است.

133- معجزه پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 13

13 - تحقق نوید الهی به فتح خیبر ، معجزه ای هدایتگر برای مؤمنان

فَعَجَّلْ لَكُمْ هَذِهِ . . . وَ لَتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ

134- معجزه تکلم مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 4

4- لجاجت پیشگان، حتی در صورت سخن گفتن مردگان با ایشان و شهادت بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایمان نمی آورند.

و لو أننا . . . و كلمهم الموتى ... ما كانوا ليؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 2

2- آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند ، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت را برای آنان بیان کنند ، هدایت نخواهند یافت .

و لو أن قرءاناً . . . كلم به الموتى

هر یک از جمله های «سیرت به الجبال» و «قَطَّعت به الأرض» و «كَلَّم به الموتى» حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله «كَلَّم به الموتى» حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواستند تا مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

135- معجزه تولد اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 350

4- پیدایش و تکون اسحاق، به اعجاز و برخلاف جریان طبیعی بوده است.

فبشئرها ياسحق... قالت يويلتي ءألد و أنا عجوز و هذا بعلى شيخاً

136- معجزه چشمه سنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 13

13 - جوشش چشمه های متعدد از سنگ و ویژگی های مخصوص آنها، از معجزات ارائه شده به قوم موسی

فانفجرت منه اثنتا عشرة عیناً قد علم کل أناس مشربهم

137- معجزه حرکت کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 1

1- نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد، زمین را قطعه قطعه کند، مردگان را زنده سازد، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد.

و لو أن قرءاناً سیّرت به الجبال أو قطّعت به الأرض أو کلمّ به الموتی

«تسییر» (مصدر سیّرت) به معنای حرکت دادن است و «تقطیع» (مصدر قطّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت «بل لله الأمر» و نیز «أن لو یشاء الله لهدی الناس» گویای این است که جواب شرط «لو أن»

«...» جمله ای نظیر «لم یهدوا إن لم یشأ الله» است.

138- معجزه حسی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 44 - 12

12- خداوند، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کتاب آسمانی جهان شمول عطا

کرد . *

و ما أرسلنا .. بالبينت و الزبر و أنزلنا إليك الذكر

«بینه» به معنای دلیل واضح و روشن - اعم از عقلی و حسی - است. طبق شواهد تاریخی مراد از «بینات» در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

ص: 351

139- معجزه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 16

16- ساختن اسلحه و زره ، معجزه داوود (ع) و دلیل نبوت او

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم ... فهل أنتم شکرون

نوع مفسران برآند که این آیه و آیات پیشین، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و شواهد نبوت آنان است.

140- معجزه در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 211 - 1,4

1 - تخلف و انحراف بنی اسرائیل ، علی رغم ارائه آیات روشن و معجزات الهی به آنان

کم اتیناهم من ایه بیّنه و من یدل نعمه الله

4 - خداوند ، آیات روشن و معجزه های فراوانی برای بنی اسرائیل فرستاد .

کم اتیناهم من ایه بیّنه

141- معجزه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 81 - 4

4- مسخر و رام بودن تندباد ها در دست سلیمان (ع) و فرمان روایی ایشان بر آنها ، معجزه آن حضرت و دلیل پیامبری او

و لسلیمن الریح عاصفه

نوع مفسران برآند که این آیه و آیات دیگر، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و دلایل نبوت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 4

4- استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس ، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نكروا لها عرشها. .. من الذين لا يهتدون

برخی برآند که «أتهتدى. ..» به تقدیر «أتهتدى إلى الإيمان بالله ورسوله» می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 352

4- درک سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجازگونه تخت وی

قالت كانه هو و اوتينا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل فهمیده ایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 15

15 - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملگا لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

142- معجزه سور قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 23 - 4

4- قرآن و یکایک سوره های آن ، معجزه است .

فأتوا بسوره من مثله

143- معجزه شتر صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 2، 1

1- پیدایش شتری به اراده خداوند و بدون جریان اسباب و علل عادی ، معجزه صالح (ع) برای اثبات رسالت خویش

و يقوم هذه ناقه الله لكم ءایه

2- ناقه صالح ، آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناچه الله لكم آيه

اضافه «ناچه» به «الله» علاوه بر اينكه اشاره به پيدائش ناچه صالح بدون جريان علل عادي دارد ، گوياي عظمت و بزرگي ناچه نيز مي باشد.

ص: 353

144- معجزه شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 1

1- حضرت شعیب (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

يقوم أريتم إن كنت على بينة من ربى

145- معجزه شق القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 1 - 10، 6

6- دو نیمه گشتن ماه و صورت گرفتن ، (معجزه «شق القمر») در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

وانشق القمر

10 - « یونس عن أبی عبداللہ (ع) إجتمعوا أربعة عشره رجلاً أصحاب العقبه ليله أربعة عشر من ذی الحجه . . . فقالوا إن یکن لك عند ربك قدر فأمر القمر أن یقطع قطعین فأمر القمر . . . فانقطع قطعین . . . فأنزل اللہ « اقتربت الساعه » إلى آخر السوره ;

یونس می گوید: امام صادق (ع) فرمود: چهارده نفر از اصحاب «عقبه» (کفار قریش) در شب چهارده ماه ذی الحجّه جمع شدند . . . پس به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفتند: اگر تو نزد پروردگارت قدر و منزلتی داری، به این ماه آسمان دستور بده دو نیم شود . . . رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ماه فرمان داد . . . و ماه دو قطعه شد . . . پس خداوند آیه «اقتربت الساعه...» را نازل فرمود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 2 - 2

2- روی گردانی کافران ، از پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به رغم مشاهده معجزه «شق القمر»

وانشق القمر . . . و إن یروا آیه یعرضوا

از اطلاق «آیه» بر «شق القمر»، استفاده می شود که «شق القمر» از معجزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده که بر حقانیت رسالت خویش اقامه کرده است.

146- معجزه شکافتن زمین

1- نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءاناً سیّرت به الجبال أو قَطَّعت به الأرض أو کَلَّم به الموتی

«تسییر» (مصدر سیّرت) به معنای حرکت دادن است و «تقطیع» (مصدر قَطَّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن

می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت «بل لله الأمر» و نیز «أن لو یشاء الله لهدی الناس» گویای این است که جواب شرط «لو أن...» جمله ای نظیر «لم یهدوا إن لم یشأ الله» است.

147- معجزه صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 13، 15، 16، 18

13 - صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

عبدوا الله ما لکم من إله غیره قد جاء تکم بینه من ربکم

15 - خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه الله لکم ءایه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح (ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

16 - ناقه صالح ، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاء تکم بینه من ربکم

18 - قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاء تکم بینه من ربکم

برداشت فوق بر این اساس است که «قد» در «قد جاء تکم» برای توقع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 5

5 - مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع) ، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال المأذون استکبروا من قومه... أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 1

1- صالح (ع)، برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

قال يقوم أرىتم إن كنت على بينة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 10، 1

1- پیدایش شتری به اراده خداوند و بدون جریان اسباب و علل عادی، معجزه صالح (ع) برای اثبات رسالت خویش

و يقوم هذه ناقه الله لكم آية

10- « عن أبي جعفر (ع) قال: إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) سأله جبرئيل (ع): . . . فقال: يا محمد (صلى الله عليه وآله) ان صالحاً بعث إلى قومه . . . قالوا: يا صالح ادع لنا ربك يخرج لنا من هذا الجبل الساعة ناقه حمراء شقراء وبراء عشراء بين جنبيها ميل . . . فسأل الله تعالى

ص: 355

صالح ذلك فانصدع الجبل صدعاً... ثم اضطرب ذلك الجبل... ثم لم يفجأهم إلا رأسها... ثم خرج سائر جسد ها ثم استوت قائمه على الأرض...;

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود،... جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت... سپس به لرزه درآمد... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 154 - 7

7 - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش، تردید داشتند.

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن «إن» - که در موارد تردید به کار می رود - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 155 - 1,3

1 - پاسخ مثبت صالح (ع)، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه... قال هذه ناقه... شرب يوم معلوم

3 - ناقه (شتر ماده)، معجزه صالح پیامبر

قال هذه ناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 6

6 - صالح پیامبر (ع)، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إتوا مرسلوا الناقه... فارتقبهم واصطبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال لهم رسول الله ناقة الله

اضافه «ناقه» به «الله» - پس از بیان رسالت صالح(ع) - بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

ص: 356

148- معجزه عصای موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 23 - 5

5- معجزه عصا و یدبیضای موسی (ع) ، مقدمه ای برای نمایاندن معجزات بزرگ تری به وی در آینده بود .

لنریک من ایتنا الکبری

چون در آیه قبل، آیت بودن یدبیضا و نیز عصا ذکر گردیده است؛ ممکن است گفته شود «لنریک...» در صدد بیان نکته تازه ای است و به موسی وعده می دهد که این دو معجزه، مقدمه ای بود تا در آینده، آیاتی بزرگ تر از آنچه اکنون ارائه شد، به تو نمایانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 65 - 8

8- ساحران فرعون ، جادویی هم نوع با معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

أن تلقی . . . من ألقى

149- معجزه عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 87 - 5,6

5- عیسی (ع) از پیامبران الهی و برخوردار از معجزات و دلایلی روشن بر پیامبری خویش

و ایتنا عیسی ابن مریم البینت

6- خداوند ، عطا کننده معجزات و دلایل فراوان و روشن به عیسی (ع)

و ایتنا عیسی ابن مریم البینت

«بینه» به معنای حجت و دلیل واضح و روشن است و معجزه از مصداقهای مورد نظر آن می باشد. «ال» در «البینات» یا عهد ذهنی است و اشاره به دلایل و معجزاتی از قبیل زنده کردن مردگان، بینا کردن نابینایان و ... دارد و یا برای استغراق است و حکایت از کثرت و فراوانی بینات دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسیح (ع) توانمند بر آفرینش مجسمه ای از گل به شکل پرندگان که با دمیدنش در آن به پرواز در می آمد

و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیراً باذنی

21 - حیات بخشی به موجودات جامد از معجزات حضرت عیسی (ع)

و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیراً باذنی

24 - حضرت مسیح توانا بر بیناسازی کور های مادرزاد و شفابخشی مبتلایان به پیسی

و تبری الاکمه و الابرص باذنی

ص: 357

25 - توانایی حضرت مسیح بر زنده کردن مردگان مدفون شده در خاک

و اذ تخرج الموتی باذنی

مراد از اخراج مردگان (تخرج الموتی) زنده کردن آنهاست و به کارگیری کلمه اخراج برای رساندن این معناست که عیسی (ع) قادر بود حتی مردگان مدفون در خاک را نیز زنده کند و از خاکها بیرون کشد.

27 - عیسی (ع)، ارائه کننده معجزات خویش (حیات بخشی به اجسام بی جان، درمان کوری و پیسی و زنده کردن مردگان)، در بسیاری از مواقع

اذ تخلق... و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج

برداشت فوق از فعل مضارع «تخلق» و «تبری» و «تخرج» که حاکی از استمرار انجام کار می باشد، استفاده شده است.

30 - توجه به وابستگی معجزات عیسی (ع) به اذن خداوند، از میان برنده پندار الوهیت وی

اذ تخلق... فتکون طیاراً باذنی و تبری الاکمه و الابرص باذنی

معجزاتی همچون حیات بخشی به اجسام بی جان و زنده کردن مردگان زمینه ساز پندار الوهیت برای ارائه کننده چنین معجزاتی است، تکرار کلمه «باذنی» در فرازهای مختلف آیه مورد بحث برای برطرف کردن چنین پنداری می باشد.

31 - توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند روح بخشی به مجسمه ها، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی... و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

42 - پرنده آفریده شده از گل - به اذن خدا - توسط عیسی (ع) از جنس خفاش بود.

و اذ تخلق من الطین کهیئته الطیر باذنی

امیرالمؤمنین (ع): در پاسخ سؤال از جاندارانی که بدون قرار گرفتن در رحم آفریده شدند فرمود: «... و الخفاش الذی عمله عیسی بن مریم فطار باذن الله عزوجل.»

خصال صدوق، ص 322، ح 8، باب الستة؛ نورالثقلین، ج 1، ص 343، ح 147.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ینزل علینا مائده

کلمه «علینا» به قرینه «نأکل» و «قلوبنا» و «نعلم» و «نکون» در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 13

13- «عن أبی جعفر (ع) : ضرب عیسی (ع) برجله فظهرت عین ماء تجری ؛

از امام باقر(ع) روایت شده: عیسی(ع) (هنگام ولادت) پای خود را بر زمین زد، پس چشمه آب روانی ظاهر شد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 358

10 - مریم - 19 - 30 - 5

5- تکلم عیسی (ع) در گهواره و معرفی خود، از معجزات او و برهانی کافی بر پاکدامنی مریم (س) و میرابودن او از اتهامات مردم بود.

فأشارت إليه .. قال إني عبدالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 61 - 1

1 - معجزه عیسی (ع) در احیای مردگان، دلیلی آشکار بر امکان معاد

وإنه لعلم للساعة

ضمیر در «إنه» به عیسی (ع) بر می گردد. آن حضرت از آن جهت دلیل بر امکان معاد است که می توانسته مردگان را زنده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 8

8 - معجزات و دلایل روشن، پشتوانه رسالت عیسی (ع) بود.

فلما جاءهم بالبينت

«بینه» (مفرد «بینات») به معنای دلیل روشن است. از مصادیق بینات، معجزات می باشد.

150- معجزه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 23 - 4

4 - قرآن و یکایک سوره های آن، معجزه است.

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 14 - 7

7- قرآن، معجزه و سند حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

أم يقولون افتريه . . . فإلّم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله

151- معجزه كوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 63 - 9

ص: 359

9- قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا ميثقكم ورفعنا فوقكم الطور

«إذ» مفعول برای فعل «اذکروا» در آیه 47 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 64 - 2

2- پیمان شکنی بنی اسرائیل، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه، امری سنگین، شگفت و نامتوقع بود.

أخذنا ميثقكم ورفعنا فوقكم الطور .. ثم توليتم من بعد ذلك

«ثم» در جمله «ثم توليتم» حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا «من بعد ذلك» رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که «ثم» برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و .. مضمون جمله بعد دارد.

152- معجزه مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 8

8- نزول مائده آسمانی از میان برنده شک و تردید در حقانیت مسیح و معجزه ای کافی برای همه مسیحیان

و نعلم ان قد صدقتنا .. أنزل علينا مائده من السماء

153- معجزه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 99 - 1,3

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخوردار از دلایل و معجزاتی روشن بر حقانیت رسالت خویش

و لقد أنزلنا إليك آیت بینت

چون سخن در این بخش از سوره درباره دعوت به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن است، می توان گفت متعلق «آیات بینات» (نشانه های روشن) راستی و درستی قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

3- خداوند، عطاکننده دلایل و معجزات به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد أنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 22

22 - دروغ بودن ادعای یهود در مورد ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در صورت مشاهده معجزه درخواستی خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب)

ص: 360

قل قد جاءكم... فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 35 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) نخواهد توانست با نقب زدن به زمین و گذاشتن نردبان به آسمان خودسرانه معجزه ای ارائه کند.

فإن استطعت أن تتبغى نفقا في الأرض أو سلما في السماء فتأتهم بأية

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 50 - 11

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تنها در محدوده تعیین شده در وحی الهی مجاز به ارائه معجزات است.

قل لا أقول لكم... إني ملك إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

جمله «إن أتبع إلا ما يوحى» به تناسب موضوع مورد بحث، تعیین محدوده ای برای ارائه معجزات می تواند باشد. یعنی من فرشته و مالک خزاین نیستم، فقط تابع وحی الهی هستم و هر جا و به هر صورت که لازم و بجا باشد، معجزه ارائه می نمایم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 57 - 10، 3، 2

2 - اعطای بینات (دلایل روشن) به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پرتویی از ربوبیت خداوند

قل إني على بينة من ربي

3 - قرآن، بینة و دلیل روشن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و گواه حقانیت او

قل إني على بينة من ربي و كذبتم به

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از بینة و مرجع ضمیر «كذبتم به» قرآن است. مفرد آمدن کلمه «بینة» و مذكر آمدن ضمیر «به» این احتمال را تقویت می کند.

10 - ارائه معجزه، بدان گونه که مردم برگزینند و بخواهند، خارج از قلمرو اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

ما عندی ما تستعجلون به

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

7 - یونس - 10 - 37 - 2

2- قرآن ، معجزہ حضرت محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ) و دلیل رسالت و نبوت وی

و ما كان هذا القرءان أن يفترى من دون الله

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - ہود - 11 - 14 - 7

7- قرآن ، معجزہ و سند حقانیت پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ) است .

أم يقولون افتريه . . . فإلّم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله

ص: 361

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 133 - 10

10 - قرآن ، معجزه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دلیل روشن بر اثبات نبوت آن حضرت

أولم تأتهم بيته ما في الصحف الأولى

بیان؛ یعنی، وضوح و انکشاف (مصباح). بنابراین «بیته» به چیزی گفته می شود که واضح باشد. ضمیر مذکر - که از کلمه «من قبله» (در آیه بعد) به این کلمه بازمی گردد - دلالت می کند که از آن برهان و دلیل اراده شده است (کشاف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 4 - 7

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 34 - 6

6 - قرآن ، برهان صدق پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معجزه او

فليأتوا بحديث مثله إن كانوا صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 1 - 10، 6

6 - دو نیمه گشتن ماه و صورت گرفتن ، (معجزه «شق القمر») در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

و انشق القمر

10 - « یونس عن أبي عبد الله (ع) إجتمعوا أربعة عشره رجلاً أصحاب العقبة ليله أربعة عشر من ذى الحجة . . . فقالوا إن يكن لك عند ربك قدر فأمر القمر أن ينقطع قطعتين فامر القمر . . . فانقطع قطعتين . . . فأنزل الله « اقتربت الساعة » إلى آخر السوره ;

یونس می گوید: امام صادق (ع) فرمود: چهارده نفر از اصحاب «عقبه» (کفار قریش) در شب چهارده ماه ذی الحجه جمع شدند . . . پس به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفتند: اگر تو نزد پروردگارت قدر و منزلتی داری، به این ماه آسمان دستور بده دو نیم شود . . . رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ماه فرمان داد . . . و ماه دو قطعه شد . . . پس خداوند آیه «اقتربت الساعة...» را نازل فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - دلخوشی کافران به پندار غلط خود ، در زودگذری آثار معجزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) *

وإن یروا آیه یعرضوا یقولوا سحر مستمرّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «مستمر» از ماده «مرور» (زایل شدن و گذرا بودن)، مشتق شده باشد؛ چنان که برخی از مفسران بدان اشاره کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 12

12 - رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، همراه با معجزات و دلایل روشن

ص: 362

يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

درباره مرجع ضمیر در «جاء» دو احتمال وجود دارد. 1- ضمیر مزبور به عیسی (ع) بازمی گردد. برداشت های پیشین براساس این احتمال است. 2- ضمیر به کلمه «أحمد» (صلی الله علیه و آله) بازمی گردد. برداشت بالا و نیز برداشت های بعدی بر این احتمال استوار است.

154- معجزه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 38 - 4

4 - زکریا با مشاهده رزقی که خارج از اسباب طبیعی به مریم اعطا شده بود، علی رغم کهنسالی خود، از خدا تمنای فرزند کرد.

هنا لک دعا زکریا ربّه

بنابراینکه مشارالیه «هنا لک»، اعطای رزق از راه غیر طبیعی به مریم باشد که خداوند، بدین گونه به آن اشاره کرده است: ان الله یرزق من یشاء بغير حساب.

155- معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 6

6 - قرار دادن ابر های سایه گستر و نازل کردن « منّ » و « سلوی » از معجزات ارائه شده به قوم موسی

و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 13

13 - جوشش چشمه های متعدد از سنگ و ویژگی های مخصوص آنها، از معجزات ارائه شده به قوم موسی

فانفجرت منه اثنتا عشرة عیناً قد علم کل أناس مشربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 92 - 2

2 - موسی (ع)، برخوردار از دلایل و معجزاتی فراوان بر پیامبری خویش

و لقد جاء كم موسى بالبینت

جمع آوردن «بینات» همراه با «ال» استغراقی، بیانگر کثرت آن بینات است. «بینه» به معنای دلیل روشن است و از مصداقهای مورد نظر آن، معجزه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 363

4 - قرار دادن کوه طور بر سر یهود ، از معجزات حضرت موسی (ع)

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً . و رفعنا فوقهم الطور

بر افراشتن کوه طور، می تواند بیان مصداقی برای جمله «و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 4

4 - معجزه و دلایل روشننگر موسی (ع) ، عطیه ای بود از جانب خداوند به وی

ثم بعثنا من بعدهم موسی بئایتنا

کلمه «نا» در «آیاتنا» بیانگر این است که نشانه های نبوت از جانب خداوند به موسی اعطا شده بود ؛ یعنی: آیات متنا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 105 - 6,7

6 - دلایل و معجزات موسی (ع) ، موهبتی الهی پیشاروی فرعونیان و نشأت گرفته از مقام ربوبی خداوند

قد جئتکم ببینه من ربکم

7 - فرعون و بزرگان دربارش در انتظار بینه ای از سوی موسی بر حقانیت ادعای خویش

قد جئتکم ببینه من ربکم

برداشت فوق بر این اساس است که «قد» در «قد جئتکم» برای توقع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 106 - 1,2

1 - فرعون ، ناباور به صداقت موسی (ع) در ادعای رسالت و برخورداریش از معجزه و آیتی از جانب خدا

قال إن كنت جئت بنایه فأت بها إن كنت من الصديقين

متعلق «الصديقين» اصل رسالت و نیز داشتن «بینه» است. یعنی: إن كنت من الصادقين فی دعوی الرساله و دعوی البینه.

2- فرعون از موسی خواست چنانچه قادر به ارائه معجزه است ، آن را ارائه کند .

قال إن كنت جئت بثأيه فأت بها

روشن است که در جمله های شرطیه نباید شرط و جزا از نظر مفهوم همانند باشد و نمی توان گفت: اگر آورده ای بیاور. بنابراین جمله «إن كنت جئت بثأيه» (اگر آیت و معجزه ای آورده ای) به این معناست: اگر قادر به ارائه معجزه هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 107 - 1,2,3,5

1 - موسی (ع) در پاسخ فرعون (درخواست آیت رسالت) عصای خویش را رها ساخت .

فألقى عصاه

2 - عصای موسی (ع) در برابر فرعون به ماری بزرگ تبدیل شد .

فألقى عصاه فإذا هي ثعبان مبين

ص: 364

3- تبدیل عصای موسی (ع) به ماری بزرگ، دور از انتظار فرعونیان

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

«إِذَا» در «فِإِذَا هِيَ ..» برای مفاجات و بیانگر دو معناست: بین مفاد جمله قبل و بعد اقتران زمانی است، مفاد جمله پس از آن در یک حالت غیر منتظره انجام شده است.

5- اژدهای تبدیل شده از عصای موسی (ع)، اژدهایی واقعی و تردیدناپذیر

فِإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

توصیف «ثعبان» به «مبین» (آشکار و واضح)، به این نکته اشاره دارد که آن اژدها واقعی بود، نه وهمی و خیالی، و حرکات و سکناش به گونه ای بوده است که در اژدها بودن آن برای کسی جای تردید وجود نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 108 - 2، 1

1 - موسی (ع) در پی درخواست فرعون (آوردن معجزه) دومین آیت رسالت خویش را ارائه کرد.

إِن كُنتَ جِئْتَنَا بِبَيِّنَاتٍ أَوْ وَجْهٍ مُّبِينٍ

2- سفید گشتن دست موسی (ع) پس از نمایان ساختن آن، دومین معجزه موسی و آیتی برای حقانیت رسالت او

وَنَزَعْنَا يَدَ إِسْحَاقَ بْنِ يَاقَانَ إِذْ أَخَذَ يَدَهُ وَكُنَّا لَهُمْ شَاقِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 117 - 3، 2، 1

1 - خداوند پس از جادوگری ساحران به موسی فرمان داد تا عصای خویش را در صحنه مبارزه رها سازد.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ

2- خداوند، فرمانش را (افکندن عصا) از طریق وحی به موسی ابلاغ کرد.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ

3- عصای موسی (ع) پس از افکنده شدن، تمام بافته های جادویی ساحران را بلعید و به کام خویش فروبرد.

فإذا هي تلقف ما يأفكون

«لَقَف» (مصدر تلقف) به معنای گرفتن چیزی با سرعت است و در آیه شریفه به مناسبت مورد به «بلعیدن» تفسیر شده است. جمله «فإذا هي ...» می تواند خبر از رخدادی باشد که در صحنه مبارزه اتفاق افتاده است. در این صورت تقدیر جمله چنین خواهد بود: أوحينا إلی موسی أن ألق عصاک فالقیها فإذا هي تلقف.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 118 - 3

3 - معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوق الحق و بطل ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر «کانوا» و «یعملون» فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از «ما» در «ما کانوا» تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

ص: 365

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 9,10,11,12

9 - موسی (ع) از جانب خداوند فرمان یافت تا برای دستیابی به آب عصای خویش را به سنگ زند .

و أوحینا إلی موسی . . . أن اضرب بعصاک الحجر

«ال» در «الحجر» هم می تواند تعریف جنس باشد، که در این صورت مراد از «الحجر»، سنگ در مقابل اشیای دیگر است، و هم می تواند «ال» برای عهد حضوری و یا ذهنی باشد، که در این صورت مراد از «الحجر» سنگی مخصوص بوده است.

10 - موسی (ع) در پی فرمان الهی بدون هیچ تأخیر عصای خویش را برای به دست آوردن آب بر سنگ زد .

أن اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا

حرف «فاء» در «فانجست» فاء فصیحه است؛ یعنی بیانگر معطوف علیه مقدر می باشد. آن معطوف علیه مقدر به قرینه فراز قبل، «فضرب بعصاه الحجر» است. گویا حذف این جمله برای رساندن این معناست که فرمان الهی (اضرب) همان و زدن همان.

11 - فرمان خدا به موسی (زدن عصا بر سنگ برای تهیه آب) فرمانی اعلام شده به او از طریق وحی

و أوحینا إلی موسی . . . أن اضرب بعصاک الحجر

12 - جوشش دوازده چشمه آب از سنگ در پی فرود آمدن عصای موسی بر آن

أن اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا

«انجاست» مصدر «انجست» به معنای جوشیدن و فوران زدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 96 - 5

5- خداوند، موسی (ع) را در آغاز رسالتش از آیت و معجزه بهره مند ساخت نه پس از درخواست و پیشنهاد مردم .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا و سلطن مبین

«باء» در «بأیتنا» برای مصاحبت است و لذا مفاد جمله «لقد أرسلنا . . .» این است که موسی(ع) به هنگام بعثش، آیات و معجزات داشت؛ برخلاف پیامبران پیش از او که خداوند پس از پیشنهاد و درخواست مردم به آنان معجزه می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- معجزات حضرت موسی (ع) ، فعل خدا بود که توسط آن حضرت تحقق یافت .

و لقد أرسلنا موسی بآیتنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که: مراد از «آیاتنا» معجزاتی باشد که توسط حضرت موسی (ع) انجام می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 101 - 14، 15، 9، 4، 3، 2

2- دعوت حضرت موسی (ع) ، همراه با دلایل روشن (معجزات گویا) بر حقانیت رسالتش بود .

و لقد آتینا موسی تسع آیت بیّنات

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور اقرار گرفتن از بنی اسرائیل نسبت به حق ناپذیری فرعون و پیروان او ، علی رغم اعطای معجزات فراوان به

ص: 366

و لقد آتینا موسی تسع آیت بیئت فسئل بنی اسرائیل إذ جاءهم فقال له فرعون إني لأ

4- معجزات متعدد موسی (ع) ، در فرعون هیچ گونه اثری نبخشید .

و لقد آتینا موسی تسع آیت بیئت . . . فقال له فرعون إني لأظنك يموسی مسحورًا

9- فرعون پس از مشاهده معجزه های نه گانه موسی (ع) ، او را متهم به سحر و سحرزدگی کرد .

آتینا موسی تسع آیت . . . فقال له فرعون إني لأظنك يموسی مسحورًا

14- « عن أبي جعفر (ع) في قوله : « و لقد آتینا موسی تسع آیات بیئات » قال : الطوفان و الجراد و القمّل و الضفادع و الدم و الحجر و البحر و العصا و يده ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره سخن خدا «و لقد آتینا موسی تسع آیات بیئات» فرمود: [آیات موسی(ع) عبارت بود از]: طوفان، ملخ، شپش، قورباغه، خون، سنگ، دریا، عصا و يد [بیضای] موسی».

15- « عن موسی بن جعفر (ع) قال : نفر من اليهود . . . قالوا : أخبرنا عن الآيات التسع التي أوتیها موسی بن عمران قلت : العصا و إخراج يده من جيبه بيضاء و الجراد و القمّل و الضفادع و الدم و رفع الطور و المنّ و السلوی آیه واحده و فلق البحر . . . ؛

امام کاظم(ع) فرمود: گروهی از یهودیان . . . گفتند: به ما خبر ده از آیات نه گانه ای که به موسی بن عمران داده شده بود. گفتیم: عصا، بیرون آوردن دست از گریبان خویش در حالی که نورانی بود، ملخ، شپش، قورباغه، خون، قرار گرفتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل، منّ و سلوی - که [هر دو] یک نشانه واحد هستند - و شکافتن رود نیل...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 20 - 4

4- پرسش خداوند از موسی (ع) در باره عصا ، جهت ایجاد زمینه لازم و آمادگی ذهنی برای نمایاندن آیت و معجزه به او بود .

و ما تلک بیمینک . . . فألقیها فإذا هی حیة

تصریح موسی(ع) به خواص طبیعی عصا در پاسخ خداوند، ایجادکننده زمینه ای مناسب در ذهن او بود که با مقایسه دو حالت عصا، هیچ تردیدی در معجزه بودن حالت جدید به خود راه ندهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 22 - 4، 1

1 - خداوند، در وادی طوی به موسی (ع) فرمان داد که با گذاردن دست در زیر بغل و بیرون آوردن آن، با معجزه ای دیگر آشنا شود.

واضمم یدک إلی جناحک .. آیه اُخری

«جناح» در معانی «دست»، «بازو»، «زیر بغل» و «پهلوی» به کار می رود (قاموس). فعل «تخرج» قرینه است براین که مراد از «جناح» در آیه «زیر بغل» است، زیرا بر دور شدن دست از بازو و پهلو خروج صادق نیست.

2 - دست حضرت موسی (ع) با قرارگرفتن در زیر بغل او، به هنگام بیرون آمدن تغییر رنگ داده و سپید می شد.

تخرج بیضاء

4 - یدبیضا و مار شدن عصا، دو معجزه برای اثبات رسالت موسی (ع) بود.

فألقيها فإذا هي حيّة تسعى .. واضمم یدک ... آیه اُخری

«آیه» (علامت)، حال است برای فاعل «تخرج» و به قرینه آیات بعد که در آنها هدایت فرعون بر عهده موسی نهاده شده، مراد از

ص: 367

«آیه»، علامت رسالت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 23 - 1,4,5

1 - ارائه معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع) در وادی طوی، به جهت نمایاندن برخی معجزات بزرگ الهی به آن حضرت بود.

لنریک من ءایتنا الکبری

«لنریک» متعلق به فعلی است که از «آیه أُخری» انتزاع می شود؛ یعنی آیه آوردیم تا... «من» برای تبعیض است و دلالت می کند که مراد، نشان دادن بعضی از آیات بزرگ خداوند است.

4 - معجزه عصای موسی (ع) و یدبیضای او، دو نمونه از بزرگ ترین نشانه ها و معجزات الهی اند.

من ءایتنا الکبری

5 - معجزه عصا و یدبیضای موسی (ع)، مقدمه ای برای نمایاندن معجزات بزرگ تری به وی در آینده بود.

لنریک من ءایتنا الکبری

چون در آیه قبل، آیت بودن یدبیضا و نیز عصا ذکر گردیده است؛ ممکن است گفته شود «لنریک...» در صدد بیان نکته تازه ای است و به موسی وعده می دهد که این دو معجزه، مقدمه ای بود تا در آینده، آیاتی بزرگ تر از آنچه اکنون ارائه شد، به تو نمایانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 42 - 2,6

2 - موسی و هارون (ع)، به همراه با آیات و معجزات الهی - مأمور حرکت برای انجام رسالت خویش شدند.

اذهب أنت و أخوک ب--آیتی

6 - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع)، وعده خداوند به او در کوه طور*

ب--آیتی

جمع آوردن «آیات» با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی (ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی (ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرعون، ناگزیر از قانع کردن افکار عمومی مردم مصر، در برابر دعوت و معجزات حضرت موسی (ع)

فلنأتینک بسحر مثله فاجعل . . . مکائناً سوئی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - عصای موسی با اعجاز او، تمامی ابزار و آلات سحر جادوی ساحران فرعون (بند ها و عصا ها) را بلعید.

تلقف ما صنعوا . . . فألقى السحرة

«فاء» در «فألقى» فصیحه و حاکی از جمالاتی محذوفی است. مفاد آیه با تقدیرات آن چنین می شود: موسی (ع) عصای خود را

انداخت و عصا آلات سحر را بلعید، آن گاه ساحران به سجده افتادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 8

8 - نزول « منّ و سلوی » ، از معجزات ارائه شده به قوم موسی (ع)

و نزلنا

اختصاص یافتن «منّ و سلوی» از بین خوراکی ها و یادآوری نزول آن بر بنی اسرائیل، نشان از غیر عادی بودن نزول آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 15 - 6

6 - آیات الهی (معجزات) توشه راه و حربه پیروزی موسی و هارون (ع)

قال کلاً فاذهبنا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 30 - 3

3 - اظهار آمادگی موسی ، برای ارائه دلیلی روشن و محسوس (معجزه) بر صدق رسالت خویش

قال أولوجئتک بشی ء مبین

مراد از «بشی ء مبین» به قرینه آیات بعد، معجزه عصا و ید بیضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 31 - 3، 2، 1

1 - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أولوجئتک بشی ء مبین . قال فأت به

2 - تردید فرعون نسبت به توان موسی (ع) در ارائه دلیل روشن بر مدعای خویش

قال فأت به إن كنت من الصدقین

برداشت یاد شده، در صورتی است که امر در «فأت به» تعجیزی باشد. بنابراین فرعون بدان جهت که از توانایی موسی نسبت به آن کار اطمینان نداشت، از او خواست تا معجزه خویش را ارائه دهد.

3 - فرعون دلایل آفاقی و انفسی ارائه شده از سوی موسی را گویای صدق ادعای او ندانسته و تنها معجزه را شاهد صدق گفتارش می دانست .

قال رب السموت و الأرض ... قال ... لأجعلنک من المسجونین . قال أولوجنتک بشیء

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون دلایل آفاقی و انفسی حضرت موسی را نپذیرفت و ضمن تمسخر آنها، او را به زندان تهدید کرد؛ ولی آن گاه که آن حضرت مسأله معجزه (شیء مبین) را مطرح ساخت، فرعون به ظاهر به آن تن داد و پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 32 - 2

ص: 369

2- تبدیل ناگهانی عصای موسی به اژدهایی واقعی و تردید ناپذیر

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 33 - 1, 2

1- درخشندگی دست موسی برای بینندگان، در پی بیرون کشیدن آن از گریبان خویش

فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظَرِ

«نَزَعٌ» (مصدر «نَزَعٌ») معادل «اخراج» (بیرون آوردن) است و منزع منه در آیه فوق حذف شده و تقدیر آن چنین است: «و نزع یده من جیب قمیصه». گفتمی است که «بیضاء» (مؤنث أبيض) به معنای سفید است و سفیدی دست موسی می تواند کنایه از اشراق و درخشندگی آن به هنگام بیرون آوردن از گریبان باشد.

2- ید بیضا، دومین معجزه موسی (ع) و دلیل صدق رسالت وی

و نزع یده فإذا هی بیضاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 34 - 1

1- واکنش حق ستیزانه فرعون در قبال دو معجزه روشن موسی (ع)

قال للملأ حوله إن هذا لسحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 43 - 3

3- تلاش ساحران برای انجام کاری شبیه به معجزه موسی

ألقوا ما أتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 44 - 7

7 - سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا جبالهم و عصيهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای اژدها شوند) موسی (ع) استفاده کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 63 - 5

5 - بنی اسرائیل و فرعونیان ، شاهد معجزه ای دیگر از موسی (ع) با شکافتن دریا

أن اضرب بعصاك البحر فانقلب

ص: 370

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 8, 2, 1

1 - فرمان خدا به موسی (ع) مبنی بر فروبردن دست در گریبان خویش و خارج ساختن آن با سپیدی جذّاب و غیرزنده

و أدخل يدك في جيبك تخرج بيضاء من غير سوء

2 - « يد بيضا » ، دومین معجزه عطا شده به موسی (ع) از جانب خدا در وادی طور

و ألق عصاك . . . و أدخل يدك في جيبك تخرج بيضاء

8 - « عن أبي عبدالله (ع) [في قوله تعالى] « أدخل يدك في جيبك تخرج بيضاء من غير سوء » قال : من غير برص ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند متعال خطاب به موسی(ع) که می فرماید: «أدخل يدك في جيبك من غير سوء» روایت شده که فرمود: مراد از «سوء» بیماری برص و پیسی است.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 32 - 6

6 - « عصا » و « يد بيضا » دو معجزه و برهان الهی در اختیار موسی (ع)

فذنك برهنا من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 23 - 2

2 - رسالت موسی (ع) ، همراه با نشانه های الهی و حجت و برهان روشن و روشنگر بود .

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا و سلطن مبین

«سلطان» در این آیه به معنای حجت است و «مبین» در معنای «روشن» و «روشنگر» به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 20 - 1

1 - موسی (ع) در پی گفت وگو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او ، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد .

- موسی (ع) در پی گفت وگو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد.

156- معجزه نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6- 8- 3

3- هلاکت فوری کافران و پایان مهلت آنان، در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ولو أنزلنا ملكا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

ص: 371

157- معجزه نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 1

1- نوح (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن، بر پیامبری خویش

قال يقوم أرى إني كنت على بينة

قابل ذکر است که «أرى إني» به معنای «آخبرونی» است و مفعول آن جمله «أنزل مكموها» است و این هر دو به منزله جواب شرط «إن كنت...» می باشد و تقدیر جمله چنین است «إن كنت على بينة... فآخبرونی أنزل مكموها»

158- معجزه و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 109 - 2,3

2 - اشراف و بزرگان دربار فرعون بر مبنای ساحر بودن موسی و سحر بودن معجزات وی، جلسه مشورتی خویش را آغاز کردند.

قال المأ من قوم فرعون إن هذا لسحر عليم

جمله «إن هذا...» می تواند از نتایج بحث و گفتگوی اشراف باشد. یعنی در ابتدا این مسأله مطرح شد که امور خارق العاده موسی از چه سنخی است. همچنین می تواند بیانگر این باشد که آنان ساحر بودن موسی را مفروض گرفته بودند و درباره روش مبارزه با وی تبادل نظر می کردند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

3 - اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از تبادل نظر در جلسه مشورتی به این نتیجه رسیدند که موسی (ع) بدون هیچ تردید ساحری زبردست و معجزه وی سحر است.

قال المأ من قوم فرعون إن هذا لسحر عليم

برداشت فوق بر اساس اولین احتمالی است که در توضیح فیش قبل درباره جمله «إن هذا...» بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 115 - 2

2 - ساحران، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند.

إِذَا أَنْ تَلْقَىٰ وَإِنَّا أَنْ نَكُونُ نَحْنُ الْمَلْقَيْنِ

به کارگیری «تلقى» و «ملقین»، که هر دو از مصدر «اللقاء» به معنای افکندن است، می‌رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 117 - 6

ص: 372

6 - سحر ، امری ناپایدار در برابر معجزه

فإذا هي تلقف ما يأفكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 118 - 1

1 - عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوقع الحق و بطل ما كانوا يعملون

در برداشت فوق ضمیر «کانوا» و «يعملون» به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از «ما» در «ما كانوا ...» همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

159- معجزه ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 13، 11، 4

4- تولد عیسی (ع) ، امری خارق العاده و اعجاز آمیز بود .

قال ربك هو عليّ هين

11- حضرت عیسی (ع) و آفرینش او بدون پدر ، نشانه ای بزرگ برای پی بردن مردم به قدرت خداوند

و لنجعله آیه للناس

ضمیر مفعولی «لنجعله» به عیسی (ع) بازمی گردد. تنوین «آیه»، مفید تفخیم است؛ یعنی بدان جهت عیسی (ع) را به تو عطا کردیم که او را برای مردم آیتی بزرگ قرار دهیم.

13- تولد عیسی (ع) بدون پدر و نشانه بودن او برای قدرت خداوند و رحمت الهی بودن او ، از مقدرات خداوند و غیر قابل تغییر بود .

كذلك .. و لنجعله آیه للناس و رحمه منا و كان أمراً مقضياً

جمله «كان أمراً مقضياً» ممکن است تنها در باره تولد عیسی (ع) باشد و ممکن است به هر سه موضوعی که در آیه ذکر شده است، مربوط باشد. «مقضياً» اسم مفعول از «قضاء» است؛ یعنی آنچه قطعی شده و فیصله یافته باشد. «امر» در معانی «فرمان» و «حادثه» استعمال می شود. کلمه «مقضياً» قرینه بر اراده معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 2

2- تولد عیسی از مریم بدون پدر ، معجزه بزرگ الهی بود .

و جعلنا ابن مریم و أمَّهُ ءایه

نکره آمدن «آیه» برای تفخیم است و آن به معنای نشانه ای بزرگ می باشد.

ص: 373

160- معجزه ولادت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 9 - 6

6- تولد یحیی ، امری اعجاز آمیز و غیر عادی بودو

قال كذلك قال ربك هو علي هين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 1

1- بشارت و وعده خداوند به زکریا ، با تولد اعجاز گونه یحیی تحقق یافت .

نبرک بغلم اسمه یحیی . . . ییحیی خذ الکتب

161- معجزه هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 42 - 2

2- موسی و هارون (ع) ، به همراه با آیات و معجزات الهی - مأمور حرکت برای انجام رسالت خویش شدند .

اذهب أنت و أخوک ب-آیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 15 - 6

6- آیات الهی (معجزات) توشه راه و حربه پیروزی موسی و هارون (ع)

قال کلاً فاذهبا بایتنا

162- معجزه یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 40 - 14

14 - آفرينش حضرت يحيى (ع)، همراه با اعجاز

انّ اللّٰه يمشرك بيحيى . . . كذلك اللّٰه يفعل ما يشاء

ص: 374

163- معجزه یدبضای موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 23 - 5

5- معجزه عصا و یدبضای موسی (ع) ، مقدمه ای برای نمایاندن معجزات بزرگ تری به وی در آینده بود .

لنریک من ایتنا الکبری

چون در آیه قبل، آیت بودن یدبضا و نیز عصا ذکر گردیده است؛ ممکن است گفته شود «لنریک..» در صدد بیان نکته تازه ای است و به موسی وعده می دهد که این دو معجزه، مقدمه ای بود تا در آینده، آیاتی بزرگ تر از آنچه اکنون ارائه شد، به تو نمایانده شود.

164- معجزه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 96 - 8

8- ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیراً

165- مکذبان معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 27 - 1

1- کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعی نبود معجزه و آیتی بر حقایق رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و يقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 15، 7

7- امت های مشرک و کافر پیشین ، پس از مشاهده معجزات درخواستیشان ، آنها را مورد انکار و تکذیب قرار دادند .

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون

15- قوم ثمود ، از مصداق های روشن و بارز تکذیب کنندگان معجزات الهی بودند .

كذَّب بها الأُولون وءاتينا ثمود الناقة مبصره فظلموا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 42 - 1

1 - فرعونیان ، تمامی آیات و معجزات الهی را تکذیب کردند .

ص: 375

166- مكذبان معجزه موسى (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 56 - 3، 2

2- فرعون ، معجزات ارائه شده از جانب موسى (ع) را تكذيب كرد و منكر دلالت آنها بر رسالت او شد .

و لقد ارينه آيتنا كلها فكذب

3- فرعون ، على رغم مشاهده تمامي معجزات و آيات موسى (ع) ، از پذيرفتن رسالت او امتناع كرد .

و لقد ارينه آيتنا كلها فكذب و ابي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 57 - 4

4- فرعون آيات و معجزات الهی موسى (ع) را سحر خواند و آن را وسیله ای برای بیرون راندن فرعونیان از مصر دانست .

لتخرجنا من أرضنا بسحرک يموسى

167- منشأ معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 99 - 3

3- خداوند ، عطاکننده دلایل و معجزات به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد أنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 40 - 12، 8

8- تحقق امور خارق العاده در نظام آفرینش ، متکی به مشیت خداست .

اننى يكون لى غلام .. قال كذلك الله يفعل ما يشاء

12 - اعتقاد به مشیت مطلق خداوند ، تنها توجیه تحقّق امور خارق العاده

کذلک الله یفعل ما یشاء

خداوند در پاسخ زکریا، تنها مشیت و قدرت مطلق خویش (یفعل ما یشاء) را مطرح می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 115 - 8

ص: 376

8 - ارائه معجزات و عذاب منکران آن ، تنها در اختیار خداوند

قال الله اني منزلها عليكم . . . فاني اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 37 - 4,6,7,11

4 - خداوند، توانا بر فرستادن هرگونه معجزه و نشانه

قل إن الله قادر على أن ينزل آية

6 - ناآگاهی اغلب مشرکان از قدرت خداوند بر فرستادن هرگونه معجزه و نشانه

إن الله قادر على أن ينزل آية و لكن أكثرهم لا يعلمون

مفعول «لا يعلمون»، به قرینه فراز قبل آن، قدرت الهی است، یعنی: «لا يعلمون أن الله قادر . . .»

7 - محدودی از مشرکان می دانستند که خداوند توان آوردن معجزه در خواستی آنان را دارد.

و لكن أكثرهم لا يعلمون

11 - برخی از مشرکان، علی رغم آگاهی به قدرت خداوند بر نزول هر معجزه و فلسفه نازل نشدن آن، خواهان نزول معجزات ویژه خود بودند.

وقالوا لولا نزل . . . إن الله قادر . . . و لكن أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 14

14 - اعطای معجزات از مقوله «حکم» و تنها به دست خداوند است.

ما عندي ما تستعجلون به إن الحكم إلا لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 58 - 5,6

5 - تحقق معجزات ویژه، بدان صورت که مشرکان می خواستند، در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبود.

قل لو أن عندی ما تستعجلون به

6- ارائه هرگونه معجزه مورد درخواست مردم، اگر در اختیار پیامبر(صلی الله علیه و آله) بود، کار آن حضرت با مشرکان زمان خود سریعاً با نزول عذاب خاتمه می یافت.

لو أن عندی ما تستعجلون به لقضی الأمر بینی و بینکم

مراد از «ما تستعجلون»، به قرینه آیات گذشته همین سوره، مانند آیه 7 و 37، می تواند نزول معجزات مورد درخواست کافران باشد. بر فرض نزول این گونه معجزات، عذاب مشرکان و مخالفان در پی آن صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 5

5- ارائه معجزه تنها منوط به خواست خداوند است و نه به اختیار انبیا و تقاضای مردم

إنما الأیت عند الله

ص: 377

مراد از آیات در «إنما الآيات» معجزات است و حصر مذکور بیانگر این است که معجزات تنها به خواست خداوند می تواند ارائه شود و جز او در این زمینه اختیاری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 114 - 6

6 - خداوند سزاوارترین حاکم و داور در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت نزول معجزات و دیگر شرایط و زمینه های آن است.

إنما الآيت عند الله و ما يشعركم أنها إذا جاءت لا يؤمنون .. أفغير الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 3

3 - نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الآيت عند الله .. و نقلب ... و كذلك جعلنا ... و تمت كلمت ربك

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: «نقلب أفئدتهم» و «ما كانوا ليؤمنوا» و «لكل نبي عدوا». لذا اگر مراد از «كلمت»، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - يونس - 10 - 20 - 6, 5

5 - نزول معجزه و فلسفه عدم نزول آن ، از امور غیبی و در اختیار خداست .

و يقولون لو لا أنزل عليه آية من ربه فقل إنما الغيب لله

6 - معجزه ، فعل خدا و خارج از قلمرو توانایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

لو لا أنزل عليه آية من ربه فقل إنما الغيب لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - يونس - 10 - 75 - 5

5 - معجزات ، فعل خداست که با واسطه پیامبران صورت می پذیرد .

ثم بعثنا .. بأيتنا

برداشت فوق از اضافه «آیات» - که عبارت از معجزات است - به «نا» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 4, 3

3 - معجزه ، فعل خداست که با واسطه پیامبران صورت می پذیرد .

فلما جاءهم الحق من عندنا

4 - معجزات پیامبران ، دارای منشأ الهی است .

فلما جاءهم الحق من عندنا

ص: 378

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 12 - 13

13- ارائه معجزه و تحقق بخشیدن به پیشنهاد ها و درخواست های مردم ، از شؤون خداوند و به دست اوست نه در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إنما أنت نذیر و الله علی کل شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 2

2- خداوند ، عطاکننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران (ع)

إن كنت علی بیّنه من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 2

2- خداوند ، عطا کننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران

إن كنت علی بیّنه من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 2

2- خداوند ، عطا کننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران

إن كنت علی بیّنه من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 7 - 5

5- ارائه معجزه کار خداوند و در گرو خواست اوست .

لولا أنزل علیه آیه من ربه

برداشت فوق، احتمال دیگری برای آمدن قید «من ربه» در کلام کافران می باشد. گویا آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) معجزه می خواستند و آن حضرت امر را به خداوند موکول می کرد. از این رو آنان می گفتند: چرا از ناحیه پروردگارش - همان گونه که مدعی است - معجزه ای به او فرستاده نمی شود؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 9

9- پیامبران ، بدون اذن و رخصت خداوند نمی توانند آیت و معجزه ای به مردم ارائه کنند .

و ما کان لرسول أن یأتی بأیه إلاّ بإذن الله

ص: 379

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 5 - 2

2- معجزات حضرت موسی (ع) ، فعل خدا بود که توسط آن حضرت تحقق یافت .

و لقد أرسلنا موسی بآیتنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که: مراد از «آیاتنا» معجزاتی باشد که توسط حضرت موسی(ع) انجام می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 11 - 11

11- انبیا در مقابل درخواست معجزه از سوی اقوام کفرپیشه ، خود را جز به اذن خداوند ، فاقد توانایی لازم برای آن می دانستند .

و ما کان لنا أن نأتیکم بسلطن إلاّ بإذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 21

21- معجزه ، فعل خداست .

و ما نرسل بالآیت إلاّ تخویفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 15، 13، 11، 7

7- غفلت مشرکان مکه از نقش اصلی اراده خدا در تحقق معجزات

تفجر لنا .. تسقط السماء ... تأتي بالله ... تنزل علينا کتاباً نقرؤه

از اینکه آنان، تمامی معجزات درخواستی خود، حتی آمدن خدا را از شخص پیامبر(صلی الله علیه و آله) می خواستند، نشان دهنده نکته یاد شده است.

11- خداوند ، منزّه از بنا نهادن معجزات خویش بر اساس تمایلات واهی گروهی بهانه جو

تفجر لنا من الأرض ینوعاً .. قل سبحان ربّی

خداوند، در پاسخ درخواستهای متعدد مشرکان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهت ارائه معجزاتی بر اساس خواست و تمایل آنها می گوید: «پروردگار من منزّه است». چنین جوابی می تواند به این معنا باشد که: خداوند ارائه معجزات خود را بر اساس تمایلات افراد و گروهها قرار نمی دهد.

13- ارائه معجزات و تعیین نوع آنها، تنها در اختیار خداست و نه انبیا

تفجر لنا من الأرض ينبوعاً .. قل سبحان ربّي هل كنت إلاّ بشراً رسولاً

از اینکه مشرکان از شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست کارهای معجزه آسا داشتند و آن حضرت هم در جواب آنها فرمود: «هل كنت إلاّ بشراً رسولاً» می رساند که منشأ معجزه، تنها خداست و او نقشی در آن ندارد.

15- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به اعلام محدوده مسؤلیت خویش و بیان ناتوانی خود از ارائه معجزات درخواستی مشرکان

قالوا .. قل .. هل كنت إلاّ بشراً رسولاً

پاسخ «هل كنت ..» در قبال درخواستهای مشرکان، می تواند گویای این معنا باشد که: درخواستهای آنان، ربطی به رسالت و مسؤلیتهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نداشته و یا در توان او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 23 - 3

3 - تحقق معجزه به دست پیامبران ، در اختیار خداوند و در گرو اراده او است .

لنریک

جمع بودن فعل «لنریک» یا برای تعظیم است و یا به نقش واسطه هایی نظر دارد که فرمان خداوند را اجرا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 42 - 8

8 - معجزات و آیات رسالت پیامبران ، از جانب خدا است .

ب-آیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 15

15 - فرستادن رسولان الهی همراه با معجزات ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ . . . ب-آیه من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 50 - 6

6 - سرچشمه معجزات ، خداوند است .

إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 28 - 13

13 - ربوبیت الهی ، مقتضی فرستادن رسول و ارائه دین به بشر ، همراه با دلیل و برهان روشن و اثباتگر

و قد جاءكم بالبينت من ربكم

برداشت یاد شده از آمدن قید «من ربکم» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 8

8 - معجزات فرستادگان الهی ، در حقیقت فعل خدا بود که با واسطه پیامبران صورت می پذیرفت .

و ما کان لرسول أن یأتی بأیه إلاّ بإذن الله

برداشت یاد شده از این نکته استفاده می شود که از یک سو، معجزات از نظر ظاهر امر، به وسیله پیامبران صورت می پذیرفت و از سوی دیگر، خداوند این عمل را در قلمرو اذن و فرمان خود می داند. بر این اساس استنباط می شود که معجزه حقیقتاً از آن خدا است و پیامبران واسطه اجرای آن می باشند.

ص: 381

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 46 - 7

7 - معجزات پیامبران ، عطا شده از سوی خداوند به ایشان

و لقد أرسلنا موسى بايتنا

اضافه «آیات» به «نا»، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 48 - 3

3 - نقش اساسی اراده الهی ، در ارائه معجزات از سوی پیامبران

و ما نريهم من ءايه

اسناد «ارائه» به خداوند (نُريهم)، مطلب یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 7

7 - معجزات الهی ، متکی به علم و حکمت گسترده او

وقالت عجوز عقيم . قالوا كذلك ... إنه هو الحكيم العليم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که باروری پیرزنی فرتوت و نازا، طبق عوامل طبیعی صورت نمی گیرد و آن گونه که به همسر ابراهیم(ع) بشارت داده شد، قطعاً امری اعجازی بوده است و این اعجاز بی دلیل نمی باشد؛ بلکه نشأت یافته از علم و حکمت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 38 - 8

8 - تجهیز پیامبران از سوی خداوند به معجزاتی روشن و قاطع ، برای پیشبرد اهداف هدایتی خویش

أرسلنه .. بسلطن مبین

در صورتی که مراد از حجت و برهان (سلطان) حجت حسی باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 9 - 11

11- پاسخ مثبت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اقتراحات و معجزه طلبی کافران ، تنها منوط به اجازه خداوند

قل . . . و ما أدری ... إن أتبع إلا ما یوحی إلیّ

از آیه شریفه، استفاده می شود که کافران، معجزات مختلفی را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می طلبیدند. خداوند در پاسخ آنان فرموده است: ای

ص: 382

پیامبر! به آنان بگو من از خود هیچ ندارم و چیزی نمی دانم؛ بلکه ارائه معجزه و خبر دادن از امور غیبی، تنها با اجازه خداوند صورت می گیرد.

169- منشأ معجزه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 6

6 - تمامی معجزات فرستادگان الهی، به اذن خدا و در چهار چوب مشیت و مصالح مقدر شده او بود.

و ما كان لرسول أن يأتي بأية إلا بإذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 17 - 2

2 - معجزات پیامبران، نشأت یافته از عالم امر *

وأتينهم بيّنات من الأمر

ممکن است «بیّنات» به معنای معجزات و «من» نشوید باشد.

170- منشأ معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 2

2- معجزات نه گانه موسی (ع)، زداينده هرگونه ابهام و شك نسبت به خدایي بودن آنها

و لقد آتينا موسى تسع آيات .. قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا رب السموت و ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 3

3 - تجهيز موسی (ع) از سوی خدا به معجزه ای بیم آفرین و معجزه ای زیبا و پرجاذبه

و ألق عصاك .. ولى مدبرًا ... و أدخل يدك... بيضاء من غير سوء

171- موانع معجزه اقتراحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 9

ص: 383

9- باور به وابستگی هدایت مردم به مشیت خدا نه به اراده معجزات ، زایل کننده توقع مؤمنان بر نشان دادن معجزه به کفرپیشگان

أفلم يأئس الذين ءامنوا أن لو يشاء الله لهدى الناس جميعاً

172- موجبات نزول معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 4 - 5

5- فرستادن آیات و معجزات، مقتضای ربوبیت خداوند و عنایت او به هدایت مردم

و ما تأتيهم من ءايه من ءايت ربهم

173- نبوت و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 13

13- توانایی به اراده هر گونه معجزه و در هر زمان ، از شرایط پیامبری در دیدگاه ناصواب مردم عصر بعثت

و لقد أرسلنا رسلاً .. و ما كان لرسول أن يأتي بأيه إلا بإذن الله لكل أجل كتاب

174- نزول معجزه بر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 81 - 1

1- خداوند معجزات ، آیات و نشانه های گوناگون خویش را به اصحاب حجر (قوم ثمود) ارائه کرد .

و ءاتينهم ءايتنا

175- نعمت معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 211 - 7

7- دستورات خداوند و معجزه های او ، از نعمت های الهی هستند .

اتيناهم من ايه بينه و من يبدل نعمه الله

ص: 384

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 49 - 4،7،19

4 - نقش معجزه در تربیت و هدایت انسانها

بایه من ربکم

با توجه به معنای «ربکم» (تربیت کننده شما انسانها)، معلوم می شود که معجزات انبیا برای تربیت و هدایت انسانهاست.

7 - معجزه ، وسیله ایجاد و باور به صدق نبوت پیامبران در انسانها

قد جئتکم بایه من ربکم

19 - کافی بودن معجزات عیسی (ع) ، برای هدایت یافتن کسانی که در پی حقیقت و ایمان بدان بودند .

ان فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

جمله «ان کنتم مؤمنین»، ظاهراً به معنای در پی حقیقت بودن است. زیرا اگر به معنای تحقق ایمان باشد، الزامی به آوردن آیه نیست؛ چون هدف از آیه، ایمان آوردن و گرایش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 6

6 - برخی مشرکان، حتی با مشاهده معجزه مورد درخواست خویش، ایمان نخواهند آورد.

و ما یشعرکم آنها إذا جاءت لایؤمنون

«ما» در «ما یشعرکم» برای استفهام انکاری است، لذا در عین استفهام معنی انکار نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 102 - 2،3

2 - برخی از امت های گذشته با مشاهده معجزات پیامبران ایمان آوردند و به عهد خویش (تصدیق پیامبران در صورت ارائه معجزه) وفا کردند .

و ما وجدنا لأكثرهم من عهد

3- امت های گذشته با پیامبران خویش عهد بستند که با مشاهده معجزه ، آنان را تصدیق کرده و به حقایق و معارف الهی ایمان آورند .

و ما وجدنا لأكثرهم من عهد

با توجه به آنچه درباره مضاف إليه کلمه «قبل» در آیه پیشین گذشت، می توان گفت مراد از «عهد» وعده ایمان و تصدیق بوده است. یعنی امتها تعهد می کردند که با دیدن معجزه ایمان خواهند آورد، ولی اکثر آنان به عهد خویش وفا نکردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 53 - 3

3- ادعای نبوت و رسالت ، باید همراه با ارائه معجزه و دلیل روشن باشد . *

قالوا يهود ما جئتنا ببینه

«بینه» به معنای دلیل و حجت روشن است و مراد از آن در آیه شریفه معجزه می باشد. قوم هود مدعی آنند که وی معجزه ای

ص: 385

ارائه نکرده است و این سخن از ناحیه او رد نمی شود و بیان نمی کند که اثبات پیامبری نیازمند معجزه نیست. گویا این معنا که پیامبران باید معجزه داشته باشند، مورد تأیید قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 9

9- باور به وابستگی هدایت مردم به مشیت خدا نه به ارائه معجزات ، زایل کننده توقع مؤمنان بر نشان دادن معجزه به کفرپیشگان

أفلم يأئیس الذین ءامنوا أن لو یشاء الله لهدی الناس جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 5 - 3

3- موسی (ع) ، وظیفه دار هدایت مردم خویش به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها ، با آیات و معجزات الهی .

و لقد أرسلنا موسی بآیتنا أن أخرج قومک من الظلمت إلى النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 7

7- بصیرت بخشی و بینش دهی معجزه ، ملاک تمایز آن از سحر و جادوگری

ینی لأظنک یموسی مسحوراً . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلاّ ... بصائر

تأکید موسی(ع) بر «بصائر» بودن معجزاتش در قبال اتهام سحر به معجزات او از سوی فرعون، می تواند خود ردّی باشد بر اتهام فرعون با ارائه ملاک؛ یعنی، سحر هرگز بصیرت آفرین نیست در حالی که معجزه، بصیرت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 10 - 14، 11

11- کاربرد اعجاز در راستای روشن سازی حقایق ، حتی برای پیامبران

ءایتک ألاّ تکلم الناس ثلث لیال

14- در داستان زکریا ، معجزه ای ، وسیله اثبات اعجازی دیگر شد .

سکوت سه روزه زکریا خرق عادتى بود که صدق بشارت تولد یحیی را که خود امرى خارق العاده بود، اثبات مى کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 42 - 7،13

7 - معجزه، راهى برای اثبات حقانیت رسالت و نبوت پیامبران

اذهب أنت و أخوک ب-آیتی

13 - معجزات و آیات الهى، سبب تقویت روحیه پیامبران

اذهب . . . ب-آیتی و لاتنیا فى ذکرى

ص: 386

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 13

13 - خداوند ، به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا داشتن معجزه برای اثبات رسالت خویش را به فرعون ابلاغ کنند .

قد جئنک ب-آیه

«آیه» اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است. بنابراین می توان بر معجزات متعدد نیز «آیه» اطلاق کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 77 - 10

10 - کاربرد اعجاز پیامبران در جهت مصالح مؤمنان

فاضرب لهم

باز شدن راهی خشک در دریا، به منظور اثبات حقانیت رسالت موسی(ع) بر منکران آن انجام نگرفت؛ بلکه منظور از آن نجات بنی اسرائیل و هلاکت فرعونیان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 45 - 10، 8

8 - معجزات ، تجلی قدرت خدا به دست پیامبران

ثم أرسلنا موسی . . . بآیتنا

برداشت یاد شده با توجه به اضافه شدن «آیات»، به ضمیر «نا»، استفاده می شود.

10 - معجزات حسی پیامبران ، زمینه ساز بهرهوری مردم از منطق روشن آنان

ثم أرسلنا . . . بآیتنا و سلطان مبین

تقدیم «آیاتنا» (معجزات حسی) بر «سلطان مبین» - که بیانگر معارف روشن و منطق نیرومند است - می تواند اشعار به نکته یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 25 - 6

6- رسالت پیامبران ، متکی بر معجزات و دلایل روشن بود .

جاءتهم رسلهم بالبیّنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 26 - 2

2- عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و کتاب های روشنگر بوده است .

كذّب الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبیّنات .. ثم أخذت الذين كفروا فكيف كان نك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 7

ص: 387

7 - معجزات پیامبران ، در جهت اثبات حق و ابطال باطل بود .

و ما كان لرسول أن يأتي بأية إلا بإذن الله

جمله «و خسر هنالك المبطلون» در ذیل آیه، قرینه است براین که معجزات رسولان، در راستای زیان زدن به باطل گرایان و مبارزه با جریان باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 19

19 - نمایاندن معجزات ، بخشی از برنامه الهی برای هدایت مردمان

و لتكون آية للمؤمنين و يهديكم صراطاً مستقيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 38 - 8

8 - تجهیز پیامبران از سوی خداوند به معجزاتی روشن و قاطع ، برای پیشبرد اهداف هدایتی خویش

أرسلته ... بسلطن مبین

در صورتی که مراد از حجت و برهان (سلطان) حجت حسی باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 4

4 - معجزات و دلایل روشن الهی بر خلق ، مایه آزمایش ایشان

إنا مرسلوا الناقة فتته لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 42 - 3، 2

2 - معجزات الهی برای انذار و بیداری فرعونیان ، متعدد و گوناگون بود .

كذبوا بايتنا كلها

3 - تمام شدن حجت الهی بر فرعونیان ، نیازمند ارائه معجزات متعدد به ایشان *

کذبوا بآیتنا کلّها

در آیات پیشین نسبت به اقوام گذشته سخن از ارائه معجزات و آیات متعدد نبود؛ اما در مورد فرعونیان سخن از معجزات متعدد به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 3

3 - معجزه ، نشانه روشن و غیرقابل تردید برای نبوت پیامبران بود .

لقد أرسلنا رسلنا بالبینت

«بیّنات» در آیه شریفه دربرگیرنده دلایل معقول (حجت ها و برهان) و دلایل محسوس (معجزات) است. بنابراین از مصداق های

ص: 388

مورد نظر از بیانات، معجزات پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 20 - 2

2 - معجزات پیامبران ، نشانه صداقت آنان در به عهده داشتن مسئولیت هدایت و انذار است .

و أهدیک . . . فتخشی . فأریه الأیه الکبری

«فاء» در «فأراه» برای تعقیب است و می رساند که آوردن معجزه در پی ادعای هدایت گری و نیز انذار فرعون صورت پذیرفته است. کلمه «آیه» به معنای علامت و نشانه است و مصداق مورد نظر از آن، معجزه عصا و یا مجموع عصا و یدبیضا است که نشانه رسالت حضرت موسی(ع) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 21 - 2

2 - بزرگ ترین معجزات نیز، در هدایت برخی از افراد، کارساز نیست .

فأریه الأیه الکبری . فکذب

- بزرگ ترین معجزات نیز، در هدایت برخی از افراد، کارساز نیست.

177- نقش معجزه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 27 - 3

3 - اعطای معجزه به صالح پیامبر (ع) ، زمینه ساز نزول عذاب بر قوم ستیز ثمود

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر . إنا مرسلوا الناقه فتنه لهم

با توجه به ارتباط «إنا مرسلوا الناقه» با آیه قبل، استفاده می شود که ظهور حقانیت صالح و کذب و غرور قوم ثمود، امری محقق شدنی است؛ اما پس از اتمام آخرین حجت ها و اعطای معجزه به ایشان.

178- نقش معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - جاذبه نیرومند معجزه موسی ، توان هرگونه درنگ و مقاومت را از ساحران فرعون سلب کرد .

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ

فعل «ألقى» مجهول است و دلالت دارد که ساحران وادار به سجده شدند، به گونه ای که گویا عاملی آنها را بر سجده مجبور ساخته است.

ص: 389

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 35 - 2

2 - نگرانی فرعون از تأثیر معجزات موسی در اطرافیانش

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 46 - 2

2 - به سجده در افتادن بی درنگ ساحران ، با مشاهده معجزه پیروز موسی

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدِينَ

به کارگیری «فاء» تعقیب و فعل مجهول «ألقى» بیانگر آن است که ساحران با مشاهده آن منظره عجیب، اختیار از کف دادند و بلافاصله به سجده در افتادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 3

3 - تجهیز موسی (ع) از سوی خدا به معجزه ای بیم آفرین و معجزه ای زیبا و پرجاذبه

وَأَلْقَى عَصَاكَ . . . وَلَّى مَدْبِرًا . . . و أدخل يدك . . . بیضاء من غیر سوء

179- نیاز به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 82 - 6

6 - نیاز بشر آینده به معجزه ای بزرگ ، شگفت و بی سابقه برای گرایش به ایمان

أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم

بیرون آمدن جنبنده ای سخنگو از زمین پدیده ای است که در گذشته تاریخ سابقه ندارد و نکره آمدن «دابه» بیانگر عظمت و سترگی آن است.

180- وضوح معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 77 - 4

4 - حضرت موسی (ع) ، سحر بودن کار خود را نفی کرده ، معجزه بودن آن را امری بدیهی ، روشن و غیر قابل تردید خواند .

أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسْحَرُ هَذَا

ص: 390

با توجه به استفهام انکاری و اسم اشاره و جمله قبل، معنای جمله (أسحر هذا) چنین است که: این عمل سحر نیست و مایه تعجب است اگر کسی حق و معجزه بودن آن را انکار کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 13 - 2

2 - سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلما جاءتهم آیتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 36 - 3

3 - معجزات ارائه شده از سوی موسی (ع)، دلایلی روشن و غیر قابل انکار بر رسالت الهی وی

فلما جاءهم موسی بآیتنا بینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 38 - 10

10 - وضوح و روشنی، از ویژگی های بارز دلایل و معجزات موسی (ع)

أرسلنه... بسلطن مبین

تنها وصفی که خداوند در این آیه برای دلایل موسی (ع) آورده است، «مبین» می باشد.

181- وعده معجزه به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 20 - 7

7 - وعده نزول معجزه از سوی خدا به شرک پیشگان بهانه جوی عصر بعثت

و یقولون لو لا أنزل علیه آیه من ربه فقل إنما الغیب لله فانتظروا

182- وقت ارائه معجزه موسی (ع)

6 - موسی (ع) ، مناسب ترین زمان را برای تبلیغ و ارائه معجزات خویش و منکوب ساختن فرعون برگزید .

قال موعدهم يوم الزينه و ان يحشر الناس ضحى

روز عید، نوعاً روز فراغت و آمادگی فکری مردم است. انتخاب چنین روزی از سوی موسی(ع) و نیز توجه به حضور گسترده مردم در

روشنایی روز، حکایت از انتخاب مناسب آن حضرت دارد.

183- ویژگی معجزه عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 41

41- معجزه حضرت عیسی (ع) در شفای بیماران و زنده کردن مردگان متناسب با شیوع بیماری در آن زمان و نیاز شدید مردم به طب بود.

و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

امام رضا(ع): .. «ان الله تبارک و تعالی بعث عیسی فی وقت ظهرت فيه الزمانات و احتاج الناس الی الطب فاتاهم من عند الله تعالی بما لم یکن عندهم مثله، و بما احیی الهم الموتی و ابرء الاکمه و الابرص باذن الله ...»

عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 80، ح 12، ب 32؛ نورالثقلین، ج 1، ص 342، ح 145.

184- ویژگی معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 107 - 4

4- نبودن هیچ فاصله زمانی بین افکنده شدن عصای موسی (ع) و تبدیل آن به ماری بزرگ

فألقى عصاه فإذا هی ثعبان مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 108 - 3

3- سفید گشتن دست موسی (ع)، پس از نمایان ساختن آن، امری غیر منتظره و خارق العاده و قابل رؤیت برای همه بینندگان

فإذا هی بیضاء للنظرین

185- ویژگیهای معجزه انبیای پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- خداوند، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کتاب آسمانی جهان شمول عطا کرد.*

و ما أرسلنا .. بالبینت و الزبر و أنزلنا إلیک الذکر

ص: 392

«بیته» به معنای دلیل واضح و روشن - اعم از عقلی و حسی - است. طبق شواهد تاریخی مراد از «بینات» در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

186- ویژگیهای معجزه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 44 - 12

12- خداوند، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کتاب آسمانی جهان شمول عطا کرد. *

و ما أرسلنا... بالبینت و الزیر و أنزلنا إلیک الذکر

«بیته» به معنای دلیل واضح و روشن - اعم از عقلی و حسی - است. طبق شواهد تاریخی مراد از «بینات» در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

187- ویژگیهای معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 32 - 4

4- عصای موسی پس از تبدیل شدن به اژدها، حرکت و پیشروی کرد.

فإذا هی ثعبان مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ثعبان» از ریشه «ثعب» (آب جاری) بوده و این اشاره ای به حرکت و پیشروی اژدها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 38 - 10

10 - وضوح و روشنی، از ویژگی های بارز دلایل و معجزات موسی (ع)

أرسلنه... بسلطن مبین

تنها وصفی که خداوند در این آیه برای دلایل موسی (ع) آورده است، «مبین» می باشد.

188- هدایت ناپذیران و معجزه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - 27 - 13 - رعد - 8

ص: 393

8- آنان که زمینه هدایت ندارند ، با ارائه معجزات نیز هدایت نمی شوند و به توحید و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی گروند .

لولا أنزل عليه آية من ربه قل إن الله يضل من يشاء

خداوند در پاسخ کسانی که هدایت یافتن خویش را منوط به آمدن معجزه کرده اند، می فرماید: امر هدایت و ضلالت به دست خداست. این پاسخ در جواب ادعای مذکور گویای این حقیقت است که معجزات نمی توانند موجب هدایت کسی باشند؛ بلکه مشیت الهی است که آن را رقم می زند.

189- همانندسازی معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 58 - 2

2- فرعون ، مدعی قدرت ارائه سحری همانند معجزات و آیات موسی (ع)

فلنأتينك بسحر مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 61 - 2

2- شرک و سحر خواندن معجزات موسی و ادعای آوردن همانند برای آن و تکذیب رسالت الهی آن حضرت ، از جمله افترا های فرعونیان به خداوند بود .

لا تقفروا على الله كذباً

با توجه به آیات پیشین که مشتمل بر بیان توحید از زبان موسی (ع) و نیز ارائه معجزات، و عکس العمل فرعون در سحر خواندن آنها بود، می توان به مواردی از افتراهای فرعونیان اشاره کرد.

190- هماهنگی مکذبان معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 9

9- مشرکان و کافران طول تاریخ ، دارای جبهه ای واحد و انگیزه و عملکردی همگون در برخورد با آیات الهی و معجزه های انبیا

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

تعبیر «الأولون» نشان می دهد که مشرکان دوره های بعد، دنباله رو اسلاف خویشند و سرایت دادن حکم پیشینیان به نسلهای بعدی، بیانگر انگیزه و عملکرد واحد آنان است.

ص: 394

9- معذور

1- احکام معذور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 33

33 - تخفیف احکام برای معذورین ، پرتویی از عفو و غفران الهی

فلم تجدوا ماءً .. ان الله كان عفواً غفوراً

2- جاهل معذور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 19 - 12

12 - جاهل قاصر ، معذور است .

ان تقولوا ما جاءنا من بشير و لاندیر

از اینکه ارسال پیامبر (صلی الله علیه و آله) سد کننده راه عذر معرفی شده است، معلوم می شود که اگر انجام نمی گرفت عذر باقی بود.

3- معذور از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 95 - 3,9

3 - مجاهدان را نباید از نظر اجتماعی با توانمندان بازنشسته از جنگ یکسان و همانند شمرد .

لا يستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله

ص: 395

مقصود این است که در شرایط مساوی، اولویت در حقوق اجتماعی از آن مجاهدان راه خداست.

9- نوید الهی به پاداش نیک برای مجاهدان و نیز مؤمنان بازنشسته از جنگ

فَضَّلَ اللَّهُ .. عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّأَ وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنِي

4- معذور از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 95 - 11، 15، 2

2- نابرابری درجه و مقام ناتوانان از شرکت در جهاد، با آنان که علی رغم توانمندی در جهاد شرکت نمی کنند.

لا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرِ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

اگر همه کسانی که در جهاد شرکت نمی کنند، چه ناتوان و چه توانا، در یک رتبه بودند، استثناً، یعنی «غیر اولی الضرر» بی معنا بود.

11- بازنشستگان از جهاد، هنگامی از پاداش الهی برخوردارند که از روی بی ایمانی، ترک جهاد نکرده باشند.

لا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ .. كَلَّأَ وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنِي

چون «من المؤمنین» حال برای «القاعدون» است، می رساند که بازنشستگان از جنگ در صورتی قابل مقایسه با مجاهدان هستند که ایمانشان محفوظ باشد. یعنی بازماندنشان از جنگ در شرایطی نباشد که موجب سلب ایمان آنان گردد و یا ترک جهاد از روی بی ایمانی به فرامین خدا و رسول نباشد.

15- خداوند، مجاهدان را با اعطای مقامی بلند و پاداش بزرگ، بر بازنشستگان از جهاد برتری داده است.

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً .. وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَا

«أَجْرًا عَظِيمًا»، مَفْعُولٌ بِهِ لِإِذَا «فَضَّلَ» اسْتَوَى وَدَرَجَةٌ «فَضَّلَ»، مَعْنَى عَطَا كَرْدَن تَضْمِينِ شَدِيدَةٌ.

5- معذور نبودن یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- بقره - 2 - 88 - 7

7- یهودیان کافر، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان، معذور نیستند.

قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ

معدوران

6- {معدوران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 396

5 - انعام - 6 - 19 - 18

18 - جاهل قاصر معذور است.

و أوحى إليّ هذا القرآن لأنذركم به و من بلغ

7- آموزش معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 18

18 - معاف شدگان از جهاد ، در عین معذور بودن ، نیازمند غفران و رحمت خدایند .

ليس على الضعفاء .. و الله غفور رحيم

8- اندوه معذوران غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 92 - 7

7 - اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعينهم تقيض من الدمع حزناً

9- تشخیص معذوران از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 43 - 6

6 - تشخیص راستگویی و دروغگویی مدعیان ناتوانی از شرکت در جنگ ، به عهده رهبری است .

لم أذن لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا و تعلم الكذابين

از اینکه متخلفان از جنگ از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اذن ترک جهاد خواسته اند و خداوند نیز آن حضرت را مورد خطاب قرار داد، برداشت فوق استفاده می شود.

10- حسن نیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 12

12 - اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

ص: 397

ليس على الضعفاء . . . إذا نصحوها لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

11- خیرخواهی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 12، 13

12 - اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

ليس على الضعفاء . . . إذا نصحوها لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

13 - اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذين كفروا منهم عذاب أليم . . . ما على المحسنين من سبيل

12- دلجویی از معذوران جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 92 - 9

9 - دلجویی خداوند از تهیدستان مشتاق جهاد و ناتوان از تأمین مقدمات آن

ولا على الذين إذا ما أتوك لتحملهم

اختصاص به ذکر یافتن این گروه - پس از اینکه در آیه قبل به صورت کلی تر بدان اشاره شده - ویژگی این گروه و دلجویی خداوند از آنان را افاده می کند.

13- علایق معذوران غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 92 - 6

6 - محروم شدن برخی از رزمندگان داوطلب ، از شرکت در جنگ تبوک ، به خاطر نداشتن امکانات رزمی (مرکب و . . .) علی رغم اشتیاق شدید آنان به جهاد

تولوا و أعينهم تقيض من الدمع حزناً ألا يجدوا ما ينفقون

14- گریه معذوران غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 92 - 7

ص: 398

7- اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعينهم تقيض من الدمع حزناً

15- محمد(صلی الله علیه و آله) و معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 43 - 11

11- « عن ابی جعفر (ع) فی قوله تعالى : « عفی الله عنک لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و تعلم الکاذبین » یقول : تعرف اهل العذر و الذین جلسوا بغير عذر :

از امام باقر (ع) درباره سخن خدا: «عفی الله ..» روایت شده خداوند می فرماید: [چرا به آنان اذن دادی] می بایست برای تو روشن گردد، چه کسانی اهل عذر بودند و چه کسانی بدون عذر نشستند».

16- مسؤولیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 91 - 7

7- معاف شدگان از جنگ ، باید در پشت جبهه حمایتگر رزمندگان و خیرخواه خدا و رسولش باشند .

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله

17- مصونیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 91 - 14

14- معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما علی المحسنین من سبیل

18- معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 83 - 16

16 - معاف بودن برخی از مردم (زنان، کهنسالان، معلولان و...) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفین

ص: 399

مراد از «خالفین» می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 90 - 1

1 - اذن خواستن گروهی از بادیه نشینان معذور برای مشارکت نکردن در جنگ

و جاء المعذرون من الأعراب ليؤذن لهم

«اعراب» اسم جمع و به معنای بادیه نشینان است. «معذرون» می تواند اسم فاعل از «باب تفعیل» باشد؛ یعنی، کسانی که از شرکت در جهاد کوتاهی می کنند و به دروغ نشان می دهند که عذر دارند و می تواند اسم فاعل از «باب افتعال» باشد که در اصل «معذرون» بوده و تایی باب افتعال، به جهت قرب مخرج با ذال، قلب به ذال شده و در آن ادغام گشته است؛ یعنی، کسانی که دارای عذر موجهند. برداشت فوق بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 21، 1

1 - افراد ضعیف و مریض و فاقد هزینه و امکانات جنگی، از شرکت در جنگ معافند و گناهی بر آنان نیست.

لیس علی الضعفاء .. حرج

21 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «... إن الله يحتج علی العباد بما آتاهم وعرفهم... و ما امروا إلا بدون سعتهم... و کل شیئی لا یسعون له فهو موضوع عنهم... ثم تلا «لیس علی الضعفاء و لا علی المرضى و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج»...»

... به تحقیق خداوند بر بندگان احتجاج می کند به چیزی که به آنها عطا فرموده و شناختی که به آنها داده است... و آنان مأمور نشده اند مگر به تکلیفی که پایین تر از سعه و توانشان باشد... و هر تکلیفی که در وسع بندگان نباشد، از آنها برداشته شده... سپس امام آیه شریفه را تلاوت فرمود: «بر ضعیفان و بیماران و آنان که چیزی نمی یابند که (در راه جهاد) هزینه کنند، باکی نیست»...»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 92 - 12، 1

1 - مؤمنان تهیدست و ناتوان از تدارک ساز و برگ نبرد، معذور و معاف از جنگند.

و لا علی الذین إذا ما أتوک لتحملهم

12 - حسن بصری گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « لقد خلفتم بالمدينه اقواماً ما انفقتم من نفقه و لا قطعتم وادياً و لا نلتهم من عدو نیلا إلا وقد شركوكم فی الأجر ثم قرء « و لا علی الذین إذا ما أتوک . . . الآیه » ;

به تحقیق گروههایی را در مدینه بر جای گذاشتید که شما چیزی را هزینه [جنگ] نکرده اید و از هیچ وادی عبور ننموده اید و هیچ آسیبی به دشمن نرسانده اید، مگر اینکه آن گروهها در اجر با شما شریک شدند. سپس آیه شریفه را تلاوت فرمود: و نیز باکی نیست برای کسانی که وقتی نزد تو آمدند تا آنان را سوار کنی [و به جهاد بفرستی] و تو گفتی مرکبی ندارم تا شما را سوار کنم، بازگشتند در حالی که از غصه اینکه چیزی را برای خرج [جنگ] نمی یابند، از چشمهای آنان سیلاب اشک جاری بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 400

11 - تحصیل کنندگان دانش دین ، معاف از شرکت در جنگ در صورت نیاز جامعه به دانش آنان و عدم نیاز جدی به حضورشان در جنگ

ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليفقهوا في الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 1

1 - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج

19- معذوران از جهاد در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 10

10 - افراد ناتوان از جهاد ، همانند مجاهدان ، برخوردار از بهشت در صورت داشتن روح اطاعت در برابر خدا و رسول او

ليس على الأعمى حرج... و من يطع الله ورسوله جنّـت

برداشت بالا بنا بر این نکته است که «من يطع...» جواب سؤال مقدر باشد، زیرا پس از رفع حکم جهاد از افراد ناتوان، ممکن است سؤال شود که: چرا این گروه از فیض جهاد محروم اند؟ خداوند در جواب می فرماید: آنان نیز اگر مطیع باشند، همانند مجاهدان، از پاداش الهی برخوردار خواهند بود.

20- معذوران از جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 5

5 - افراد تهیدست ، معاف از جهاد مالی

ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج

در آیات قبل، سخن از جهاد با مال و جان بود و در این آیه، ممکن است استثنای ضعیفان و مریضان از جهاد جانی و استثنای تهیدستان، از جهاد مالی باشد.

21- معذوران از روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 401

8 - کسانی که روزه ماه رمضان برای آنان مشقت بار و طاقت فرساست ، نباید روزه بگیرند .

و علی الذین یطیقونه فدیة

«اطاقه» به معنای قدرت داشتن بر انجام کار و یا صرف کردن تمام قدرت برای انجام آن است. لازمه معنای دوم، انجام دادن فعل با رنج و مشقت است. به نظر می رسد مراد از «یطیقونه» معنای دوم باشد. بنابراین «و علی الذین یطیقونه فدیة»؛ یعنی، کسانی که [اگر بخواهند روزه بگیرند] باید تمام قدرت خویش را برای این کار صرف کنند و در نتیجه به رنج و زحمت می افتند، روزه نگیرند؛ بلکه فدیة بپردازند.

11 - بر کسانی که به خاطر مشقت بار بودن روزه بر آنان ، روزه نمی گیرند ، پرداخت فدیة واجب است .

و علی الذین یطیقونه فدیة

12 - بر کسانی که به خاطر طاقت فرسا بودن روزه ، روزه نمی گیرند ، قضای آن واجب نیست .

و علی الذین یطیقونه فدیة

چنانچه بر طایفه مذکور قضای روزه واجب بود، همانند مسافر و مریض بیان می شد؛ علاوه بر اینکه جمله «علی الذین . . .» ظهور در این دارد که تنها فدیة دادن بر آنان واجب است.

24 - « عن ابی عبداللّٰه (ع) فی قول اللّٰه عز و جل : « و علی الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین » قال : الذین کانوا یطیقون الصوم فأصابهم کبر أو عطاش أو شبه ذلک فعلیهم لکل یوم مدّ ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: «کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست لازم است طعامی به عنوان کفاره به تهیدستی بدهند» مراد، افرادی هستند که به پیری و یا تشنگی و یا شبیه آن مبتلا شده اند که باید برای هر روزی، یک مد طعام به تهیدست بدهند».

26 - « عن أبی عبداللّٰه (ع) فی قوله : « و علی الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین » قال : المرأه تخاف علی ولدها . . . ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: «کسانی که طاقت روزه گرفتن ندارند به عنوان کفاره، طعامی به تهیدست بدهند» روایت شده است: مراد زنی است که بر بچه خود [جنین یا کودک شیرخوار خود] می ترسد . . .».

27 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: « حد المرض الذی یجب علی صاحبه فیہ الإفطار . . . لقول اللّٰه عز و جل « فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعده من آیام آخر » ان یکون العلیل لایستطیع أن یصوم أو یکون ان استطاع الصوم زاد فی علته و خاف منه علی نفسه . . . فإن أحس ضعفاً فلیفطر و إن وجد قوه علی الصوم فلیصم کان المرض ما کان . . . ؛

ملاک بیماری که شخص بیمار باید روزه خود را افطار کند آن طور که خداوند فرموده: «فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعده من آیام آخر» این است که بیمار توانایی روزه گرفتن را نداشته باشد و یا روزه باعث افزایش بیماری او بشود و از ضرر بر جان خود بترسد (احتمال

ضرر بدهد؛ بنابراین اگر بیمار احساس ضعف کرد، باید روزه خود را افطار نماید و اگر در خود توان روزه گرفتن یافت روزه بگیرد، بیماری هر نوع که می خواهد باشد ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 15

15 - روزه بر مریض و مسافر واجب نبوده و مشروع نیست .

و من كان مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

ص: 402

22- نگرانی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 3

3 - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توبیخ شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

23- همنشینی با معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 93 - 11

11 - ارزش گذاری غلط و ترجیح دادن همنشینی با عاجزان بر شرکت در جهاد ، معلول جهل و نابخردی

رضوا بأن یكونوا مع الخوالم و طبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون

برداشت فوق بر این مبنا است که طبع قلب و عدم علم، عامل موضع گیریهای متخلفان از جهاد باشد.

ص: 403

1- تاریخ معراج محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 26

26- « روی عن علی (ع) : انه لما كان بعد ثلاث سنين من مبعثه صلى الله عليه و آله و سلم أسرى به إلى بيت المقدس و عرج به منه إلى السماء ليلا المعراج . . . » ;

از حضرت علی (ع) روایت شده است: پس از گذشت سه سال از بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن حضرت در شب معراج به بیت المقدس و از آن جا به آسمان برده شد. «...».

2- فضیلت شب معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 6

6- شب سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مسجد الحرام به مسجد الاقصی ، شبی با عظمت و بزرگ بود .

أسرى بعبدہ لیلاً

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که تنکیر «لیلاً» برای تفخیم و تعظیم باشد.

3- فلسفه ظهور حقایق در معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 13

ص: 404

13- نمایانده شدن برخی حقایق به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج ، وسیله آزمایش مردم بود . *

و ما جعلنا الرءیا التي أرىنك إلا فتنة للناس

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «رؤیا» به معنای خواب نباشد؛ بلکه به معنای مشاهده در بیداری باشد کما اینکه در لغت آمده رؤیا، گاهی در بیداری است (لسان العرب). و نیز اشاره به اولین آیه سوره، یعنی معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشته باشد.

4- فلسفه معراج محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 22، 21، 15

15- معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منظور نمایاندن گوشه ای از آیات مهم الهی به آن حضرت

أسرى بعبدہ . . . لئریه من آیتنا

در آیه فوق هدف از بردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به معراج، نشان دادن گوشه ای از آیات خداوندی ذکر شده و این نشانگر آن است که این آیات تاکنون بر ایشان و دیگران مخفی و ناشناخته مانده بود و طبعاً باید از آیات مهم و ویژه الهی باشد.

21- انتخاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای بردن به معراج ، بر اساس علم و آگاهی گسترده خداوند به خواسته ها و شایستگی او بود .

سبحن الذی أسرى . . . إنه هو السميع البصیر

جمله «إنه هو السميع البصیر» به منزله تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها انتخاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای معراج مطرح شده بود؛ یعنی، چون خداوند سمیع و بصیر (شنوا به گفته ها و آگاه به شایستگیها) است، پیامبرش را برای معراج انتخاب کرد.

22- «عن ثابت بن دینار قال : سألت زین العابدین (ع) : . . . عن الله . . . فلم أسرى بنبیّه محمد (صلی الله علیه و آله) إلى السماء؟ قال : لیریه ملکوت السماء و ما فیها من عجائب صنعته و بدایع خلقه . . .» ;

ثابت بن دینار گوید: از امام سجاده (ع) پرسیدم: . . . چرا خداوند پیامبرش محمد (صلی الله علیه و آله) را به آسمانها برد؟ حضرت فرمود: برای اینکه ملکوت آسمانها و عجایب و پدیده های خلقت خود را - که در آسمانهاست - به او نشان دهد. . .».

5- محمد (صلی الله علیه و آله) در معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 23 - 7

7- ملاقات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با حضرت موسی (ع) ، در شب معراج و یا در قیامت ، قطعی است .

و لقد آتينا موسى الكتب فلا تكن في مريه من لقائه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر در «لقائه» موسی(ع) باشد. لازم به ذکر است که این نکته، مورد تأیید روایت نیز هست.

ص: 405

6- مدت معراج محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 5,27

5- معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک شب انجام گرفت .

أسرى بعبدہ لیلاً

27- « عن أبي عبد الله (ع) قال : إن رسول الله (صلی الله علیه و آله) صلى العشاء الآخره ، و صلى الفجر فى الليله التى أسرى به فيها بمكه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: شبی که رسول الله(صلی الله علیه و آله) را [از مکه به مسجدالأقصى] بردند، آن حضرت نماز عشا و صبح را در مکه خواند».

7- معراج از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 16

16- معراج ، از جمله آیات و نشانه های مهم الهی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

أسرى .. لنزیه من آیتنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که خود فعل «اسراء» (بردن پیامبر(صلی الله علیه و آله) به معراج) مصداق آیات الهی باشد و خداوند پیامبرش را به معراج برد تا او بدین وسیله به قدرت و عظمت الهی پی ببرد.

8- معراج جسمانی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 9

9- عروج پیامبر (صلی الله علیه و آله) به معراج ، جسمانی بود .

أسرى بعبدہ لیلاً

واژه «بعبدہ» مطلق بوده و ظهور در جسم و روح دارد.

9- معراج محمد (صلى الله عليه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 23, 25, 6, 7, 4, 3, 2

2- خداوند ، پیامبر (صلى الله عليه و آله) را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصى سیر داد .

أسرى بعبدہ لیلاً من المسجدالحرام إلى المسجد الأقصا

ص: 406

«السُّرى» در لغت به معنای سیر و حرکت شبانه است.

3- سیر دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصى، نشانه قدرتمندی خداوند و مبرّاً بودنش از هر ضعف و کاستی است.

سبحن الذی أسرى بعبده لیلاً من المسجدالحرام إلى المسجدالأقصى

4- معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نشانی از قدرت خداوند و مبرّاً بودنش از هر ضعف و کاستی

سبحن الذی أسرى بعبده لیلاً من المسجدالحرام إلى المسجدالأقصى

نوع مفسّران برآنند که مقصود از سیر شبانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) همان معراج آن حضرت است و روایات بسیاری هم مؤید این نظریه می باشد.

6- شب سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مسجدالحرام به مسجدالاقصى، شبی با عظمت و بزرگ بود.

أسرى بعبده لیلاً

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که تنکیر «لیلاً» برای تفخیم و تعظیم باشد.

7- پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله) در عین رفعت مقام و عروج به معراج، عبد و بنده خدا بود.

أسرى بعبده

23- «أبی الربیع قال: . . . تلا أبو جعفر (ع) هذه الآية «سبحان الذی أسرى بعبده لیلاً من المسجدالحرام إلى المسجدالأقصى الذی بارکناً حوله لنزیه من آیاتنا» فكان من آیات التی أراها الله تبارک و تعالی محمداً (صلی الله علیه و آله) حیث أسرى به إلى بیت المقدس ان حشر الله عزّ ذکره الأولین و الآخرین من التّبیّین و المرسلین . . .»

ابی الربیع گوید: . . . امام باقر (ع) این آیه را «سبحان الذی أسرى . . . آیاتنا» تلاوت کرد [و فرمود]: از آیاتی که خداوند - تبارک و تعالی - به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هنگامی که او را به بیت المقدس برده بود نشان داد، آن بود که خداوند - عزّ ذکره - تمام انبیا و رسولان از اولین و آخرین آنان را (در آن جا) جمع کرد . . .».

25- «عن جعفر بن محمد (ع) قال: أتى رجل أمير المؤمنين (ع) . . . فقال له على (ع): . . . إن الله عزّ وجلّ يقول فی کتابه «سبحان الذی أسرى بعبده . . . لنزیه من آیاتنا» فكان من آیات الله عزّ وجلّ التی أراها محمداً (صلی الله علیه و آله) انه أتاه جبرئیل (ع) فاحتمله من مکه فوافی به بیت المقدس فی ساعه من اللیل ثمّ أتاه بالبراق فرفعه إلى السماء ثمّ إلى البیت امعمور . . .»

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: مردی خدمت [حضرت] امیرالمؤمنین (ع) رسید . . . حضرت به او فرمود: . . . خدای عزّ وجلّ در کتاب خود می فرماید: «سبحان الذی أسرى بعبده . . . لنزیه من آیاتنا» یکی از آیاتی که خدای عزّ وجلّ به [حضرت] محمد (صلی الله علیه و آله) نشان داد، این بود که جبرئیل به نزد آن حضرت آمد و او را از مکه حمل کرده و در پاسی از شب به بیت المقدس رساند. سپس

بُرّاق را برای آن حضرت آورد و او را به سمت آسمان و سپس به بیت المعمور برد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 13

13- نمایانده شدن برخی حقایق به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج ، وسیله آزمایش مردم بود . *

و ما جعلنا الرؤيا التي أرينك إلا فتنة للناس

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «رؤیا» به معنای خواب نباشد؛ بلکه به معنای مشاهده در بیداری باشد کما اینکه در لغت آمده رؤیا، گاهی در بیداری است (لسان العرب). و نیز اشاره به اولین آیه سوره، یعنی معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 407

6 - عروج پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تا افق بالای آسمان*

و هو بالأفق الأعلى

برخی از مفسران بر آنند که ضمیر «هو» در آیه شریفه، مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. برداشت بالا براساس این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - نزدیک و نزدیک تر شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به مبدأ وحی در افق اعلی برای دریافت قرآن

و هو بالأفق الأعلى . ثم دنا فتدلی

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر فاعلی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - « عن ثابت بن دینار ، قال : سألت زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن اُبی طالب . . . قلت فقول الله عزوجل « ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین أو أدنی » قال : ذاک رسول الله (صلی الله علیه و آله) دنا من حجب النور فرأى ملکوت السماوات ثم تدلی فنظر من تحته إلى ملکوت العرش حتی ظن أنه فی القرب من الأرض کقاب قوسین أو أدنی ؛

ثابت بن دینار گوید: از امام سجاد(ع) از سخن خداوند عزوجل «ثم دنا فتدلی فکان قوب قوسین أو أدنی» سؤال کردم، حضرت فرمود: آن رسول خدا است که به حجاب های نور نزدیک شد. پس باطن آسمان ها را مشاهده نمود و از زیر آن به باطن عرش نظر افکند تا آن که گمان نمود در نزدیکی به زمین فاصله دو کمان یا نزدیک تر را دارد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - « عن رسول الله (فی وصف معراج) و کان توفیقاً من ربی أن غمضت عینی فکلّ بصری و غشی عن النظر ، فجعلت أبصر بقلبی کما أبصر بعینی بل أبعد و أبلغ ، فذلک قوله تعالی « ما زاغ البصر و ما طغی لقد رأى من آیات ربّه الکبری » و إنما کنت أبصر مثل خیط الابر نوراً بینی و بین ربی . . . »

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده [که در توصیف معراج خود فرمود:] توفیقی از پروردگارم بود که چشمم را ببندم. دیده ام

ناتوان و از نگاه پوشیده شد، در آن حال با قلب خود بسان چشم؛ بلکه بهتر و دورتر را می دیدم و این سخن خدا است، که می فرماید: «ما زاغ البصر و ما طغی . لقد رأی...» و من نوری مانند نخ سوزن، بین خود و خدا می دیدم».

10- موسی (ع) در معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 23 - 7

7 - ملاقات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با حضرت موسی (ع) ، در شب معراج و یا در قیامت ، قطعی است .

ص: 408

و لقد آتينا موسى الكتب فلا تكن في مريه من لقائه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر در «لقائه» موسی(ع) باشد. لازم به ذکر است که این نکته، مورد تأیید روایت نیز هست.

11- نماز محمد(صلی الله علیه و آله) در شب معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 24

24- « عن ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) قال : لما أسرى برسول الله (صلی الله علیه و آله) إلى بیت المقدس حمله جبرائیل علی البراق فاتیا بیت المقدس و عرض إليه محاریب الأنبياء و صلی بها و رده . . . » ;

جبرئیل، آن حضرت را بر براق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان داد و پیامبر(صلی الله علیه و آله) در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند. «..».

ص: 409

11- معرضان از خدا

1- معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 18 - 6

6- مشرکان و منکران روز قیامت و کافران به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن، روی گردانان از دعوت الهی اند.

والذین لم یتجیبوا له

آیات گذشته شاهد بر این است که مقصود از «الذین لم یتجیبوا له» مشرکان و منکران رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ناباوران به قیامت می باشد.

2- اغواپذیری معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 36 - 9 - 1

1 - روی گردانان از یاد خدا، همواره تحت سلطه نیروی شیطانی و اغواگراند.

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً

9 - روی گردانان از یاد خدا و پیام وحی، هر یک گرفتار شیطان خاص خویش

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین

تکرار «له» ممکن است اشاره به این جهت داشته باشد که هر فردی، برای خود شیطانی خاص دارد.

ص: 410

3- اقرار اخروی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 6

6 - روی گردانان از یاد خدا، با حضور در صحنه قیامت، به ربوبیت خداوند اعتراف خواهند کرد.

قال ربّ

4- بینش معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 37 - 5

5 - خداگریزان، بر اثر نادانی و گمراهی، خود را هدایت یافته و راه جسته می پندارند.

و يحسبون أنّهم مهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 38 - 11

11 - خداگریزان تا روز قیامت، خود را اهل هدایت می پندارند.

و يحسبون أنّهم مهتدون . حتّى إذا جاءنا قال يليت

از کلمه «حتّى» - که برای غایت است - استفاده می شود که گمراهان، تا روز قیامت، خود را بر هدایت می پندارند.

5- تعجب اخروی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 9

9 - غافلان از یاد خدا به هنگام حضور در قیامت، با هوشمندانه خواندن زندگانی خود در دنیا، از بسته بودن راه درک و فهم خود شگفت زده خواهند شد. *

قال ربّ لم حشرتنى أعمى وقد كنت بصيراً

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که «أعمی» به معنای کور باطن باشد.

6- تعداد اولیای معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 41 - 4

ص: 411

4- کسانی که ولایت و کارسازی خدا را رها کنند و به سراغ غیرخدا بروند ، مبتلا به اولیای متعددی می شوند .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله أولیاء کمثل العنکبوت

جمع آورده شدن «أولیاء» احتمال دارد که ناظر به واقعیت خارجی باشد و آن، این است که گریزندگان از ولایت الهی، ارباب و اولیای متعدد پیدا می کنند.

7- جهل معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 37 - 5

5- خداگریزان ، بر اثر نادانی و گمراهی ، خود را هدایت یافته و راه جسته می پندارند .

و یحسبون أنّهم مهتدون

8- حشر معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 3, 1

1 - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتني أعمی

3- غافلان از یاد خدا ، پس از حشر در قیامت ، از شناخت راه نجات خویش ناتوان خواهند بود . *

قال ربّ لم حشرتني أعمی

ممکن است مراد از کوری آگاه نبودن به فضای موجود در قیامت و یافتن راه چاره برای رهایی از گرفتاری های آن باشد. براین اساس، گویندگان «قد کنت بصیراً» خود را کسانی می دانند که در دنیا همه چیز را خوب می فهمیدند و اندیشه ای عمیق داشتند.

9- رحمت بر معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 42 - 6

6- همه انسان ها ، حتی روی گردانان از پروردگار ، مشمول رحمت الهی اند .

قل من يكلؤكم . . . بل هم عن ذكر ربهم معرضون

ص: 412

10- سختی حسابرسی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 8 - 13 - 18 - 8

8- روی گردانان از دعوت خدا، در قیامت به حسابی سخت و ناگوار گرفتار خواهند بود.

و الذین لم یستجیبوا له .. أولئک لهم سوء الحساب

«سوء» به هر چیزی که مایه ناراحتی و رنج باشد گفته می شود. اضافه «سوء» به «الحساب» اضافه صفت به موصوف است. بنابراین «سوء الحساب»؛ یعنی: «الحساب السوء».

11- سرزنش معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 4

4- سرزنش مشرکان از سوی خداوند، به سبب روی گرانی از درگاه او و توجه به عناصری عاجز و ناتوان

من أضلّ ممّن یدعوا من دون اللّٰه من لا یستجیب له إلی یوم القیمه و هم عن دعائهم غ

12- عجز معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 3

3 - غافلان از یاد خدا، پس از حشر در قیامت، از شناخت راه نجات خویش ناتوان خواهند بود.*

قال ربّ لم حشرتني أعمی

ممکن است مراد از کوری آگاه نبودن به فضای موجود در قیامت و یافتن راه چاره برای رهایی از گرفتاری های آن باشد. براین اساس، گویندگان «قد کنت بصیراً» خود را کسانی می دانند که در دنیا همه چیز را خوب می فهمیدند و اندیشه ای عمیق داشتند.

13- عذاب معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 12

12 - روی گردانان از اطاعت خدا و رسول او و جهاد در راه الهی گرفتار عذابی بس دردناک

و من یتولّٰ یعدّبه عذابًا ألیماً

ص: 413

14- کوری اخروی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 5,10

5 - روی گردانان از هدایت الهی و یاد او، در صحنه قیامت، نابینا محسور خواهند شد.

و من أعرض عن ذکری .. و نحشره یوم القیمه أعمی

10 - زندگانی دشوار، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت، مجازات و کیفر الهی آن است.

فإنّ له معیشه ضنکاً و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر «فإنّ له..» و «نحشره...» - که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفس عمل متفرع گردیده - ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

15- کیفر معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 5

5- باد های کوبنده و درهم شکننده، از عوامل خداوند در کیفر اعراض کنندگان از او

یعیدکم .. فیرسل علیکم قاصفاً من الریح فیغرقکم بما کفرتم

«قاصف» از مصدر «قصف» به معنای شکننده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 7

7 - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند.

قتل الإنسان ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست؛ در این صورت حرف «ال» در «الإنسان» عهد ذکری بوده و اشاره به «من استغنی» در آیات قبل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- همدمی با شیطان، کیفر الهی برای اعراض کنندگان از یاد او

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیص له شیطاناً

ص: 414

16- کیفر معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 36 - 2

2 - همدمی با شیطان ، کیفر الهی برای اعراض کنندگان از یاد او

و من یعش عن ذکر الرحمن تقيض له شيطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 7

7 - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسان ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین ، مرتبط دانست؛ در این صورت حرف «ال» در «الإنسان» عهد ذکری بوده و اشاره به «من استغنی» در آیات قبل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 5

5- باد های کوبنده و درهم شکننده ، از عوامل خداوند در کیفر اعراض کنندگان از او

یعیدکم .. فیرسل علیکم قاصفاً من الريح فیغرقکم بما کفرتم

«قاصف» از مصدر «قصف» به معنای شکننده است (مفردات راغب).

17- گمراهی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 37 - 5

5 - خداگریزان ، بر اثر نادانی و گمراهی ، خود را هدایت یافته و راه جسته می پندارند .

و یحسبون أنهم مهتدون

18- مرگ معروضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 4 - 4

4 - رهاکنندگان عبادت خدا، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند.

أن اعبدوا الله... ويؤخرکم إلى أجل مسمی

ص: 415

19- معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 42 - 4

4- روی گردانی کافران از پروردگار خویش، علی رغم برخورداری از رحمت مداوم او

قل من یکلؤکم . . . من الرحمن بل هم عن ذکر ربّهم معرضون

«بل» در آیه شریفه، برای اضراب انتقالی است؛ یعنی، خداوند پس از بیان نیاز بشر به خدای رحمان و ذکر عذاب او، به علت اصلی کفر کافران (اعراض از یاد پروردگار و بی توجهی به ربوبیت الهی) پرداخته است.

20- معرضان از خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 18 - 10

10- دوزخ جایگاه روی گردانان از دعوت خداوند است .

أولئک . . . مأویهم جهنم

21- معرضان از خدا و هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 38 - 11

11 - خداگریزان تا روز قیامت، خود را اهل هدایت می پندارند .

و یحسبون أنهم مهتدون . حتی إذا جاءنا قال یلیت

از کلمه «حتی» - که برای غایت است - استفاده می شود که گمراهان، تا روز قیامت، خود را بر هدایت می پندارند.

22- هدایت ناپذیری معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 6 - 5

5 - روی گردانان از خداوند و آیات او، اصلاح ناپذیر و غیرقابل هدایت اند .

فبأیّ حدیث بعد اللّٰه وءایته یؤمنون

جمله «فبأیّ حدیث ..» - که مفید استفهام تعجبی است - می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که اگر انسان، در پرتو آیات الهی هدایت نشود، دیگر به هدایتی دست نخواهد یافت؛ چه این که هدایت دیگری نیست تا از آن بهره مند گردد.

ص: 416

23- همنشینی شیاطین با معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 38 - 12

12 - همنشینی شیاطین با ترک کنندگان یاد خدا در روز واپسین *

فهو له قرین . . . حتّی إذا جاءنا ... فبئس القرین

به قرینه «فبئس القرین»، می توان گفت: غایت در «حتّی إذا جاءنا» نقطه نهایی قرین بودن را نمی رساند؛ بلکه بعد از «حتّی» نیز مانند قبل از آن است.

24- هوشیاری دنیوی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 9

9 - غافلان از یاد خدا به هنگام حضور در قیامت ، با هوشمندانه خواندن زندگانی خود در دنیا ، از بسته بودن راه درک و فهم خود شگفت زده خواهند شد . *

قال ربّ لم حشرتني أعمى وقد كنت بصيراً

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که «أعمى» به معنای کور باطن باشد.

ص: 417

1- آثار اجتماعی امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 41 - 4

4- برخورداری جامعه اسلامی از حمایت و نصرت خدا، در گرو اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر است.

الذین ان مکّنهم فی الأرض... ونهوا عن المنکر

2- آثار امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 105 - 2

2- دعوت به نیکی ها، امر به معروف و نهی از منکر، مانع بروز تفرقه و اختلاف در جامعه

ولتکن منکم امّه یدعون الی الخیر... ولا تكونوا کالذین تفرّقوا

جمله «لا تكونوا...»، احتمالاً بیان نتیجه آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 107 - 2,4

2- اعتصام به حبل الله، دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر، موجب استغراق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل الله... ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف...

به مقتضای ارتباط این آیه و آیات پیشین، روسفیدی می تواند نتیجه اعمال نیک یاد شده در آیات قبل باشد.

4- تمسک کنندگان به ریسمان الهی و دعوت گران به خیر، امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر، روسفیدان در قیامت و

مستغرق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل الله... يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف... اما الذين ابيضت

مستفاد از ارتباط میان این آیه و آیات قبل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 110 - 8

8 - ایمان مصلحان (امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر) به خداوند ، شرط اعتلای جامعه

کنتم خیر امه... و تؤمنون بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 111 - 8

8 - تأثیر ایمان به خدا و امر به معروف و نهی از منکر ، در شکست ناپذیری مؤمنان در برابر هجوم دشمنان دین

کنتم خیر امه أخرجت للناس تأمرن بالمعروف... و إن یقتلکم یولّوکم الادبار

وحدت خطاب در «کنتم خیر...» و «یقاتلوکم»، بیانگر برداشت فوق است. یعنی آن دسته شکست نمی خورند که امرکننده به معروف و... باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 114 - 10

10 - صالح شدن انسان ها ، در گرو ایمان به خدا ، معاد ، امر به معروف و نهی از منکر (اصلاح دیگران) و شتاب در کار های نیک است

یؤمنون بالله... و اولئک من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 120 - 9

9 - ناتوانی جبهه کفر در برابر جامعه ایمانی ، آنگاه که مؤمنان به دستور های الهی (امر به معروف و نهی از منکر) عمل کنند .

کنتم خیر امه... لن یضروکم الا اذی و إن یقتلکم یولّوکم الادبار... ضربت عل

در برداشت فوق، تقوا به معنای عمل به دستورات الهی گرفته شده که خداوند در آیات پیش به برخی از آنها (امر به معروف، ایمان واقعی و ...) اشاره کرده است. یعنی آنگاه کید دشمنان بی اثر است که تقوا داشته باشند و به دستورات الهی عمل کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 21

21 - امر به معروف، نهی از منکر، اقامه نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسولش، عامل جلب رحمت ویژه الهی

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ .. أَوْلَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 9

ص: 419

9- وفای به وعده و امر به معروف ، زمینه ساز رضایت خداوند است .

إنه كان صادق الوعد . . . و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة و كان عند ربّه مرضياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 3 - 10

10 - امر به معروف ، پنددهی و پندپذیری ، از خصلت های برجسته انسان های کامیاب

لفی خسر . إلا الذين ... تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

«تواصوا»، از باب تفاعل و بیانگر آن است که مؤمنان، در کنار توصیه به دیگران، از توصیه های آنان نیز بهره می برند.

3- آثار ترک امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 82 - 10

10 - « عن أبي سعيد الخدري قال : سئل رسول الله (صلى الله عليه و آله) عن قول الله « إذا وقع القول عليهم أخرجناهم دابة من الأرض تكلمهم » قال إذا تركوا الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و جب السخط عليهم ;

از ابی سعید خدری روایت شده که از رسول اکرم(صلى الله عليه و آله) درباره سخن خدا «إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم» سؤال شد، فرمود: زمانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، غضب خدا بر آنان محقق می گردد».

4- آثار نهی از معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 22، 16

16 - ترویج زشتی ها و فساد (منکر) و پیشگیری از تحقق نیکی ها و ارزش ها و نیز امتناع از انفاق ، نشانه های غفلت از خدا

يأمرن بالمنكر و ينهون عن المعروف و يقبضون أيديهم نسوا الله

22 - ترویج زشتی ها ، پیشگیری از نیکی ها و امتناع از انفاق ، جرم و موجب عذاب حتمی

نعذب . . . مجرمین ... يأمرن بالمنكر و ينهون عن المعروف و يقبضون أيديهم

آیه شریفه، بیانگر خصوصیات مجرمانی است که در آیه پیشین آمده است.

5- آمران به معروف ايله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 164 - 4,8,9,10,11

ص: 420

4 - تارکان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، به موعظه گران اعتراض کردند و عمل آنان (نهی از منکر) را نابجا شمردند .

لم تعظون قوماً

8 - داشتن عذر در پیشگاه خداوند و نیز امید به پرهیز تجاوزگران از تجاوز خویش ، پاسخ موعظه گران یهود به اعتراض تارکان نهی از منکر

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

«معذره» مصدر و به معنای حجت داشتن است. این کلمه مفعولاً له برای فعل مقدر «نعظهم» می باشد ; یعنی آنان را موعظه می کنیم تا در پیشگاه خدا حجت و عذر داشته باشیم.

9 - اصلاحگران ایله سکوت در برابر گناه را ناروا شمرده و تارکان نهی از منکر را در پیشگاه خدا معذور نمی دانستند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

ظاهر اقتضا می کرد که موعظه گران بگویند «ربنا» (پروردگارانمان)، نه «ربکم» (پروردگار شما). این جا به جایی اشاره به این حقیقت دارد که خداوند پروردگار شما نیز هست و باید در برابر او عذری داشته باشید و بدانید که اگر نهی از منکر نکنید، معذور نیستید.

10 - باور مصلحان یهود به ربوبیت خداوند بر بندگان ، وادارکننده ایشان به تلاش برای اصلاح جامعه و بازدارای منحرفان از گناه و تجاوز

قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق از آوردن اسم «رب» استفاده شده است.

11 - داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون . . . قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که «إذ قالت . . . » متعلق به فعل محذوف «اذکر» باشد.

6- احکام امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 21 - 14

14 - خطر کشته شدن در راه عدالتخواهی ، مانع از جواز امر به معروف و مبارزه با منکر نیست .

و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

زیرا لحن آیه، ستایش و مدح نسبت به کشته شدگانی است که امرکنندگان به معروف در مسیر عدالتخواهی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 34 - 6

6- امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی که احتمال تأثیر در آن نباشد، واجب نیست.

و لا ینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم إن کان الله یرید أن ینوئیکم

ص: 421

7- ارزش امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 114 - 4

4 - ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب ورزیدن به کار های نیک ، ملاک ارزش و شایستگی (صالح بودن)

يؤمنون .. يسارعون في الخيرات واولئك من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 41 - 3

3 - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، ارزش های محوری در جامعه اسلامی

من ينصره .. الذين إن مكَّنهم في الأرض ... ونهوا عن المنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 12

12 - نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، از زیربنایی ترین ارزش ها است .

إنّ ذلك من عزم الأمور

بنابراین که «ذلک» اشاره به کلّ محتوای سخن لقمان در این آیه باشد، مشارالیه «ذلک»، جملات «أقم ... و أمر ... و أنه...» است و «عزم» مصدر و به معنای مفعولی، و «عزم الأمور» اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، «الأمر المعزوم». امر معزوم به هدف شایسته ای گویند که لازم است بر آن دست یافت.

8- امر به معروف در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 1,3

1 - یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند : تجاوزگران فاسق ، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات ، تارکان نهی از منکر

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل «الذین ینهون عن السوء» در آیه بعد، نهی از منکر است.

3 - موعظه گران یهود در آبادی ایله، همکیشان خویش را از نافرمانی خدا (شکستن احکام روز شنبه) برحذر می داشتند.

لم تعظون قوماً

ص: 422

9- امر به معروف در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 5

5 - بیان کار های نیک برای مردم (امر به معروف ، ارشاد به نیکی ها و . . .) از عهد های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل . . . و قولوا للناس حسناً

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که «حسناً» مفعولٌ به برای قولوا باشد. بنابراین «قولوا...»; یعنی، نیکیها را برای مردم بگویند و بیان کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 13

13 - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فيما آتیک الله الدار الآخرة و لاتنس نصیبک من الدنيا و أحسن

10- امر به معروف در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 3

3 - نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

بینی أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر

11- امر به معروف مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 2

2 - توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن الله اشتری من المؤمنین . . . التّوبون . . . و الحفظون لحدود الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 41 - 2

2- اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذین إن مکّنّهم... ونهوا عن المنکر

ص: 423

12- امر به معروف (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 4 - 10

10 - « عن أبي عبدالله (ع) قال: إنَّ اللهَ أدَّبَ نبيَّه حتَّى إذا أقامه على ما أراد قال له: « وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلين » فلمَّا فعل ذلك له رسول الله (صلی الله علیه و آله) زكَّاه الله، فقال: « إنَّك لعلی خلق عظیم . . . » ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خداوند پیامبر خود (محمد صلی الله علیه و آله) را تربیت کرد تا آن گاه که او را بر آنچه اراده کرده بود پابرجا داشت، به او فرمود: (و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین) چون رسول خدا آن فرمان را برای او انجام داد، خداوند او را به پاکی ستود و فرمود: (إنَّک لعلی خلق عظیم)».

13- امر به معروف مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 8

8 - پایداری بر رکوع و سجده و امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی های مؤمنان راستین

الركعون السجودون الأملون بالمعروف و الناهون عن المنکر

14- امر به معروف هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 16

16 - هارون (ع)، در غیاب موسی (ع)، وظیفه ارشاد، هشدار، امر به معروف و نهی از منکر را به نحو وافی انجام داد.

و لقد قال لهم هرون من قبل یقوم . . . فاتَّبَعُونی و أطیعوا أمری

15- امر به معروف یاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 41 - 2

2 - اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذين إن مكّنهم-هم... ونهوا عن المنكر

ص: 424

16- اهمیت امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 5

5 - بیان کار های نیک برای مردم (امر به معروف ، ارشاد به نیکی ها و . . .) از عهد های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل . . . و قولوا للناس حسناً

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که «حسناً» مفعولٌ به برای قولوا باشد. بنابراین «قولوا...»؛ یعنی، نیکيها را برای مردم بگوئید و بیان کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 207 - 15

15 - کشته شدگان در راه امر به معروف و نهی از منکر ، مصداق خریداران رضایت خداوند در برابر ایثار جان

و من الناس من يشرى نفسه

امیر المؤمنین (ع): ان المراد بالآيه الرجل الذي يقتل على الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر.

مجمع البيان، ج 2، ص 535؛ تفسیر صافی، ج 1، ص 241.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 21 - 14

14 - خطر کشته شدن در راه عدالتخواهی ، مانع از جواز امر به معروف و مبارزه با منکر نیست .

و يقتلون الذين يأمرون بالقسط

زیرا لحن آیه، ستایش و مدح نسبت به کشته شدگانی است که امرکنندگان به معروف در مسیر عدالتخواهی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 104 - 11، 1

1 - ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان ، برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر

ولتکن منکم امّہ . . . عن المنکر

بنابراینکه «من» در «منکم»، تبعیضیه باشد.

11 - نقش بنیادین دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، در رستگاری جامعه

ولتکن منکم امّہ . . . و اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه «اولئک» جامعه اسلامی باشد؛ یعنی تنها خودِ امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر رستگار نیستند، بلکه افراد جامعه بخاطر وجود چنین افرادی بهره مند از رستگاری هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 114 - 3

3 - اهمیّت خاص امر به معروف و نهی از منکر

ص: 425

يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر

پس از ذکر ایمان به خدا و قیامت، عنوان کردن امر به معروف و نهی از منکر، بیانگر اهمیت ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 18، 14

14 - فرمان به کار های شایسته و برحذر داشتن از کار های ناروا (امر به معروف و نهی از منکر) از وظایف اساسی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از اهداف رسالت او

يأمرهم بالمعروف و ينهيهم عن المنكر

18 - امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه .. یأمرهم بالمعروف ... و یحل لهم الطیبیت و یحرم علیهم الخبیث

جمله های «یأمرهم و ..» حال برای ضمیر مفعولی در «یجدونه» است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 4، 2

2 - دعوت مردم به کار های پسندیده ، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و أمر بالعرف

«عرف» به معنای (شناخته شده) است و مراد از آن کارهایی است که در شرع و عقل به پسندیده بودن شناخته شده است.

4 - گذشت از لغزش ها ، دعوت مردم به کار های نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان ، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 8، 9، 7

7- امر به معروف و نهی از منکر، مهمترین وظیفه مؤمنان و بارزترین مشخصه جامعه اسلامی

و المؤمنون و المؤمنات . . . یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

از اینکه در رأس همه کارها و ارزشها، از امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است، اهمیت برتر آن استفاده می شود.

8- امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف اجتماعی همگانی و مشترک میان زنان و مردان

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

9- امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای همیشگی و دایمی است نه تکلیفی مقطعی .

یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

برداشت فوق از به کارگیری فعل مضارع (یأمرون و ینهون) که مفید استمرار است، به دست می آید.

27- از امام حسین (ع) روایت شده . . . و به امیرالمؤمنین (ع) نیز نسبت داده شده که فرمودند: . . . خدا می فرماید: . . . « المؤمنون

و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر » فبدء الله بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر

ص: 426

فريضة منه لعلمه بأن ها إذا ادیت و اقيمت استقامت الفرائض كل ها هيّن ها و صعب ها . . . ;

.. «مردان و زنان با ايمان ولى (و يار و ياور) يكدیگرنند و امر به معروف و نهی از منكر می كنند». خداوند [قبل از نماز و زكات] از امر به معروف و نهی از منكر آغاز كرد ; زیرا می دانست اگر این دو فريضة عملی گردد همه فريضة - آسان و مشكل آن - پابرجا می شود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 12

12 - ستایش خداوند و حرکت در مسیر او و ركوع و سجود و امر به معروف و نهی از منكر ، از جلوه های بارز عبادت پروردگار *

التّٰبُونَ الْعَبْدُونَ . . . و النّٰهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ

برداشت فوق بدان احتمال است كه «الحامدون السّٰئِحُونَ . . . » از باب ذكر خاص بعد از عام (العابدون) و بیانگر اهمیت و ویژگی این صفات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 41 - 5

5 - نماز ، زكات ، امر به معروف و نهی از منكر ، مهم ترین تكالیف دینی

أَقَامُوا الصَّلَاةَ . . . وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 10

10 - اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منكر و صبر ، از فرمان های بس مهم خداوند است .

أَقِمِ الصَّلَاةَ . . . إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

«عَزَمَ» ممكن است به معنای «تصميم قطعی و جزمی» باشد كه در این صورت، «عزم» به خداوند اسناد داده می شود. صاحب كشاف، چنین معنایی را اختیار کرده است.

17- پاداش امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 15

15 - بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و المؤمنون و المؤمنات ... یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

ص: 427

18- تاریخ امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 13

13 - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما ۛاتیک اللّٰه الدار الآخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

19- ترک امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 105 - 3

3 - سرانجام ترک دعوت به نیکی ها و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتکن منکم امه یدعون .. و لا تکنوا کالذین تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 106 - 4

4 - دعوت نکردن به خیر و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسیاهی در قیامت

یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر .. و تسودّ وجوه

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، روسیاهی می تواند کیفر گناهان مذکور در آن آیات باشد.

20- جرم نهی از معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 9

9 - شیوه منافقان ، ترویج امور زشت و منکر و پیشگیری از تحقق معروف (ارزش ها و نیکی ها)

المنفقون و المنفقت .. یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف

21- حق امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 4,5

4 - امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

ص: 428

5- امر به معروف و نهی از منکر، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

22- خشونت در امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 13

13 - امر به معروف و نهی از منکر، با روش ناهنجار و داد و فریاد، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است . *

و امر بالمعروف و انه عن المنکر . . . و اغضض من صوتک إن أنکر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از منکر، به این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صدای الاغ برای گوش ها ناهنجار است امر به معروف و نهی از منکر بدون رعایت موازین اخلاقی هم اثر منفی دارد.

23- دعوت به امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 1,2

1 - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلا ها، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

بینی أقم الصلوه . . . و اصبر علی ما أصابک

2 - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر، نمودی از حکمت لقمان

و لقد آتینا لقمن الحکمه . . . إذ قال . . . بینی أقم الصلوه

24- روش امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 13

13 - امر به معروف و نهی از منکر، با روش ناهنجار و داد و فریاد، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است . *

و امر بالمعروف و انه عن المنکر . . . و اغضض من صوتک إن أنکر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از منکر، به این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صدای الاغ برای گوش ها ناهنجار است امر به معروف و نهی از منکر بدون رعایت موازین اخلاقی هم اثر منفی دارد.

ص: 429

25- سختیهای امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 8،13

8 - امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی در پی دارد که باید آنها را تحمل کرد.

و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک

احتمال دارد دستور به صبر پس از سه فرمان اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر، همانند آن سه، فرمانی عام باشد و احتمال دارد فرمانی ویژه و مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشد. در صورت دوم، نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی به همراه دارد که باید آن را تحمل کرد.

13 - « فی مجمع البیان » و اصبر علی ما أصابک « من المشقه و الأذى فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر عن علی (ع) ;

در مجمع البیان از امام علی (ع) درباره «و اصبر علی ما أصابک» روایت شده: در برابر سختی ها و اذیت هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر می بینی، بردبار باش.»

26- شرایط امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 44 - 11

11 - امام صادق (ع) فرموده اند: « من لم ینسلخ عن هواجسه و لم یتخلص من آفات نفسه و شهواتها و لم یدخل فی کنف اللّٰه و امان عصمته لایصلح له الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر . . . قال تعالی « أتأمرون الناس بالبر و تسون أنفسکم » . . . ;

کسی که از خاطرات نفسانی جدا نشود و از آفتهای نفس و شهوتهای آن خلاص نگردد و در کنف رحمت، امان و حفظ خدا داخل نشود، سزاوار نیست امر به معروف و نهی از منکر کند . . . خدای تعالی فرموده است: آیا شما مردم را به خ---وبی امر می کنید و خود را فرمودش می کنید؟ ... ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 34 - 6

6- امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی که احتمال تأثیر در آن نباشد، واجب نیست.

و لاینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم إن کان الله یرید أن یرغوبکم

27- صبر در امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 8،13

ص: 430

8- امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی در پی دارد که باید آنها را تحمل کرد.

و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک

احتمال دارد دستور به صبر پس از سه فرمان اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر، همانند آن سه، فرمانی عام باشد و احتمال دارد فرمانی ویژه و مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشد. در صورت دوم، نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی به همراه دارد که باید آن را تحمل کرد.

13- « فی مجمع البیان » و اصبر علی ما أصابک « من المشقه و الأذى فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر عن علی (ع) ;

در مجمع البیان از امام علی (ع) درباره «و اصبر علی ما أصابک» روایت شده: در برابر سختی ها و اذیت هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر می بینی، بردبار باش».

28- عمومیت امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 8

8- امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف اجتماعی همگانی و مشترک میان زنان و مردان

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

29- فسق نهی از معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 21

21- ترویج زشتی ها (منکر)، پیشگیری از کار های نیک، امتناع از انفاق و غفلت از یاد خدا، فسق واقعی است.

یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون أیدیهم نسوا الله... إن المنفقین هم

30- مراد از معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 28

28- « عبدالله بن سنان قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله « و لا یعصینک فی معروف » قال : هو ما فرض الله علیهن من الصلاه و

الزكاه و ما أمرهنّ به من خير ؛

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند «ولا یعصینک فی معروف» سؤال کردم، حضرت فرمود: معروف آن چیزی است که خدا بر آنان واجب فرموده از قبیل نماز و زکات و همه آنچه از خوبی ها که به آنان امر کرده است».

ص: 431

31- مسؤولیت آمران به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 44 - 5,7

5 - آمران به معروف و مبلغان دینی ، باید خود به محتوای دعوتشان عمل کنند .

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم

7 - کسانی که دیگران را به کار های نیک دعوت کرده و خود به آن عمل نمی کنند ، @سزاوار توبیخ و سرزنش هستند .

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم

32- معروف دانستن منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 13 - 10

10 - منکر شمردن معروف ها و معروف دانستن منکرات ، از ویژگی های منافقان

إذا قیل . . . و إذا قیل لهم ءامنوا ... قالوا أنؤمن کما ءامن السفهاء

از اینکه فساد را اصلاح گری می شمردند و ایمان را سفاهت می پندارند، برداشت فوق به دست می آید.

33- منافقان و نهی از معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 11، 17، 9

9 - شیوه منافقان ، ترویج امور زشت و منکر و پیشگیری از تحقق معروف (ارزش ها و نیکی ها)

المنفقون و المنفقت . . . یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف

11 - منافقان ، هم خود خیری به جامعه نمی رسانند و هم دیگران را از کار نیک باز می دارند .

و ینهون عن المعروف و یقبضون أیدیهم

17 - ترویج زشتی ها و فساد (منکر) و پیشگیری از تحقق نیکی ها و ارزش ها و فراموشی خدا و فرمان های او ، از عملکرد ها و اوصاف

المنفقون . . . يأمرون بالمنكر وينهون عن المعروف ويقبضون أيديهم نسوا الله

34- منكر دانستن معروف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 432

10 - منکر شمردن معروف ها و معروف دانستن منکرات ، از ویژگی های منافقان

إذا قيل . . . و إذا قيل لهم ءامنوا . . . قالوا أنؤمن كما ءامن السفهاء

از اینکه فساد را اصلاح گری می شمردند و ایمان را سفاهت می پندارند، برداشت فوق به دست می آید.

ص: 433

1- معصومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 84 - 7

7- وجود انسانی صالح و مصون از هر گناه و خطا، در هر عصر و زمان

و یوم نبعث من کلّ أُمَّه شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 89 - 5،9

5- وجود انسانی صالح و مصون از هر گناه و خطا، در هر عصر و زمان

و یوم نبعث فی کلّ أُمَّه شهیداً علیهم من أنفسهم

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای مقام عصمت

و جنابک شهیداً علی هؤلاء

گواه بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به امت خویش، مستلزم عصمت اوست و گرنه او خود نیازمند شاهد دیگر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 3

3 - پیامبران، از هرگونه گناه و خطاکاری معصوم اند.

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالصِهِ ذِكْرِي الدار

از این که خداوند پیامبران را به آخرت اندیشی خالص ساخت، می توان عصمت آنان را به دست آورد؛ زیرا ریشه گناه و خطاکاری بشر دنیاطلبی است و از آن جایی که انبیا از چنین خواسته ای مبرا بوده و تنها طالب آخرت اند؛ استفاده می شود که آنان هرگز گناه نمی کنند و معصوم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 47 - 6

6 - پیامبران ، از هر گناه و خطاکاری معصوم اند .

إِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفِينَ الْأَخْيَارِ

توصیف ابراهیم(ع) و .. از سوی خداوند به «أخيار» - به صورت مطلق - گویای این حقیقت است که پیامبران در همه افعال و صفات خود، از نیکان بودند و از آنان جز خوبی و کار خیر سر نمی زد و این همان حقیقت عصمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 5

5 - پیامبران ، از هرگونه گناه و خطاکاری معصوم اند .

و كَلَّ مِنَ الْأَخْيَارِ

توصیف اسماعیل(ع) و .. از سوی خداوند به «أخيار» - به صورت مطلق - گویای این حقیقت است که پیامبران در همه افعال و صفات خود از نیکان بودند و از آنان جز خوبی و کار خیر، سر نمی زد و این همان حقیقت عصمت است.

2- خشیت معصومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 14

14- مقام عصمت ، مانع از خوف و هراس از خداوند نیست .

و هم بأمّره يعملون . . . و هم من خشيته مشفقون

معصومین

3- معصومین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 53 - 9

9- پیامبران با توفیق خدا و شمول رحمتش بر آنان ، از ارتکاب گناهان مصون مانده و از خطر نفس اماره رهایی می یابند .

إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربي

ص: 435

1- معلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 48 - 1

1 - خداوند ، معلّم عیسی (ع)

و یعلّمه الكتاب و الحکمه

2- احترام معلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 69 - 4

4- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلّم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتبعك ... ستجدنی ... و لا أعصی

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی (ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتبعك); ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمْتَ); ج) علم او را رشد آفرین دانست (رشداً); د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (مِمَّا عُلِّمْتَ); هـ) وعده صریح به صبر نداد، بلکه به صورت «ستجدنی إن شاء الله..» ذکر کرد; و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج 13).

3- اطاعت از معلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 436

7- شكيبا بودن و اطاعت از معلم ، ادب و شرط تعلّم است .

ولا أعصى لك أمراً

4- اولین معلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 31 - 3

3 - خداوند نخستین آموزگار انسان

و علم آدم الأسماء كلها

5- درک محضر معلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 8 - 4

4 - درک محضر استاد و تلاش برای حضور در مجلس او ، از وظایف دانش اندوزان

جاءك يسعی

6- مسؤلیت معلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 21، 22

21 - تعلیم دهندگان علوم غریبه ، باید ضرر های آن علوم را به متعلمان گوشزد کرده و آنان را از سوء استفاده بر حذر دارند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه فلا تکفر

22 - ضرورت تلاش برای ایجاد تعهد در متعلمان به هنگام آموزش علوم به آنان

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه فلا تکفر

7- معلم آدم (ع)

13 - خداوند دشمنی افراد بشر را با یکدیگر را به آدم و حوا (ع) گوشزد کرد و راه رهایی از پی آمد های آن را به آنان آموخت .

بعضکم لبعض عدوّ .. فمن اتبع هداى فلا يضلّ ولا يشقى

8- معلم ابراهيم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 73 - 12

12- خداوند ، به ابراهيم ، اسحاق و يعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحينا إليهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب «فعل الخیرات» به خاطر مفعول بودن آن برای «أوحینا» باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر «أوحینا» متضمن معنای «علّمنا» است.

9- معلم اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 73 - 12

12- خداوند ، به ابراهيم ، اسحاق و يعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحينا إليهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب «فعل الخیرات» به خاطر مفعول بودن آن برای «أوحینا» باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر «أوحینا» متضمن معنای «علّمنا» است.

10- معلم انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 114 - 21

21 - خداوند تعلیم دهنده و تربیت کننده پیامبران است .

وقل ربّ زدنی علماً

11- معلم انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 438

18 - رحمن - 55 - 2 - 1

1 - خداوند ، معلم انسان و تعلیم دهنده قرآن

الرحمن . علم القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 3 - 6

6 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، معلم تمامی انسان ها در همه عصر ها و همه نسل ها

و یعلمهم الکتب و الحکمه و .. و آخرین منهم

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که «آخرین» عطف بر «هم» در «یعلمهم الکتب» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 4 - 1

1 - خداوند ، معلم انسان ها است .

الذی علم

12- معلم ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 44 - 3

3 - چاره جویی خداوند برای ایوب (ع) در مشکل ادای سوگندش به تنبیه همسرش

خذ بیدک ضعناً فاضرب به و لاتحنث

13- معلم حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 13

13 - خداوند دشمنی افراد بشر را با یکدیگر را به آدم و حوا (ع) گوشزد کرد و راه رهایی از پی آمد های آن را به آنان آموخت .

بعضكم لبعض عدوّ.. فمن اتبع هداى فلا يضلّ ولا يشقى

14- معلم خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

ص: 439

7- دانش ویژه خضر (ع)، برگرفته از تعلیم خداوندی بود.

عَلَّمَنَّهُ مِنْ لَدُنَّا عَلَمًا .. مِمَّا عَلَّمْتَ رَشَدًا

15- معلم داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 2

1- خداوند، صنعت زره سازی را به داوود (ع) آموخت.

داود .. و عَلَّمَنَّهُ صِنْعَهُ لِبُوسٍ

«لبوس» در اصل به معنای لباسی است که انسان را از هر چیز زشتی بپوشاند (مفردات راغب) و مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه «لتحصنکم من بأسکم» (تا شما را از خطرات جنگ حفظ کند) می تواند زره باشد. گفتنی است که برخی از اهل لغت «لبوس» را به معنای «درع» (زره) گرفته اند (قاموس).

2- خداوند، صنعت ساختن سلاح های دفاعی و بازدارنده را به داوود (ع) آموخت.

داود .. و عَلَّمَنَّهُ صِنْعَهُ لِبُوسٍ

یکی از موارد کاربرد واژه «لبوس»، مطلق «سلاح» است (لسان العرب); ولی با توجه به جمله «لتحصنکم من بأسکم» مقصود از آن سلاح هایی است که جنبه دفاعی دارد و انسان را از ضربه های دشمن حفظ کرده و از هرگونه حمله بازمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 20 - 6,7

6 - خداوند، به داوود (ع) حکمت آموخت.

وَأَتَيْنَهُ الْحِكْمَةَ

7 - خداوند به داوود (ع)، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن به نزاع ها و خصومت ها اعطا کرد.

وَأَتَيْنَهُ .. فَصَلَ الْخُطَابَ

«فصل» مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاع ها و خصومت ها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول

باشد، کلمه «خطاب» به معنای سخن بوده و مقصود از «فصل خطاب» سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه «خطاب» به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از «فصل خطاب» رفع خصومت ها و فیصله دادن به نزاع ها خواهد بود.

16- معلم عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 440

17 - خداوند آموزگار مسیح در فراگیری علوم ، معارف دین و کتب آسمانی

و اذ علمتک الکتب و الحکمہ و التوریه و الانجیل

17- معلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 2 - 1,4

1 - خداوند ، معلم انسان و تعلیم دهنده قرآن

الرحمن . علّم القراءان

4 - خداوند ، معلم واقعی قرآن ، بدون کمترین تصرف پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن

الرحمن . علّم القراءان

18- معلم ماروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 16

16 - هاروت و ماروت ، علم سحر را از ناحیه خداوند دریافت می کردند . *

و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

19- معلم متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 34 - 8

8 - خداوند ، بیانگر مثال ها و نمونه هایی از امت های منقرض شده پیشین برای تقوایندگان

و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم و موعظه للمتقین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که لام در «للمتقین» بیانگر غایت و نتیجه برای «و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم» نیز باشد.

20- معلم محمد (صلى الله عليه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 441

11 - خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونه استدلال کردن و پاسخ گفتن به ادعا های واهی

قل أتخذتم عند الله عهداً .. أم تقولون على الله ما لا تعلمون

برداشت فوق از کلمه «قل» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - خداوند ، آموزگار پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونه استدلال کردن و پاسخگویی به مخالفان

قل فلم تقتلون ... و لقد جاءكم موسى ... قل بئسما ... قل إن كانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - علوم پیامبر (صلی الله علیه و آله) از طرف خداوند است و نه از معلم بشری.

و كذلك نصرफ الأیت و ليقولوا درست و لبینه قوم يعلمون

تکرار فعل متکلم «نصرف» و «نبین» پاسخی تلویحی است به منکران الهی بودن قرآن و کسانی که به ناحق آن را برگرفته از دانش بشر می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - خداوند، راهنمای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

هدینی ربی إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آموزش بحث و احتجاج با مشرکان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جانب خداوند

قل هل من شركائكم... قل الله يبدؤا الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 35 - 1

1 - آموزش بحث و احتجاج با مشرکان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی خداوند

قل هل من شركائكم من يهدى إلى الحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 38 - 2

2 - آموزش بحث و احتجاج با مشرکان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی خداوند

ص: 442

أم يقولون افتريه قل فأتوا بسوره مثله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 13 - 6

6- خداوند ، چگونگی استدلال عليه مشركان و ادعا های ناروای آنان را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعلیم می داد .

أم يقولون افتريه قل فأتوا

برداشت فوق ، از کلمه «قل» که خطاب به پیامبر است ، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 35 - 4

4- خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونه پاسخ دادن به مشركان و چگونه برخورد کردن با ایشان

أم يقولون افتريه قل إن افتريته فعلى إجرامى و أنا برىء مما تجرمون

برداشت فوق ، از کلمه «قل» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 3 - 2

2- خداوند ، بیانگر سرگذشت پیشینیان برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

نحن نقص عليك أحسن القصص

«قصّ» (مصدر نقص) به معنای بیان کردن و بازگو کردن است. «قصّص» به معنای بیان کردن و نیز به معنای داستان و چیزی است که بازگو می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - رعد - 13 - 16 - 6

6- خداوند راهنمای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونه بیان کردن معارف و تبلیغ کردن دین

قل من رب السموت و الأرض قل الله قل أفأخذتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 30 - 18

18- خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونه برخورد کردن با کافران و پاسخ گویی به آنان

قل هوربی . . . و إليه متاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 4

4- خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونه استدلال کردن بر رسالت خویش و چگونه احتجاج کردن با کافران

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

ص: 443

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 1

1- خداوند ، شیوه پاسخ گویی به شبهات منکران معاد را ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخت .

قل کونوا حجاره أو حديدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 80 - 1

1- تعلیم خواستنی ها و گونه نیایش و دعا ، از سوی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقل رب ادخلنی مدخل صدق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 22 - 9

9- خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در برخورد مناسب با اختلاف آرای مردم ، تعلیم می دهد .

قل ربی أعلم بعدتهم .. فلاتمار فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 3

3- خداوند ، راهنمای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پاسخ گویی به اظهار نظر های ناصحیح مردم است .

قل الله أعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 29 - 3

3- خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در شیوه برخورد با دنیاگرایان و رد پیشنهاد های نادرست آنان تعلیم داد .

ولاتطع من .. وقل الحق من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 83 - 3

3- خداوند، شیوه پاسخ گویی به پرسش های مردم را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعلیم داده است .

و یسئلونک . . . قل سأتلوا علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 103 - 7

7- پیامبر (صلی الله علیه و آله) - در شناخت فرجام انسان ها - تعلیم دیده از جانب خداوند و بازگوکننده معارف وحی است .

هل نبئکم

ص: 444

ضمیر متکلم مع الغیر در «نَبِّئْکُمْ» گویای این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پیش خود سخن نمی گوید، بلکه آموخته های الهی خویش را ارائه می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 9

9- خداوند برای رشد آگاهی های پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تدبیر رسالت او، هیچ نکته ای از تعالیم ضروری را فروگذاری نکرده و به دست فراموشی نسپرده است.

و ما کان ربک نسباً

برداشت یادشده، با توجه به کلمه «رب» به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 8

8 - خداوند، شیوه پاسخ گویی به سؤالات مردم را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخت.

ویس - لونک ... فقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 114 - 23

23 - ترک تعجیل در نزول تمامی قرآن و سکوت کامل تا پایان نزول هر آیه، زمینه ساز افزایش علوم پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جانب خداوند

و لاتعجل بالقرآن ... و قل رب زدنی علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 68 - 4

4 - آموزش روش برخورد با مشرکان ستیزه جو از سوی خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وإن جدلوك فقل الله أعلم بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 89 - 5

5 - خداوند روش احتجاج با مشرکان را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموزش داد .

قل لمن الأرض .. قل من ربّ السموت ... قل من بيده ... قل فأتى تسحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 93 - 2

2 - التجا به پروردگار ، از آداب دعا و آموزه ای الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل ربّ إِمّا ترینّی ما یوعدون

ص: 445

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 96 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تحت تعلیم خداوند در کیفیت رفتار با مردم

ادفع بالتی هی أحسن السیئه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 98 - 1

1 - استعاذه (پناه بردن) به خدا از روی آوردن و حضور شیاطین ، دعای تعلیمی از سوی خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقل أعوذ بک من همزت الشیطن . و أعوذ بک ربّ أن یحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 118 - 1

1 - تعلیم روش دعا و نیایش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی خداوند

وقل ربّ . . . خیر الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 33 - 2,3

2 - خداوند در برابر هر یک از مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، سخن حق و موضع درست را به آن حضرت می آموخت .

و لایأتونک بمثل إلاّ جئنک بالحقّ

3 - خداوند ، در برابر مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر جریان حق و باطل را به آن حضرت ارائه می کرد .

و لایأتونک بمثل إلاّ جئنک بالحقّ و أحسن تفسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اقدام الهی به بیان معارف ، شرایع و سرگذشت پیامبران ، از طریق وحی کردن قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لکنّا أنشأنا قرونًا فتطاول علیهم العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 71 - 2، 1

1 - ارائه شیوه احتجاج با مشرکان ، از سوی خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أرءیتم إن جعل الله علیکم الّیل سرمدًا . . . من إله غیر الله . . . أفلا تسمعون

2 - طرح پرسش های تنبیه بخش و بیدار کننده ، شیوه ای ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مواجهه با مشرکان

ص: 446

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه .. أفلا تسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 72 - 1, 2

1 - آموزش شیوه محاجه با مشرکان از سوی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه علیکم النهار سرمدًا .. من إله غیر اللّٰه ... أفلا تبصرون

2 - طرح پرسش های تنبه آفرین و بیدارگر ، از شیوه های ارائه شده از سوی خدا به پیامبر در احتجاج با اهل شرک

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه .. أفلا تبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 85 - 8

8 - رهنمود خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونگی پاسخ به کافران و مشرکان لجوج

قل ربّی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 1

1 - تعلیم نیایش و ستایش از جانب پروردگار به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل اللّٰهمّ

کلمه «اللّٰهمّ» در زبان عرب، اختصاصاً برای ندای خداوند به وقت دعا به کار می رود؛ یعنی، یا اللّٰه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 6 - 4

4 - خداوند ، تعلیم دهنده شیوه برخورد با مشرکان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا .. فاعمل إنّنا عملون . قل إنّما أنا بشر مثلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - خداوند ، آموزگار پیامبر ، در برخورد با مشرکان و چگونه استدلال کردن با آنان

قل ائتکم لتکفرون

مطلب بالا با توجه به کلمه «قل»، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 26 - 1

1 - خداوند ، شیوه پاسخ گویی به منکران معاد را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخت .

قالوا... قل

ص: 447

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 6 - 3، 2

2- روی آوردن جبرئیل به سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، جهت تعلیم قرآن به آن حضرت

علّمه شدید القوی . . فاستوی

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق «استوی» حذف شده و تقدیر آن «فاستوی إلیه» می باشد (آهنگ پیامبر کرد).

3- تجلی جبرئیل، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سیمای واقعی خویش به هنگام تعلیم وحی

ذو مرّه فاستوی

برخی از مفسران درباره معنای «فاستوی» گفته اند: مراد، ظاهر شدن فرشته وحی به شکل اصلی آن، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 28 - 2، 1

1- ارائه شیوه احتجاج با کافران و مشرکان، از سوی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أرءیتم إن أهلكنی الله

2- طرح پرسش های تنبّه بخش و بیدارکننده، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در محاجّه با کافران و مشرکان

قل أرءیتم إن أهلكنی الله و من معی أورحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 30 - 1

1- ارائه شیوه احتجاج با کافران و مشرکان، از سوی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آگاهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر وحی و زبان گشودن آن حضرت به قرائت قرآن ، وابسته به خواست خداوند و در گرو عنایت ویژه او بود .

سنقرئک

2 - خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به آموختن قرآن و جاری ساختن آن بر زبان او وعده داد .

سنقرئک

«إقراء»؛ یعنی، دیگری را قاری ساختن و حرف «سین» در «سنقرئک» برای تأکید وعده است. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که وحی همچنان ادامه یافته، زبان تو در حال و آینده به قرائت آن توانمند خواهد بود.

3 - توانمند ساختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر قرائت قرآن و فراموش نکردن آن ، از جلوه های ربوبیت خداوند بر آن حضرت است .

سنقرئک فلاتنسی

4 - وحی و نزول قرآن ، به صورت قرائت آن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جاری ساختن آن بر زبان او بوده است .

سنقرئک

ص: 448

7- دریافت قرائت قرآن از جانب خداوند ، مصون سازنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) از فراموش کردن آن

سنقرئک فلاتنسی

حرف «فاء»، جمله «فلاتنسی» را بر «سنقرئک» تفریع کرده است.

9- تسبیح خداوند ، زمینه ساز شایستگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای دریافت قرآن و حفظ آن

سبّح اسم ربّک . . . سنقرئک فلاتنسی

10- وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

والذی أخرج المرعی . فجعله غشاء أحوی . سنقرئک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند - پیش از وعده به قرائت و حفظ - نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است؛ به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 8 - 3، 1

1 - خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) وعده داد که او را به برنامه و شریعتی ساده راهنمایی کرده و بر انجام دادن آن آماده و توانا سازد

و نیسّرک لیسری

«یسری» وصف برای موصوفی محذوف از قبیل «الطریقه» یا «الشریعه» و به معنای سهل تر و آسان تر است. اسناد فعل «نیسّر» به ضمیر خطاب - با آن که در این موارد طبیعی آن است که تعبیر «آسان کردن یسری برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)» به کار رود؛ نه «آسان ساختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای یسری» بیانگر آن است که خداوند وعده ایجاد تحولات درونی در شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) را، به آن حضرت داده است که با سهولت پذیرای برنامه الهی گردد.

3 - توفیق یافتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فراگیری قرآن و به خاطر سپردن آن ، نیازمند امداد های ویژه خداوند

و نیسّرک لیسری

به قرینه «سنقرئک فلاتنسی» (در آیات پیشین) می توان گفت: مراد از «نیسّرک»، آماده ساختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای قرائت و حفظ قرآن است.

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، پیش از دریافت هدایت های الهی ، از شریعت اسلام و احکام قرآن پی خبر بود .

و وجدک ضالاً فهدی

ضلالیت دو گونه است: 1. تحیر در علوم نظری مانند توحید؛ 2. سرگردانی در علوم عملی نظیر احکام شرعی (مفردات راغب). درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) به قرینه آیه «ما ضلّ صاحبکم...» (النجم/2) - که ضلالیت را از آن حضرت منتفی می داند - مراد دومین نوع است؛ یعنی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنچه را بعد از بعثت با نزول قرآن پی برد، پیش از بعثت نمی دانست.

2 - خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به شریعت اسلام آگاه ساخت .

فهدی

6 - خداوند ، با بیان هدایت های خویش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهانیدن آن حضرت از ناآگاهی ها ، او را به آموختن دانسته های خود به جویندگان آن تشویق کرد .

و وجدک ضالاً فهدی . . . و أمّا السائل فلاتنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 2 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در شناخت شب قدر و ویژگی های آن ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما لیلہ القدر

خطاب در آیه شریفه، گرچه مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ ولی بر آن حضرت نیز تعمیم می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 3 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در شناخت ویژگی های قیامت ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما القارعه

خطاب در آیه شریفه گرچه متوجه شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ ولی چون آن حضرت خطاب را دریافت کرده است، او نیز از زمره مخاطبان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 10 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در شناخت « هاویه » ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ماهیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 5 - 3

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در شناخت ویژگی های آتش جهنم، نیازمند تعلیم الهی است.

و ما أدریک ما الحطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 1 - 3

3- خداوند، تعلیم دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تنظیم کننده محتوا و الفاظ گفتوگوی آن حضرت با کافران

قل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 1 - 1

ص: 450

1 - خداوند ، آموزنده توحید به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل هو الله أحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 1 - 6

6 - خداوند ، آموزنده الفاظ استعاذه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أعوذ بربّ الفلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ناس - 114 - 1 - 5

5 - خداوند ، آموزنده الفاظ استعاذه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل

21- معلم مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 8

8- عیسی (ع) ، شیوه برخورد با مردم و چگونگی واکنش در برابر بهتان آنان را به مادرش مریم (س) آموخت .

فإِذَا تَرِيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي

22- معلم ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 5

5- آدم (ع) ، آموزگار فرشتگان

يَأْذَمُ أَنْبِيَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ

23- معلم موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 69 - 5

5- موسى (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

ص: 451

قال ستجدني إن شاء الله صابراً ولا أعصي لك أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 23

23- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کارهای خود به موسی (ع)، وی را بر بی صبری در برابر آن، نکوهش کرد.

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً

24- معلم نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 37 - 4

4- نوح (ع)، در ساخت کشتی با دریافت وحی، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد.

واصنع الفلک بأعيننا ووحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 6

6 - تعلیم روش دعا به نوح (ع) از سوی خدا

فقل الحمد لله... وقل رب أنزلی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین

25- معلم یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 68 - 15, 16

15- خداوند، آموزنده و اهدا کننده دانش ویژه به یعقوب (ع)

و إنه لذو علم لما علمنه

حرف «لام» در «لما علمناه» برای تعلیل است و «ما» در آن مصدریه می باشد.

16- حاکمیت اراده خداوند بر اسباب و علل، از تعالیم خداوند به یعقوب (ع)

ادخلوا من أبواب متفرقة و ما أغنى عنكم من الله من شيء . . . وإنه لذو علم لما علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 73 - 12

12- خداوند، به ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) کارهای نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت.

و أوحينا إليهم فعل الخیرت

ص: 452

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب «فعل الخیرات» به خاطر مفعول بودن آن برای «أوحینا» باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر «أوحینا» متضمن معنای «علّمنا» است.

26- معلم یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 22

22- حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع)، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد.

یجتیبیک ربک . . . إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 15، 16

15- خداوند، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیایا

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

16- آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیایا، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

«لام» در «لنعلّمه» لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 9

9- خداوند، آموزنده علم غیب به یوسف (ع)

ذلکما مما علمنی ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 7

7- پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد

ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ .. وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي

جمله «اتبعت ..» عطف بر «ترکت» در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف (ع) از علوم الهی، نقش داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 453

10- خداوند، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیاها و حوادث

رب قد... علمتی من تأویل الأحادیث

27- نقش معلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 48 - 2

2- نقش معلم در ساختار شخصیت متعلم

و يعلمه الكتاب

آیه فوق که در صدد بیان ارزش و مقام عیسی (ع) است؛ می فرماید معلم او، خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 66 - 10

10- پیمودن راه تکامل و رسیدن به معارف ویژه الهی، نیازمند معلم و راهنما است.

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

این که موسی (ع) خود را برای رسیدن به رشد، به تبعیت از خضر (ع) ناگزیر می بیند و برای ملاقات با وی، سفر و مشقت های آن را تحمل می کند، نشان احساس نیاز او به راهنما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 67 - 7

7- معلم و مربی، باید کوشش و استعداد و تحمل افراد را در نظر داشته باشد و دشواری های دانش آموختن را به نوآموزان گوشزد کند.

إنك لن تستطيع معي صبراً

حضرت خضر (ع) قبل از آن که موسی (ع) را به همراهی خود بپذیرد، مشکلات مسیر را برای او یادآوری، و نیز بر تحمل نداشتن او تأکید می کند. از این آیه می توان به پیامی برای اهل دانش دست یافت و آن برآورد تحمل متعلم و نیز گوشزد کردن دشواری های مسیر است.

15- معماری

1- تاریخ معماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 129 - 2

2 - قوم عاد ، دارای تمدنی پیشرفته در امر معماری و بناسازی

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةَ تَعْبَثُونَ . وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

2- شرایط معماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 128 - 6

6 - نیاز و هنرمند بودن ، از معیار های لازم برای خلق آثار و معماری ها و بناسازی ها

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةَ تَعْبَثُونَ

3- معماری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 129 - 2

2 - قوم عاد ، دارای تمدنی پیشرفته در امر معماری و بناسازی

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةَ تَعْبَثُونَ . وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 2

ص: 455

2- قوم عاد ، پیشرفته در فنّ خانه سازی و معماری

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

4- نیاز به معماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 128 - 6

6- نیاز و هنرمند بودن ، از معیار های لازم برای خلق آثار و معماری ها و بناسازی ها

أتبنون بکلّ ریع ءایه تعبثون

5- هنر در معماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 128 - 6

6- نیاز و هنرمند بودن ، از معیار های لازم برای خلق آثار و معماری ها و بناسازی ها

أتبنون بکلّ ریع ءایه تعبثون

ص: 456

1- آثار معنویت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 67 - 6

6 - عمیق ترین روابط مودت آمیز بدون پشتوانه معنویت و تقوا، محکوم به گسستن و نابودی است .

الأخلاء یومئذ

واژه «الأخلاء» (جمع «خلیل») از ماده «خَلَّه» گرفته شده است که به معنای مودت و دوستی می باشد. ریشه اصلی آن «خلل» به معنای فاصله میان دو شیء است که به دلیل نفوذ محبت و دوستی در عمق قلب آدمی، این واژه در مورد دوستان به کار می رود.

2- معنویت در امور اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 36 - 8

8 - در بینش دینی، نگاه به اقتصاد نیز باید جنبه معنوی و الهی داشته باشد .

وقالوا نحن أكثر أموالاً .. قل إن ربی بیسط الرزق لمن یشاء ویقدر

معنویات

3- آثار معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 14 - 9

9- امور معنوی و حالات درونی، دارای تأثیر در زندگی انسان ها و تحولات تاریخی

ص: 457

لنهلكنّ الظلمين . و لنسكننكم الأرض ... ذلك لمن خاف مقامي و خاف وعيد

«ذلک» تعلیل برای إسکان انبیا به جای اقوام ستمگر پس از هلاکت آنان است که در آن تحول مهم، ترس از حسابرسی و وعید خداوند دارای نقش معرفی شده که امری معنوی است.

4- احیای معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 3 - 4

4 - مؤمنان راستین همواره احیاگر ارزش های معنوی و برطرف کننده نیاز های مادی جامعه

الذین یقیمون الصلوه و مما رزقنهم ینفقون

اقامه نماز می تواند به عنوان نمونه ای بارز از احیای امور معنوی یاد شده باشد. فعل مضارع «یقیمون» و «ینفقون» حاکی از استمرار اقامه نماز و انفاق است.

5- ارزش معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 95 - 3

3- ارزش عالی دین و معنویات و قابل مقایسه نبودن آنها با امور مادی

و لا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً إنما عند الله هو خیر لكم

6- اسلام و معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143

2- اسلام، آیینی معتدل در توجه به مادیات و معنویات

جعلنکم أمه وسطاً

چون سخن در این بخش از آیات، نظر به یهود و نصارا دارد، می توان گفت: توصیف امت اسلام به امتی معتدل، در قیاس با یهود و نصاراست و از آنجا که یهودیان مردمی دنیاگرا هستند و نصارا تأیید کننده رهبانیت و ترک دنیا می باشند؛ مراد از معتدل بودن امت اسلام،

اعتدال در توجه به دنیا و امور معنوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 19

ص: 458

19 - اهتمام اسلام به امور مادی و معنوی مردم

یبتغون فضلاً من ربهم ورضوناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 18

18 - اهتمام اسلام به خانواده و سلامت اعتقادی و روانی آن

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

7- امیدواری به معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 46 - 7

7- ارزش های معنوی ماندگار و در پی دارنده پاداش الهی ، شایسته دل بستگی و امید انسان است .

خیر عند ربک ثواباً و خیر أملاً

8- اهتمام موحدان به معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 6 - 16

16- مردان الهی ، حتی در آرمان های مادی خویش ، به ارزش های معنوی ، توجه دارند .

فهب لی من لدنک ولیّاً یرثنی . . . واجعله ربّ رضیّاً

9- اهمیت معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 95 - 7

7- نفع و صلاح واقعی انسان ها ، تنها در ارزش های معنوی و الهی نهفته است و نه در مطامع ناچیز دنیوی .

و لاتشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً إنما عند الله هو خیر لكم

10- پاداش معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 459

10 - كهف - 18 - 46 - 7

7- ارزش های معنوی ماندگار و در پی دارنده پاداش الهی ، شایسته دل بستگی و امید انسان است .

خير عند ربك ثوابًا و خير اَملاً

11- جاودانگی معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 46 - 7

7- ارزش های معنوی ماندگار و در پی دارنده پاداش الهی ، شایسته دل بستگی و امید انسان است .

خير عند ربك ثوابًا و خير اَملاً

12- سوء استفاده از معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 95 - 5

5- انسان ، در معرض خطر دستاویز قرار دادن ارزش های معنوی برای دستیابی به مادیات

و لا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 33 - 20

20 - ممکن است که عوامل وسوسه کننده ، از ارزش های معنوی ، برای رسیدن به اهداف خویش ، استفاده کنند .

و لا یغزتکم باللّٰه الغرور

13- عوامل وصول به معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 83 - 5

5 - دستیابی به درجات عالی معنوی، منوط به مشیت الهی است.

نرفع درجت من نشاء

ص: 460

14- مراتب مقامات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 83 - 6

6 - مقامات معنوی، درجات و مراتب گوناگونی دارد.

نرفع درجت من نشاء

گزیش صیغه جمع «درجات» به جای «درجه» می تواند اشاره به تعدد درجات و مراتب گوناگون آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 22، 23

22- مقامات معنوی، دارای درجات و مراحل گوناگون است.

نرفع درجت من نشاء

برداشت فوق از جمع بودن کلمه «درجات» استفاده شده است.

23- تفاوت رتبه و منزلت انسان ها در پیشگاه خداوند

نرفع درجت من نشاء

15- نشانه های برخورداری از معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 11

11- محروم بودن انسان از مال و منال (مادیات) ، نشانه ناشایستگی او برای دستیابی به خیر های معنوی و الهی نیست .

لأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

16- نقش معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 14

یدعوکم لیغفر لکم . . . و یؤخرکم إلی أجل مسمی

مراد از «یدعوکم» می تواند دعوت به ایمان باشد که از جمله معنویات است و از نتایج آن، به تأخیر افتادن أجل تا رسیدن به أجل مسمی است و این، حاکی از تأثیر معنویت در حیات دنیوی است.

ص: 461

17- نیاز به معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 6

6 - نیاز بشر در سعادت خود ، به چیزهایی غیر از برخورداری مادی و دانش اقتصادی

ثم إذا خولنه نعمه . . . فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

ص: 462

1- مغالطه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 13، 22

13 - ادعای مغالطه آمیز نمود، بر اینکه مرگ و زندگی به دست اوست .

قال انا احيى و اميت

از اینکه ابراهیم (ع) در برابر پاسخ نمود (انا احيى . . .)، استدلالی دیگر مطرح کرد (فان الله ...)، معلوم می شود احياء و اماته ای را که نمود مدعی بود؛ با مغالطه به اطرافیان خویش که درکی از واقعیت حیات و مرگ نداشتند، باوراند. (چنانچه در روایات آمده است که دستور به کشتن فردی و آزادی محکوم به مرگی را داد.)

22 - كفر و عناد نمود و مغالطه وی با ابراهیم (ع)

ربى الذى يحيى و يميت قال انا احيى و اميت

حضرت ابراهیم (ع) از «احیاء» و «اماته» معنی حقیقتش را اراده کرده بود، در حالی که مراد نمود، معنای مجازی آن بود.

2- آثار مغالطه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 13

13 - محرومیت از هدایت الهی، نتیجه حق پوشی و مغالطه کاری خود انسان

و للبسنا عليهم ما يلبسون

تلبیس خداوند (للبسنا)، از نظر رتبه، پس از تلبیس خود آدمی (ما يلبسون) قرار دارد.

ص: 463

3- اعراض از مغالطه گران در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 2,3

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به اجتناب از بحث و جدال و درگیر شدن با مغالطه گران و شبهه افکنان در آیات قرآن و دیگر آیات الهی

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

3 - پرهیز از بحث و مجادله با یاوه گویان و مغالطه گران در مورد دین و آیات الهی، وظیفه مؤمنان است.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 5

5 - فلسفه تحریم همنشینی با یاوه گویان مغالطه گر در آیات الهی، بازداشتن آنها از این عمل ناپسند است.

فلا تقعد بعد الذکری . . . و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یت

4- اعراض از مغالطه گران در اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 3

3 - بر کسانی که در همنشینی با مغالطه گران درباره قرآن و اسلام از بحث پرهیز نموده و سعی در بازداشتن دیگران کنند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری

در این برداشت، «یتقون» به معنای لغوی آن و متعلق آن «خوض» گرفته شده است. علاوه بر این که «ذکری» نیز مفعول مطلق برای فعل محذوف «یذکرونهم» فرض شده است؛ یعنی: «یتقون الخوض و لکن یذکرونهم ذکری».

5- اعراض از مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 3,8

3 - پرهیز از بحث و مجادله با یاوه گویان و مغالطه گران در مورد دین و آیات الهی، وظیفه مؤمنان است.

و إذا رأيت الذين يخوضون في آيتنا فأعرض عنهم

8 - گفتگو و مجالست با مشرکان و مخالفان، در صورتی که به یاوه گویی و مغالطه گری در دین نپردازند، ممنوع نیست.

فأعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث غيره

ظاهراً «حتی» غایت برای حکم «اعراض» است؛ یعنی تا زمانی از مشرکان اعراض کن که در آیات الهی خوض می کنند.

ص: 464

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 29

29 - لجاجت پیشگان مغالطه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون

6- اعراض از مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 19، 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به اجتناب از بحث و جدال و درگیر شدن با مغالطه گران و شبهه افکنان در آیات قرآن و دیگر آیات الهی

و إذا رأيت الذين يخوضون فيء آيتنا فأعرض عنهم

19 - عن أبي جعفر (ع) في قول الله: «وإذا رأيت الذين يخوضون في آياتنا» قال: الكلام في الله و الجدل في القرآن «فأعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث غيره»

امام باقر (ع) فرمود: مراد از «یخوضون فی آیاتنا»، سخن گفتن در مورد ذات خداوند و مجادله کردن درباره قرآن است. «پس از آنان رویگردان شو تا به سخن دیگری پردازند»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 4

4 - بر مؤمنانی که از همنشینی با مغالطه گران و یاوه گویان در مورد قرآن و اسلام پرهیز کنند، گناهی نیست، هر چند مغالطه و استهزای آنان ادامه یابد.

و ما على الذين يتقون من حسابهم من شيء

ممکن است این آیه در صدد پاسخ به سؤال برخی مؤمنان باشد. بدین گونه که آنان فکر کنند که اگر ما مجالس کافران را تحریم کنیم، آنان زمینه مساعد بیشتری برای مغالطه و استهزا دارند. این آیه می فرماید شما پرهیز کنید، گناه کار آنان به شما تسری نمی کند.

7- برخورد با مغالطه گران در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - لزوم سوق دادن یاوه گویان و مغالطه گران درباره قرآن و آیات الهی به بحثهای دیگر

الذین یخوضون .. فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

16 - دستور بی اعتنایی به مغالطه گران درباره آیات، در معرض فراموشی از سوی مسلمانان صدر اسلام

و إما ینسینک الشیطن فلا تقعد بعد الذکری

ص: 465

8- برخورد با مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 4,5

4- روش برخورد با مغالطه گران و مجادله کنندگان یاوه گوی در مورد دین که در پی کشف حقیقت نیستند، بی اعتنایی است.

الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

5- ترک سخن و مجادله با مغالطه گران یاوه گو درباره قرآن، روشی در بازداشتن آنان از این عمل ناپسند و مرتبه ای در نهی آنان از این منکر است.

یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

9- برخورد با مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 6

6 - لزوم سوق دادن یاوه گویان و مغالطه گران درباره قرآن و آیات الهی به بحثهای دیگر

الذین یخوضون... فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

10- بی اعتنایی به مغالطه گران در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 16

16 - دستور بی اعتنایی به مغالطه گران درباره آیات، در معرض فراموشی از سوی مسلمانان صدر اسلام

وإما ینسینک الشیطن فلا تقعد بعد الذکری

11- بی اعتنایی به مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 4,5

4- روش برخورد با مغالطه گران و مجادله کنندگان یاوه گوی در مورد دین که در پی کشف حقیقت نیستند، بی اعتنایی است.

الذین یخوضون فی ایتنا فأعرض عنهم

5- ترک سخن و مجادله با مغالطه گران یاوه گو درباره قرآن، روشی در بازداشتن آنان از این عمل ناپسند و مرتبه ای در نهی آنان

ص: 466

از این منکر است.

يخوضون في آيتنا فأعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث غيره

12- ظلم مغالطه در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 17

17 - مغالطه گران و یاوه گویان و جدل کنندگان در مورد قرآن و آیات الهی ستمکارند.

الذين يخوضون في آيتنا .. مع القوم الظلمين

13- ظلم مغالطه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 17

17 - مغالطه گران و یاوه گویان و جدل کنندگان در مورد قرآن و آیات الهی ستمکارند.

الذين يخوضون في آيتنا .. مع القوم الظلمين

14- گمراهی مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 29

29 - لجاجت پیشگان مغالطه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون

15- گناه مغالطه گران در اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 2

2 - بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلا تقعد بعد الذكري مع القوم الظلمين. و ما على الذين يتقون من حسابهم من شيء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله «من حسابهم»، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

ص: 467

16- گناه مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 2

2 - بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظلمین. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله «من حسابهم»، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

17- لجاجت مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 29

29 - لجاجت پیشگان مغالطه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

18- مغالطه در نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 12

12 - خداوند حق پوشان و مغالطه کاران در رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در گمراهی رها می کند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

19- مغالطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 10، 11

10 - بقای مغالطه کاری و بهانه جویهای کافران، حتی در صورت انتخاب پیامبر از میان فرشتگان

و لو جعلنه ملكا لجعلنه رجلا و للبسنا عليهم

11 - كافران به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا عليهم ما يلبسون

ص: 468

«یلبسون»، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

20- مغالطه گران در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 1

1 - برخی مشرکان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یأوه گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: «الخوض التخلیط فی المفاوضه علی سبیل اللعب و العبث و ترک التفهم و التبین». یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

21- مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 0

22- مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 5

5 - مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا . . . یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از «الذین . . .»، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

23- مغالطه مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 7

7 - فهم نادرست و بیان مغالطه آمیز مشرکان، از نظریه قرآن درباره عیسی بن مریم (ع)

ما ضربوه لك إلا جدلاً

بیان قرآن درباره تولد، زندگی و مرگ عیسی (ع)، شائبه الوهیت ندارد تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

ص: 469

24- مغالطه نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 13، 22

13 - ادّعی مغالطه آمیز نمرود، بر اینکه مرگ و زندگی به دست اوست .

قال انا اُحیی و امیت

از اینکه ابراهیم (ع) در برابر پاسخ نمرود (انا اُحیی . . .)، استدلالی دیگر مطرح کرد (فان اللّٰه ...)، معلوم می شود احیاء و اماته ای را که نمرود مدعی بود؛ با مغالطه به اطرافیان خویش که درکی از واقعیت حیات و مرگ نداشتند، باوراند. (چنانچه در روایات آمده است که دستور به کشتن فردی و آزادی محکوم به مرگی را داد.)

22 - کفر و عناد نمرود و مغالطه وی با ابراهیم (ع)

ربّی الّذی یحیی و یمیت قال انا اُحیی و امیت

حضرت ابراهیم (ع) از «احیاء» و «اماته» معنی حقیقتش را اراده کرده بود، در حالی که مراد نمرود، معنای مجازی آن بود.

25- همنشینی با مغالطه گران در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 15

15 - همنشینی و مجالست با مغالطه گران و یاوه گوینان و جدل کنندگان در مورد قرآن و آیات الهی حرام است.

الذین یخوضون فی ءایتنا . . . فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 5

5 - فلسفه تحریم همنشینی با یاوه گوینان مغالطه گر در آیات الهی، بازداشتن آنها از این عمل ناپسند است.

فلا تقعد بعد الذکری . . . و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یت

26- همنشینی با مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شیطان در صدد است حکم حرمت حضور در مجلس یاوه گویان مغالطه گر درباره دین فراموش شود.

وإما ینسینک الشیطن

نون «ینسینک» زایده در «اما»، که برای تأکید می باشد، بیانگر این است که شیطان در صدد به فراموشی کشاندن انسان در این

ص: 470

گونه موارد است.

27- همنشینی با مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 68 - 15

15 - همنشینی و مجالست با مغالطه گران و یاوه گویان و جدل کنندگان در مورد قرآن و آیات الهی حرام است.

الذین یخوضون فیء ایتنا .. فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 69 - 4، 3، 1

1 - بر کسانی که از همنشینی با بیهوده گویان درباره قرآن و اسلام پرهیز می کنند، ولی بناچار سخنان آنها را می شنوند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

در این برداشت، «یتقون» به معنای لغوی آن گرفته شده است.

3 - بر کسانی که در همنشینی با مغالطه گران درباره قرآن و اسلام از بحث پرهیز نموده و سعی در بازداشتن دیگران کنند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری

در این برداشت، «یتقون» به معنای لغوی آن و متعلق آن «خوض» گرفته شده است. علاوه بر این که «ذکری» نیز مفعول مطلق برای فعل

محذوف «یذکرونهم» فرض شده است؛ یعنی: «یتقون الخوض و لکن یذکرونهم ذکری».

4 - بر مؤمنانی که از همنشینی با مغالطه گران و یاوه گویان در مورد قرآن و اسلام پرهیز کنند، گناهی نیست، هر چند مغالطه و استهزای

آنان ادامه یابد.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ممکن است این آیه در صدد پاسخ به سؤال برخی مؤمنان باشد. بدین گونه که آنان فکر کنند که اگر ما مجالس کافران را تحریم کنیم، آنان

زمینه مساعد بیشتری برای مغالطه و استهزا دارند. این آیه می فرماید شما پرهیز کنید، گناه کار آنان به شما تسری نمی کند.

6 - همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام نپردازند، حرام نیست.*

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل «یتقون» کافران، و مرجع ضمیر «حسابهم» خوض کنندگان فرض شده است؛ یعنی حساب کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

ص: 471

1- اختیار مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 88 - 10

10- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخوردار بودند .

أما من ظلم .. و أما من ءامن و عمل صلحاً

2- ایمان ظالمان مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 87 - 4

4- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أما من ظلم فسوف نعذبہ

حرف «سوف» برای آینده است و فعل های شرط («آمن» و «عمل») در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

3- ایمان مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 88 - 10

10- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخوردار بودند .

أما من ظلم .. و أما من ءامن و عمل صلحاً

4- تسبیح خدا قبل از مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 39 - 5

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور تسبیح و ستایش پروردگار، قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب

5- تشریح نماز مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 49 - 4

4- دستور نماز مغرب، عشا و صبح، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) *

و من الّیل فسبّحه و ادبر النجوم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که «من الّیل»، نظر به نماز مغرب و عشا و «ادبار النجوم» نظر به نماز صبح داشته باشد، چه این که «حین تقوم» در آیه شریفه قبل می تواند نظر به نماز نیمروز داشته باشد. بر این اساس نمازهای پنجگانه در این دو آیه، مورد اشاره قرار گرفته است.

6- تشکل مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 86 - 6

6- ذوالقرنین، در آخرین نقطه خشکی، در غرب سرزمین خویش، با مردمی دارای تشکل و قومیت مواجه شد.

وجدها تغرب فی عین حمئه و وجد عندها قومًا

7- تعدد مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 1

1 - خداوند، تدبیرگر و طراح دو مشرق و دو مغرب برای خورشید

همان طور که مفسران گفته اند، مراد از «مشرقین» مشرق خورشید در آغاز تابستان و آغاز زمستان است زیرا؛ نقطه طلوع

خورشید هر چند در هر روز تفاوت پیدا می کند؛ اما این تفاوت به صورت تدریجی میان دو نقطه اصلی است که یک نقطه آن در آغاز تابستان قرار دارد و نقطه دیگر آن در آغاز زمستان می باشد و مغرب بر منوال مشرق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 5,9

5 - خورشید ، دارای مشرق ها و مغرب ها

ربّ المشرق و المغرب

بسیار از مفسران، برآندند که مقصود از «مشارق» و «مغارب»، مشرق ها و مغرب های متعدد خورشید است که در هر روز از سال، از نقطه ای غیر از نقطه روز قبل و بعد، طلوع و غروب می کند.

9 - « عن الأصْبَغِ بنِ نُباته قال : خطبنا أمير المؤمنين (ع) . . . فقام إليه ابن الكوّاء فقال : يا أمير المؤمنين . . . يقول : « رب المشارق و المغارب » . . . قال (ع) . . . أمّا قوله « ربّ المشارق و المغارب » فإنّ لها ثلاث مائه و ستّين بُرجاً تطلّع كلّ يوم من برج و تغيب في آخر فلا تعود إليه إلّا من قابل في ذلك اليوم . . . »

اصبغ بن نباته می گوید: علی(ع) برای ما خطبه می خواند . . . ابن کوّاء برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! . . . [خداوند] می فرماید: (ربّ المشارق و المغرب). . . حضرت فرمود: . . . اما سخن خداوند (ربّ المشارق و المغرب) [جمع بودن «مشارق» و «مغارب»] به این دلیل است که برای [خورشید] 360 برج است، که هر روز از برجی طلوع نموده و در برجی دیگر غایب می شود و تا سال آینده مثل همین روز، دیگر به آن برج بر نمی گردد. . .».

8- تمدن در مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 12

12- وجود تمدن در غرب سرزمین ذی القرنین

وجد عندها قومًا . . . إمّا أن تعذب

ظلم و ایمان و عمل صالح و مجازات - که آیات بعد در باره ساحل نشینان یاد کرده است - از مشخصات جوامع متمدن است.

9- تمدن مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- در عصر ذوالقرنین ، مردم ساکن غرب سرزمین او ، متمدن تر و پیشرفته تر از مردم ساکن در شرق سرزمین وی بودند .

بلغ مغرب الشمس . . . وجد عندها قومًا . . . تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها ستراً

ص: 474

10- حکومت در مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 89 - 1

1- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثم أتبع سببًا . حتّٰی إذا بلغ مطلع الشمس

11- ذکر خدا در مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 39 - 9

9- قبل از طلوع و غروب خورشید ، لحظه هایی مناسب برای یاد خدا *

وسبّح بحمد ربّك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب

12- ذوالقرنین در مغرب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 4, 2, 1

1- ذوالقرنین ، با به کارگیری برخی از ابزارها و نیروهایش ، به سمت غرب سرزمین خویش پیش رفت .

فأتبع سببًا . حتّٰی إذا بلغ مغرب الشمس

2- ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حتّٰی إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئه

«حمئه» یعنی دارای «حمأه» به «گل سیاه بدبو» گفته می شود. (کتاب العین)

4- پیشروی ذوالقرنین ، با رسیدن به ساحل دریایی گسترده ، متوقف شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه

بدان احتمال که نمای غروب خورشید در آب، نشانه گستردگی پهنه دریا باشد؛ یعنی، در چشم انداز آن، چیزی مشاهده نمی شد، لذا

تصوّر آن بود که خورشید در چشمه جوشانی در دریا فرو می رود و خشکی دیگری در ورای آن نیست.

6- ذوالقرنین ، در آخرین نقطه خشکی ، در غرب سرزمین خویش ، با مردمی دارای تشکّل و قومیت مواجه شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه و وجد عندها قومًا

13- زبان مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 475

3- مردم اقصای مشرق و مغرب زمین ، در لغت با ذوالقرنین ، قرابت داشتند .

لایکادون یفقهون قولاً

در بین سه گروهی که ذوالقرنین با آنان برخورد کرد، تنها، در باره گروه شمالی تعبیر «لایکادون..» صورت گرفته است، ولی در باره آن دو قوم دیگر، چنین مشکلی مطرح نشده است.

14- سوگند به مغرب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 1

1 - سوگند مؤکد خداوند به محل افول و غروب ستارگان

فلاً أقسم بموقع النجوم

«موقع» (مفرد «مواقع») می تواند اسم مکان و به دو معنا آمده است: محل استقرار و محل سقوط، برداشت بالا بر پایه معنای دوم است.

15- طلوع خورشید از مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 158 - 12

12 - عن أبی جعفر و أبی عبداللّه - علیهما السلام - فی قوله: «یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفساً إیمانها» قال: طلوع الشمس من المغرب و خروج الدابه و الدجال . . .

از امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - روایت شده است: مراد از «بعض آیات ربک» در آیه، طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه و دجال است . . .

16- ظلم مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 7

7- ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا يذا القرنين إِمَّا أَنْ تَعَذَّبَ

تعبير «تعذب» نشانگر آن است که آنان مستحق کیفر بوده اند و دلیل آن - به قرینه آیات بعد - ستم‌گری و کفر آنان بوده است.

ص: 476

17- عجز مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 9

9- ساحل نشینان مناطق غربی سرزمین ذی القرنین ، از رویارویی با نیرو های او ناتوان بودند و در برابر تصمیمات او ، قدرت مقاومت نداشتند .

وجد عندها قومًا قلنا ید ذا القرنین إنا أن تعذب

18- عظمت مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 2

2- مشرق ها و مغرب ها ، پدیده هایی بس با عظمت در جهان طبیعت و دارای نقش حیاتی در زندگی بشر

فلا أقسم برَبّ المشرق و المغرب

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که سوگند به هر چیزی، نشانه عظمت آن چیز است.

19- عفو مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 8

8- ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قلنا ید ذا القرنین إنا أن تعذب و اما ان تتخذ فیهم حسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 87 - 1

1- ذوالقرنین ، از کیفر ساحل نشینان غرب ، چشم پوشی کرد و تنها کسانی را که بر ستم کاری خود باقی بمانند ، به مجازات تهدید کرد .

قال أَمَا من ظلم فسوف نعذبه

20- عمل صالح مردم مغرب سرزمين ذوالقرنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 477

10- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخوردار بودند .

أما من ظلم . . . و أما من ءامن و عمل صلحاً

21- کفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 7

7- ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا یدذا القرنین إِمَّا أَنْ تَعَدَّبَ

تعبیر «تعذب» نشانگر آن است که آنان مستحق کیفر بوده اند و دلیل آن - به قرینه آیات بعد - ستم گری و کفر آنان بوده است.

22- کیفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 8

8- ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قلنا یدذا القرنین إِمَّا أَنْ تَعَدَّبَ و اما ان تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

23- مالک مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 115 - 1

1 - مشرق و مغرب و نیز سایر جهت ها ، تنها از آن خداوند است .

و لله المشرق و المغرب

مقصود از مشرق و مغرب می تواند جهت شرق و غرب باشد و نیز مراد از آن می تواند مکان شرق و غرب گرفته شود. تفریع «فاینما تولوا» بر «لله المشرق و المغرب» گویای این است که: مراد از مشرق و مغرب - بنابر تفسیر نخست - همه جهات و - بنابر تفسیر دوم - همه مکانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 9

9 - مشرق و مغرب (همه جهت ها و مکان ها) از آن خداوند است .

ص: 478

24- مربی مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 1

1 - سوگند اُکید خداوند ، به ربوبیت خویش نسبت به مشرق ها (خاور ها) و مغرب ها (باختر ها)

فلا أقسم بربّ المشرق و المغرب

درباره «لا» در «لا أقسم» و امثال آن، مفسران توجیحات چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که «لا» زاید و برای تأکید «أقسم» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 41 - 5

5 - ربوبیت خداوند نسبت به مشرق و مغرب عالم ، دلیل توانایی او بر احیای مجدد انسان ها است .

ربّ المشرق و المغرب إنا لقدرون . علی أن نبذل خیراً منهم و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 9 - 4، 2، 1

1 - خداوند ، پروردگار مشرق و مغرب عالم است .

ربّ المشرق و المغرب

2 - ربوبیت خداوند ، نسبت به مشرق و مغرب عالم ، مقتضی توجه کامل خلق به او و یاد دائمی او در زندگی است .

و اذکر اسم ربّک . . ربّ المشرق و المغرب

توصیف خداوند به «ربّ المشرق . .» پس از توصیه به یاد دائمی او و توجه کامل به او در زندگی - می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

4 - ربوبیت خداوند ، نسبت به مشرق و مغرب عالم ، دلیل یکتایی و بی بدیلی او

ربّ المشرق و المغرب لا إله إلاّ هو

25- مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 87 - 3

3- ذوالقرنین ، بر قوم ساحل دریا ، سلطه كامل یافته بود .

قال أمّا من ظلم فسوف نعدّبه

ص: 479

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 88 - 10

10- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از زمینه مساعدی برخوردار بودند .

أما من ظلم .. و أما من ءامن و عمل صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 91 - 4

4- شیوه ذوالقرنین در برخورد با مردم شرق و غرب ، یک سان بوده است . *

وجدها تطلع علی قوم .. کذلک

«کذلک» می تواند صفت برای «قوم» در آیه قبل باشد و اشاره به «قوماً» در آیات قبل؛ یعنی، ذوالقرنین، همانگونه که قوم ساکن مغرب را یافت و در باره آنان تصمیم گرفت، در باره شرقی ها نیز همان سان رفتار کرد.

26- مسافرت ذوالقرنین به مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 85 - 1,3

1- ذوالقرنین ، از برخی از امکانات وسیع الهی خویش ، برای حرکت به سمت غرب ، بهره گرفت .

فأتبع سبباً . حتّی إذا بلغ مغرب الشمس

3- «سأل رجل علیاً (ع) : أرأیت ذالقرنین کیف استطاع أن یبلغ المشرق و المغرب؟ قال : سخر الله له السحاب و مدّ له فی الأسباب و بسط له النور فكان اللیل والنهار علیه سواء ;

مردی به علی (ع) گفت: مرا خبر ده که ذوالقرنین، چگونه توانست به شرق و غرب عالم برسد؟ حضرت فرمود: خداوند، ابر را مسح او قرار داد و ابزار و وسائل او را افزایش داد و نور را برای او گستراند، به گونه ای که شب و روز برای او یک سان بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 2,3

2- ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حتّی إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئه

«حمئه» یعنی دارای «حمأه» به «گل سیاه بدبو» گفته می شود. (کتاب العین)

3- غروب خورشید در نقطه پایانی سفر ذوالقرنین به جانب مغرب، چونان فرورفتن آن در چشمه ای تیره فام بود.

وجدها تغرب فی عین حمئه

از جمله معانی «عین» چشمه است و به قرینه «وجدها» (آن را چنان یافت که) مراد آیه آن نیست که خورشید، در چشمه ای دارای گل سیاه فرو می رفت، بلکه منظره غروب خورشید را ذوالقرنین آنگونه مشاهده کرد.

ص: 480

27- مغرب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 4

4 - خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن «المشرقین» و «المغربین»، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

28- مغرب در تابستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 5

5 - « عن الأصبغ بن نباته ، قال : خطبنا أمير المؤمنين . . . و أمّا قوله : « ربّ المشرقین و ربّ المغربین » فإنّ مشرق الشتاء علی حدّه و مشرق الصيف علی حدّه ;

اصبغ بن نباته می گوید: امیرالمؤمنین(ع) در خطبه ای فرمود: . . . اما قول خدا «ربّ المشرقین و ربّ المغربین» (و در کلام خود دو مشرق و دو مغرب آورده) برای این است که مشرق زمستان، در محدوده خود و مشرق تابستان در محدوده [دیگر] است».

29- مغرب در زمستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 5

5 - « عن الأصبغ بن نباته ، قال : خطبنا أمير المؤمنين . . . و أمّا قوله : « ربّ المشرقین و ربّ المغربین » فإنّ مشرق الشتاء علی حدّه و مشرق الصيف علی حدّه ;

اصبغ بن نباته می گوید: امیرالمؤمنین(ع) در خطبه ای فرمود: . . . اما قول خدا «ربّ المشرقین و ربّ المغربین» (و در کلام خود دو مشرق و دو مغرب آورده) برای این است که مشرق زمستان، در محدوده خود و مشرق تابستان در محدوده [دیگر] است».

30- مغرب صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بخش غربی وادی طور ، محل نزول تورات بر موسی (ع)

ص: 481

و ما كنت بجانب الغربي إذ قضينا إلى موسى الأمر

مراد از «أمر مقضى» تورات است که خداوند در کوه طور به موسی (ع) عطا فرمود.

31- مغرب ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 4

4 - خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن «المشرقین» و «المغربین»، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

32- ملاقات ذوالقرنین با مردم مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 6

6- ذوالقرنین ، در آخرین نقطه خشکی ، در غرب سرزمین خویش ، با مردمی دارای تشکّل و قومیت مواجه شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه و وجد عندها قومًا

33- نافلة مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 40 - 7,8

7 - « عن زرارہ عن أبي جعفر (ع) قال : قلت له : . . . « وأدبار السجود » قال : ركعتان بعد المغرب ;

زراره گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم: . . . مراد از تسبیح در «و أدبار السجود» چیست؟ فرمود: مراد دو رکعت نماز بعد از [نماز] مغرب است.»

8 - « عن ابن أبي نصر قال : سألت الرضا (ع) عن قول الله « و من الليل فسبحه وأدبار السجود » قال : أربع ركعات بعد المغرب ;

ابن ابی نصر گوید: از امام رضا (ع) درباره سخن خداوند «و من الليل فسبحه و أدبار السجود» پرسیدم; حضرت فرمود: مراد چهار

رکعت [نماز] بعد از نماز مغرب است».

ص: 482

34- نقش مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 2

2 - مشرق ها و مغرب ها ، پدیده هایی بس با عظمت در جهان طبیعت و دارای نقش حیاتی در زندگی بشر

فلا أقسم بربّ المشرق و المغرب

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که سوگند به هر چیزی، نشانه عظمت آن چیز است.

35- نقش مغرب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 2

2 - نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید ، در پیدایش فصول و تأمین نیاز های بشر *

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

با توجه به این که پیدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد «مشرقین و مغربین»، اشاره به پیامدهای مهم آن (پیدایش فصول) داشته باشد که بشر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

36- وقت نماز مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 114 - 14، 2

2- دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوة طرفی النهار و زلفاً من الیل

«طرف» به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. «زُلف» (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

14- «عن أبی جعفر (ع) [فی حدیث] : وقال تبارک و تعالی : . . . « أقم الصلاه طرفی النهار » و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . »
و زلفاً من اللیل « فهی صلاه العشاء الآخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: . . . خداوند تبارک و تعالی فرمود: «أقم الصلاة طرفي النهار» دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] «زلفاً من الليل» آن نماز عشاء است...».

ص: 483

1- مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 7 - 5، 4، 1

1 - تقسیم انسان ها به ثابت قدمان بر هدایت و مغضوبین درگاه خدا و گمراهان ، از طبقه بندی های مردم در قرآن

صرط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لالضالین

مراد از «نعمت» در «انعمت علیهم» به قرینه فراهای قبل و بعد، نعمت هدایت است، نه نعمتهای مادی. علاوه بر اینکه همه موجودات، حتی کافران، از این نعمتها برخوردار هستند.

4- گروهی از هدایت یافتگان ، بر طریق هدایت ثابت قدم نماندند و در زمره غضب شدگان و یا گمراهان قرار گرفتند .

صرط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لالضالین

برداشت فوق بر این اساس است که «غیر المغضوب» صفت احترازی برای «الذین انعمت» باشد. بر این مبنا نعمت داده شدگان یعنی، هدایت یافتگان سه گروه می شوند: 1- راه یافتگانی که دست از هدایت شسته و از «مغضوبین» می شوند. 2- هدایت یافتگانی که در بین راه گمراه شده و از «ضالین» می گردند. 3- هدایت پیشگانی که تا آخر بر صراط مستقیم پایدار می مانند.

5- هدایت یافتگان نیز در خطر قرار گرفتن در زمره غضب شدگان و یا گمراهان هستند .

صرط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لالضالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 30، 24

24 - بنی اسرائیل ، به غضب و خشم خداوند گرفتار شدند .

و باءو بغضب من الله

«باءو» به معنای بازگشتند، است. «باء» در «بغضب» برای ملامت و مصاحبت می باشد؛ یعنی، بازگشتند در حالی که غضب و خشم خدا را به دوش می کشیدند.

30 - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلك بأنهم كانوا يكفرون بأيت الله ويقتلون النبيين

ص: 484

13 - رهایی یافتن یهود از خواری و درماندگی و برطرف شدن غضب الهی از آنان ، در گرو ایمان واقعی ایشان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح است .

ضربت عليهم الذلة والمسكنه .. من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صلحاً فلهم أج

در آیه قبل بیان شد که یهود بر اثر کفر و گناه به خواری، ذلت و غضب گرفتار شدند. آیه مورد بحث خصوصاً با توجه به اینکه از یهودیان نام برده (والذین هادوا) می تواند اشاره به این باشد که: راه نجات یهود از آن سرنوشت شوم ایمان و عمل صالح است.

15 - یهودیان ، مردمی گرفتار شده به غضب و خشم خداوند

فباء و بغضب علی غضب

16 - یهودیان ، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن ، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند .

أن يكفروا بما أنزل الله بغياً أن ينزل الله .. فباء و بغضب علی غضب

«باءوا» به معنای «بازگشتند» است. حرف «باء» در «بغضب» بای مصاحبت یا ملابست می باشد؛ یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

17 - یهودیان به خاطر کفرشان به تورات ، مورد غضب و خشم خدا قرار گرفتند .

أن يكفروا بما أنزل الله .. فباء و بغضب علی غضب

تفریع جمله «باءوا ..» بر جمله های سابق، بیانگر آن است که: منشأ خشم خدا بر یهود، کافر شدن به قرآن و تورات از یکسو و حسدورزی و اعتراض آنان به خداوند از سوی دیگر است و لذا می توان گفت: «غضب» اول به خاطر کفر آنان و «غضب» دوم به خاطر حسادت و اعتراضشان می باشد.

18 - آنان که علی رغم اطمینان به حقانیت قرآن بدان کافر شوند ، به خشم و غضب خدا گرفتار خواهند شد .

أن يكفروا بما أنزل الله .. فباء و بغضب

9- یهود، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم... و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که «بما نقضهم...» به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند «لعناهم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) - علی رغم اعتراف به پیامبری وی - مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

وقولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

بدان احتمال که «قولهم» عطف بر «نقضهم» در آیه 155 باشد.

5 - گروهی از اهل کتاب ، گرفتار لعنت و غضب خداوند

من لعنه الله و غضب عليه

9 - گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتار های زشت آنان

هل انبئکم بشر من ذلک مثوبه عند الله من لعنه .. و عبد الطغوت

کلمه «مثوبه» (سزا و جزا) می رساند که غضب و .. به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می کرده است.

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

16 - گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب عليه و جعل منهم .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین

جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

19 - گرفتار شدن آدمی به لعنت پیامبران ، نشاندهنده خشم و غضب الهی بر وی

لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داود . . . ان سخط الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 13

13 - در امان نبودن مشرکان از خشم خداوند و امنیت داشتن موحدان از آن حقیقتی متکی بر علم و آگاهی است.

فأى الفريقين أحق بالأمن إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 71 - 6,7,1

ص: 486

1 - خداوند ، قوم عاد را به سبب شرک‌ورزی و انکار رسالت هود به پلیدی گرفتار ساخت و بر آنان غضب کرد .

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

6 - پلیدی و نکبت قوم عاد ، موجب غضب الهی بر آنان شد .

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

تقدیم ذکری «رجس» بر «غضب» می تواند حاکی از تقدم رتبی آن باشد.

7 - آلودگی قوم عاد به پلیدی و گرفتاری ایشان به خشم خدا ، مانع آنان از تصدیق رسالت هود و گرایش به توحید و یکتاپرستی

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

برداشت ف--وق بر اساس این احتمال است که جمله «قد وقع . . .» به منزله دلیلی باشد بر کفرورزی قوم عاد، نه نتیجه ای برای انکار توحید و رسالت. یعنی هود با این جمله اشاره به ریشه عنادورزی آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 16 - 2

2 - روی گردانان از جبهه نبرد - جز برای اتخاذ تاکتیک های جدید - مورد غضب الهی و مستحق جهنم

و من یولهم . . . فقد باء بغضب من الله و مأویة جهنم و بس المصیر

کلمه «بوء» چنانچه با حرف «باء» متعدی شود می تواند به معنای متحمل شدن باشد. بنابراین «باء بغضب من الله» یعنی خشم خداوند را بر خود هموار ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 27 - 6

6 - مردمان زشت کردار در سرای آخرت ، گرفتار خشم و عذاب الهی خواهند بود .

و الذین کسبوا السيئات . . . ما لهم من الله من عاصم

مراد از جمله «ما لهم من الله من عاصم»، «ما لهم من عذاب الله من عاصم» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- ابلیس ، مغضوب خداوند و محروم از توفیق و فیض او

وإن علیک اللعنه إلی یوم الدین

«لعن» در لغت به معنای طرد شخص از روی غضب است و لعن خداوند؛ یعنی، عقوبت اخروی و قطع توفیق و فیض دنیوی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- غضب شدید خداوند از مشرکان ناسپاس رهیده از مشکلات و ناگواریها

ثم إذا كشف الضّر عنکم إذا ... بریهم یشرکون ... فتمتّعوا فسوف تعلمون

التفات از غیبت به خطاب، احتمال دارد برای بیان شدت غضب و سخط خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 106 - 13

13 - مرتدان ، مورد غضب و خشم خداوندند .

من كفر بالله من بعد ايمنه .. فعليهم غضب من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 86 - 15، 9

9 - پیروی بنی اسرائیل از سامری و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه ساز گرفتاری آنان به غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامريّ .. أم أردتم أن يحلّ عليكم غضب من ربّكم

«أم» در این آیه منقطعه است و مفاد عبارت «أم أردتم» این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبود؛ بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله «أردتم...» استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

15 - خشم الهی بر مرتدان و بازگشت کنندگان به شرک و بت پرستی ، مقتضای ربوبیت او است .

أضلّهم السامريّ .. أم أردتم أن يحلّ عليكم غضب من ربّكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 45 - 2

2 - ظلم و بی دادگری جوامع پیشین ، سبب گرفتار شدن آنان به خشم خداوند و هلاکت و نابودیشان با عذاب او

وإن يكذبوك فقد كذبت قبلهم .. فكأئن من قرية أهلكنها وهي ظالمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 13، 12

12 - گرفتار شدن به خشم و قهر الهی ، فرجام کار ستم پیشگان

فقل الحمد لله الذي نَجَّنا من القوم الظالمين

13 - شدت خشم الهی ، نسبت به قوم ستم پیشه نوح

و لاتخطبني في الذين ظلموا... فإذا استويت... فقل الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - نور - 24 - 9 - 3

3 - زن زناکاری که با سوگند دروغین ، سوگند شوهرش بر این عمل زشت را رد و تکذیب کند ، مستحق غضب خدا است .

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - نور - 24 - 25 - 6

ص: 488

6 - سازندگان و طراحان « افک » ، مورد خشم شدید خدا و گرفتار کیفر سخت او در جهان آخرت

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه 23 تا 25 نیز از جمله آیات مربوط به قضیه «افک» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 78 - 7

7 - تعلق اراده الهی بر نابودسازی جوامع قدرت طلب و زراندوز پیش از قارون ، با خشم و قهر خود

أولم يعلم أن الله قد أهلك من قبله من القرون... ولا یستل عن ذنوبهم المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 6

6 - مشرکان ناسپاس ، مورد غضب خداوندند .

ثم إذا أذاقهم منه رحمه... برّهم یشركون... فتمتعوا فسوف تعلمون

التفات از غیبت به خطاب احتمال دارد به جهت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 3 - 8

8 - کافران ، مردمانی ناخوشایند خداوند

قال الذین کفروا... قل

از این که خداوند، خود به جواب مستقیم به کافران اقدام نکرده و به پیامبر(صلی الله علیه و آله) دستور داده است تا آن حضرت جواب بگوید، به دست می آید که خداوند خوش ندارد با آنان سخن بگوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 78 - 4

4 - ابلیس ، مغضوب خداوند و محروم از توفیق و رحمت او

وإنّ عليك لعنتى إلى يوم الدين

«لعن»؛ یعنی، طرد شخصی از روی غضب و لعن خداوند به معنای عقوبت اخروی و قطع توفیق و رحمت الهی در دنیا است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 12

12 - مشرکان و مجادله گران حق ستیز گرفتار غضب و عذاب سخت الهی

و الذین یحاجّون فی اللّٰه... علیهم غضب و لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 489

1 - تکذیب کنندگان و مخالفان پیامبران ، گرفتار خشم و انتقام الهی در گذشته تاریخ

قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون . فاتتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 11

11 - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب الله عليهم و لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 9

9 - تقض کنندگان پیمان دین ، در معرض قهر الهی و محروم از حمایت او

يد الله فوق أيديهم فمن نكث فإنما ينكث على نفسه

«فاء» در «فمن..» می رساند که لازمه «یدالله فوق...»، این است که پیمان شکنان به خود زیان می زنند؛ زیرا با پیمان شکنی از سایه حمایت خدا بیرون شده، در معرض انتقام و قدرت قاهر او قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 14 - 4

4 - یهود ، ملتی مغضوب و مورد خشم خداوند

قومًا غضب الله عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 4 - 8

8 - کسانی که شعار جهاد سر می دهند ولی در عرصه پیکار یا شرکت نمی کنند و یا در صورت شرکت کردن از خود سستی نشان می دهند و استقامت نمی کنند ، مورد خشم شدید خداوند هستند .

لِمَ تَقُولُونَ... كِبْرًا مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ... كَأَنَّهُمْ بَنِينَ مَوْصُوعِينَ

آیات پیشین - که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود - تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است؛ چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 1

1 - کافران، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند.

قتل الإنسان ما أكفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. «ال» در «الإنسان» - به قرینه «فلینظر الإنسان...» در آیات بعد - برای ماهیت است و جمله «ما

ص: 490

أَكْفَرَهُ» نشان می دهد که در نفرین «قتل الإنسان»، تنها کافران مد نظر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 12 - 2

2 - خداوند ، با سخت گیری و اقتدار ، کافران را گرفتار خواهد ساخت .

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 18 - 3

3 - سرنوشت هلاکت بار فرعونیان و قوم ثمود ، نمونه ای بارز از برخورد تند و قهرآمیز خداوند با کافران است .

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ . . . فرعون و ثمود

2- توبه مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 82 - 5

5 - راه توبه و بازگشت به سوی خداوند ، برای گنه کاران و غضب شدگان باز است .

يَحْلِلْ غَضَبِي . . . وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ

تأکید بر مغفرت گسترده خداوند در پی وعید به طغیان گران، به جهت بیان باز بودن راه توبه و امیدوار ساختن گنه گاران به مغفرت الهی است.

3- دوستی با مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 13 - 3، 1

1 - مؤمنان ، موظف به دوستی نکردن با گروه ها و جوامع مورد غضب الهی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

3 - نهی الهی از رابطه مودّت آمیز مؤمنان با یهودیان معاند و مورد خشم خداوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

مفسران در تفسیر «قوماً غضب الله»، یهود را یاد کرده اند.

ص: 491

4- ذلت مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 6

6 - ابتلای افترازندگان بر خدا، به خشم او و آمیخته شدن زندگانی آنان به ذلت و خواری، از سنت های خداوند در جوامع انسانی است.

و کذلک نجزی المفترین

5- صفات مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 13 - 5

5 - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قومًا غضب الله علیهم قد یسوا من الآخره

شاید منظور از «یأس از آخرت» ایمان نداشتن به قیامت نباشد؛ بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق «مغضوب علیهم» اصل قیامت را قبول داشتند؛ ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

6- فرجام مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 162 - 11

11 - دوزخ، جایگاه و فرجام شوم آنانکه خشم و غضب الهی را بر خویش هموار ساخته اند.

کمن بآء بسخط من الله و مأویه جهنم و بس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 163 - 1,3

1 - جویندگان خشنودی الهی دارای پایه ها و منزلت های متفاوت و گوناگون در پیشگاه خداوند

افمن اتبع رضوان الله .. هم درجات عند الله

در برداشت فوق، ضمیر «هم» تنها به جویندگان رضایت الهی برگردانده شده است؛ به قرینه کلمه «درجات» که غالباً و به طور حقیقت در منزلت‌های رفیع به کار برده می‌شود.

3 - هموارکنندگان غضب الهی بر خویشان، دارای جایگاه‌های شوم متفاوت در پیشگاه خداوند *

کمن بآء بسخط من الله . . . هم درجات عند الله

در برداشت فوق، «هم» به خصوص «کمن بآء بسخط» برگردانده شده است و مؤید این احتمال، نزدیک بودن ضمیر «هم» به مرجعش (کمن بآء) است.

ص: 492

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 18

18 - سقوط و هلاکت ، سرنوشت حتمی افراد و جوامعی است که مورد غضب خداوند قرار گرفته اند .

و من يحلل عليه غضبي فقد هوى

7- کيفر مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 16 - 5

5 - جهنم ، جایگاه مغضوبین درگاه خداوند

فقد باء بغضب من الله و مأويه جهنم

8- گمراهی مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 18

18 - طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله . . . و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

9- هلاکت مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 18

18 - سقوط و هلاکت ، سرنوشت حتمی افراد و جوامعی است که مورد غضب خداوند قرار گرفته اند .

و من يحلل عليه غضبي فقد هوى

1- اصلاح مفاسد کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 3

3- اصلاح مفاسدی که بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است.

إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا فأولئک أتوب علیهم

2- اصلاح مفاسد گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 2

2- توبه از گناهان و اصلاح مفاسد آنها، موجب برقراری مجدد رحمت قطع شده است.

أولئک یلعنهم اللّٰه... إلا الذین تابوا و أصلحوا... فأولئک أتوب علیهم

3- اهمیت دفع مفاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 8

8- نهی ها و نباید های دین، مبتنی بر دفع مفاسد از انسانهاست.

إنه کان فحشه و ساء سییلاً

پرداختن به تبیین علل و مفاسد عمل مورد نهی، می تواند بیانگر این نکته باشد که: نبایدها و نهیهای خداوند تابع مفاسد است.

ص: 494

4- جهل به مفاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 16

16 - عدم آگاهی انسان به تمامی مصالح و مفاسد خویش

فعسى ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً

5- مفاسد خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 18

18 - بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . . . و یصدکم عن ذکر الله و عن الصلوه فهل انتم منتهون

6- مفاسد قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 18

18 - بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . . . و یصدکم عن ذکر الله و عن الصلوه فهل انتم منتهون

7- منشأ مفاسد اجتماعی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 131 - 5

5- ریشه تمام مفاسد اجتماعی و روحی قوم عاد ، در بی تقوایی و دوری آنان از ارزش های الهی بود .

أتبنون بکلّ ریع . . . بطشتم جبّارین . فاتّقوا الله و أطيعون

از این که هود(ع) پس از سرزنش عادیان به خاطر روحیه بیهوده کاری، کاخ نشینی و خشونت با دیگران، آنان را به تقوای الهی فرا خوانده است، نشان می دهد که آن مفسد، همگی ریشه در بی تقوایی آنان دارد.

ص: 495

8- اعراض از مفاسدا اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 5

5- گرایش به ایمان و مصون داشتن خویش از فساد فراگیر جامعه، نمود بارز شکر به درگاه خداوند

ءال لوط نجینهم .. کذلک نجزی من شکر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وجه تمایز خاندان لوط از دیگر اعضای جامعه خویش، در پیروی از لوط و آلوده نساختن خویش به گناه رایج جامعه بود و خداوند بر تمامی مواضع آنان عنوان شکر را اطلاق کرده است.

9- روش برخورد با مفاسدا اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 44 - 10

10 - هماهنگی مبلغان دینی در شیوه برخورد با مفاسد جامعه، کارسازتر و به موفقیت نزدیک تر است .

اذهبا .. فقولاً له قولاً لئیناً لعلّه یتذکر

موسی و هارون(ع)، هر دو به یک شیوه برخورد با فرعون مأمور شدند.

10- مبارزه با مفاسدا اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 30 - 6

6 - شایسته است برای مبارزه با مفاسد اجتماعی و مفسدان، از خداوند استمداد شود .

قال رب انصرنی علی القوم المفسدین

21- مفتريان بر خدا

1- مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 18 - 14

14- « عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) : . . . وأما الكافر فيقرأ ذنوبه على رؤوس الأشهاد ، « هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله على الظالمين » ؛

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روایت شده است که فرمود: . . . اما کافر پس گناهان او در ملاء عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 96 - 5

5- نسبت های ناروای مشرکان ، به خدا و پیامبر (صلى الله عليه وآله)

نحن أعلم بما يصفون

مراد از «ما يصفون» - به قرینه «سيئه» - چیزهای ناروایی است که مشرکان به خدا (از قبیل فرزند و همتا داشتن) و به پیامبر (از قبیل جنون) نسبت می دادند.

2- اعراض از مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 7

7- « روى عن أبي عبد الله (ع) انه قال : هو « اللغو » أن يتقوّل الرجل عليك بالباطل أو يأتیک بما ليس فيک فتعرض عنه لله ، و في روايه آخرى أنه الغناء و الملاهي ؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «لغو» این است که کسی سخن باطلی را به تو ببندد، یا چیزی را که در تو نیست به تو نسبت دهد و تو برای خدا، از او اعراض کنی. و در روایت دیگری آمده است که «لغو» غنا و لهویات است.

3- انذار مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 4 - 3

3- بيم دادن كسانى كه خدا را داراى فرزند مى پندارند ، از رسالت هاى قرآن و پيامبر (صلى الله عليه و آله) است .

و ينذر الذين قالوا اتخذ الله ولداً

4- تهديد مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - يونس - 10 - 60 - 4

4 - خداوند ، مشركان صدر اسلام رابه خاطر افترا بستن و تحريم حلال ها ، به كيفر سخت قيامت تهديد كرد .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. و ما ظن الذين يفترون على الله الكذب يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 21 - 22

22 - تهديد شدن شايعه سازان و افترا زندگان ، به اين كه خداوند بر سخنان پنهانى و راز هاى درونى آنان آگاه است .

إنّ الذين جاءوا بالإفك .. و لولا إذ سمعتموه قلتم ما يكون لنا أن نتكلّم بهذا ..

برداشت ياد شده از ارتباط اين آيه با آيات قبل - كه درباره شايعه و ماجراى «افك» بود - به دست آمده است.

5- روحيه مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - يونس - 10 - 17 - 8

8 - افترا بستن به خدا ، نشانه وجود روحيه جرم پيشگى و بزهكارى در افترا زننده

فمن أظلم ممن افترى على الله كذباً .. إنه لا يفلح المجرمون

6- زيانكارى اخروى مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 22 - 3

ص: 498

3- کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم أنّهم فی الآخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

7- سرزنش مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 13

13- « عن أبي عبدالله (ع) [فی قوله تعالى] : « ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون » . . . قال : لم يعتبهم بما صنع قلوبهم و لكن يعاتبهم بما صنعوا . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا «ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون» فرمود: خداوند آنان را برای آنچه قلبهایشان انجام داده نکوهش نکرده؛ بلکه برای آنچه خود، انجام داده اند نکوهش کرده است . . .».

8- ظلم مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 15 - 11

11- افترا بر خداوند ، گناهی بزرگ است و افترازندگان به او ، ستم کارترین مردمان اند .

فمن أظلم ممن افتري على الله كذبًا

9- عذاب دنیوی مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 5

5- مانعان راه خدا و آنان که به خدا دروغ می بندند ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند .

و من أظلم ممن افتري على الله كذبًا .. أولئك لم يكونوا معجزين فی الأرض

جمله «أولئك لم يكونوا...» کنایه از تهدید به عذاب است و «فی الأرض» می تواند دلیل بر دنیوی بودن آن عذاب باشد.

ص: 499

10- فرجام مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 17 - 11

11 - افترازنندگان بر خدا، مردمانی بدفرجام و نارستگار

افتری علی الله کذباً... إنه لا یفلح المجرمون

11- کری مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 11، 13

11- کفرپیشگان، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند.

و من أظلم ممن افتری... أولئك... ما كانوا یستطیعون السمع و ما كانوا یبصرون

13- «عن أبي عبدالله (ع) [فی قوله تعالی]: «ما كانوا یستطیعون السمع و ما كانوا یبصرون»... قال: لم یعتبهم بما صنع قلوبهم و لكن یعاتبهم بما صنعوا...»

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا «ما كانوا یستطیعون السمع و ما كانوا یبصرون» فرمود: خداوند آنان را برای آنچه قلبهایشان انجام داده نکوهش نکرده؛ بلکه برای آنچه خود، انجام داده اند نکوهش کرده است...».

12- کوری مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 11، 13

11- کفرپیشگان، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند.

و من أظلم ممن افتری... أولئك... ما كانوا یستطیعون السمع و ما كانوا یبصرون

13- «عن أبي عبدالله (ع) [فی قوله تعالی]: «ما كانوا یستطیعون السمع و ما كانوا یبصرون»... قال: لم یعتبهم بما صنع قلوبهم و لكن یعاتبهم بما صنعوا...»

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا «ما كانوا یستطیعون السمع و ما كانوا یبصرون» فرمود: خداوند آنان را برای آنچه

قلبهایشان انجام داده نکوهش نکرده؛ بلکه برای آنچه خود، انجام داده اند نکوهش کرده است . . .».

13- گواهی علیه مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 9, 7

ص: 500

7- در قیامت ، گواهانی متعدد بر ستمگری ستمکاران و دروغ بافی افترازنندگان به خدا ، شهادت خواهند داد .

و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

«أشهاد» جمع شاهد و به معنای گواهان است.

9- شاهدان اعمال در محضر خداوند ، علیه آنان که به خدا دروغ بسته اند ، گواهی خواهند داد .

أولئك يعرضون على ربهم و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

14- لعن مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 11

11- کسانی که به خداوند دروغ می بندند ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنه الله على الظلمين

15- محرومیت مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 11

11- کسانی که به خداوند دروغ می بندند ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنه الله على الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 116 - 6

6- افترازنندگان به خدا ، مردمی محروم از رستگاری اند .

إن الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون

16- مغضوبیت مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - ابتلای افترازندگان بر خدا، به خشم او و آمیخته شدن زندگانی آنان به ذلت و خواری، از سنت های خداوند در جوامع انسانی است.

و کذلک نجزی المفترین

ص: 501

17- مفتریان بر خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 4

4- آنان که به خدا دروغ بسته اند ، در قیامت به پیشگاه او احضار می شوند .

أولئك يعرضون على ربهم

18- مفتریان بر خدا و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 11

11- کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افترى .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

مفتریان به خدا

19- فتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 21 - 6

1 - افترازندگان به خداوند، ظالمترین مردم هستند.

و من أظلم ممن افترى على الله كذبا

6 - مشرکان، از مصادیق بارز افترا زندگان به خدا و تکذیب کنندگان آیات الهی هستند.

أنکم لتشهدون أن مع الله ءالیه .. من أظلم ممن افترى ... أو کذب بایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 1

1 - افترازندگان بر خدا و تکذیب کنندگان آیات الهی، ستمکارترین مردمند.

فمن أظلم ممن افترى على الله كذباً أو كذب بآيته

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

9 - نحل - 16 - 62 - 1،4

ص: 502

1- مشرکان دوران جاهلیت ، چیزهایی را به خداوند نسبت می دادند که برای خود ، خوش نداشتند .

و يجعلون لله ما يكرهون

مراد از «يجعلون» (قرار می دهند) به قرینه آیات قبل (و يجعلون لله البنات) اسناد دادن و متصف کردن است.

4- مشرکان دوران جاهلیت ، باورمند به خداوند علی رغم اسناد امور ناروا به او

و يجعلون لله ما يكرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 61 - 2, 1

1 - فرعون و فرعونیان ، از زمره افترازنندگان به خداوند

لا تفتروا على الله كذبًا

2 - شرک و سحر خواندن معجزات موسی و ادعای آوردن همانند برای آن و تکذیب رسالت الهی آن حضرت ، از جمله افترا های فرعونیان به خداوند بود .

لا تفتروا على الله كذبًا

با توجه به آیات پیشین که مشتمل بر بیان توحید از زبان موسی (ع) و نیز ارائه معجزات، و عکس العمل فرعون در سحر خواندن آنها بود، می توان به مواردی از افتراهای فرعونیان اشاره کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 7 - 3, 7

3 - افترازنندگان به خداوند ، از ستمکارترین مردمان اند .

و من أظلم ممن افتري على الله الكذب

7 - کسانی که از پذیرش دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) خودداری ورزیده و آن حضرت را با داشتن معجزات و دلایل روشن ، به سحر و ساحری متهم کردند ، افترازنندگان به خدا و از ستمکارترین مردم اند .

فلما جاءهم بالبينت . . . و من أظلم ممن افتري على الله الكذب

20- احتضار مفتريان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 10

10 - افترازنندگان به خداوند هنگام احتضار در حالتی بسیار سخت قرار می گیرند.

و من أظلم ممن افترى... و لو ترى إذ الظلمون فى غمرت الموت

ص: 503

21- اضلال مفتريان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 11

11 - افترازندگان به خدا و جعل کنندگان احکام دروغین، ندانسته توده های مردم را به گمراهی می افکنند.

افتري على الله كذبا ليضل الناس بغير علم

«ل» در «ليضل» می تواند لام عاقبت باشد، و چنانچه «بغير علم» نیز حال برای فاعل «ليضل» باشد، نتیجه آن معنا و برداشت فوق است.

22- انذار مفتريان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 61 - 4

4 - ترساندن فرعونیان از عذاب - به خاطر افترای بر خداوند - سرلوحه سخنان موسی (ع) در صحنه مقابله با ساحران فرعون

قال لهم موسى ويلكم لا تفتروا على الله كذباً فيسحتكم بعذاب

«ويل»؛ یعنی، «اندوه» و «هلاکت» و «هر سختی که از ناحیه عذاب پدید آید» (لسان العرب). «ويلکم» نفرین است؛ یعنی، عذاب باد بر شما. برخی آن را مفعول برای فعل محذوف دانسته اند؛ یعنی، أَلْزَمُوا وَيْلَكُمْ (با هلاکت و عذابتان همدم باشید). جمله «فيسحتكم بعذاب» روشنگر مفاد «ويلکم» است.

23- حتميت كيضر مفتريان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 5, 4

4- افترازندگان به خداوند ، در معرض كيضر حتمی او

إن افتريته فلا تملكون لي من الله شيئاً

تعبير «فلا تملكون...»، بيانگر اين نکته است که اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خدا افترا بسته باشد؛ مشرکان در دفاع از او ناتوان اند. اين مطلب می رساند که افترا بر خداوند، مستلزم عذاب و عقابی است که هیچ دفاع و حمایتی در برابر آن، اثربخش نیست.

5- اعتقاد به كيضر حتمی افترازندگان به خداوند ، مایه اجتناب از هر گونه نسبت دروغ به ساحت حق

قل إن افتريته فلا تملكون لى من اللّٰه شيئاً

24- حتميت مؤاخذه مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 504

10- مورد مؤاخذه قرار گرفتن مشرکان به خاطر افترا بستن به خداوند ، امری قطعی است .

تالله لتسئلنّ عما کنتم تقفرون

25- ذلت اخروی مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 60 - 2

2 - کسانی که بر خدا دروغ می بندند ، در روز قیامت ، با ذلت و خواری ظاهر خواهند شد .

و یوم القیمه تری الذین کذبوا علی الله وجوههم مسوده

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که از جمله «وجوههم مسوده» معنای کنایی اراده شده است؛ یعنی، دروغ زندگان به خدا، روسیاه و شرمسار خواهند بود.

26- روزی مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 4

4 - همه مردم، حتی افترازندگان بر خدا و تکذیب کنندگان آیات او، تا فرا رسیدن مرگشان به بهره مقدر خویش در دنیا خواهند رسید.

فمن أظلم .. أولئك ینالهم نصیبهم من الکتب حتی إذا جاءتهم رسلنا

«الکتاب» مصدر و به معنای اسم مفعول است، یعنی مکتوب و مقدر. «من» برای ابتدای غایت است. یعنی آنچه از مقدرات الهی سهم کافران است، به آنان خواهد رسید.

27- روسیاهی مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 60 - 1

1 - کسانی که برخدا دروغ بسته اند ، در قیامت با چهره سیاه برانگیخته خواهند شد .

و یوم القیمه تری الذین کذبوا علی الله وجوههم مسوده

28- ظالم مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 2

2 - ظالمترین مردم کسانی هستند که به دروغ چیزی را به خداوند نسبت دهند و به او افترا زنند.

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 13

13 - کسانی که با افترا به خداوند احکام دروغین جعل می کنند، ستمگر و محروم از هدایت خداوندند.

إن الله لا یهدی القوم الظالمین

«ال» در «القوم» عهد است و با توجه به آیات قبل مراد از «قوم» همان کسانی هستند که با افترا به خداوند موجبات گمراهی مردم را فراهم می سازند.

29- عبرت از مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 61 - 11

11 - موسی (ع)، با یادآوری ناکامی اهل افترا در امت های پیشین، آن را درس عبرتی برای فرعونیان خواند.

وقد خاب من افتری

جمله «قد خاب...» خیر از حال گذشتگان است و به منظور عبرت گیری حاضران در صحنه مبارزه موسی و فرعون، بیان شده است.

30- فرجام مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 21 - 11

11 - هشدار خداوند به افترا زندگان به او و تکذیب کنندگان آیات الهی و تهدید آنان به سرانجامی شوم

و من أظلم ممن افترى على الله كذبا أو كذب بايته إنه لا يفلح الظلمون

31- كفر مفترين به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 506

9- افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق، کافرنده و جایشان در جهنم است.

و من أظلم ممن افترى على الله... أو كذب بالحق... أليس في جهنم مثوى للكفر

«ال» در «الكافرين» برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

32- کیفر مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 62 - 11

11- بی شک کیفر مشرکان افترا زننده بر خدا، آتش است.

لاجرم أن لهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 94 - 7

7- نسبت دهندگان فرزند به خداوند، از احاطه کامل او بیرون ناستند و مجازات الهی در انتظار آنان است.

لقد أحصیهم وعدّهم عدّاً

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در «أحصاهم»، فاعل «قالوا» (در آیات پیشین) گرفته شده است. در این صورت آیه در مقام تهدید کسانی است که به فرزندگیزی خداوند قائل می باشند و مراد از «مشخص بودن تعداد» این است که احدی از آنان نمی تواند از عقوبت این کار بگریزد.

33- مفتریان به خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 62 - 14

14- مشرکان مفتری، در جهنم به حال خود رها شده و مورد فراموشی قرار می گیرند.

لاجرم أن لهم النار وأنهم مفرطون

«فرط» در لغت به معنای ترک آمده و برداشت فوق بر اساس معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 68 - 9

9 - افترازندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممن افترى على الله . . . أو كذب بالحقّ . . . أليس في جهنم مثوى للكفر

«ال» در «الكافرين» برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

ص: 507

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 32 - 11

11 - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممن كذب على الله وكذب بالصدق .. أليس في جهنم مثوى للكافرين

34- مفتريان به خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 60 - 1، 2

1 - کسانی که برخدا دروغ بسته اند ، در قیامت با چهره سیاه برانگیخته خواهند شد .

و يوم القيمة ترى الذين كذبوا على الله وجوههم مسوَّده

2 - کسانی که بر خدا دروغ می بندند ، در روز قیامت ، با ذلت و خواری ظاهر خواهند شد .

و يوم القيمة ترى الذين كذبوا على الله وجوههم مسوَّده

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که از جمله «وجوههم مسوَّده» معنای کنایی اراده شده است؛ یعنی، دروغ زندگان به خدا، روسیاه و شرمسار خواهند بود.

35- هشدار به مفتريان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 21 - 11

11 - هشدار خداوند به افترازندگان به او و تکذیب کنندگان آیات الهی و تهدید آنان به سرانجامی شوم

و من أظلم ممن افترى على الله كذبا أو كذب بآيته إنه لا يفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 2

2 - یاد آوری رخداد قیامت هشدارى به مشرکان و افترا زندگان به خداوند

و يوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين أشركوا

ص: 508

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

